

فصلنامه علمی مطالعات ادبی و فرهنگی خراسان

شماره پیاپی ۶۵

سال هفدهم، شماره اول، پاییز ۱۴۰۱

واکاوی ادراک دختران از تأخیر سن ازدواج و دلایل آن (مورد مطالعه: در استان خراسان جنوبی) / هادی براتی

شناسایی و تبیین شایستگی‌های مدیران راهبردی حرم مطهر آستان قدس رضوی / ابوالفضل سرگزی، وجیهه هوشیار

جاندارانگاری "دل" در ترکیبات و تعبیرات کنایی گویش هزارگی بامیان /
روح‌الله دانشیار، محمد بهنام‌فر، سیدمهدی رحیمی، حامد نوروزی

بررسی مولفه‌های فانتزی (ادبیات شگرف) در افسانه‌های بیرجند /
کلثوم قربانی جویباری، راضیه هنرمند

گسترش کالبدی شهر مشهد در دوره استانداری پاکروان /
حمزه کاووسی، منیره کاظمی راشد، سیدحسین رئیس‌السادات، شهرزاد ساسان‌پور

نقش تقویت باورهای دینی از منظر قرآن و نهج‌البلاغه "مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه فرهنگیان خراسان جنوبی" /
حمیدرضا وردی، محمد ولی‌پور، فاطمه بیدختی



صاحب امتیاز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

سردبیر: دکتر زهرا علیزاده بیرجندی

مدیر مسؤول: علی فرخنده

مدیر اجرایی: مهین زرننگ

مدیر داخلی: محمود رضائی

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

۱. دکتر حبیب‌اله احمدی
 ۲. دکتر محمد بهنام‌فر
 ۳. دکتر هادی پورشافعی
 ۴. دکتر الکساندر چولوخادزه
 ۵. دکتر محمد تقی راشد محصل
 ۶. دکتر مفید شاطری
 ۷. دکتر زهرا علیزاده بیرجندی
 ۸. دکتر ویلم فلور
 ۹. دکتر احمد کامیابی مسک
 ۱۰. دکتر محمدرضا مجیدی
 ۱۱. دکتر جواد میکانیکی
- استاد جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شیراز
استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند
دانشیار علوم تربیتی دانشگاه بیرجند
دانشیار زبان و ادبیات فارسی، مطالعات ایران و خاورمیانه دانشگاه گرجستان
استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند
دانشیار تاریخ دانشگاه بیرجند
استاد ایران‌شناس و پژوهشگر تاریخ ایران دانشگاه لیدن (هلند)
استاد تئاتر و ادبیات دانشگاه تهران
دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران
دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند

ویراستار فنی: سیدنورالله نصراللهی

ویرایش انگلیسی: رادان انگلیش ادیت

امور فنی: فائزه دستگردی

لیتوگرافی و چاپ: مؤسسه فرهنگی - هنری افق هزاره سوم کویر

شمارگان: ۱۰۰

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

نشانی دفتر نشریه: خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید محلاتی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی

خراسان جنوبی، دبیرخانه شورای پژوهشی تلفن: ۰۵۶-۳۲۲۳۳۳۹۳-۰۵۶ دورنگار: ۰۵۶-۳۲۲۳۳۲۷۷

سامانه پست الکترونیک فصلنامه: Farhangekhorasan@gmail.com

وبگاه: <http://Farhangekhorasan.ir>

آراء و نظرات مندرج در این شماره مبین نظرها و آرای فصلنامه نیست.
نویسندگان و مترجمان، مسؤول نظرات مندرج در نوشته خود هستند.
نوشته‌های ارسالی که مناسب چاپ نباشند، پس فرستاده نمی‌شوند.
فصلنامه در ویرایش و حذف مطالب آزاد است.

داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

دانشیار دانشگاه بیرجند	- دکتر محمد اسکندری ثانی
استاد دانشگاه بیرجند	- دکتر محمد بهنام‌فر
دانشیار دانشگاه بیرجند	- دکتر هادی پورشافعی
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی (واحد گناباد)	- دکتر سید سعید حسینی
دانشیار دانشگاه بیرجند	- دکتر محمدعلی رستمی نژاد
استادیار دانشگاه بیرجند	- دکتر فاطمه طاهرپور
دانشیار دانشگاه بیرجند	- دکتر علی عسگری
دانشیار دانشگاه بیرجند	- دکتر زهرا علیزاده بیرجندی
دانشیار دانشگاه بیرجند	- دکتر کلثوم قربانی جوبباری
دانشیار دانشگاه بیرجند	- دکتر سیدمحمدحسین قریشی
استادیار دانشگاه فردوسی مشهد	- دکتر علی اکبر مجدی
استادیار دانشگاه بیرجند	- دکتر حمید مسعودی
دانشیار دانشگاه خوارزمی	- دکتر عفت نقابی



پیشینه: فصلنامه علمی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۸۹ با عنوان "فصلنامه فرهنگ خراسان جنوبی" آغاز به کار نمود. در جلسه کارگروه علوم انسانی کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۲ با عنوان "مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان" موافقت گردید. به استناد نامه‌ی شماره ۱۳۹۶۰۱ مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۰۴ کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه "مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان" حائز درجه علمی ترویجی گردیده است. پروانه انتشار این مجله به شماره ۹۲/۷۲۶۰ مورخ ۹۲/۳/۲۵ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

طبق آخرین مجوز از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و بر اساس آیین‌نامه نشریات علمی در ارزیابی سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰، این فصلنامه موفق به کسب رتبه ب گردیده است.

فصلنامه علمی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی www.srlst.com; پایگاه سیویلیکا به آدرس <https://civilica.com/1/60837>; پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی <https://www.sid.ir/fa/journal/JournalList.aspx?ID=8071>; پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور به نشانی ww.inti@magiran.com و پایگاه مجلات تخصصی نور به نشانی www.noormags.com نمایه می‌شود.

شرایط پذیرش مقاله

فصلنامه علمی "مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان"، مقاله‌هایی در موضوعاتی با جهت‌گیری فرهنگ، تمدن، آداب و رسوم، تاریخ، جغرافیا و آموزش در گستره‌ی خراسان که با توجه به نکات زیر تدوین شده باشد، منتشر می‌کند.

۱. ساختار مقاله دارای چکیده، مقدمه، بیان مسأله، روش‌شناسی، یافته‌ها، نتیجه، منابع و نیز ارجاعات دقیق و در صورت لزوم پیوست‌ها باشد.

۲. مقاله در محیط واژه‌پرداز Microsoft Word 2007 و قلم B nazanin، اندازه ۱۳ نوشته شود صفحات مقاله اگر در قالب A4 باشد حداکثر ۱۸ صفحه و اگر در قالب وزیري باشد (طبق قالب بارگذاری شده در سامانه) حداکثر ۲۵ صفحه باشد.

۳. چکیده فارسی بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ کلمه باشد و چکیده انگلیسی هم، همراه مقاله باشد.

۴. معادل‌های لاتین اسامی غیر فارسی و اصطلاحات غیر رایج با علامت شماره‌گذاری مستقل برای هر صفحه، در پانویس آورده شود.

۵. جداول، نمودارها، نقشه‌ها و عکس‌ها (حداقل درجه وضوح ۳۰۰ dpi)، با شماره و عنوان گویا آورده شود.

۶. ارجاعات درون‌متنی با ذکر نام خانوادگی نویسنده، سال نشر منبع و شماره صفحه مورد استفاده، درون کمانک آورده شود. مثال: (رضوانی، ۱۳۸۳: ۹۲).

۷. فهرست منابع در انتهای مقاله و بر اساس حروف الفبا همراه با مشخصات کامل کتابشناختی مطابق نمونه‌های ذیل آورده شود.

۱-۷- کتاب

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۷۹). *از سیر تا پیاز*. تهران: نشر علم.

۲-۷- مقاله

شاطری، مفید (۱۳۸۵). "گذاری بر جغرافیای تاریخی قهستان". *فرهنگ خراسان جنوبی*، سال اول،

ش ۱ (بهار): ۴۹-۶۶.

۳-۷- مجموعه مقالات همایش

میکانیکی، جواد (۱۳۸۹). "اثرات مهاجرت‌های روستایی بر ساختار جمعیتی و ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی". در: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش مهاجرت، نظم و امنیت، ج ۱. مشهد: فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی، دفتر تحقیقات کاربردی: ۷۳-۹۱.

۴-۷- پایان‌نامه

علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۷۰). "رویارویی اهل شریعت و اهل طریقت در عصر صفوی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۵-۷- گزارش‌های چاپ نشده

سروش، محمدرضا (۱۳۸۵). گزارش فصل اول آواربرداری قلعه کوه قاین. بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی [چاپ نشده].

۶-۷- وب‌گاه‌های اینترنتی

فاضلی، نعمت (۱۳۸۶). «شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی». [پیوسته] قابل دسترس در: <http://www.farhangshenasi.com/article/s/9/5/html> [۱۳۸۸/۸/۲]

۸. نام و نام خانوادگی، وابستگی سازمانی نویسندگان، میزان تحصیلات و رشته مربوطه، نشانی کامل پستی (نام استان، شهر، رایانامه)، شماره تلفن ثابت یا همراه و دورنگار نویسنده بر روی صفحه‌ی جداگانه درج گردد. چنانچه مقاله بیش از یک نویسنده داشته باشد، ضمن مشخص کردن نویسنده مسؤول عهده‌دار مکاتبات، اسامی سایر نویسندگان هم به ترتیب ذکر شود.

۹. مقاله ارسالی نباید به منظور چاپ به دیگر مجلات ارسال شده باشد.

مقاله‌های دریافت شده، نخست توسط هیأت تحریریه مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در صورت تأیید، برای دو نفر از داوران صاحب‌نظر ارسال خواهد شد. مقاله‌ها ابتدا به ترتیب تاریخ دریافت و سپس به ترتیب دریافت نظر مثبت داوران منتشر می‌شوند.

۱۰. نویسندگان محترم جهت تدوین مقاله به سامانه فصلنامه، بخش راهنمای نویسندگان مراجعه شود.

فهرست مطالب

- واکاوی ادراک دختران از تأخیر سن ازدواج و دلایل آن (مورد مطالعه: استان خراسان جنوبی)

هادی براتی ۷

- شناسایی و تبیین شایستگی‌های مدیران راهبردی حرم‌مطهر آستان قدس رضوی ابوالفضل سرگزی، وجیهه هوشیار ۳۵

- جاندارانگاری "دل" در ترکیبات و تعبیرات کنایی گویش هزارگی بامیان روح‌الله دانشیار، محمد بهنام‌فر، سیدمهدی رحیمی، حامد نوروزی ۶۵

- بررسی مؤلفه‌های فانتزی (ادبیات شگرف) در افسانه‌های بیرجند کلثوم قربانی جویباری، راضیه هنرمند ۸۷

- گسترش کالبدی شهر مشهد در دوره استانداری پاکروان حمزه کاووسی، منیره کاظمی‌راشد، سیدحسین رئیس‌السادات، شهرزاد ساسان‌پور ۱۱۵

- نقش تقوا در تقویت باورهای دینی از منظر قرآن و نهج‌البلاغه (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه فرهنگیان خراسان جنوبی)

حمیدرضا وردی، محمد ولی‌پور، فاطمه بیدختی ۱۵۷



Exploring girls' perceptions of and reasons for delaying marriage (case study: South Khorasan province)

Hadi Barati¹

Received: 19/4/2022

Accepted: 6/12/2022

Abstract

The present study has a mixed-methods, sequential exploratory design and aimed to explore girls' perceptions of and reasons for delaying marriage. The population of the qualitative part of the research was all the single girls over 27 years of age in South Khorasan province who lived in Birjand city for educational and occupational reasons, that using sampling method, 13 people selected as participants. The statistical population of the quantitative part of the study, using available sampling method, 90 people selected the statistical sample. Data was collected using a semi-structured interview and a researcher-made questionnaire. Maxqda10 software and smart pls3 were used for data analysis. The results identified four dimensions associated with girls' delayed age at marriage, namely economic, cultural, social, and demographic dimensions. The economic (0.54) and cultural (0.51) dimensions explained of delay marriages changes in research. Therefore, the economic dimension has a more effective role in explaining girls' delayed marriages. In general, these dimensions explained 0.82 of the changes in the delayed marriages of girls in south Khorasan province. The results further showed that both the financial independence and, conversely, the lack of employment of girls were the most important economic components affecting girls' delay in marrying. Moreover, customs and a negative attitude toward marriage are considered the most important cultural factors affecting girls' marrying age in south Khorasan province. Based on the results of this research, provincial managers and policymakers should take a special look at resolving economic and cultural issues in order to reduce the marrying age of girls in south Khorasan province.

Keywords: exploring, girls' perception, marriage, delayed marriage

1. Assistant Professor, Department of Education, Faculty of Education and Psychology, University of Birjand, Birjand, Iran. h.barati@birjand.ac.ir

مقاله علمی - پژوهشی

واکاوی ادراک دختران از تأخیر سن ازدواج و دلایل آن

(مورد مطالعه: استان خراسان جنوبی)

هادی براتی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۳۰

مشاهده مقاله منتشر شده: دوره ۱۷، شماره ۱

http://www.farhangekhorasan.ir/article_162320.html

چکیده

هدف پژوهش حاضر، واکاوی ادراک دختران از تأخیر سن ازدواج و دلایل آن بود که به روش ترکیبی و طرح اکتشافی متوالی انجام شده است. مشارکت‌کنندگان بخش کیفی پژوهش، شامل کلیه دختران مجرد بالای ۲۷ سال در استان خراسان جنوبی بود که به دلایل آموزشی و شغلی در شهر بیرجند سکونت داشتند. در بخش کیفی با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی، ۱۳ نفر به عنوان مشارکت‌کننده انتخاب شدند و برای انتخاب نمونه آماری مناسب در بخش کمی پژوهش از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد و در نهایت ۱۲۰ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد و در نهایت تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA10 و اسمارت PLS3 انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که عوامل مؤثر بر تأخیر سن ازدواج دختران استان خراسان جنوبی را می‌توان در قالب چهار عامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و جمعیت‌شناختی تحلیل و تبیین کرد که در این بین عوامل اقتصادی (۰/۵۴) و فرهنگی (۰/۵۱) نسبت به عوامل اجتماعی و جمعیت‌شناختی، نقش بیشتری در تبیین پدیده تأخیر سن ازدواج دختران در استان خراسان جنوبی دارد. نتایج پژوهش نشان داد که استقلال مالی دختران و از طرف دیگر، عدم اشتغال دختران به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه اقتصادی مؤثر بر تأخیر سن ازدواج دختران و همچنین

۱. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

آداب و رسوم و نگرش منفی نسبت به مقوله ازدواج، به عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر بر تأخیر ازدواج دختران استان خراسان جنوبی محسوب می‌شود. بر مبنای نتایج حاصل از این پژوهش، به منظور کاهش سن ازدواج دختران، مدیران و سیاست‌گذاران استانی، می‌بایست نگاه ویژه‌ای به حل مسائل اقتصادی و فرهنگی دختران استان خراسان جنوبی داشته باشند.

واژه‌های کلیدی: واکاوی، ادراک دختران، ازدواج، تأخیر سن ازدواج

مقدمه

مسئله ازدواج و زناشویی از جمله مسائل مهم حیات بشر در طول تاریخ بوده و هست. به همین خاطر، این مسئله، علاوه بر ادیان و مذاهب، مورد توجه حوزه‌های علمی مختلف چون جامعه‌شناسی، حقوق، اقتصاد، روان‌شناسی و فلسفه بوده است؛ از این‌رو، با توجه به اینکه خانواده به عنوان یکی از نهادهای مهم هر جامعه محسوب می‌شود و در صورت هرگونه تغییر و تحول در جامعه، بالطبع تغییراتی در این نهاد نیز ایجاد خواهد شد. افزایش سن ازدواج دختران و بروز پدیده مجرد تا سن بالا در بین آنان، از زمره این تحولات است که در نتیجه تغییرات کلان در سطح جامعه حادث شده است. امروزه نگرش‌های متفاوتی نسبت به سن ازدواج وجود دارد که به یکی از اصلی‌ترین کانون‌های مناقشه بین نسلی در خانواده‌ها، به‌خصوص خانواده‌های شهری مبدل شده است (Blesk & Buss, 2001: 1314). پدیده افزایش سن ازدواج نه فقط در ایران؛ بلکه حتی در کشورهای توسعه‌یافته فراصنعتی مانند ایالات متحده آمریکا نیز مشاهده می‌شود؛ به‌طوری‌که بر اساس نتایج مطالعات موجود، سن ازدواج در این کشور از اواسط دهه ۱۹۶۰ به طرز برجسته‌ای افزایش یافته است (Loughran & Zissimopoulos, 2004: 5). بدین‌صورت که نسبت افراد ازدواج‌کرده در این کشور در سال ۱۹۶۰ برابر با ۰/۷۸ بود که در سال ۲۰۰۰ به ۰/۵۲ و در سال ۲۰۰۵ به کمتر از ۰/۵۰ کاهش یافته است (حبیب‌پور گتایی و غفاری، ۱۳۹۰: ۸).

بررسی مبانی نظری موضوع، بیانگر این است که مسئله افزایش میانگین سن در اولین ازدواج را می‌توان نقطه مشترک اکثر کشورهای جهان، خصوصاً طی دهه‌های اخیر به شمار آورد که

توجه بسیاری از پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزه ازدواج و خانواده (Retherford, Ogawa & Hacker, Hilde & Jones, 2010; Nai Peng, 2007; Matsukura, 2001) در کشورهای مختلف به آن معطوف شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد با گسترش امکانات جدید ارتباطی و تغییرات اقتصادی و فرهنگی، جامعه ایران با موج فزاینده‌ای از تغییرات ارزشی و هنجاری مواجه شده است (آزاد ارمکی و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۳) و شاهد تغییرات مهمی در الگوهای ازدواج در کشور بوده‌ایم که مؤید رواج ارزش‌های فرهنگی غیرسنتی در حوزه خانواده و ازدواج است؛ از جمله این تغییرات می‌توان به افزایش سن ازدواج، کاهش ثبات آن و تغییر معیارهایی در همسرگزینی (جبرائیلی، زاده‌محمدی و حیدری، ۱۳۹۲: ۱۶۰) گسترش روابط جنسی پیش از ازدواج، ازدواج سفید، عشق‌های سیال و مجرد تا سنین بالا اشاره کرد.

آمارهای موجود نشان می‌دهد که میانگین سن ازدواج در ایران با تحولات عمده‌ای روبه‌رو شده است. بر این اساس سن ازدواج دختران بین سال‌های (۱۳۸۱-۱۳۴۵) با افزایش تدریجی همراه بوده است و این افزایش، به‌خصوص برای دختران در یکی دو دهه اخیر شتاب بیشتری داشته است؛ به‌طوری‌که در سال ۱۳۸۱ بیش از یک چهارم دختران ۲۹-۲۵ سال هنوز ازدواج نکرده بودند. همچنین سن ازدواج زنان در ایران در طی سال‌های سرشماری (۱۳۸۱-۱۳۴۵) بتدریج افزایش یافته و از ۱۸/۴ سال به ۲۳/۲ سال رسیده؛ در صورتی‌که سن متوسط ازدواج مردان فقط از ۲۵/۸ سال به ۲۵/۹ سال رسیده است. پیگیری‌های دفتر آمار و مطالعات جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور نشان می‌دهد، طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۱ همچنان سن ازدواج دختران در ایران افزایش یافته است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵، فاصله میانگین سن در اولین ازدواج مردان نسبت به زنان در کل کشور ۴ سال و ۴ ماه بیشتر است که این فاصله نسبت به سال ۱۳۵۵ تغییر معنی‌داری نیافته است؛ به‌طوری‌که در سال ۱۳۹۵ میانگین سن در اولین ازدواج مردان ۲۷/۴ سال و زنان ۲۳ سال در کل کشور محاسبه شده است و این نشانگر در سال ۱۳۵۵ برای مردان ۲۴/۱ و زنان ۱۹/۷ سال بوده است؛ به عبارتی در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۵۵ مردان و زنان به طور متوسط، ۳ سال و ۴ ماه دیرتر ازدواج کرده‌اند. در این زمینه آمار سازمان ثبت‌احوال کشور در سال ۱۳۹۷ بیانگر این است که میانگین سن ازدواج برای دختران ۲۴ و برای پسران ۲۹ سال

گزارش شده (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۷) که بیانگر روند افزایش میانگین سن ازدواج در کشور است و همه این آمار و ارقام حاکی از این است که بالارفتن سن ازدواج در ایران، به یک معضل اجتماعی تبدیل شده است.

ضرورت و بررسی پدیده افزایش سن ازدواج طی سال‌های اخیر، به عنوان یک موضوع مهم تلقی شده به طوری که در سیاست‌های کلی جمعیت (۱۳۹۳) و نیز سیاست‌های کلی خانواده (۱۳۹۵) یک بند به طور اختصاصی به موضوع افزایش سن ازدواج اختصاص یافته و ضمن تأکید بر لزوم کاهش سن ازدواج، بر تسهیل و ترویج تشکیل خانواده نیز تأکید شده و علاوه بر فضای رسانه‌ای، در مطالعات متعددی (زارعان، ۱۳۹۷: ۸۹؛ شعاع کاظمی و فرازنده‌پور، ۱۳۹۸: ۱۲۵؛ جرجرزاده و دیگران، ۱۴۰۰: ۹۱؛ علائی بوسجین، ۱۴۰۰: ۲۳۷) مطرح شده است. در این راستا نتایج بررسی‌های انجام‌شده بیانگر این است که بالارفتن سن ازدواج، می‌تواند تبعات اجتماعی زیادی از قبیل عدم مسئولیت‌پذیری و بی‌توجهی به آن در سایر زمینه‌های زندگی، گرایش به ارتباطات غیرمتمعارف دختر و پسر، هدررفت سنین جوانی و طراوت، بدخلقی در زندگی به دلیل عدم ارضای نیازهای فرد، دل‌نگرانی والدین از دیرازدواج کردن فرزندان، افسردگی و اختلالات جنسی، پناه‌بردن به مواد مخدر (بانکی‌پور فرد، کلاتتری و مسعودی‌نیا، ۱۳۹۱: ۲۷)؛ افزایش اضطراب‌ها و فشارهای عصبی و شیوع افسردگی و اختلالات رفتاری و آسیب‌پذیری جنسی (آزاد ارمکی و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۸)؛ افزایش طلاق به جهت ارتباطات نامشروع، عدم تعادل، نابهنجاری در رفتار، سلب مسئولیت، فساد اخلاقی، ازدست‌دادن فرصت‌ها و ایجاد ناامنی و عوارض جسمانی و روانی در افراد، دگرگونی در ساختار عوامل جمعیت‌شناختی و در نهایت به‌خطرافتادن سلامت جامعه خواهد شد (کجباف و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۲۵).

نتایج پژوهش‌هایی که در ارتباط با علل افزایش سن ازدواج انجام شده، بیانگر این است که این پدیده تحت تأثیر متغیرهای مختلفی از قبیل سطح تحصیلات و نسبت بیکاری (امامی و دیگران، ۱۴۰۰: ۵۹)؛ تحصیلات و شهرنشینی (خلیلی، ۱۴۰۰: ۷)؛ اشتغال زنان، هزینه‌های آموزشی، هزینه‌های مذهبی و تحصیلات (دری نجف‌آبادی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۶۷)؛ آشفستگی نهادی مدرن (مولاپناه، رحمانی خلیلی و وثوقی، ۱۴۰۰: ۱۶۱)؛ برداشت‌های غلط مرتبط به ازدواج، ویژگی‌های

تسهیل‌گر تجرد و مواجهه با افراد تضعیف‌کننده زوجیت‌طلبی (مختاری، یوسفی و منشیی، ۱۴۰۰: ۴۶)؛ دشواری دسترسی به زوج مناسب و میزان آزادی در انتخاب همسر؛ ارزش‌های محاط‌شدگی و خودپیروی عاطفی (جبرائیلی، زاده‌محمدی و حیدری، ۱۳۹۲: ۱۵۵)؛ عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی، فردی- روان‌شناختی و جمعیت‌شناختی (صفری، ۱۳۹۲: ۵)؛ درآمد خانوار، تحصیلات، دین‌داری، اشتغال فرد، پایگاه اجتماعی خانواده (آقایی و طاهری بنچناری، ۱۳۹۱: ۷۵)؛ تحصیلات، میزان درآمد، میزان وابستگی اقتصادی خانواده پدری به درآمد زن، میزان اهمیت شرایط اقتصادی همسر، میزان توجه خانواده زن به شرایط اقتصادی داماد و میزان توقعات غیرمادی از همسر آینده (رضادوست و ممبئی، ۱۳۸۸: ۱۰۳)؛ شهرنشینی، میزان باسوادی، میزان فعالیت اقتصادی زنان، میزان اشتغال و میزان اشتغال در بخش صنعت (توده فلاح و کاظمی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۰۵)؛ سطح تحصیلات و وضعیت اجتماعی و اقتصادی خانواده‌ها (Baysak, et al, 2021: 243) تورم، درآمد و اشتغال زنان (Lee, et al., 2021: 71)، فعالیت جنسی خارج از زناشویی و داشتن شریک جنسی، رشد روزافزون مصرف‌گرایی، سکولاریسم و فردگرایی (Jones, 2012: 89)؛ افزایش سطح تحصیلات و میزان اشتغال زنان، تفاوت‌های جنسیتی کمتر در دریافت حقوق، نابرابری بیشتر در بین مردان و نابرابری اقتصادی میان گروه‌های نژادی (Schoen & Cheng, 2006: 9)؛ افزایش شهرنشینی، کاهش ازدواج سنتی، افزایش هزینه‌های ازدواج، مزیقه ازدواج، تغییر قوانین کشورها از جمله قوانین مربوط به سن ازدواج و تغییر شکل هنجارهای جهانی در ارتباط با ازدواج زودهنگام برای زنان (Mensch, Singh & Casterline, 2005: 118)؛ رشد اقتصادی و تغییر در ارزش‌های فرهنگی (Hippen, 2016: 46)؛ و عوامل مالی، کیفیت و دوام ارتباط و ترس از طلاق (Gibson-Davis, 2009: 146) قرار دارد.

از این‌رو بر اساس آنچه گفته شد، میانگین سن ازدواج در کل کشور در سال ۹۸ در مردان ۲۹/۷ سال و در زنان ۲۴/۸ سال به ثبت رسیده و این آمار در ۳۱ استان کشور متفاوت بوده و در استان خراسان جنوبی در بین جامعه زنان ۲۲/۵ سال گزارش شده است. هرچند میانگین گزارش‌شده نسبت به میانگین کشوری ۲۴/۸ پایین‌تر گزارش شده؛ ولی در مقایسه با سال‌های قبل از یک‌روند

افزایشی برخوردار بوده است؛ از این رو امروزه پدیده تأخیر در سن ازدواج به عنوان یک معضل و آسیب اجتماعی در جامعه به طور کلان و در سطح استان خراسان جنوبی به طور خاص، مطرح است و عدم توجه به این موضوع می‌تواند پیامدهای ناخواسته فرهنگی و اجتماعی ناگواری را در سطح فردی و اجتماعی در پی داشته باشد. از طرف دیگر با توجه به اینکه ارائه راهکارهای مناسب برای مدیریت آن، در درجه اول نیازمند یک پژوهش و مطالعه بنیادی در جهت شناخت مسئله و آگاهی از جنبه‌های مختلف آن است و در صورتی که راهکارها و تدابیر لازم جهت مدیریت این موضوع پیش‌بینی نشود، قطعاً بروز انواع آسیب‌ها و انحراف‌ها را در سطح جامعه و خانواده شاهد خواهیم بود. بنابراین با توجه به اینکه این پدیده تحت تأثیر متغیرهای متعددی قرار دارد، که بر حسب موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی متفاوت می‌باشد، مقتضی است تا در هر استان عوامل مؤثر بر این موضوع به طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرد. این پژوهش در قلمرو جغرافیایی استان خراسان جنوبی انجام شده است و نتایج حاصل از این پژوهش‌ها می‌تواند مبنایی برای تصمیم‌گیری مسئولین فرهنگی و اجتماعی استان قرار گیرد تا در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی خود آن را لحاظ کنند. بنابراین مهم‌ترین مسئله پژوهش حاضر، این است که مهم‌ترین عوامل مؤثر در به تأخیر انداختن سن ازدواج دختران استان خراسان جنوبی از دید دختران مجرد بالای ۲۷ سال چیست؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، بر مبنای هدف، در ذیل پژوهش‌های کاربردی؛ بر مبنای ماهیت پژوهش، تبیینی است که به شیوه ترکیبی از نوع اکتشافی متوالی انجام شد. در طرح اکتشافی متوالی، ابتدا داده‌های کیفی جمع‌آوری و تحلیل می‌شوند و سپس به وسیله داده‌های کمی پیگیری می‌شوند. داده‌های کمی عمدتاً در تکمیل کردن داده‌های کیفی استفاده می‌شوند. تحلیل داده‌ها به هم مربوط می‌شوند و یکپارچه‌سازی داده‌ها معمولاً در مرحله تفسیر داده‌ها انجام می‌پذیرد.

جامعه پژوهش در بخش کیفی و کمی شامل کلیه اعضای دختران بالای ۲۷ استان خراسان جنوبی در سال ۹۸-۹۹ بود که به دلایل آموزشی و شغلی در شهر بیرجند سکونت داشتند. بدین منظور، در بخش کیفی پژوهش، جهت شناسایی عوامل مؤثر بر تأخیر سن ازدواج دختران، با توجه به اینکه شناخت دقیقی از نمونه آماری ممکن نبود، در ابتدا با شناسایی یک مورد فرایند پژوهش آغاز شد و در پایان فرایند مصاحبه، از مصاحبه‌شونده درخواست می‌شد دوستانی را که وضعیت مشابهی دارند، معرفی کند. از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی استفاده شد و تعداد مشارکت‌کنندگان در بخش کیفی تا به اشباع‌رسیدن داده‌ها ادامه یافت (۱۳ نفر). بدین منظور، با توجه به ماهیت این پژوهش، فرایند جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از روش مصاحبه عمیق آغاز شد. در گام اول، پژوهشگر پس از معرفی خود و بیان اهداف طرح و جلب اعتماد شرکت‌کنندگان، در محرمانه‌بودن مصاحبه و آزادبودن برای خروج از مطالعه در هر زمان، فرایند مصاحبه در محیطی آرام با استفاده از سؤالات باز و کلی به صورت انفرادی انجام شده است. در ابتدای مصاحبه از مشارکت‌کنندگان خواسته شد، تا خود را معرفی کنند و در ادامه مصاحبه‌ها با طرح سؤالات باز و عمومی "اگر ممکن است توضیح دهید..." شروع شد و سؤالات اختصاصی‌تر بر اساس موضوع اصلی و در جهت دستیابی به اهداف تحقیق مطرح شد و تلاش شد تا با طرح سؤالات متعدد و پرداختن به جزئیات، سؤالات مصاحبه هدایت شود. همچنین جهت کسب اطلاعات بیشتر و واضح‌سازی مطالب، از سؤالات بیشتر مانند "می‌توانید بیشتر توضیح دهید؟" "ممکن است یک مثال بزنید؟" استفاده شد. پس از انجام هر مصاحبه، یافته‌ها تایپ و مورد تحلیل قرار گرفت. مصاحبه‌ها چندین بار مورد بررسی قرار گرفت و تحلیل مضمون با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA10 در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. در نهایت نسبت به تدوین ابزار تحت عنوان پرسشنامه محقق‌ساخته عوامل مؤثر بر تأخیر سن ازدواج دختران اقدام گردید.

در بخش کمی به منظور انتخاب نمونه آماری مناسب، با توجه به اینکه اداره کل ثبت‌احوال شهرستان، اطلاعات دقیق و به‌روزرشده‌ای از جامعه آماری پژوهش نداشت و انتخاب نمونه آماری مناسب، مستلزم شناسایی زنان و اطمینان از وضعیت تأهل آنان بود، از روش نمونه‌گیری هدفمند

استفاده شد. همچنین با توجه به نامشخص بودن جامعه آماری و توصیفی بودن ماهیت پژوهش (ملاک حداقل ۱۰۰ نفر) در این پژوهش، جهت اطمینان از داده‌های حاصل از پرسشنامه ۱۲۰ نفر به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. داده‌ها از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته که بر اساس نتایج حاصل از بخش کیفی پژوهش در قالب ۳۶ گویه و ۵ مؤلفه تدوین شده است. آنگاه با استفاده از نرم‌افزار اسمارت پی. ال. اس تجزیه و تحلیل صورت گرفت. برای اطمینان از روایی ابزارهای اندازه‌گیری در بخش کیفی از روش توافق کدگذاران استفاده شد که در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول ۱) محاسبه پایایی بین دو کدگذار

ردیف	کد مصاحبه	تعداد کدها	تعداد توافقات	پایایی کدگذاران
۱	۳	۱۳	۸	۰/۸۱
۲	۸	۱۷	۱۰	۰/۶۷
۳	۱۳	۲۷	۱۴	۰/۸۲
	جمع	۶۴	۳۲	۰/۷۸

طبق اطلاعات جدول ۱، مقدار پایایی ضریب توافق بین کدگذاران ۰/۷۸ گزارش شده است. نظر به اینکه مقدار گزارش شده از ۰/۶۰ کوال (Kvale, 1994) بیشتر است، روایی ابزار اندازه‌گیری مورد تأیید و تصدیق قرار گرفت. در بخش کمی، روایی ابزارهای اندازه‌گیری با استفاده از روش روایی هم‌گرا و روایی واگرا و پایایی ابزارهای اندازه‌گیری بر اساس سه معیار آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و ضرایب بارهای عاملی بررسی شد که نتایج مربوط به دو معیار اول پایایی در جدول ۲ گزارش شده و بیانگر این است که ابزارهای اندازه‌گیری از پایایی لازم برخوردار است.

جدول ۲) معیارهای پایایی متغیرهای پژوهش

متغیرهای مکنون	میانگین واریانس استخراج شده	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ
عوامل اقتصادی	۰/۷۸	۰/۹۵	۰/۹۳
عوامل اجتماعی	۰/۷۶	۰/۷۵	۰/۷۲
عوامل فرهنگی	۰/۷۴	۰/۸۸۵	۰/۸۵
عوامل فردی- روان‌شناختی	۰/۷۰	۰/۸۳	۰/۸۰
عوامل جمعیت‌شناختی	۰/۷۹	۰/۹۵	۰/۹۴

بر اساس نظر هالند (Hulland, 1999) مقدار ملاک برای مناسب بودن ضرایب بارهای عاملی ۰/۴ است که در این پژوهش کلیه سؤالات، دارای بار عاملی بیشتر از ۰/۴ بود و همچنین مقدار آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی هر یک از متغیرهای پژوهش از ۰/۷ بیشتر گزارش شده که بیانگر پایایی مناسب مدل پژوهش است. همچنین در این پژوهش، برای ارزیابی روایی همگرا، از معیار AVE (میانگین واریانس استخراج شده) استفاده شد که نتایج در جدول ۲ گزارش شده است. با توجه به اینکه مقدار ملاک برای سطح قبولی AVE مقدار ۰/۵ است و تمامی مقادیر AVE مربوط به سازه‌ها، از ۰/۵ بیشتر گزارش شده است، می‌توان نتیجه گرفت که روایی همگرایی ابزار اندازه‌گیری مورد تأیید واقع شده است. همچنین روایی واگرایی پرسشنامه‌ها با استفاده از روش فورنل و لارکر (Fornell & Larcker, 1981) بررسی شد و میزان تفاوت بین شاخص‌های یک سازه با شاخص‌های سازه‌های دیگر از طریق مقایسه جذر AVE هر سازه با مقادیر ضرایب همبستگی بین سازه‌ها محاسبه شد و روایی واگرایی ابزار اندازه‌گیری مورد تأیید و تصدیق قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته طی چند مرحله کدگذاری منجر به شناسایی ۱۷۳ کدباز شد. در گام دوم کدهای محوری شناسایی شده در قالب ۲۷ کد محوری دسته‌بندی شدند. پس از بررسی مجدد تمام کدهای باز و محوری، کلیه کدهای شناسایی شده در قالب ۵ کد انتخابی تحت عنوان (عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی- روان‌شناختی، عوامل فردی و عوامل جمعیت شناختی) طبقه‌بندی شدند که نتایج در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۳) عوامل مؤثر بر تأخیر سن ازدواج دختران

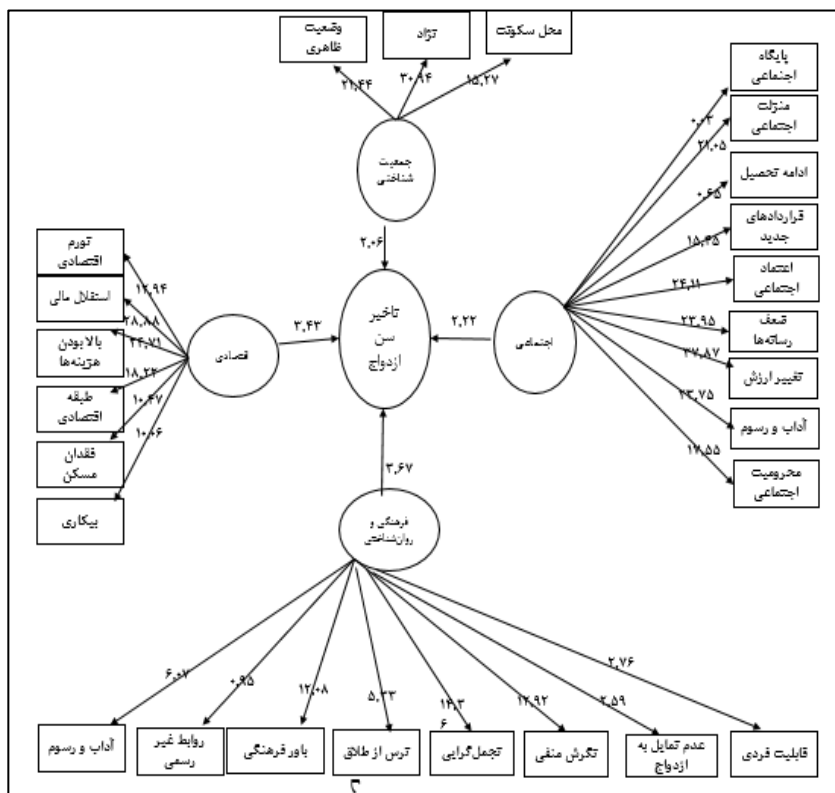
کد انتخابی	کد سازمان‌دهنده	کدهای باز (مضامین)
عوامل اجتماعی	فقدان اعتماد اجتماعی	امروزه نمی‌شود به کسی اعتماد کرد. هر پسری قبل از ازدواج با ده نفر ارتباط داشته و نمی‌شود به آدم‌های امروزی اعتماد کرد. به هیچ‌کس و هیچ‌چیز نمی‌شود اعتماد کرد. گاهی اوقات اعتماد بی‌جا آدم‌ها را کور می‌کند. در زندگی‌ام یاد گرفتم که به هیچ‌کس نباید اعتماد کرد.
	شکل‌گیری قراردادهای جدید ازدواج	شبکه‌های اجتماعی راه را برای روابط متعدد باز کرده است و ترجیح می‌دهم دوستان زیادی داشته باشم تا اینکه خودم را محدود کنم. در ایران ازدواج کردن یعنی در بند شدن و من بیشتر با ازدواج سفید موافقم تا ازدواج رسمی.
	پایگاه اجتماعی والدین	وقتی پدر و مادرم در اجتماع جایگاهی ندارند و دیده نمی‌شوند آن‌وقت من چطور بتوانم خودم را پیدا کنم.
	کارکرد ضعیف رسانه‌ها	ما از لحاظ اجتماعی و نهادینه کردن ازدواج آسان، خوب عمل نکرده‌ایم و رسانه‌های اجتماعی هم در نهادینه‌سازی ازدواج آسان ضعیف عمل کرده‌اند.
	تغییر در کانون ارزش‌ها	رنگ و لعاب جای ارزش‌ها را گرفت. سعی کردم خودم باشم؛ خودم بودم ولی باختم. هرکسی به نوایی رسید؛ اول چادر را برداشت و بعد کم‌کم روسری عقب رفت و هر روز بهتر از دیروز. هرکس هم در باورهایش ماند، شد امل.
	آداب و رسوم محلی نامعقول	هرچند در قرن بیست و یکم هستیم؛ ولی به نظر من، خیلی عقب هستیم. هنوز یک سری آداب و رسوم محلی داریم که از گفتنش هم ابا دارم. به آن‌ها که فکر می‌کنم، چهارستون بدنم می‌لرزد.
	منزلت اجتماعی	معمولاً پسرها کسی را دوست دارند که خانواده‌اش در اجتماع از جایگاه و احترام خاصی برخوردار باشد. خانواده‌ای که پدر و مادر معتاد هستند، منزلت و جایگاهی ندارند.

کدهای باز (مضامین)	کد سازمان دهنده	کد انتخابی
<p>فکر می‌کردم اگر تحصیلات عالیه داشته باشم، ازدواج موفق‌تری خواهم داشت. تحصیلاتم تمام شد و گفتم اگر کار داشته باشم شرایطم بهتر خواهد بود. شاغل شدم گفتم پس‌اندازی داشته باشم. هر چه جلوتر رفتم از هدف دورتر و دورتر شدم.</p>	ادامه تحصیل	
<p>ازدواج هم از قاعده بازار تبعیت می‌کند و تابع قانون عرضه و تقاضاست. در زندگی دیده نشدیم؛ چون فرصتی برای دیده‌شدن نداشتیم.</p>	محرومیت اجتماعی	
<p>وضعیت مالی خانواده‌ام را که می‌بینم گریه‌ام می‌گیرد و به همه چیز فکر می‌کنم غیر از ازدواج. محل زندگی ما جایی بود که همه معتاد بودند و هر خواستگاری که می‌آمد، احساس خوبی نداشت. کسی را که خواستیم، وقتی از اوضاع اقتصادی خانواده‌ام باخبر شد، دیگر من را نخواست. وجود فاصله‌ها بیداد می‌کند. به خاطر شرایط اقتصادی خانواده‌ام، زمانی که باید درس می‌خواندم، به خانواده کمک می‌کردم و فرصت از من فوت شد و تا چشم به هم زدم دیدم زمان از کفم رفته است. ازدواج الفبای خاص خودش را دارد. با هیچ و پوچ که نمی‌شود ازدواج کرد. برای گرفتن یک وام دومیلیونی در ماندم و از پس ضامن برنیامدم؛ ولی فقط می‌توانم بگویم من هم خدایی دارم و ...</p>	طبقه اقتصادی	عوامل اقتصادی
<p>وقتی که دستم توی جیب خودم می‌رود چه حاجت به آقابالاسر. شرایط زندگی امروزی خیلی با گذشته فرق کرده است. در گذشته بیشتر خانم‌ها به خاطر مسائل مالی ازدواج می‌کردند؛ اما حالا قضیه متفاوت است.</p>	استقلال مالی	

کد انتخابی	کد سازمان‌دهنده	کدهای باز (مضامین)
	تورم اقتصادی	آنقدر گرانی و فشار اقتصادی ما را درگیر خودش کرده که ازدواج کاملاً برایم نامفهوم است. شکم گرسنه ایمان ندارد. خیلی‌ها صدایشان از جای گرم درمی‌آید.
	بالابودن هزینه‌های مراسم	یک خانواده که دارای چند فرزند با فاصله سنی کم است و از حقوق چندانی برخوردار نیست، مگر هر چند سال می‌توانند یک فرزندشان را به خانه بخت بفرستند؟ گرفتن یک جلسه حداقلی از توان خانواده من خارج است.
	فقدان مسکن	به نظرم فرقی نمی‌کند؛ چه مرد و چه زن تا سرپناهی برای زندگی نداشته باشد، آواره‌ای بیش نیست و ما آواره‌ایم.
	عدم اشتغال	اکثر افرادی که به سراغم آمدند بر این باور بودند که در شرایط فعلی با یک موتور نمی‌شود دخل‌وخرج زندگی را مدیریت کرد. شاغل نبودم و در نتیجه از چشم افتادم.
عوامل جمعیتی شناختی	نوع مذهب	باورهای مذهبی خانواده من طوری است که من فقط باید با هم‌مذهب خودم ازدواج کنم؛ در نتیجه دایره انتخاب محدود است.
	زیبایی ظاهری	عقل آدم‌ها توی چشم آدم‌هاست و امروزه همه ملاک‌های انتخاب، ظاهر زندگی آدم‌هاست. نه خودم ظاهر زیبایی داشتم نه ظاهر زندگی‌ام به‌طور کل. کبوتر با کبوتر باز با باز؛ کی می‌آید سراغ من که نه زیبا هستم و نه خانواده آن‌چنانی دارم.
	نوع نژاد	از لحاظ جسمی و ظاهری افراد متفاوت‌اند. برخی از خانم‌ها به خاطر نوع نژادی که دارند شانس بیشتری برای زندگی دارند.
	محل سکونت	وقتی اکثر جوان‌های روستا برای کار کردن به شهر می‌روند، شانس ما برای ازدواج کمتر می‌شود؛ چون جمعیت منطقه ما کم است و ازدواج‌ها بر اساس آشنایی انجام می‌شود. اگر من هم شهرنشین بودم قطعاً ازدواج کرده بودم.
	توان و پتانسیل فردی	خواستگار زیادی داشتم؛ ولی نگه‌داشتن افراد نیاز به استعداد و مهارت خاصی داشت که من نداشتم.

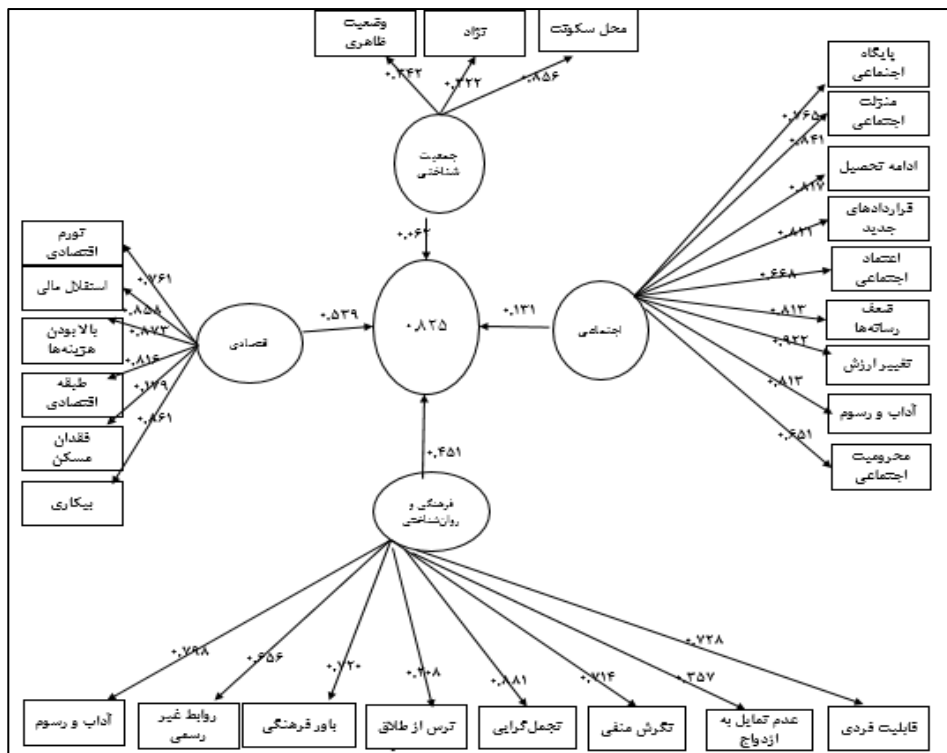
کد انتخابی	کد سازمان دهنده	کدهای باز (مضامین)
عوامل فرهنگی و روان‌شناختی	ضعف در تصمیم‌گیری فردی	در شرایطی نتوانستم درست تصمیم بگیرم. منتظر فرصت ماندم و فرصت داشته را از دست دادم.
	عدم تمایل به ازدواج رسمی	ژاپنی‌ها یک ضرب‌المثل دارند که در سفر به دنبال مناظر زیبا نباش؛ بلکه نگاهت را عوض کن. ما اگر نگاهمان را عوض کنیم می‌بینیم که مجرد بودن خودش زیباست. افراد باید تحت تأثیر ایده‌ها و افکار خودشان رفتار کنند نه اینکه ببینند موج به کدام طرف می‌رود و روی موج باشند. من از وضعیت موجودم راضی هستم. در شرایطی که فضای مجازی امکان رابطه مجازی را به آدم‌ها می‌دهد و آن‌ها می‌توانند از نظر روحی و حتی جسمی هم را ارضا کنند، چه نیازی به ازدواج هست؟
	نگرش منفی	سری را که درد نمی‌کند دستمال نمی‌بندند. ازدواج نمی‌کنم و در عوض راحت هستم. حس می‌کنم به خاطر وضعیت مالی و اشتغال می‌خواهند با من ازدواج کنند و بیشتر دید ابزارگونه به من دارند تا انسان-گونه.
	تجمل‌گرایی	تجمل‌گرایی و انتظارت و توقع خیلی بالا بود؛ به طوری که از پس خودم و خانواده‌ام ساخته نبود. رسانه‌های ما تجمل‌گرایی را تبلیغ می‌کنند؛ حتی در فیلم‌های تلویزیونی.
	ترس از طلاق	دو تا از خواهرانم ازدواج کردند و بعد از یک سال هر دو نفر طلاق گرفتند و یک نان‌خور دیگر هم وارد خانه‌مان کردند و من مطمئنم که من هم اگر ازدواج کنم شرایط همین است.
	تعصبات فرهنگی	یک دختر هیچ‌وقت نمی‌تواند عشقش را به زبان بیاورد و اگر این موضوع از نظر فرهنگ ما مانعی نداشت، شکی ندارم که الان وضعیتم این نبود.
	گسترش روابط جنسی نامتعارف	مردان امروزی تنوع طلب هستند و به یک زن بسنده نمی‌کنند و هم‌زمان با چند نفر در ارتباط هستند که این موضوع با روحیه من سازگار نیست.

طبق اطلاعات جدول ۳، عوامل مؤثر بر تأخیر سن ازدواج دختران استان خراسان جنوبی دارای ۵ عامل و ۲۷ مؤلفه است که به منظور اطمینان از یافته‌های بخش کیفی پژوهش، این ابعاد در قالب پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته در بخش کمی پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. بدین منظور، از نرم‌افزار اسمارت پی. ال. اس و روش دومرحله‌ای حداقل مربعات جزئی استفاده شد. در ابتدا برای بررسی اثرات مستقیم ابعاد عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی- روان‌شناختی و عوامل جمعیت‌شناختی بر تأخیر سن ازدواج دختران در قالب یک مدل مفهومی بر اساس بخش کیفی پژوهشی طراحی شد. در گام دوم، از تحلیل عاملی تأییدی و در گام سوم، از تحلیل مسیر برای تحلیل روابط بین سازه‌ها استفاده شد که خروجی نرم‌افزار در قالب شکل ۱ و ۲ ارائه شده است.



شکل ۱) ضرایب معناداری Z (مقادیر t-values) تأخیر سن ازدواج دختران

برای پاسخ به سؤال‌های پژوهش، در نرم‌افزار اسمارت پی. ال. اس می‌بایست ضرایب معناداری Z (مقادیر t-values) و ضرایب استاندارد شده بار عاملی مربوط به مسیر هر یک از متغیرهای پژوهش مورد بررسی قرار گیرد. نتایج شکل ۱ بیانگر این است که ضرایب معنی‌دار Z برای مسیر مؤلفه‌های اقتصادی به تأخیر ازدواج دختران ۳/۴۳؛ مسیر مؤلفه‌های فرهنگی به تأخیر ازدواج دختران ۲/۲۲ و مسیر مؤلفه‌های جمعیت شناختی به تأخیر ازدواج دختران ۲/۰۶ گزارش شده است که نشان از معنی‌دار بودن رابطه در سطح معناداری ۰/۰۵ است؛ از این رو مؤلفه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و جمعیت-شناختی، قابلیت تبیین واریانس تأخیر ازدواج دختران استان خراسان جنوبی را دارند.



شکل ۲) ضرایب استاندارد شده عوامل مؤثر بر تأخیر سن ازدواج دختران

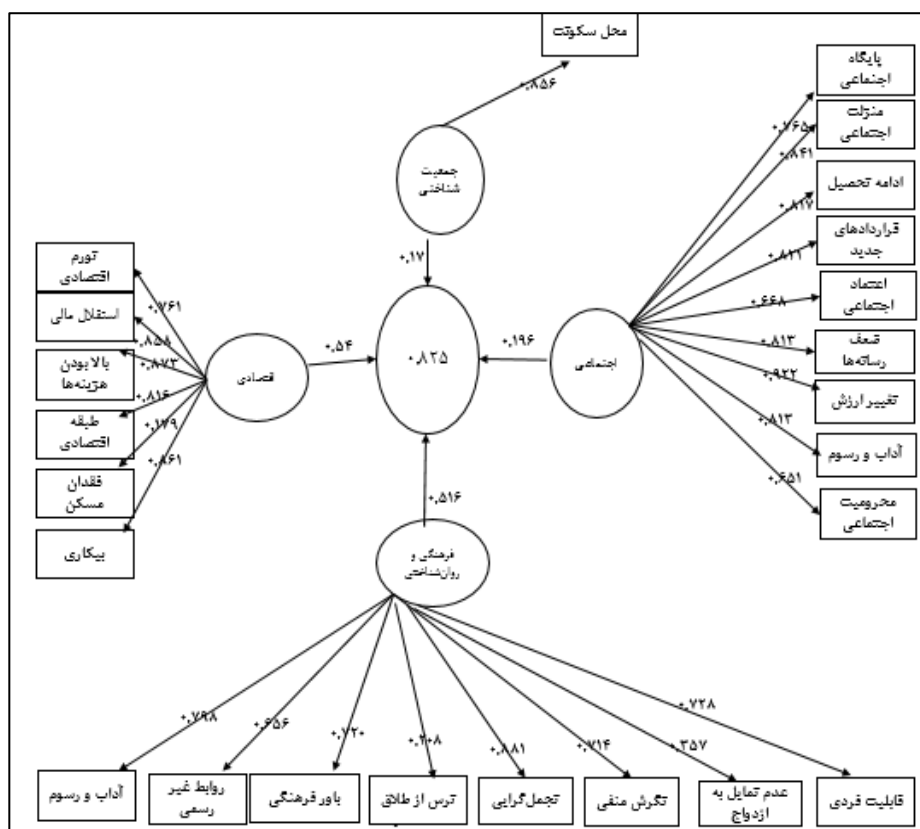
شکل ۲ بیانگر ضرایب استاندارد مؤلفه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و جمعیت‌شناختی مدل تأخیر ازدواج دختران است. با توجه به اینکه مقادیر استخراج شده باید از ۰/۳ بیشتر باشد

تا پذیرفته شوند، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها بیانگر این است که عوامل اقتصادی ۰/۳۶ عوامل فرهنگی ۰/۶۲ و عوامل اجتماعی ۰/۲۳ از تغییرات تأخیر ازدواج دختران را تبیین می‌کنند که خلاصه ضرایب اثرات مستقیم در جدول ۴ بیان شده است.

جدول ۴) برآورد ضرایب اثرات مستقیم متغیرهای پژوهش

مسیرها	ضرایب استاندارد	t value	sig	نتیجه آزمون
عوامل اقتصادی ← تأخیر در ازدواج	۰/۵۳	۳/۴۳	۰/۰۱	تأیید
عوامل فرهنگی- روان‌شناختی ← تأخیر در ازدواج	۰/۴۵	۳/۶۷	۰/۰۱	تأیید
عوامل اجتماعی ← تأخیر در ازدواج	۰/۱۳	۲/۲۲	۰/۰۱	تأیید
عوامل جمعیت‌شناختی ← تأخیر در ازدواج	۰/۰۴	۲/۰۶	۰/۰۱	تأیید

نتایج جدول ۴ بیانگر این است که ضریب اثر مستقیم عوامل اقتصادی بر تأخیر ازدواج دختران ۰/۵۳، ضریب اثر مستقیم عوامل فرهنگی بر تأخیر ازدواج دختران ۰/۴۵؛ ضریب اثر مستقیم عوامل اجتماعی بر تأخیر ازدواج دختران ۰/۱۳، و ضریب اثر مستقیم عوامل جمعیت‌شناختی بر تأخیر ازدواج دختران ۰/۰۴ گزارش شده که در سطح ۰/۰۱ معنادار است. با توجه پایین بودن بار عاملی برخی از شاخص‌ها از مقدار ۰/۴۰ به منظور اطمینان از برآزش مدل نهایی، برخی از شاخص‌ها از مدل حذف شد و مجدداً مدل اجرا شد.



شکل ۳) مدل اصلاح‌شده عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج دختران

به‌منظور درک بهتر و اطمینان از درستی مدل اصلاحی آزمون‌شده، شاخص‌های برازش مدل اصلاحی در جدول ۵ گزارش شده است.

جدول ۵) خلاصه شاخص‌های برازش مدل ساختاری و مدل کلی پژوهش

مقدار شاخص‌های برازش				شاخص‌های برازش	
حد مجاز			مقدار در مدل	متغیر مکنون	معیار Q2
۰/۳۵	۰/۱۵	۰/۰۲			
زیاد	متوسط	ضعیف		تأخیر ازدواج دختران	R2
۰/۳۲					
۰/۳۵	۰/۱۵	۰/۰۲			
زیاد	(متوسط)	ضعیف			
۰/۸۲					
معیار خاصی گزارش نشده است			۰/۱۷		Redundancy
قابل قبول					
۰/۳۶	۰/۲۵	۰/۰۱	۰/۶۸	معیار GOF	

طبق اطلاعات مندرج در جدول ۵، مقدار R2 بیانگر این است که ۰/۸۲٪ از تغییرات متغیر تأخیر ازدواج دختران توسط ۴ عامل (عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی و عوامل جمعیت‌شناختی) تبیین می‌شود که این موضوع، نشان قوی بودن تأثیر عوامل مذکور است. طبق الگوی مفهومی پژوهش، عوامل اقتصادی بیشترین سهم را در تأخیر ازدواج دختران دارد.

خلاصه و نتیجه‌گیری

افزایش میانگین سن در اولین ازدواج، فصل مشترک تغییرات اجتماعی در اکثر کشورهای جهان، طی دهه‌های اخیر بوده است. در ایران نیز طی سالیان اخیر، روند تأخیر در ازدواج دختران و پسران جوان به یکی از چالش‌های مهم جمعیتی و اجتماعی تبدیل شده است؛ به طوری که در سرشماری سال ۱۳۹۵ با میانگین ۲۷/۴ سال به اوج خود رسیده است. نتایج بررسی‌ها بیانگر این است که پدیده افزایش سن ازدواج و در ادامه بروز مجرد قطعی، باعث اختلال در کارکرد طبیعی نهاد خانواده می‌شود. این پدیده نه تنها بر متغیرهای جمعیت‌شناختی تأثیرگذار است؛ بلکه تأثیر آن را می‌توان در منحنی سلامت و هوش افراد جامعه مشاهده کرد که در نهایت منجر به بروز نابسامانی‌هایی از قبیل فساد اجتماعی، فساد اخلاقی و پدیده دختران فراری می‌شود؛ بنابراین در پژوهش حاضر، ادراک دختران از تأخیر سن ازدواج مورد واکاوی قرار گرفت.

نتایج پژوهش بیانگر این بود که بازدارنده‌های اصلی تأخیر سن ازدواج دختران در استان خراسان جنوبی را می‌توان به ترتیب در قالب نظریه‌های اقتصادی، نظریه‌های فرهنگی، نظریه‌های اجتماعی و نظریه‌های جمعیت‌شناختی تحلیل و تبیین کرد که در این بین، بازدارنده‌های اقتصادی نقش پررنگ‌تری دارند. در ارتباط با عوامل اقتصادی مؤثر بر تأخیر سن ازدواج دختران در استان خراسان جنوبی، نتایج بخش کیفی پژوهش بیانگر این بود که شش شاخص طبقه اقتصادی، استقلال مالی، تورم اقتصادی، بالابودن هزینه‌های مراسم، فقدان مسکن و عدم اشتغال دختران به‌عنوان مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی مؤثر بر تأخیر سن ازدواج دختران محسوب می‌شود که توسط تمامی این شاخص‌ها، به جز شاخص طبقه اقتصادی توسط نتایج آماری بخش کمی پژوهش نیز مورد تأیید و تصدیق قرار گرفته است. بر اساس نتایج و ادراک دختران مورد مطالعه در این پژوهش، آن دسته از دخترانی که خانواده آنان از اوضاع اقتصادی بهتری برخوردارند، شانس بیشتری برای ازدواج دارند و دختران شاغل هنگام تصمیم‌گیری برای ازدواج، عایدی‌های ناشی از ازدواج و ازدواج‌نکردن را مقایسه می‌کنند و زمانی تصمیم به ازدواج می‌گیرند که باور کنند در صورت ازدواج‌کردن، منافعی بیش از زمان مجردماندن در انتظار آنهاست. در این زمینه مصاحبه‌شونده شماره ۸ بیان می‌کند که "وقتی که دستم توی جیب خودم می‌رود چه حاجت به

آقابالاسر؛ همچنین "شرایط زندگی امروزی خیلی با گذشته فرق کرده است. در گذشته اکثر خانم‌ها به خاطر مسائل مالی ازدواج می‌کردند؛ ولی الآن قضیه متفاوت است".

در ارتباط با مقوله اشتغال و عدم اشتغال، نتایج حاصل از این پژوهش، نتایج دوگانه‌ای بود؛ از یک طرف نتایج نشان داد که فراهم کردن زمینه‌های اشتغال برای دختران سبب شده است تا از استقلال مالی و اقتصادی برخوردار باشند و در نتیجه بیشتر به سمت تجددگرایی گرایش داشته باشند؛ از طرف دیگر از دید دختران، با توجه به بالابودن هزینه‌های زندگی و مراسم ازدواج، اکثر پسران به دنبال دختران شاغل و یا دخترانی هستند که خانواده آنان از تمکن مالی بالایی برخوردار باشند. در این زمینه مصاحبه‌شونده شماره ۵ بیان می‌کند که "ازدواج الفبای خاص خودش را دارد؛ با هیچ و پوچ که نمی‌شود ازدواج کرد". مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ بیان می‌کند که "آنقدر گرانی و فشار اقتصادی من را درگیر خود کرده که ازدواج کاملاً برایم نامفهوم است. مصاحبه‌شونده شماره ۷ بیان می‌کند که "شکم گرسنه ایمن ندارد. خیلی‌ها صدایشان از جای گرمی درمی‌آید". به‌طور کلی بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش، طبقه اقتصادی، استقلال مالی، افزایش تورم، بالابودن هزینه‌های مراسم، فقدان مسکن و عدم اشتغال دختران، از مهم‌ترین موانع اقتصادی تأخیر در سن ازدواج دختران محسوب می‌شود.

در ارتباط با عوامل فرهنگی مؤثر بر تأخیر سن ازدواج دختران در استان خراسان جنوبی، نتایج بخش کیفی پژوهش بیانگر این بود که شاخص عدم تمایل به ازدواج رسمی، نگرش منفی، گرایش به تجمل‌گرایی، ترس از طلاق، تعصبات فرهنگی و گسترش روابط جنسی نامتعارف به‌عنوان مهم‌ترین شاخص‌های فرهنگی مؤثر بر تأخیر سن ازدواج دختران محسوب می‌شود که توسط بخش کمی پژوهش نیز مورد تأیید و تصدیق قرار گرفته است. در این زمینه نتایج پژوهش بیانگر این بود که باورهای عمومی و به‌ویژه نوع نگاه دختران به خودشان، از جمله باور به کلیشه‌های فرهنگی، یکی از عوامل تعیین‌کننده تأخیر سن ازدواج آن‌هاست و این باورها می‌تواند به‌صورت یک مانع اساسی بر سر راه ازدواج دختران قرار گیرد. در این زمینه مصاحبه‌شونده شماره ۳ بیان می‌کند که «در زندگی‌ام یاد گرفتم که به هیچ‌کس نباید اعتماد کرد»، «سری را که درد نمی‌کند، دستمال نمی‌بندند. ازدواج نمی‌کنم و در عوض راحتم» و «مردان امروزی تنوع طلب هستند و به

یک زن بسنده نمی‌کنند». این‌گونه باورها منجر به یک نوع نگاه منفی و بدبینی نسبت به امر ازدواج شده که در نهایت موجب کاهش انگیزه و تمایل به ازدواج دختران شده است. نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج پژوهش‌های آقای و طاهری بنچناری، (۱۳۹۱)؛ رضادوست و ممبنی (۱۳۸۸) و توده فلاح و کاظمی‌پور (۱۳۸۹) همسو است و یافته‌های این دسته از پژوهش‌ها را مورد تأیید و تصدیق قرار داده است.

در ارتباط با عوامل اجتماعی مؤثر بر تأخیر سن ازدواج دختران در استان خراسان جنوبی، نتایج بخش کیفی پژوهش بیانگر این بود که شاخص فقدان اعتماد اجتماعی، شکل‌گیری قراردادهای جدید ازدواج، پایگاه اجتماعی والدین، کارکرد ضعیف رسانه‌ها، تغییر در کانون ارزش‌ها، آداب‌ورسوم محلی نامعقول، منزلت اجتماعی، ادامه تحصیل و محرومیت اجتماعی به‌عنوان مهم‌ترین شاخص‌های اجتماعی مؤثر بر تأخیر سن ازدواج دختران محسوب می‌شود که توسط بخش کمی پژوهش نیز مورد تأیید و تصدیق قرار گرفته است. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که محرومیت اجتماعی زنان می‌تواند به کاهش تعاملات و ارتباطات زنان منجر شود؛ در نتیجه دختران تمایل کمتری به ازدواج دارند و با موانع بیشتری جهت ازدواج روبه‌رو شده‌اند. در این زمینه مصاحبه‌شوندگان مختلف بیان داشتند که «به هیچ‌کس و هیچ‌چیز نمی‌شود اعتماد کرد. گاهی اوقات اعتماد بی‌جا آدم‌ها را کور می‌کند. در زندگی‌ام یاد گرفتم که به هیچ‌کس نباید اعتماد کرد» و یا «شبکه‌های اجتماعی راه را برای روابط متعدد باز کرده و ترجیح می‌دهم دوستان زیادی داشته باشم تا اینکه خودم را محدود کنم؛ یا «در ایران ازدواج کردن یعنی در بند شدن و من بیشتر با ازدواج سفید موافقم تا ازدواج رسمی؛ «رنگ و لعاب جای ارزش‌ها را گرفت. سعی کردم خودم باشم، خودم بودم ولی باختم»؛ «فکر می‌کردم اگر تحصیلات عالی داشته باشم ازدواج موفق‌تری خواهم داشت. تحصیلاتم تمام شد گفتم اگر کار داشته باشم شرایطم بهتر خواهد بود. شاغل شدم گفتم پس‌اندازی داشته باشم. هرچه جلوتر رفتم از هدف دورتر و دورتر شدم»؛ «ازدواج هم از قاعده بازار تبعیت می‌کند و تابع قانون عرضه و تقاضاست» و «در زندگی دیده نشدیم؛ چون فرصتی برای دیده‌شدن نداشتیم». نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج پژوهش‌های رضادوست و

ممبئی (۱۳۸۸) و توده فلاح و کاظمی پور (۱۳۸۹) همسو است و یافته‌های این دسته از پژوهش‌ها را مورد تأیید و تصدیق قرار داده است.

در ارتباط با عوامل جمعیت شناختی، نتایج بخش کیفی پژوهش بیانگر این بود که محل سکونت، زیبایی ظاهری از مهم‌ترین عوامل جمعیت شناختی مؤثر بر تأخیر ازدواج دختران محسوب می‌شود که در بین عوامل مختلف جمعیت شناختی، صرفاً مؤلفه محل سکونت بر اساس نتایج حاصل از بخش کمی پژوهش مورد تأیید و تصدیق قرار گرفته است. در ارتباط با تأثیر محل سکونت بر تأخیر ازدواج دختران نتایج مطالعات کاظمی پور (۱۳۸۳) و محمودیان (۱۳۸۳) بیانگر این است که بین متغیر سن ازدواج با محل سکونت در شهر و روستا ارتباط معنی‌داری وجود دارد و شهرنشینی یک عامل اثرگذار در افزایش سن ازدواج محسوب می‌شود، همسو بوده و نتایج این پژوهش‌ها را تأیید و تصدیق کرده است.

بطور کلی؛ نتایج حاصل از این پژوهش، با نتایج پژوهش‌های جبرائیلی، زاده‌محمدی و حیدری (۱۳۹۲)، (صفری، ۱۳۹۲) (آقایی و طاهری بنچناری، ۱۳۹۱)؛ رضادوست و ممبئی (۱۳۸۸)؛ توده فلاح و کاظمی پور (۱۳۸۹)؛ (Hippen, 2016)؛ (Schoen & Cheng, 2006)؛ (Jones, 2012) و (Gibson-Davis, 2009) همسو است و یافته‌های این دسته از پژوهش‌ها را مورد تأیید و تصدیق قرار داده است. در نهایت، بر اساس یافته‌های حاصل از این پژوهش پیشنهاد می‌شود به‌منظور استخراج راهکارهایی در حوزه متغیرهای مذکور، در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های آینده به فعالیت‌هایی از قبیل حمایت‌های مالی از دختران مجرد به شیوه‌های مختلف، از جمله اعطای اعتبارات مالی، استخدام به شرط تأهل، اعطای مشوق‌های مادی در صورت ازدواج و نظایر آن، برپایی جشن‌های ازدواج گروهی توسط نهادهای دولتی به‌منظور کاهش هزینه‌های اولیه ازدواج، تعیین انتظارات معقول به منظور دوام و پایداری زندگی مشترک، پرهیز از تجمل‌گرایی، فرهنگ‌سازی و تغییر نگرش افراد از طریق برگزاری کارگاه‌های مهارت‌های زندگی، آموزش مهارت‌های زندگی، تقویت مهارت‌های ارتباطی، تقویت باورهای دینی و اعتقادی، آموزش تاب‌آوری، امیدوار کردن دختران نسبت به زندگی زناشویی و کاهش نگرانی آنان از شروع زندگی مشترک، توجه ویژه‌منظور شود و هرگونه اقدام عملی و مداخله در جهت کاهش آمار مجردان و

افزایش تمایل به ازدواج در بین دختران مجرد استان خراسان جنوبی باید معطوف به این متغیرها باشد.

مهم‌ترین محدودیت پژوهش حاضر عبارتند از:

- محدودیت در شناسایی و مصاحبه نمونه آماری پژوهش؛ به صورتی که بسیاری از دختران بعد از شناسایی، حاضر به همکاری با پژوهشگر نبودند.
- آنجاکه تحلیل داده‌های کیفی مبتنی بر پارادایم تفسیری است، ممکن است در بخش تحلیل داده‌های کیفی، ذهنیت محقق در نحوه استخراج مؤلفه‌ها تأثیرگذار بوده باشد.
- در پژوهش‌های کیفی امکان بروز و دخالت دادن پیش‌فرض‌ها و تعصبات پژوهشگر ممکن است یافته‌ها و نتایج تحقیق را خدشه‌دار کند که البته در پژوهش حاضر، محقق تلاش کرده است تا حد امکان بدون سوگیری عمل کند و صرفاً اقدام به رصد تجارب و دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان نماید.
- از آنجاکه این مطالعه بر اساس طرح تحقیق مقطعی انجام شده است، روابط بین متغیرها دلالت بر قطعی بودن رابطه علی ندارد و در استفاده کاربردی از نتایج این پژوهش باید جوانب احتیاط را رعایت کرد.
- این مطالعه در یک استان محروم کشور انجام شده و با توجه به شرایط حاکم بر استان، ممکن است که متغیرهای اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین مانع ازدواج محسوب شده باشد. بنابراین؛ انجام تکرار مطالعه در استان‌های هم‌جوار که از لحاظ موقعیت جغرافیایی و شرایط اجتماعی و اقتصادی شباهت بیشتری دارند، می‌تواند به یافته‌های دقیق‌تری منجر شود و مدیران و مسئولان استانی را در جهت سیاست‌گذاری‌های عقلانی‌تر رهنمون نماید.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی، و دیگران (۱۳۹۱). "هم‌خانگی: پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران". *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، سال سوم، ش ۱ (بهار): ۴۳-۷۷.
- آقایی، سیدسعید؛ طاهری بنچناری، رؤیا (۱۳۹۱). "نگرش جوانان به تأثیر عوامل اقتصادی اجتماعی و فرهنگی مؤثر در بالا رفتن سن ازدواج (مورد مطالعه: ناحیه ۲ و ۳ منطقه ۴ تهران، سال ۱۳۹۱)". *مطالعات جامعه‌شناسی/ایران*، سال سوم، ش ۸ (بهار): ۷۵-۹۴.
- امامی، عادل، و دیگران (۱۴۰۰). "تأخیر ازدواج در ایران: تحلیل تفاوت‌های شهرستانی در الگوهای تجرد مردان و زنان". *مطالعات جمعیتی*، سال هفتم، ش ۱ (بهار و تابستان): ۳۵-۶۵.
- بانکی‌پور فرد، امیرحسین؛ کلانتری، مهدی؛ مسعودی‌نیا، زهرا (۱۳۹۱). "درآمدی بر ازدواج جوانان". *ندای جمهوری اسلامی ایران*، سال یازدهم، ش ۶۵ (پاییز): ۲۶-۴۷.
- توده فلاح، معصومه؛ کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۹). "بررسی تأثیر نوسازی بر سن با تأکید بر شاخص‌های جمعیتی ازدواج در سطح کشور و ۷ استان منتخب ۱۳۸۵". *پژوهش/اجتماعی*، سال سوم، ش ۸ (پاییز): ۱۰۵-۱۳۱.
- جبرائیلی، هاشم؛ زاده‌محمدی، علی؛ حیدری، محمود (۱۳۹۲). "تفاوت ملاک‌های انتخاب همسر بین دو جنس". *خانواده‌پژوهی*، دوره نهم، ش ۳۴ (تابستان): ۱۵۵-۱۷۱.
- جرج‌زاده، مهسا، و دیگران (۱۴۰۰). "اثر بخشی درمان عدالت‌خواهی جنسیتی مبتنی بر آموزه‌های دینی بر طرح‌واره نقش جنسیتی و سرمایه فکری دختران با تأخیر در ازدواج". *تحقیقات علوم رفتاری*، سال نوزدهم، ش ۱ (بهار): ۹۱-۱۰۳.
- حبیب‌پور گتایی، کرم؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰). "علل افزایش سن ازدواج دختران". *زن در توسعه و سیاست*، سال نهم، ش ۳۲ (بهار): ۷-۳۴.
- خلیلی، مهدی (۱۴۰۰). "تحلیل نسلی مقطعی تغییرات ازدواج زنان ایران با استفاده از جداول عمر زناشویی". *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال شانزدهم، ش ۳۱ (بهار و تابستان): ۷-۳۱.
- درّی نجف‌آبادی، زهرا، و دیگران (۱۴۰۰). "بررسی تأثیر اشتغال زنان بر ازدواج و طلاق". *اقتصاد و الگوسازی*، سال دوازدهم، ش ۲ (تابستان): ۱۶۷-۱۹۵.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۷). "سالنامه آماری کشور". تهران: مرکز آمار ایران، دفتر ریاست جمهوری سازمان برنامه و بودجه کشور.

- رضادوست، کریم؛ ممبئی، ایمان (۱۳۸۸). "بررسی رابطه بین تأخیر سن ازدواج و متغیرهای درآمد، میزان تحصیلات و تعدادی دیگر از متغیرها در زنان شاغل". *مشاوره کاربردی دانشگاه شهید چمران اهواز*، سال شانزدهم، ش ۱ (تابستان): ۱۰۳-۱۲۰.
- زارعان، منصوره (۱۳۹۷). "بررسی اکتشافی دلایل تأخیر در سن ازدواج از دیدگاه دختران دانشجوی شهر تهران". *مطالعات زن و خانواده*، سال ششم، ش ۲ (پاییز و زمستان): ۸۹-۱۱۰.
- شعاع کاظمی، مهرانگیز؛ فرازنده پور، فرح (۱۳۹۸). "رابطه بین سبک زندگی و تأخیر سن ازدواج در دانشجویان". *پژوهشنامه سبک زندگی*، سال نهم، ش ۵ (زمستان): ۱۲۵-۱۳۹.
- صفری، سمیرا (۱۳۹۲). "بررسی عوامل پیش‌بینی‌کننده تمایل به ازدواج در پسران شهر اصفهان". پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان.
- علائی بوسجین، محسن (۱۴۰۰). "توسعه راهکارهای جامعه‌شناختی رفع موانع و مشکلات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ازدواج جوانان". *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال سیزدهم، ش ۴۷ (بهار): ۲۳۷-۲۴۷.
- کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۳). "تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن". *پژوهش زنان*، سال دوم، ش ۳ (پاییز): ۱۰۳-۱۲۴.
- کجباف، محمدباقر، و دیگران (۱۳۸۷). "تحلیل کیفی تجردهای ناخواسته در دختران و پسران". *خانواده‌پژوهی*، سال چهارم، ش ۱۴ (تابستان): ۱۲۳-۱۳۲.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۳). "سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان". *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۴ (زمستان): ۲۷-۵۳.
- مختاری، سمانه؛ یوسفی، زهرا؛ منشیی، غلامرضا (۱۴۰۰). "شناسایی پدیده تأخیر در ازدواج دختران: نظریه زمینه‌ای". *خانواده‌درمانی کاربردی*، سال دوم، ش ۲ (تابستان): ۴۶-۶۶.
- مولانپناه، زهره؛ رحمانی خلیلی، احسان؛ وثوقی، منصور (۱۴۰۰). "مطالعه جامعه‌شناختی: زمینه‌ها و پیامدهای تأخیر سن ازدواج در بین مردان مجرد شهر تهران". *مطالعات راهبردی زنان*، سال بیست و چهارم، ش ۹۴ (زمستان): ۱۶۱-۱۸۴.

- Baysak, E., et al. (2021). "Is early marriage practice a problem for women living in Istanbul? A qualitative study". *Archives of women's mental health*, Vol. 24, No. 2: 243-250.
- Bleske-Rechek, A. L.; Buss, D. M. (2001). "Opposite-sex friendship: Sex differences and similarities in initiation, selection and dissolution". *Personality and Social Psychology Bulletin*, Vol. 27, No. 10: 1310-1323.
- Fornell, C.; Larcker, D. F. (1981). "Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error". *Journal of marketing research*, Vol. 18, No. 1: 39-50.
- Gibson-Davis, C. M. (2009). "Money, marriage and children: Testing the financial expectations and family formation theory". *Journal of Marriage and Family*, Vol. 71, No. 11: 146-160.
- Hacker, J. D.; Hilde, L.; Jones, J. H. (2010). "The effect of the Civil War on southern marriage patterns". *The Journal of southern history*, Vol. 76, No. 1: 39-70.
- Hippen, K. A. (2016). "Attitudes toward marriage and long-term relationships across emerging adulthood". Master of Arts in Sociology, College of Arts and Sciences, Georgia State University.
- Hulland, J. (1999). "Use of partial least squares (PLS) in strategic management research: A review of four recent studies". *Strategic management journal*, Vol. 20, No. 2: 195-204.
- Jones, G. (2012). "Late marriage and low fertility in Singapore: The limits of policy". *The Japanese Journal of Population*, Vol. 10, No. 1: 89-101.
- Kvale, S. (1994). *Interviews: An introduction to qualitative research interviewing*. American: Sage Publications, Inc.
- Lee, B. S., et al. (2021). "Factors delaying marriage in Korea: An analysis of the Korean population census data for 1990–2010". *Asian Population Studies*, Vol. 17, No. 1: 71-93.
- Loughran, D. S.; Zissimopoulos, J. M. (2004). *Are There Gains to Delaying Marriage? The Effect of Age at First Marriage on Career Development and Wages*. Santa Monica, CA: Rand Labor and Population.
- Mensch, B. S.; Singh, S.; Casterline, J. B. (2005). Trends in the timing of first marriage among men and women in the developing world. Washington DC: National Academies Press.
- Nai Peng, T. (2007). "Trends in delayed and non-marriage in Peninsular Malaysia". *Asian Population Studies*, Vol. 3, No. 3: 243-261.
- Retherford, R. D.; Ogawa, N.; Matsukura, R. (2001). "Late marriage and less marriage in Japan". *Population and development review*, Vol. 27, No. 1: 65-102.
- Schoen, R.; Cheng, Y. H. A. (2006). "Partner choice and the differential retreat from marriage". *Journal of Marriage and Family*, Vol. 68, No. 1: 1-10.

Identifying and explaining the competencies of the strategic managers of the Holy Shrine Organization of Astan Quds Razavi

Abolfazl Sargazi¹
Received: 3/8/2022

Vajihe Hoshyar²
Accepted: 11/9/2022

Abstract

After the Islamic Revolution, Astan Quds Razavi was considered throughout the Islamic world as the most important religious center of Iran because of its appointment to the royal court of Samen al-Hajj Hazrat Ali ibn Musayat al-Reza (peace be upon him). The role of organizational managers in achieving this lofty goal is an irreplaceable and undeniable one, and they are expected to use their maximum power and prevailing capacities to solve existing challenges and correct current shortcomings. The present study aimed to identify and develop the competencies of strategic managers of Astan Quds Razavi Organization for holding managerial positions, select managers based on the results, and explain the basic indicators of their evaluation, training, and development. To this end, four research questions were examined: 1) What are the dimensions of the competence of the shrine's strategic managers? 2) What are the components of the competencies of the shrine's strategic managers? 3) Is the model extracted from the research valid? 4) What is the prioritization of the competencies of the shrine's strategic managers? The current research employed a combined research method. In the qualitative part of the research, a number of experts and managers of the holy shrine were interviewed. Content analysis was used. The final model was extracted in 10 dimensions (planning, organizing, leadership, mobilization of resources and facilities, knowledge, technical skills, faith commitments, communication skills, interpersonal skills, and perceptual skills) and 43 components. Then, in the quantitative part of the research, a questionnaire was distributed among 98 managers and heads of the holy shrine of Razavi to assess the model. To check the validity, a confirmatory factor was used, and the obtained values indicated the validity of the instrument. The instrument's reliability was approved by Cronbach's alpha. Finally, data analysis was performed with structural equation modeling and Friedman's rank test using Smart PLS software. The results showed that all dimensions and components of competencies were approved. In the next step, the dimensions and components of managers' competencies were prioritized using the Farid Man test method. The dimensions of competencies in order of priority are: faith commitments, technical skills, organization, mobilization of resources and facilities, planning, communication skills, perceptual skills, leadership, knowledge, and finally interpersonal skills.

Keywords: competence of managers, Holy Shrine Organization, competency model, Astan Quds Razavi

1. Master's student in Business Management, Strategic Direction, Imam Reza International University (AS), Mashhad, Iran. Ab.sargazi63@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Management, Attar Higher Education Institute, Mashhad, Iran (corresponding author). v.hoshyar@attar.ac.ir

مقاله علمی - پژوهشی

شناسایی و تبیین شایستگی‌های مدیران راهبردی حرم مطهر آستان قدس رضوی

ابوالفضل سرگزی^۱

وجیهه هوشیار^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۳۱

مشاهده مقاله منتشر شده: دوره ۱۷، شماره ۱

http://www.farhangekhorasan.ir/article_162141.html

چکیده

آستان قدس رضوی به سبب انتساب به بارگاه ملکوتی ثامن الحجج، حضرت علی بن موسی الرضا (علیه آلاف التحية و الثناء)، به عنوان مهم‌ترین مرکز مذهبی ایران در جهان اسلام شناخته شده است. نقش مدیران سازمانی در رسیدن به این هدف والا، نقشی بی‌بدیل و انکارناپذیر است و از ایشان انتظار می‌رود با بهره‌گیری از حداکثر توان خود و ظرفیت‌های موجود، به حل چالش‌ها و اصلاح نارسایی‌های موجود بپردازند. پژوهش حاضر به منظور شناسایی و تبیین شایستگی‌های مدیران راهبردی سازمان آستان قدس رضوی جهت تصدی پست‌های مدیریتی، گزینش و انتخاب مدیران بر اساس آن و تبیین شاخص‌های اولیه ارزیابی، آموزش و توسعه آن‌ها صورت گرفت. بدین منظور چهار سؤال تحقیق مورد بررسی قرار گرفت: ۱. شایستگی مدیران راهبردی حرم شامل چه ابعادی است؟ ۲. مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده ابعاد شایستگی‌های مدیران راهبردی حرم کدامند؟ ۳. آیا مدل استخراج شده از پژوهش، معتبر است؟ ۴. اولویت‌بندی شایستگی‌های مدیران راهبردی حرم چگونه است؟ روش تحقیق پژوهش، روش تحقیق ترکیبی است. در بخش کیفی پژوهش با تعدادی از خبرگان و مدیران ستادی حرم مطهر مصاحبه به عمل آمد و برای تحلیل مصاحبه‌ها، از روش تحلیل محتوا استفاده شد. مدل نهایی در قالب ۱۰ بُعد، شامل (برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، رهبری، بسیج منابع و امکانات، دانش، مهارت‌های فنی، تعهدات ایمانی، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های درون‌فردی و مهارت‌های ادراکی) و ۴۳ مؤلفه استخراج شد؛ سپس در قسمت

۱. دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد مدیریت بازرگانی، گرایش استراتژیک، دانشگاه بین‌المللی امام‌رضا (ع)، مشهد، ایران

Ab.sargazi63@gmail.com

v.hoshyar@attar.ac.ir

۲. استادیار گروه مدیریت مؤسسه آموزش عالی عطار، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

کمی پژوهش جهت سنجش مدل پرسش‌نامه‌ای بین ۹۸ نفر از مدیران و مسؤولین حرم مطهر رضوی توزیع شد. جهت بررسی روایی، از عاملی تأییدی استفاده شد که مقادیر به‌دست‌آمده بیانگر روایی ابزار بود. همچنین، جهت پایایی ابزار با آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت. درنهایت تحلیل داده‌ها به روش مدل معادلات ساختاری و آزمون رتبه‌ای فریدمن و با استفاده از نرم‌افزار Smart pls انجام گرفت. نتایج نشان داد تمامی ابعاد و مؤلفه‌های شایستگی‌ها مورد تأیید است. در مرحله بعد برای اولویت‌بندی ابعاد و مؤلفه‌های شایستگی‌های مدیران، از روش آزمون فریدمن استفاده شد که ابعاد شایستگی به ترتیب اولویت عبارتند از: تعهدات ایمانی، مهارت‌های فنی، سازمان‌دهی، بسیج منابع و امکانات، برنامه‌ریزی، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های اداری، رهبری، دانش و مهارت‌های درون‌فردی.

واژه‌های کلیدی: شایستگی مدیران، مدل شایستگی، آستان قدس رضوی.

مقدمه

امروزه، رقابت میان کسب‌وکارها سرعت بیشتری به خود گرفته و پیروزی در میدان رقابت، توجه بیش از پیش سازمان‌ها را به خود جلب کرده است. اجرا و پیاده‌سازی برنامه‌های رشد و موفقیت سازمان در میان رقبا نیازمند وجود منابع انسانی متخصص و اثرگذار است؛ چراکه منابع انسانی دارایی اصلی و پیکره سازمان را تشکیل می‌دهند (Lima & Galleli, 2021: 731). اگر سازمانی مدیریت منابع انسانی متخصص و متعهدی داشته باشد، نتایج کاری آن سازمان اثربخش‌تر خواهد بود؛ اما مهم‌تر از وجود منابع انسانی متخصص، وجود مدیران کارآمد و با کفایت در اداره منابع سازمان است که در روند اثربخشی منابع انسانی، نقش ویژه‌ای ایفا می‌کنند؛ به طوری که، مدیران راهبردی همواره جایگاه مهم و حیاتی را در سازمان‌ها به عهده دارند (Shet, Del Giudice & Rammal, 2022: 85). مدیران، رهبران و پیشنه‌ازان مسیر موفقیت سازمان‌ها هستند؛ به طوری که اثربخشی و هدایت فعالیت‌های کارکنان و منابع سازمان به عهده مدیران است که در این میان، مدیران راهبردی تأثیرگذارترین جایگاه در سازمان را به خود اختصاص داده‌اند (Bordbar, et al., 2021: 250). مدیران سطوح راهبردی در عالی‌ترین سلسله

مراتب سازمان قرار دارند و رفتار و نحوه اعمال مدیریت راهبردی و تدابیری که برای راهنمایی منابع انسانی در سازمان اعمال می‌کنند، اثرات وسیع و بلندمدتی بر جای می‌گذارد. به همین جهت، باید در انتخاب و گزینش مدیران شایسته بر اساس الگوی مناسب توجه ویژه‌ای مبذول داشت (حمیدی‌زاده و احمدی، ۱۳۹۳: ۹۷). همچنین با وجود تحولات و سرعت سریع رقابت میان سازمان‌ها، مدیران عضو اصلی در بالابردن پرچم موفقیت هر سازمان هستند؛ چراکه مدیران راهبردی سکاندار اجرا و عملیاتی‌کردن مهارت‌ها و تخصص کارکنان در دریای رقابتی سازمان‌ها هستند (جامعی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۲۱). اهمیت مسئولیت مدیران راهبردی بیان می‌دارد که مأموریت درست آنان در برنامه‌ریزی و انجام استراتژی‌های مهم سازمانی در کامیابی و دستیابی به چشم‌انداز سازمانی تأثیر دارد (Kiiza & Basheka, 2018: 97). امروزه اما ورود و استفاده مناسب از بازار متحول در جهت منافع سازمانی مستلزم وجود متولیان و مدیران کارآمد منابع انسانی در سطوح مختلف سازمان برای رهبری و هدایت درست منابع است؛ از جمله نقش‌هایی مانند حمایت‌گری کارکنان، ارزیابی و توسعه سرمایه‌های انسانی، شریک استراتژیک و رهبری منابع انسانی است که در واقع ایفاکردن نقش‌های حیاتی در سازمان بازتاب بالایی در موفقیت و پیشبرد اهداف سازمان در شرایط تحول‌گرایانه دارد که این امر مستلزم مهارت‌ها و شایستگی‌های درخور جایگاه‌های مهم سازمانی است (Yazdanshenas, 2021: 542). وجود شایستگی، لازمه کیفیت کاری مشاغل در سازمان‌هاست. رویکرد شایستگی کارکنان، امکان رشد و ارتقای منابع انسانی هم‌راستا با شایسته‌سالاری در سازمان را فراهم می‌آورد که ایجاد این نگرش مستلزم شایستگی مدیران سازمان است (Brown, George & Mehaffey-Kultgen, 2018: 123). به همین دلیل، می‌توان با ارزیابی شایستگی و مهارت‌های مدیران راهبردی از طریق ابزارهای سنجشی، مانند عملکرد کاری، شایستگی‌های اخلاقی و رفتاری، توانایی رهبری و هدایت درست و...، دستیابی به اهداف سازمان را از طریق راهبرد و راهنمایی درست منابع انسانی میسر کرد (عباس‌پاشا، کیاکجوری و تقی‌پوریان گیلانی، ۱۴۰۰: ۲۷۳). آستان قدس رضوی نیز به‌شدت در معرض دگرگونی و تحولات در زمینه سرمایه انسانی و مسئولیت‌های اجتماعی قرار گرفته است و در راستای چشم‌انداز بیست‌ساله آستان قدس رضوی و مسائلی از این قبیل، نیازمند وجود مدیرانی است که از بیشترین بلوغ با بهترین قابلیت‌ها و شایستگی‌ها جهت اداره امور و مدیریت مطلوب‌تر

با هدف افزایش اثربخشی و کارایی سازمانی و جلوگیری از هدررفت منابع برخوردار باشند؛ در نتیجه سؤال اصلی پژوهش حاضر عبارت است از: ابعاد و مؤلفه‌های شایستگی‌های مدیران راهبردی حرم چیست؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

شایستگی به مجموعه توانمندی‌ها و مهارت‌های شغلی کارکنان گفته می‌شود که در بهبود فعالیت‌ها و عملکرد بهتر، مؤثر است و عملکرد افراد را تخصصی و اثربخش‌تر می‌کند. شایستگی، ویژگی درونی فرد است که با عملکرد عالی در یک شغل، رابطه مستقیم دارد (Crans, et al., 2021: 678). شایستگی‌ها را می‌توان این‌گونه تقسیم کرد: شایستگی‌های مورد نیاز که توانمندی ضروری را برای حداقل عملکرد در انجام یک وظیفه مشخص می‌سازد و شایستگی‌های بالا که بر اساس آن‌ها، نتایج به‌دست‌آمده، بالاتر از میانگین و عملکرد بالاتری است و تخصص بسیاری را در شغل ایجاد می‌کند (Heymann, et al., 2022: 390). نزدیک‌ترین تئوری به بحث شایستگی‌های مدیران، تئوری منبع‌محور است. تئوری مبتنی بر منابع^۱ که به دیدگاه و تئوری منبع‌محور شناخته می‌شود، توسط ورنرفلت (Wernerfelt, 1984) در ادبیات مدیریت استراتژیک، رایج و توسط متخصصان دیگر بررسی و تکمیل شد. تئوری منبع‌محور نگاه ویژه‌ای به منابع سازمان دارد و کسب مزیت رقابتی از طریق تهیه و تدوین راهبردهای منابع سازمان را امکان‌پذیر می‌داند. در واقع، این رویکرد بیان می‌کند، هر سازمانی مجموعه‌ای از منابع و قابلیت‌ها را دارد که زیربنایی را برای راهبردهای سازمان فراهم می‌کند و این منابع و قابلیت‌ها، منبع اصلی بازدهی و سود شرکت هستند.

رمضان‌پناه (۱۳۹۹) در پایان‌نامه خود به طراحی مدل شایستگی با رویکرد توسعه مدیران سطوح عالی و میانی شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران پرداخته است. این پژوهش با رویکرد آمیخته انجام شده است. میدان پژوهش، مدیران عالی و میانی شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران هستند. داده‌های حاصل با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحت تحلیل عاملی اکتشافی قرار گرفتند تا شاخص‌های مدل حاصل از بخش کیفی مورد بررسی قرار بگیرد. با توجه به نتایج مشاهده‌شده

در آزمون‌ها، یافته‌های تحلیل عاملی اکتشافی، با مدل اولیه پژوهش مطابقت دارد. مدل شایستگی مدیران عالی و میانی در سه بُعد فردی، میان فردی و اجرایی، ۱۱ مؤلفه و ۴۶ شاخص طراحی شده است و تفاوت دو مدل تنها در میزان اهمیت شایستگی‌ها برای مدیران عالی و میانی است. الگوی توسعه مدیران با دو روش کلی، توسعه سازمانی و خودتوسعه‌ای ارائه شده است و روش‌های توسعه لازم برای هر شایستگی موجود در مدل طراحی شده، ارائه شده است. شایستگی باعث ایجاد مهارت‌ها و توانمندی‌های شغلی افراد برای اجرای سیاست‌های تعیین شده سازمانی می‌شود که جایگاه افراد را برحسب شایستگی و تخصص‌ها می‌توان شناسایی کرد. امروزه این رویکرد بسیار مورد توجه صاحب‌نظران و صاحبان مشاغل است؛ به گونه‌ای که در ادبیات امروزی منابع انسانی مورد تأکید بسیار قرار دارد (Otoo, 2020: 1353).

روش مبنی بر شایستگی به شکل امروزی توسط شرکت هی-مک بر^۱ که مؤسس آن مک کلند^۲ روان‌شناس برجسته دانشگاه هاروارد بود، در اواخر دهه ۱۹۶۰ ارائه شد. مک کلند، کار را با بیان متغیرهایی از شایستگی و مهارت‌ها آغاز کرد که می‌توانستند عملکرد شغلی بهتر را فراهم کنند و تحت تأثیر جنسیت، نژاد یا عوامل اجتماعی و اقتصادی بودند. در سال ۱۹۸۲، بویاتزیس^۳ از طریق ایجاد مدلی منطقی و منسجم تحت عنوان شایستگی مدیریت، یکی از مهم‌ترین بنیان‌های «نهیضت شایستگی را بنا نهاد». مینتزبرگ و کاتز^۴ «نیز از پیشگامان نظریه‌پردازی در حوزه شایستگی مدیران هستند (Chang-Howe, 2019:19).

طبق رویکرد صفت‌مدار «اسپنسر و اسپنسر»^۵ شایستگی، ویژگی زیربنایی فرد است که با عملکرد اثربخش ملاک‌مدار یا عملکرد برتر در یک شغل یا جایگاه، رابطه دارد. در عین حال برای شایستگی، تعاریف متعددی ارائه شده است (Byukusenge, Munene & Orobia, 2021: 445). طبق تعریفی دیگر، شایستگی‌ها، ویژگی و رفتارهایی هستند که در مهارت‌ها و توانایی‌ها آشکار می‌شوند و عملکرد مؤثر در یک شغل خاص را به وجود می‌آورند (Kundu, Mor & Gahlawat, 2021: 834)؛ به گونه‌ای که جاری (۱۴۰۰) در پژوهش خود به ارزیابی شایستگی‌های مدیران

-
1. Hey-McBarr
 2. Clarence McClelland
 3. Boyatzis
 4. Mintzberg & Katz
 5. Spencer & Spencer

واحدهای تولیدی ورزشی شمال غرب کشور به روش بازخورد چندمنبعی پرداخته است. در این پایان‌نامه از ۲۳ واحد تولیدی ورزشی فعال شناسایی شده، ۹ مورد حاضر به همکاری شدند و در مجموع ۹۰ بازخورد قابل قبول از منابع بازخورددهنده (مافوق، همکاران، خودارزیابی، کارکنان خط تولید و فروشندگان) به دست آمد. به منظور طبقه‌بندی و توصیف داده‌های جمع‌آوری شده، از شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار و دامنه تغییرات) و با توجه به غیرنرمال بودن توزیع داده‌های متغیرهای پژوهش، از طریق آزمون‌های کولموگروف-اسمیرنوف^۱ و شاپیرو-ویلک^۲، از آزمون‌های آماری غیرپارامتریک دوجمله‌ای، فریدمن^۳، کروسکال-والیس^۴، اسپیرمن و کندال^۵، توسط نسخه ۲۲ نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس^۶، جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ استفاده شد. نتایج نشان داد که مدیران جامعه آماری پژوهش، از نظر شایستگی‌های مربوطه در وضعیت مطلوبی قرار دارند؛ با وجود این، بُعد «کنترل واحد فروش» آن‌ها به طور معنی‌داری در سطح پایین‌تری قرار دارد؛ درحالی‌که مؤسسه نشنال پارک سرویس امپلوییز^۷ شایستگی را مجموعه‌ای از توانمندی و ویژگی‌های افراد در انجام یک فعالیت شغلی می‌داند که زمینه بروز توسعه و رشد فرد در مسیر رسیدن به موفقیت را فراهم می‌کند. این تعریف مؤلفه توانایی را نیز به مؤلفه‌های شایستگی افزوده است.

شایستگی، ترکیبی از مهارت‌ها، دانش و نگرش‌های مورد نیاز برای انجام یک نقش به گونه‌ای کارا و با ارزش است (Kundu, Mor & Gahlawat, 2021: 834). همچنین در پژوهشی به بررسی و مطالعه شایستگی‌های مدیریتی و عملکرد تجاری و نقش نوآوری به‌عنوان میانجی در اس‌ام‌ای^۸‌های اوگاندا پرداخته‌اند (Byukusenge, Munene & Orobia, 2021: 445). عملکرد یک شرکت، وابسته به بسیاری از عوامل، مانند نوآوری در آن شرکت و وجود مهارت‌های فردی خاص در افراد آن شرکت است. این عوامل با یکدیگر در ارتباط و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم

-
1. Kolmogorov-Smirnov test
 2. Shapiro-Wilk
 3. Friedman
 4. Kruskal-Wallis
 5. Spearman & Kendall
 6. Spss
 7. National Park Service Employees
 8. SME

بر عملکرد یک شرکت مؤثر هستند. نظریه‌های بسیاری در زمینه شایستگی کارآفرینانه داده شده است. در واقع شایستگی‌های کارآفرینانه، درگیر شدن مدیران در نقش‌ها و مهارت‌هایی شامل: نقش‌های کارآفرینی، مدیریتی و نقش‌های وظیفه‌ای است. یافته‌ها نشان داد که نوآوری، یک واسطه مهم در ارتباط بین شایستگی‌های مدیریتی و عملکرد تجاری است؛ بنابراین این مطالعه با بیان اینکه نوآوری در عملکرد کسب‌وکار، یک واسطه نسبی در رابطه بین شایستگی‌های مدیریتی و عملکرد تجاری اسامیها در اوگانداست، دانش جدیدی را اضافه می‌کند.

مک لاکان^۱ شایستگی را به موفقیت یک ملت مرتبط کرد و توضیح داد که ثروت کسب‌وکار و ملت‌ها به دانش و مهارت مردم آن‌ها وابسته است. شایستگی‌های مدیریتی برای وظایف مدیریت استفاده می‌شود و به طور کلی می‌تواند در سازمان‌های مشابه اعمال شود (Camuffo & Gerli, 2018: 403). استفاده از شایستگی‌های منابع، توسط مدیریت، استراتژی و چشم انداز سازمان‌های خاص تعیین می‌شوند. به منظور بدست آوردن منافع شایستگی و مدل شایستگی، مدیریت ارشد باید از این ایده حمایت کند و آن را بپذیرد (رحیمی و میرجعفری اردکانی، ۱۳۹۹: ۱). همچنین، شایستگی‌ها می‌تواند برای تطبیق فرد مناسب برای شغل خاص مورد استفاده قرار گیرد. برخی از مدیران، شایستگی‌ها را معیاری برای توضیح اینکه چه مهارت‌هایی را یک فرد دارد و چه مهارت‌هایی را یک فرد برای یک شغل به‌خصوص نیاز دارد، می‌دانند (Bird, 2019: 115). از طرفی اسماعیلی (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی و ارائه الگوی شایستگی‌های مدیران اسلامی- ایرانی پرداخته است. با استفاده از الگوی تحلیل شبکه‌ای می‌توان نسبت به وزن‌دهی و تعیین اولویت شایستگی‌های مدیران اقدام کرد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزارهای SPSS و Super Decision استفاده شده است. نتایج نهایی شایستگی‌های مدیران نشان می‌دهد که شایستگی عدالت از معیار اصلی تعهد، با ۰/۱۳ دارای اولویت اول و شایستگی داشتن شخصیت مستقل از معیار اصلی کفایت، با ۰/۲۰ دارای اولویت آخر است.

اهمیت شایستگی منابع انسانی برای سازمان‌ها

در گذشته، رهبری نیروی انسانی در سازمان به عهده اداره آمار و امور اداری بود؛ اما امروزه تحت تأثیر عوامل بیرون‌سازمانی، بالاخص تطابق قابلیت رهبری امور کارکنان با نیازهای جدید، امور مربوط به منابع انسانی در رابطه با رسالت و اهداف سازمان و در نظر داشتن چالش‌های محیطی سازمان‌دهی می‌شود (Mohd Ali, Shafii & Shahimi, 2020: 377). بر این اساس، اهمیت عامل انسانی و نقش منحصربه‌فرد او به منزله یک منبع استراتژیک و مجری برنامه‌ها و فراگردهای سازمانی، جایگاهی به مراتب والاتر از گذشته یافته است؛ تا جایی که در تفکر سازمانی پیشرفته، از انسان به مثابه مهم‌ترین منبع و دارایی برای سازمان یاد می‌شود (Yazdanshenas, 2021: 542)؛ به‌طوریکه، ترکمنی (۱۴۰۰) در پژوهشی به ارزیابی شایستگی‌های مدیران با الگوی ۳۶۰ درجه و رتبه‌بندی با تکنیک چندمعیاره تاپسیس^۱ در اداره کل راه‌آهن خراسان پرداخته است. الگوی ارزیابی ۳۶۰ درجه، روشی جامع در ارزیابی شایستگی‌های مدیران است و این مقاله در یک پژوهش میدانی در اداره کل راه‌آهن خراسان و با استفاده از یک پرسشنامه معتبر که تأییدیه روایی به روش خبرگی و پایایی به روش ضریب آلفای کرونباخ انجام شد، ۱۲ عنوان شایستگی مدیران که در سه بُعد ویژگی عملکردی، سازمانی و رفتاری طراحی شده است و با استفاده از نظرات ۴ ذی‌نفع «خودارزیابی، نیروهای تحت سرپرستی، مدیران هم‌رده و مافوق» برای ۴۱ نفر از مدیران، مورد ارزیابی قرار گرفت. ارزیابی توسط سه معیار میانگین امتیازات، پراکندگی نظرات و میزان شناخت ارزیابی‌کننده نسبت به ارزیابی‌شونده صورت پذیرفت که توسط روش آنتروپی شانون^۲ وزن‌دهی شد و سپس رتبه‌بندی مدیران با تکنیک تصمیم‌گیری چندمعیاره تاپسیس انجام شد. همچنین، زارع میرک‌آباد (۱۳۹۹) در پایان‌نامه خود به بررسی نقش شایستگی‌های مدیران بر تسهیم دانش، عملکرد شغلی و وفاداری کارکنان (مورد مطالعه: شبکه بهداشت و درمان شهرستان مهریز) پرداخته است. نتایج نشان داد که تسهیم دانش بر عملکرد شغلی و وفاداری کارکنان تأثیر معناداری دارد و علاوه بر این عملکرد شغلی نیز بر وفاداری کارکنان تأثیر معناداری داشته است که این نشان‌دهنده اهمیت شایستگی‌ها در وفاداری کارکنان نیز هست. امروزه

1. Topsis

2. Shannon Entropy

سازمان‌ها برای بقا، توسعه و رشد خود می‌کوشند از طریق منابع انسانی شایسته در گستره جهانی به رشد وسیع، بهبود مستمر، کارآمدی، سودبخشی، انعطاف‌پذیری، آمادگی برای آینده و برخورداری از موقعیت ممتاز در عرصه فعالیت خود نایل شوند. در واقع منابع انسانی شایسته کلید موفقیت‌های سازمانی به شمار می‌آید. متأسفانه در زمینه اهمیت شایستگی و توانمندی منابع انسانی، به‌شدت سهل‌انگاری می‌شود و در عمل، نقش حیاتی و استراتژیک آن نادیده گرفته می‌شود. این امر در حالی است که در دنیای کنونی، عامل انسانی و نقش منحصر به فرد آن در سازمان‌ها اهمیت فراوانی یافته است. سه روند و بحران عمده‌ای که در اهمیت مدیریت امور شایستگی کارکنان و منابع انسانی تأثیر می‌گذارد را می‌توان چنین برشمرد: ۱. هزینه‌های به-کارگیری نیروی انسانی متخصص، ۲. بحران بهره‌وری و ۳. شتاب و پیچیدگی فزاینده دگرگونی‌های اجتماعی، فرهنگی، حقوقی، جمعیتی و آموزشی و پرورشی (Bordbar, et al., 2021: 250).

همچنین اهمیت را در پژوهش گاندن (Ganaden, 2020) که تحت عنوان صلاحیت مدیریتی مدیران دبیرستان‌های آزمایشگاهی دانشگاه‌ها و دانشکده‌های دولتی در منطقه ۳، فیلیپین انجام داد، نشان داد. این مطالعه با هدف تحلیل صلاحیت مدیریتی مدیران انجام شد. پاسخ‌دهندگان این مطالعه شامل ۱۱ مدیر و ۱۱۰ معلم در دبیرستان‌های آزمایشگاهی دانشگاه‌ها و دانشکده‌های دولتی در منطقه ۳، فیلیپین بودند. نتایج نشان داد که مدیران دبیرستان‌های آزمایشگاه همیشه توانایی‌های خود را در زمینه رهبری، پیشرفت و تعالی شخصی و تعامل با جامعه نشان می‌دهند. با این حال، مطالعه نشان داد که مدیران برای بهبود تفکر استراتژیک و نوآوری و جنبه‌های صلاحیت مدیریت، مدیریت نیاز دارند. این مطالعه اختلاف معنی‌داری را در خصوصیات ادراکی صلاحیت مدیریتی هنگامی که پاسخ‌دهندگان بر اساس جنسیت گروه‌بندی شده‌اند، نشان نداد. علاوه بر این، نتیجه تجزیه و تحلیل تفاوت در تعالی شخصی مدیران و صلاحیت‌های مدیریتی، مدیریتی را تعیین می‌کند که بر اساس بالاترین سطح تحصیلات پاسخ‌دهندگان گروه‌بندی شود. این مطالعه نشان می‌دهد که دانشگاه‌ها و دانشکده‌های دولتی در منطقه ۳ ممکن است فعالیت‌هایی را طراحی و پیگیری کنند که می‌تواند به بهبود تفکر استراتژیک و نوآوری و جنبه‌های صلاحیت رهبری مدیریتی مدیران با هدف پاسخگویی کافی به انتظارات و خواسته‌های روزافزون

دانشجویان و سایر ذی‌نفعان این بخش دبیرستان‌های آزمایشگاهی کمک کند. از طرفی یزدان‌شناس (Yazdanshenas, 2021: 542) در مقاله‌ای به مطالعه خودارزیابی‌های اصلی و شایستگی‌های مدیران پروژه پرداخته است. الزامات مرتبط با شایستگی‌ها و مهارت‌های زندگی کاری یک مدیر پروژه به صورت ثنوری، شایستگی‌های آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عنوان یک نتیجه بسیار ارزشمند این پژوهش می‌توان گفت نظر جمعی در مورد شایستگی‌های بسیار مهم شغل یک مدیر پروژه باید هنگام استخدام و ارتقا مدیر پروژه در نظر گرفته شود.

کاربرد شایستگی‌ها

مهم‌ترین نقش مدل شایستگی ارائه تصویری دقیق درباره دانش و مهارت‌های مدیریتی است. این مدل شیوه‌ای را برای تمرکز و دقت درباره دانش و مهارت‌های مورد نیاز مدیران، در سطوح شغلی متفاوت در نقش‌ها و جایگاه‌های مختلف ارائه می‌دهد. دلیل بروز حساسیت‌ها و دغدغه‌های موجود در مورد پرداختن به مقوله شایستگی مدیران، اهمیت و جایگاه مدیران و حساسیت جامعه نسبت به فعالیت‌ها و نحوه عملکرد آن‌هاست که موجب شده است شناخت شایستگی‌های لازم برای مدیران از اهمیت بسیار زیادی برخوردار شود (Shet, Del Giudice & Rammal, 2022: 85)؛ چراکه بردبار و دیگران (Bordbar, et al., 2021: 250) در پژوهشی به ارائه یک تجربه ایرانی در زمینه توسعه شایستگی منابع انسانی پرداخته‌اند. در همین زمینه، کیفیت سرمایه انسانی، نقش حیاتی را در موفقیت سازمان ایفا می‌کند. برخی از سازمان‌ها از مدل‌های شایستگی منابع انسانی به عنوان استراتژی منابع انسانی استفاده می‌کنند تا با به‌کارگیری این مدل‌ها در سیستم‌های منابع انسانی، عملکرد خود را بهبود بخشند. نتایج حاکی از آن است که در صورت به‌کارگیری مدل شایستگی کارکنان به عنوان یک عامل راهبردی در سطح کلان، می‌توان بهبود عملکرد سازمان را انتظار داشت. شایستگی‌های شناسایی شده در این پژوهش این‌گونه طبقه‌بندی شد: الف. شایستگی‌های مشترک (عمومی)، شامل ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی، شایستگی ادراکی، تعالی‌طلبی و شایستگی بین‌فردی است، ب. شایستگی‌های ویژه، شامل ۱. شایستگی‌های فنی و شغلی و ۲. شایستگی‌های سازمانی که زیرشایستگی‌هایی، نظیر شایستگی کسب‌وکار، رهبری، مدیریت عملکرد، تفکر استراتژیک و تصمیم‌گیری را دربرمی‌گیرد، است. در واقع، شناخت

شایستگی‌های لازم از یک سو می‌تواند ابزار بسیار مفید و پایه‌ای در ارزیابی و رشد مدیران در جهت شناخت بهتر مهارت‌های آنان باشد و از سوی دیگر وسیله‌ای جهت شناسایی، توسعه، ارتقا و پرورش افرادی که مستعد جایگاه مدیریت هستند؛ در نتیجه آنچه در زمینه شایستگی‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است، رسیدن به فهرستی دقیق و مناسب از شایستگی‌های مورد نیاز مدیران در سطوح مختلف در سازمانی خاص است (Ransom & Yassine, 2019: 128).

یکی از بهترین و مناسب‌ترین رویکردها برای نایل شدن به این مهم، به‌کارگیری رویکرد شایستگی در مدیریت منابع انسانی است. در واقع مدل‌های شایستگی می‌تواند به عنوان شیوه‌ای برای یکپارچه کردن اقدام‌های مختلف منابع انسانی به کار رود. این بدین معناست که می‌توان هر یک از زیرسیستم‌های مدیریت منابع انسانی را بر اساس شایستگی، طراحی کرد و برنامه‌ای تعیین شده بر اساس شایستگی‌ها در جهت موفقیت فعالیت‌ها بنا نهاد (موسوی فرد و کبوتری، ۱۴۰۰: ۴۴۶). با این حال، فرهیخته و دیگران (۱۳۹۹) پژوهشی را تحت عنوان «طراحی الگوی شایستگی مدیران قضایی ایران» انجام دادند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تعهد و عدالت در دستگاه قضایی، پدیده محوری و اصلی است. این عامل نشان می‌دهد برقراری عدالت مهم‌ترین عنصر در دستگاه قضایی است. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که الگوی پژوهش، از شرایط علی (ویژگی‌های شخصیتی، عوامل اخلاقی، دانش تخصصی و عوامل اعتقادی و معنوی)، عوامل زمینه‌ای (شناخت محیط کاری، انتصاب پلکانی در سازمان، تفکر راهبردی دستگاه قضایی، داشتن سرمایه اجتماعی، مدیریت ارتباطات) مقوله محوری (تعهد و عدالت)، متغیرهای مداخله‌گر (رفتارهای سیاسی، مدیریت محیط)، راهبردها (برنامه‌ریزی راهبردی، هدف‌گذاری، رهبری و کنترل) و پیامدها (سلامت قضایی، شایسته‌گزینی و تعالی جویی دستگاه قضایی)، برای شایستگی مدیران قضایی تشکیل شده است. همچنین، بسیجی و دیگران (۱۳۹۹) پژوهشی را تحت عنوان «ارائه مدل شایستگی مدیران بازاریابی بین‌المللی» انجام دادند. بر اساس تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته، پدیده اصلی این پژوهش را «شایستگی‌های مدیران بازاریابی بین‌الملل» تشکیل می‌دهد که متأثر از شرایط علی (هوش ریاضی، هوش فرهنگی و ویژگی‌های فردی)، عوامل زمینه‌ای (عملکرد رایزن‌های ایرانی و عملکرد اتاق‌های بازرگانی) و عوامل مداخله‌گر (شرایط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) است و از طریق راهبردهایی نظیر تجربه کار و زندگی در کشور

مقصد، انجام تحقیقات گسترده و نظام‌مند پیرامون بازار، مشتریان و مصرف‌کنندگان و تشکیل شبکه روابط گسترده، می‌تواند پیامدهایی از جمله ارتقای جایگاه برند ملی، افزایش آگاهی از برند ایرانی و افزایش ارزش برند ملی را به همراه داشته باشد.

مدل شایستگی

مدل شایستگی تصویری از مهارت‌ها و توانمندی‌های مورد نیاز یک شغل خاص در جهت کارایی و عملکرد بالاست که میزان اهمیت شایستگی متناسب با عملکرد را نشان می‌دهد که در مشخص کردن مسیر بهتر جایگاه شغلی افراد بر حسب شایستگی سهم بسزایی دارد (Byukusenge, Munene & Orobia, 2021: 445). مدل شایستگی چهارچوبی برای تعریف مهارت‌ها و دانش لازم در یک شغل است. مدل شایستگی در واقع مجموعه‌ای از توانمندی‌ها و مهارت‌هاست که در کنار هم، باعث عملکرد شغلی موفق در یک سازمان می‌شوند. در همه کسب‌وکارها، برای تعریف و ارزیابی شایستگی‌های موجود در سازمان (چه مهارت‌های نرم و چه مهارت‌های سخت) از مدل‌های شایستگی استفاده می‌کنند. این مدل‌ها یکی از مؤلفه‌های کلیدی برای فرایند استخدام و همچنین فعالیت‌های مدیریت عملکرد و استعداد در نهادهای منابع انسانی شناخته می‌شوند (یکتاسرشت و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۴۲). همچنین ارزش‌یابی شایستگی، اغلب به برنامه‌های آموزشی و محتوای آموزشی (چه به صورت رسمی و چه به صورت غیررسمی) کمک زیادی می‌کند. مدل‌های شایستگی، ابزار ارزشمندی هستند که واحدهای منابع انسانی و نهادهای آموزشی جهت تعریف مهارت‌ها و دانش لازم برای مشاغل مختلف از آن‌ها استفاده می‌کنند تا بتوانند عملکرد و شایستگی‌های افراد را ارزیابی کنند و به کمک آن به طراحی استراتژی کسب‌وکار بپردازند (درهمی، مکاری و حاجی‌یخچالی، ۱۳۹۹: ۳۲۰). می‌توان برای مشاغل مخصوص، گروه‌ها، جایگاه‌ها، صنایع و سازمان‌های مختلف، مدل‌های شایستگی مختلفی طراحی کرد. در بعضی حوزه‌های ویژه، مانند فروش و رهبری، این شایستگی‌های لازم را مورد مطالعه قرار داده‌اند و بر سر مهارت‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای مورد نیاز آن (جهت رسیدن به موفقیت) به توافق‌هایی جمعی رسیده‌اند. در واقع مدل‌های شایستگی، ابزار مفیدی در شناسایی و مشخص کردن نقاط ضعف و قوت کارکنان و منابع انسانی است که این در حالی است که وجود چنین

برنامه‌ای که ارزیابی را راحت‌تر می‌کند باعث از بین بردن فاصله میان وظایف و مهارت کارکنان می‌شود (اسماعیلی، ۱۴۰۰: ۲۱۵).

سازمان‌ها معمولاً برای اینکه چارچوبی از مدل‌های شایستگی رسم کنند، دانش و مهارت‌های لازم را به گروه‌های مخصوصی، از جمله اثربخشی شخصی، شایستگی‌های آموزشی، فنی، شغلی، شایستگی‌های مربوط به صنعت، مدیریت و شایستگی‌های محل کار تقسیم می‌کنند (Kiiza & Basheka, 2018: 97). رشد سریع فناوری‌های اینترنت‌محور یکی دیگر از عواملی است که باعث اهمیت مدل‌های شایستگی در سازمان شده است. برای مثال، سازمان‌ها می‌توانند پروفایل‌های موفقیت (ابزاری که برای همخوانی ویژگی‌های فردی با شغل مورد نیاز او استفاده می‌کنند) را در فرایندهای مدیریت استعداد، درگاه‌های یادگیری و فرایندهای آموزشی مورد استفاده برای بیان و بازسازی محتوا جای دهند. مدل‌های مؤثر همچنین مبنایی برای هم-راستایی شایستگی با استراتژی سازمانی ایجاد می‌کنند که به گفته مشاوران آموزشی، یکی از مهم‌ترین روش‌های برتر است. علاوه بر آن، این مدل‌ها به سازمان اجازه می‌دهند بین تخصص کارمندان، فرایندها و ارزیابی‌های منابع انسانی و اغلب اهداف سازمان از فعالیت‌های منابع انسانی همخوانی ایجاد کنند (اسماعیلی، ۱۴۰۰: ۲۱۵).

سازمان مدل شایستگی^۱ تحت حمایت وزارت کار آمریکا، به سازمان‌هایی که می‌خواهند مدل‌های شایستگی بسازند توصیه می‌کند از پنج مرحله زیر استفاده کنند:

۱. جمع‌آوری اطلاعات: این مرحله شامل فهرست کردن منابع موجود، سازمان‌دهی منابع، مقایسه محتویات فهرست با چارچوب قطعات سازنده و تشخیص خصوصیات مشترک آن‌ها برای یک مدل صنعت می‌شود.

۲. توسعه چارچوب مدل شایستگی به صورت پیش‌نویس: در این مرحله باید مضمون و الگوهای موجود در اطلاعات را شناسایی و آن اطلاعات را با حوزه‌های محتویات مرتبط کنید.

۳. جمع‌آوری بازخورد از متخصصان: در صورت امکان متخصصانی از بخش‌های فرعی صنعت و مکان‌های جغرافیایی مختلف انتخاب کنید تا با استفاده از دیدگاه‌های آن‌ها به تصویر بزرگ‌تری برسید.

۴. اصلاح چهارچوب: در صورت نیاز، شایستگی‌های نامرتب را حذف یا شایستگی‌های مناسبی را به فهرست اضافه کنید.

۵. اعتباربخشی به چهارچوب: در این مرحله حیاتی باید اطمینان حاصل کنید که کاربران این مدل شایستگی را تأیید و از آن پیروی می‌کنند (Mohd Ali, Shafii & Shahimi, 2020: 377). بهتر است رهبران ارشد از این مدل‌های شایستگی حمایت کنند. همچنین با فرهنگ و استراتژی کسب‌وکار همخوانی داشته و بر اساس تحقیقات و فعالیت‌های مدیریت استعداد بنا شده باشند. در نهایت اهمیت مدل‌های شایستگی در سازمان را دست کم نگیرید (درهمی، مکاری و حاجی-یخچالی، ۱۳۹۹: ۳۲۰).

در پژوهش حاضر به دلیل اهمیت موضوع، اهداف زیر مد نظر قرار داده شده است.

هدف اصلی پژوهش

شناسایی و تبیین شایستگی‌های مدیران راهبردی حرم مطهر آستان قدس رضوی.

اهداف فرعی پژوهش

- ۱- شناسایی ابعاد شایستگی مدیران در حرم مطهر؛
- ۲- شناسایی مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده ابعاد شایستگی مدیران در حرم مطهر؛
- ۳- بررسی اعتبار مدل استخراج‌شده از پژوهش؛
- ۴- اولویت‌بندی شایستگی‌های مدیران حرم مطهر.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است چرا که نتایج به دست آمده می‌تواند مورد استفاده مدیران ارشد آستان قدس قرار گیرد و روش پژوهش برای ارائه مدل شایستگی، روش تحقیق ترکیبی (کیفی و کمی) است. در بخش کیفی پژوهش از مصاحبه و در بخش کمی از پرسشنامه استفاده شده است.

پرسش‌های پژوهش

۱. شایستگی مدیران راهبردی حرم شامل چه ابعادی است؟
 ۲. مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده ابعاد شایستگی‌های مدیران راهبردی حرم کدامند؟
 ۳. آیا مدل استخراج‌شده از پژوهش معتبر است؟
 ۴. اولویت‌بندی شایستگی‌های مدیران راهبردی حرم چگونه است؟
- برای پاسخگویی به دو سؤال اول، از روش کیفی بهره گرفته شده و پاسخ دو سؤال ۳ و ۴ از روش کمی به دست آمدند. بدین صورت که ابتدا از روش کیفی و ابزار مصاحبه برای پاسخ به دو سؤال و سپس از روش کمی برای پاسخ به دو سؤال آخر با ابزار پرسشنامه استفاده شد. در پاسخ به سؤالات اول و دوم پژوهش که شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های شایستگی‌های مدیران راهبردی حرم مطهر است، از روش تحلیل محتوا استفاده شد. در تحلیل مضمون، پس از مطالعه دقیق متن مصاحبه‌ها، از روش برش متن بهره گرفته شد و جملاتی که از نظر معنایی مناسب‌تر بودند، در کنار یکدیگر قرار گرفتند. بدین صورت که با چندین بار مطالعه متن هر مصاحبه و قراردادن جملات مشابه در کنار هم، مقوله‌های فرعی (مؤلفه‌ها شایستگی) شناسایی شد و این مقوله‌های فرعی مبنایی را برای شکل‌گیری مقوله‌های اصلی (ابعاد شایستگی) تشکیل دادند.
- با توجه به اینکه این پژوهش، ابتدا به دنبال شناسایی مؤلفه‌ها و ابعاد شایستگی‌های مدیران حرم است، پس دارای رویکردی قراردادی است؛ چراکه با جست‌وجو در داده‌های خام، قصد شناسایی مؤلفه‌های شایستگی و شکل‌گیری ابعاد وجود دارد. به همین دلیل بعد از مصاحبه با تعدادی از صاحب‌نظران و مدیران ستادی حرم مطهر رضوی، سطر به سطر مصاحبه‌ها به جهت مشخص کردن ویژگی‌های مشترک و رمزگذاری، بررسی و مؤلفه‌های شایستگی شناسایی شدند؛ سپس با توجه به شباهت مؤلفه‌های شایستگی، ابعاد شایستگی شناسایی شدند. بعد از بررسی و مشخص شدن ابعاد شایستگی‌های مدیران حرم مطهر رضوی و تأیید روایی و پایایی پژوهش کیفی با نظرات اساتید، مدل پژوهش تعیین شد که بررسی روایی و پایایی از طریق نظرات اساتید جهت اطمینان‌پذیری تحقیق کیفی صورت گرفت. در ادامه پس از تأیید اعتبار مدل با روش‌های آماری، به اولویت‌بندی ابعاد با نظر خبرگان به تعداد ۲۰ نفر پرداخته شد.

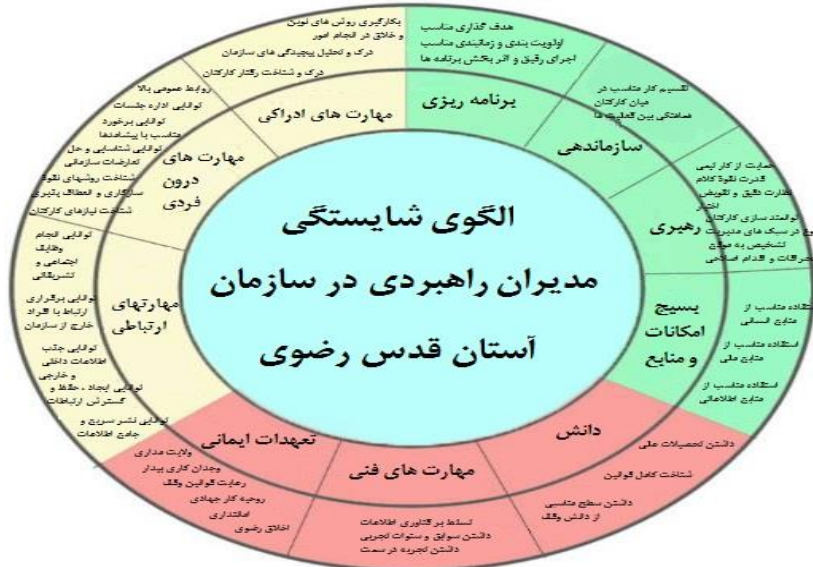
در این پژوهش خبرگان به اشخاصی اطلاق می‌شود که دارای ویژگی‌هایی همچون دارابودن حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی، دارابودن حداقل ۳ سال سابقه مدیریتی در آستان قدس رضوی، آشنایی کامل با واحدهای اداری تابعه سازمان مرکزی آستان قدس رضوی، تمایل به همکاری در جهت اعتلای آستان قدس رضوی هستند. بر این اساس (با در نظر گرفتن برخورداری از خصوصیات و ویژگی‌هایی چون دانش، تجربه در موضوع، تمایل، زمان کافی برای شرکت و مهارت‌های ارتباطی مؤثر) تعداد ۲۰ نفر از افراد دارای شرایط فوق به عنوان خبرگان انتخاب شدند. در نهایت، پرسشنامه به دست آمده با توجه به ابعاد اولویت‌بندی شده در اختیار جامعه پژوهش قرار گرفت.

جامعه آماری پژوهش با توجه به توزیع نیروی انسانی حرم مطهر آستان قدس رضوی در دو شاخه اصلی مدیران و رؤسای ادارات است که جمعاً ۹۸ نفر هستند که پرسشنامه‌ها بین این افراد به روش سرشماری جمع‌آوری و تحلیل شد. جهت روایی سازه و به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های کمی پژوهش، از روش تحلیل عاملی دومرحله‌ای برای مدل‌یابی به روش حداقل مربعات جزئی استفاده شده است. مرحله اول شامل تعیین مدل اندازه‌گیری از طریق برآورد روایی و پایایی است و مرحله دوم شامل تحلیل عاملی مرتبه دوم جهت تعیین عوامل است که مقادیر به دست آمده، نشانگر روایی ابزار پژوهش بود. همچنین، جهت پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده و تأیید شد.

یافته‌های پژوهش

حدود ۱۰۰٪ مصاحبه‌شوندگان را آقایان تشکیل دادند. ۵۸ درصد مصاحبه‌شوندگان مدرک کارشناسی ارشد و ۴۲٪ از مصاحبه‌شوندگان مدرک دکترا داشتند. تمامی مصاحبه‌شوندگان دارای سابقه خدمت ۱۵ تا ۳۰ سال خدمت بودند و ۸۰٪ نیز سن ۴۵ تا ۵۵ سال داشتند. پاسخ به دست آمده سؤال اول از مصاحبه انجام شده، نشان داد که همه ۱۰ بُعد برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، رهبری، بسیج منابع و امکانات، دانش، مهارت‌های فنی، تعهدات ایمانی، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های درون‌فردی و مهارت‌های اداراکی، از ابعاد شایستگی مدیران در سازمان حرم مطهر

هستند. همچنین نتایج سؤال دوم حاصل از مصاحبه نشان می‌دهد که همه ۴۳ مؤلفه شناسایی شده، مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده ابعاد شایستگی مدیران در حرم مطهر هستند. با توجه به معنای مؤلفه‌ها و نیز ارتباط آن‌ها با یکدیگر، ابعاد شایستگی مدیران شناسایی شد.



شکل ۱) مدل نهایی شایستگی کارکنان حرم مطهر رضوی

نتایج به‌دست آمده با توجه به پاسخ سؤال ۳ تحقیق نشان می‌دهد مدل پژوهش با توجه به اینکه بر اساس تحلیل عاملی مرتبه اول و دوم استخراج شده است و روایی‌های سازه، همگرا، واگرا، معیار برازش مدل کلی GOF، انجام شده است و این معیارها در حد مطلوب قرار گرفته‌اند؛ پس می‌توان نتیجه گرفت مدل استخراج‌شده معتبر است. همچنین، اولویت‌بندی شایستگی‌های مدیران حرم مطهر ارائه شده است. با توجه به نرمال نبودن متغیرها، اولویت‌بندی برای ابعاد و مؤلفه‌ها با استفاده از آزمون ناپارامتری رتبه‌ای فریدمن انجام می‌شود. اولویت‌بندی برای مؤلفه‌های هر یک از ابعاد، به صورت مجزا در جدول ۱ انجام شده است.

جدول (۱) نتایج آزمون رتبه‌ای فریدمن جهت اولویت‌بندی مؤلفه‌ها

ابعاد	مؤلفه‌ها	میانگین رتبه‌ها	اولویت
برنامه‌ریزی	هدف‌گذاری مناسب	۱/۹۸۰	۳
	اولویت‌بندی فعالیت‌ها و زمان‌بندی مناسب	۱/۹۸۵	۲
	اجرای دقیق و اثربخش برنامه‌های سازمان	۲/۰۳۶	۱
سازمان‌دهی	تقسیم کار مناسب در میان کارکنان	۱/۵۱۵	۱
	هماهنگی بین فعالیت‌ها	۱/۴۸۵	۲
رهبری	حمایت از انجام کار تیمی	۴/۴۷۴	۱
	قدرت نفوذ کلام	۴/۱۰۷	۳
	نظارت دقیق و تفویض اختیار	۴/۱۳۳	۲
	توانمندسازی و پرورش قابلیت‌های کارکنان	۴/۰۷۱	۴
	داشتن تنوع در سبک‌های مدیریت	۳/۵۷۱	۷
	تنوع در به‌کارگیری سبک‌های رهبری	۳/۷۶۰	۶
	تشخیص به موقع انحرافات در روند انجام فعالیت‌ها و انجام اقدامات اصلاحی	۳/۸۸۳	۵
بسیج منابع و امکانات	استفاده مناسب از منابع انسانی	۱/۹۹۵	۳
	استفاده مناسب از منابع مالی	۲/۰۰۰	۲
	استفاده مناسب از منابع اطلاعاتی	۲/۰۰۵	۱
دانش	داشتن تحصیلات عالی	۱/۹۴۴	۲
	شناخت کامل قوانین	۲/۱۲۲	۱
	داشتن سطح مناسبی از دانش وقف	۱/۹۳۴	۳
مهارت‌های فنی	تسلط بر فناوری اطلاعات	۱/۹۴۴	۳
	داشتن تخصص لازم در شغل	۱/۹۴۹	۲
	داشتن سوابق و سنوات تجربی	۲/۱۰۷	۱
تعهدات ایمانی	ولایت‌مداری	۳/۴۱۸	۴
	وجدان کاری بیدار	۳/۷۹۱	۱
	رعایت قوانین وقف	۳/۴۲۳	۳
	روحیه کار جهادی	۳/۳۲۷	۶

ابعاد	مؤلفه‌ها	میانگین رتبه‌ها	اولویت
	امانتداری	۳/۶۳۳	۲
	اخلاق رضوی	۳/۴۰۸	۵
مهارت‌های ارتباطی	توانایی انجام وظایف اجتماعی و تشریفاتی	۳/۰۴۱	۲
	توانایی برقراری ارتباط با افراد خارج از سازمان در جهت کسب اطلاعات و ایجاد روابط کاری	۳/۰۲۰	۳
	توانایی جذب اطلاعات داخلی و خارجی و به‌کارگیری آن در جهت بهبود عملکرد واحد خود (دیدهبانی)	۲/۹۸۰	۴
	توانایی ایجاد، حفظ و گسترش ارتباطات درون‌سازمانی و برون‌سازمانی (شبکه‌سازی)	۳/۰۹۲	۲
	توانایی نشر سریع و جامع اطلاعات به کارکنان	۲/۸۶۷	۵
مهارت‌های درون‌فردی	داشتن روابط عمومی بالا	۴/۵۸۲	۳
	توانایی اداره جلسات	۴/۷۰۴	۱
	توانایی برخورد مناسب با پیشامدها	۴/۶۵۸	۲
	توانایی شناسایی و حل تعارضات سازمانی	۴/۴۸۰	۵
	شناخت روش‌های اثرگذاری و متقاعدکردن دیگران	۴/۴۳۴	۷
	سازگاری و انعطاف‌پذیری نسبت به موقعیت‌ها و شرایط متفاوت در سازمان	۴/۵۱۰	۴
	شناخت نیازهای کارکنان و توانایی ایجاد انگیزه در ایشان	۴/۴۶۹	۶
	توانایی ارائه بازخوردهای سازنده	۴/۱۶۳	۸
مهارت‌های ادراکی	به‌کارگیری روش‌های نوین و خلاق در انجام امور	۲/۰۸۲	۱
	درک و تحلیل پیچیدگی‌های سازمان	۱/۹۶۴	۲
	درک و شناخت رفتار کارکنان	۱/۹۵۴	۳

نتایج ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان پرسشنامه پژوهش حاضر به این شرح است که در بین ۹۸ نفری که در پژوهش مشارکت کردند، مردان به تعداد ۸۹ نفر معادل ۹۰/۸۲٪ و زنان به تعداد ۹ نفر معادل ۹/۱۸٪ در نمونه آماری عضویت داشتند. بیشترین رده سنی پاسخ‌دهندگان را افراد ۴۱ تا ۵۰ سال حدود ۵۷/۱۴٪ تشکیل داده است. از نظر سطح تحصیلات

پاسخ‌دهندگان، فوق‌لیسانس بیشترین فراوانی ۶۶/۳۳٪ و کمترین مقدار دکترا ۱۳/۲۷٪ را به خود اختصاص داده است. همچنین نتایج به‌دست‌آمده از پست سازمانی افراد، نشان می‌دهد اکثر پاسخگویان (۳۱/۶۳٪) دارای پست سازمانی مدیر هستند. در نهایت بیشترین تعداد پاسخ‌دهندگان (۵۰٪) سابقه خدمت خود را بین ۱۵ تا ۲۰ سال اعلام کرده‌اند.

جدول ۲) تحلیل عاملی تأییدی

متغیر	ابعاد	بار عاملی	انحراف استاندارد	آماره t	AVE	CR	آلفای کرونباخ
شایستگی مدیران	برنامه‌ریزی	۰/۷۹	۰/۰۴	۱۸/۲۸	۰/۶۶	۰/۹۱	۰/۹۰
	سازمان‌دهی	۰/۶۷	۰/۰۹	۷/۱۸			
	رهبری	۰/۹۲	۰/۰۱	۴۸/۵۲			
	بسیج منابع و امکانات	۰/۸۸	۰/۰۳	۲۸/۹۶			
	دانش	۰/۶۷	۰/۱۰	۶/۳۴			
	مهارت‌های فنی	۰/۷۳	۰/۰۶	۱۱/۷۸			
	تعهدات ایمانی	۰/۸۰	۰/۰۵	۱۵/۶۹			
	مهارت‌های ارتباطی	۰/۸۴	۰/۰۳	۲۶/۷۵			
	مهارت‌های درون‌فردی	۰/۹۴	۰/۰۱	۷۴/۷۵			
	مهارت‌های ادراکی	۰/۸۲	۰/۰۴	۱۷/۶۴			

در جدول فوق، مقادیر آماره t و مقادیر بارهای عاملی برای هر ۱۰ بُعد مشخص شده است. مقادیر آماره t برای هر ۱۰ بُعد شایستگی مدیران از عدد ۱/۹۶ بیشتر است. همچنین مقادیر بارهای عاملی هر ۱۰ بُعد از عدد ۰/۴ بیشتر است؛ بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت همه ۱۰ بُعد برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، رهبری، بسیج منابع و امکانات، دانش، مهارت‌های فنی، تعهدات ایمانی، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های درون‌فردی و مهارت‌های ادراکی، از ابعاد شایستگی مدیران در حرم مطهر هستند.

اعتبار واگرا

اعتبار واگرا یا افتراقی نسبتاً یک مفهوم تکمیل کننده است و در مدل سازی مسیری پی ال اس ۱ معیار فورنل و لارکر (Fornell & Larcher, 1981) برای آن مطرح شده است.

معیار فورنل- لارکر

این معیار ادعا می کند یک متغیر باید در مقایسه با شاخص های سایر متغیرهای مکنون، پراکندگی بیشتری را در بین شاخص های خودش داشته باشد. از نظر آماری AVE هر متغیر مکنون باید بیشتر از بالاترین توان دوم همبستگی آن متغیر با سایر متغیرهای مکنون باشد (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲)، یا می توان برای این آزمون، جذر AVE با همبستگی بین متغیرهای مکنون مقایسه شود که باید جذر AVE برای هر متغیر مکنون از مقدار همبستگی آن متغیر با سایر متغیرها بیشتر باشد. اعداد روی قطر اصلی، جذر AVE برای هر سازه را نشان می دهند.

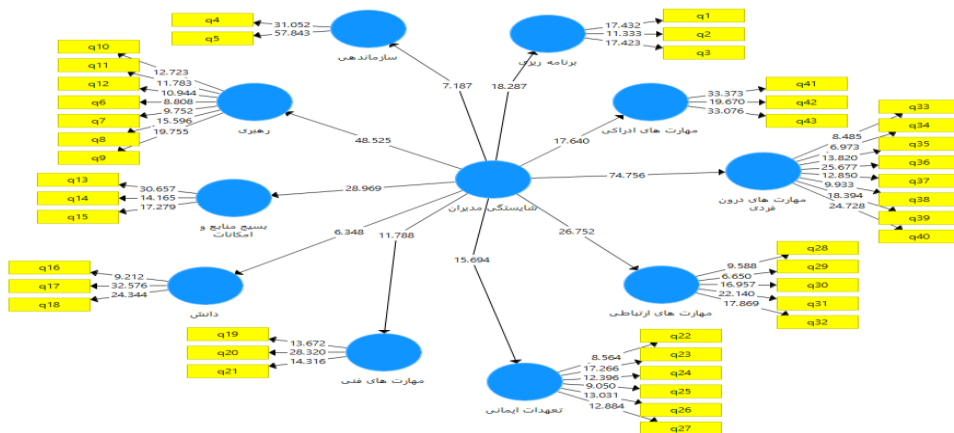
جدول ۳) همبستگی سازه ها و جذر AVE

مهارت های درون فردی	مهارت های ارتباطی	مهارت های ادراکی	سازمان دهی	رهبری	دانش	تعهدات ایمانی	بسیج منابع و امکانات	برنامه ریزی	
								۰/۸۰۹	برنامه ریزی
							۰/۸۳۴	۰/۶۷۲	بسیج منابع و امکانات
						۰/۷۲۲	۰/۷۱۳	۰/۶۵۵	تعهدات ایمانی
					۰/۸۴۶	۰/۵۰۸	۰/۵۶۴	۰/۴۵۷	دانش
				۰/۷۳۰	۰/۵۴۸	۰/۶۷۷	۰/۷۲۴	۰/۷۲۷	رهبری
			۰/۹۰۶	۰/۵۸۳	۰/۳۷۶	۰/۵۰۵	۰/۵۴۶	۰/۶۱۳	سازمان دهی

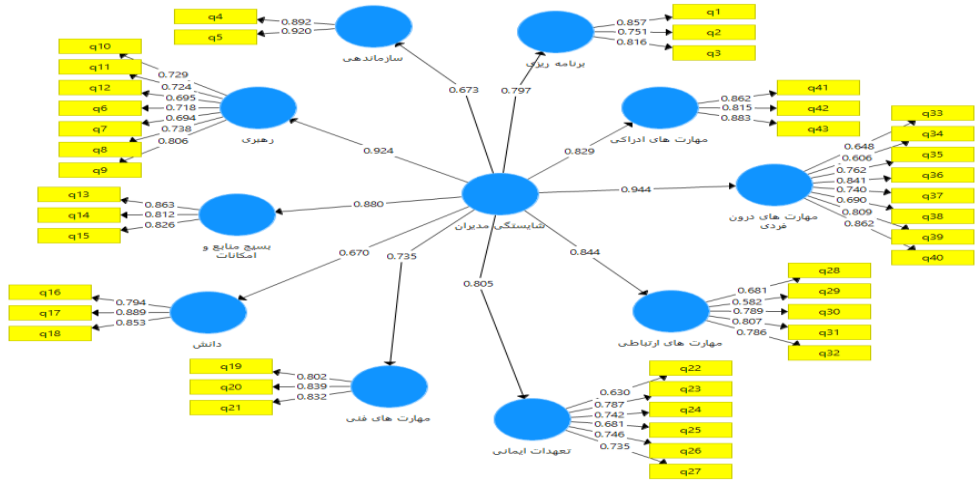
مهارت‌های ادراکی	۰/۵۶۰	۰/۶۷۳	۰/۶۰۷	۰/۵۳۴	۰/۷۲۶	۰/۴۹۷	۰/۸۵۴
مهارت‌های ارتباطی	۰/۶۱۱	۰/۶۷۴	۰/۶۲۵	۰/۵۱۹	۰/۷۲۸	۰/۵۰۹	۰/۷۳۴
مهارت‌های درون-فردی	۰/۷۳۹	۰/۷۴۸	۰/۷۰۸	۰/۵۷۶	۰/۷۲۶	۰/۵۸۷	۰/۷۲۵

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، در بررسی تمام متغیرها جذر AVE هر متغیر از مقدار همبستگی آن متغیر با سایر متغیرها بیشتر است و می‌توان گفت روایی واگرایی مدل اندازه‌گیری تأیید می‌شود.

برازش مدل پژوهش



شکل ۲) مدل مفهومی به همراه آماره‌های t



شکل ۳) مدل مفهومی به همراه ضرایب استانداردشده

برازش مدل کلی (GOF)

مدل کلی شامل هر دو بخش مدل اندازه‌گیری و ساختاری می‌شود و با تأیید برازش آن، بررسی برازش در یک مدل کامل می‌شود. سه مدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای این معیار معرفی شده است (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲).

$$GOF = \sqrt{Communality \times R^2} = \sqrt{0.645 \times 0.664} = 0.654$$

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر متشکل از دو بخش کیفی و کمی است که با هدف پاسخ به ۴ پرسش انجام شد و برای پاسخ به دو سؤال اول که عبارت‌اند از: شایستگی مدیران در حرم مطهر شامل چه ابعادی است؟ و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده ابعاد شایستگی مدیران در حرم مطهر کدام است؟، روش کیفی مورد استفاده قرار گرفت. به عبارت دیگر مدل اولیه پژوهش از روش کیفی استخراج شده است و برای پاسخ به دو سؤال دیگر پژوهش از روش کمی و ابزار پرسشنامه و روش مدل معادلات ساختاری استفاده شد.

سؤال اول پژوهش بیان می‌کند که شایستگی مدیران در حرم مطهر شامل چه ابعادی است. این ابعاد شامل برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، رهبری، بسیج منابع و امکانات، دانش، مهارت‌های فنی، تعهدات ایمانی، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های درون‌فردی و مهارت‌های ادراکی است. در میان پژوهش‌های انجام‌شده، بردبار و دیگران (Bordbar, et al., 2021: 250)، موسوی‌فرد و کبوتری (۱۴۰۰: ۴۴۶) به شناسایی ابعاد پرداخته‌اند و از این حیث با تحقیق حاضر مشابهت دارد. پیشنهاد می‌شود از طریق تبیین و تشریح این مؤلفه‌ها برای مدیران و رؤسای ادارات در گام اول و تقویت و توسعه آن‌ها در مرحله بعد و در نهایت تثبیت درونی آن‌ها در سازمان، زمینه لازم را جهت تعالی حداکثری سازمان و تبدیل آستان قدس رضوی به مدیریت اسلامی سرآمد، در کشور و جهان اسلام فراهم شود.

سؤال دوم تحقیق بیان می‌کند که مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده ابعاد شایستگی مدیران در حرم مطهر کدام است. این مؤلفه‌ها شامل تقسیم کار مناسب میان کارکنان، هماهنگی بین فعالیت‌ها، حمایت از کار تیمی، نظارت دقیق و تفویض اختیار، استفاده مناسب از منابع انسانی و غیره است. در میان پژوهش‌های انجام‌شده پژوهش رانسوم و یاسین (Ransom, & Yassine: 2019) و یزدان‌شناس (Yazdanshenas: 2021) هم به شناسایی مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده ابعاد شایستگی پرداخته‌اند و از این حیث با پژوهش حاضر مشابهت دارد. پیشنهاد می‌شود با آموزش این مؤلفه‌ها در دوره‌های ضمن خدمت کارکنان و کارگاه‌های بصیرت، زمینه جهت‌آشنایی سایر منابع انسانی آستان قدس رضوی با این مؤلفه‌ها فراهم شود و با نهادینه‌شدن این مؤلفه در کارکنان، هویت‌سازمانی آستان قدس رضوی ارتقا یابد و امکان جانشینی هر یک از منابع انسانی

در پست‌های مدیریتی بر اساس مؤلفه‌های مدل شایستگی مدیران آستان قدس رضوی هر چه بیشتر تسهیل شود.

جهت پاسخ به سؤال سوم پژوهش که عبارت است از: آیا مدل استخراج‌شده از پژوهش معتبر است؟، از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. نتایج نشان داد، تمامی ابعاد و مؤلفه‌های مدل شایستگی مورد تأیید قرار گرفتند و مدل پژوهش از برازش قابل قبولی برخوردار است. در میان پژوهش‌های انجام‌شده، پژوهش یکتاسرشت و دیگران (۱۴۰۰)، رحیمی و میرجعفری اردکانی (۱۳۹۹) و اسماعیلی (۱۴۰۰) نیز به معتربودن مدل استخراج‌شده پرداخته‌اند. پیشنهاد می‌شود ابعاد به‌دست‌آمده در این پژوهش به عنوان مبنای ارزیابی عملکرد رؤسا و مدیران حرم قرار گیرند و مدل مفهومی جدیدی در خصوص ارزیابی عملکرد مدیران حرم با مؤلفه‌های جدید تعریف شود.

جهت پاسخ به سؤال چهارم پژوهش که عبارت است از: اولویت‌بندی شایستگی‌های مدیران حرم مطهر چگونه است؟، از روش میانگین‌گیری استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد ابعاد از نظر اولویت با یکدیگر تفاوت دارند؛ به‌طوری‌که، تعهدات ایمانی بالاترین اولویت؛ سپس مهارت‌های فنی، سازمان‌دهی، بسیج منابع و امکانات، برنامه‌ریزی، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های ادراکی، رهبری، دانش و درنهایت مهارت‌های درون‌فردی کمترین اولویت را دارند. نتایج پژوهش‌های انجام‌شده توسط یزدان‌شناس (Yazdanshenas: 2021) نیز به اولویت‌بندی شایستگی‌های مدیران پرداخته است. پیشنهاد می‌شود شایستگی‌های به‌دست‌آمده در این پژوهش به عنوان شاخصی جهت ارزیابی متقاضیان و کاندیدهای انتصاب به پست‌های مدیریتی در مصاحبه‌های استخدامی آستان قدس رضوی قرار گیرند و با توجه به میزان کیفیت عملکرد آنان پاداش شغلی در نظر گرفته شود.

منابع

- اسماعیلی، امیرسام (۱۴۰۰). "ارائه الگوی شایستگی‌های مدیران اسلامی ایرانی". در: مجموعه مقالات برگزیده چهارمین همایش بین‌المللی دانش و فناوری هزاره سوم: اقتصاد، مدیریت و حسابداری ایران. تهران: مرجع دانش: ۲۱۵-۲۳۰.
- اکرامی، حمید؛ هوشیار، وجیهه (۱۳۹۵). "شناسایی و تبیین شایستگی‌های مدیران مدارس متوسطه (مورد مطالعه: مدارس متوسطه ناحیه ۴ مشهد)". *خانواده و پژوهش*، دوره ۱۳، ش ۳۲ (زمستان): ۷-۳۱.
- بسیجی، عسل، و دیگران (۱۳۹۹). "ارائه مدل شایستگی مدیران بازاریابی بین‌المللی". *پژوهش‌های مدیریت در ایران*، دوره ۲۴، ش ۱ (بهار): ۱۳۱-۱۵۲.
- ترکمنی، مهدی (۱۴۰۰). "ارزیابی شایستگی‌های مدیران با الگوی ۳۶۰ درجه و رتبه‌بندی با تکنیک چندمعیاره تاپسیس (مطالعه موردی: اداره کل راه‌آهن خراسان)". در: مجموعه مقالات برگزیده دومین کنفرانس بین‌المللی چالش‌ها و راهکارهای نوین در مهندسی صنایع و مدیریت حسابداری. گردآورنده دانشگاه دامغان. دامغان: مرجع دانش: ۱-۸.
- جامعی، مرضیه، و دیگران (۱۴۰۰). "طراحی مدل سلسله‌مراتبی شایستگی مدیران با رویکرد مدارس کارآفرینانه". *رهبری مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد گرمسار)*، دوره ۱۴، ش ۲ (تابستان): ۱۲۱-۱۴۱.
- جباری، سالار (۱۴۰۰). "ارزیابی شایستگی‌های مدیران واحدهای تولیدی ورزشی شمال غرب کشور به روش بازخورد چندمنبعی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی، دانشکده مدیریت، دانشگاه ارومیه.
- حمیدی‌زاده، محمدرضا؛ احمدی، حسن (۱۳۹۳). "شاخص‌های خردمندی مدیران راهبردی سازمان‌ها". *مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*، دوره ۴، ش ۱۴۹ (بهار): ۹۷-۱۱۸.
- داوری، علی؛ رضازاده، آرش (۱۳۹۲). *مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار پی. ال. اس.* ج ۲. تهران: جهاد دانشگاهی.
- درهمی، امیررضا؛ مکاری، مسعود؛ حاجی‌یخچالی، سیامک (۱۳۹۹). "طراحی مدل ارزیابی شایستگی رهبری مدیران پروژه با استفاده از تکنیک‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره". در: مجموعه

مقالات برگزیده پانزدهمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت پروژه ایران. تهران: مرجع دانش: ۳۲۰-۳۳۸.

- رحیمی مدیسه، سجاد؛ میرجعفری اردکانی، سیداحمد (۱۳۹۹). "بررسی تأثیر شایسته-سالاری بر چابکی سازمان‌های ایرانی". در: مجموعه مقالات برگزیده چهارمین کنفرانس ملی پژوهش در حسابداری و مدیریت ایران. تهران: مرجع دانش: ۸-۱.

- رمضان‌پناه، ندا (۱۳۹۹). "طراحی مدل شایستگی با رویکرد توسعه مدیران سطوح عالی و میانی شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران". رساله دکتری مدیریت منابع انسانی و رفتار سازمانی، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه اصفهان.

- زارع میرک‌آباد، سمیه (۱۳۹۹). "نقش شایستگی‌های مدیران بر تسهیم دانش، عملکرد شغلی و وفاداری کارکنان (مورد مطالعه: شبکه بهداشت و درمان شهرستان مهریز)". پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت منابع انسانی، دانشگاه پیام‌نور (واحد مهریز).

- عباس‌پاشا، غلامرضا؛ کیاکجوری، داود؛ تقی‌پوریان گیلانی، محمدجواد (۱۴۰۰). "بهبوده‌سازی شایستگی مدیران راهبردی در سازمان‌های دولتی از طریق الگوی فراابتکاری". آموزش و توسعه منابع انسانی، دوره ۸، ش ۳۱ (زمستان): ۲۷۳-۳۰۳.

- فرهیخته، فاطمه، و دیگران (۱۳۹۹). "طراحی الگوی شایستگی مدیران قضایی ایران". مدیریت منابع در نیروی انتظامی، دوره ۸، ش ۱ (بهار): ۳۳-۶۲.

- موسوی‌فرد، مهتاب‌السادات؛ کبوتری، جمال‌الدین (۱۴۰۰). "تأثیر مدیریت استعداد در شایسته‌سالاری و جانشین‌پروری کارکنان". در: مجموعه مقالات برگزیده چهارمین همایش بین‌المللی دانش و فناوری هزاره سوم: اقتصاد، مدیریت و حسابداری ایران. تهران: مرجع دانش: ۴۴۶-۴۶۰.

- یکتاسرشت، پریسا، و دیگران (۱۴۰۰). "بررسی تأثیر شایستگی‌های رهبری بر وفاداری کارکنان با در نظر گرفتن نقش میانجی اشتراک‌گذاری دانش و عملکرد شغلی در بانک صادرات ایران". در: مجموعه مقالات برگزیده هفتمین کنفرانس بین‌المللی تکنیک‌های توسعه پایدار در مدیریت و مهندسی صنایع با رویکرد شناخت چالش‌های دائمی. تهران: مرجع دانش: ۳۴۲-۳۵۸.

- Bird, B. (2019). "Toward a Theory of Entrepreneurial Competency". In: *Seminay Ideas for the Next Twenty-Five Years of Advances*. Edited by J. A. Katz & A. C. Corbet. Bingley: Emerald Publishing Limited: 115-131.
- Bordbar, G., et al. (2021). "Human resources competencies scale development and validation: An Iranian measure". *Industrial and Commercial Training*, Vol. 53, No. 3: 250-267.
- Brown, L.; George, B.; Mehaffey-Kultgen, C. (2018). "The development of a competency model and its implementation in a power utility cooperative: an action research study". *Industrial and Commercial Training*, Vol. 50, No. 3: 123-135.
- Byukusenge, E.; Munene, J. C.; Orobia, L. A. (2021). "Managerial competencies and business performance: Innovation as a mediator in Rwandan SMEs". *International Journal of Law and Management*, Vol. 63, No. 5: 445-463.
- Camuffo, A.; Gerli, F. (2018). "Modeling management behaviors in lean production environments". *International Journal of Operations & Production Management*, Vol. 38, No. 2: 403-423.
- Chang-Howe, W. (2019). "The challenge of HR integration: A review of the M & A HR integration literature". *Journal of Chinese Human Resource Management*, Vol. 10, No. 1-2: 19-34.
- Crans, S., et al. (2021). "The mediating role of social informal learning in the relationship between learning climate and employability". *Career Development International*, Vol. 26, No. 5: 678-696.
- Fornell, C.; Larcker, D. F. (1981). "Evaluating Structural equation models with unobservable variables and measurement error". *Journal of marketing research*, Vol. 18, No. 1: 39-50.
- Ganaden, A. R. (2020). "Managerial Competency of Laboratory High School Principals of State Universities and Colleges in Region III". *Online Submission*, Vol. 8, No. 3: 112-122.
- Heymann, P., et al. (2022). "A conceptual model of students' reflective practice for the development of employability competences, supported by an online learning platform". *Education + Training*, Vol. 64, No. 3: 380-397.
- Kiiza, M.; Basheka, B. C. (2018). "Indigenous Human Resource Management Practices in Africa: Empirical Lessons from Four Sub-regions". *Indigenous Management Practices in Africa*, Vol. 20, No. 1: 97-118.
- Kundu, S. C.; Mor, A.; Gahlawat, N. (2021). "Strategic human resource management and employees' intention to leave: Testing the moderated mediation". *International Journal of Productivity and Performance Management*, Vol. 70, No. 4: 834-858.
- Lima, Luciana; Galleli, Barbara (2021). "Human resources management and corporate governance: Integration perspectives and future directions". *European Management Journal*, Vol. 39, No. 6: 731-744.
- Mohd Ali, N. A.; Shafii, Z.; Shahimi, S. (2020). "Competency model for Shari'ah auditors in Islamic banks". *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, Vol. 11, No. 2: 377-399.

- Otoo, F. N. K. (2020). "Measuring the impact of human resource management (HRM) practices on pharmaceutical industry's effectiveness: The mediating role of employee competencies". *Employee Relations*, Vol. 42, No. 6: 1353-1380.
- Ransom, M. M.; Yassine, B. (2019). "Exploring the Development of Three Law-Based Competency Models for Practitioners". *Journal of social, behavioral and health sciences*, Vol. 13, No.1: 128-148.
- Shet, S.V.; Del Giudice, M.; Rammal, H. G. (2022). "Managerial challenges to promoting competency-based intellectual capital in emerging market economies – developing a framework for implications". *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 23 No. 1: 85-102.
- Wernerfelt, B. (1984). "A Resource Based View of the Firm". *Strategic Management Journal*, Vol. 5, No. 2: 171-180.
- Yazdanshenas, M. (2021). "Core self-evaluations and project managers' competencies: The moderating role of cultural intelligence". *Journal of Management Development*, Vol. 40, No. 6: 542-573.

Animism of Heart in Allusional terms and Expressions of Hazaragi Dialect in Bamyan

Ruholla Daneshyar¹
Seyyed Mahdi Rahimi³
Received: 13/3/2022

Mohammad Behnamfar²
Hamed Noruzi⁴
Accepted: 16/8/2022

Abstract

The current research has dealt concisely with the meanings of the heart, the position and role of the heart in religion, the Qur'an, hadiths, mysticism, philosophy, and literature, including the place of the heart in mysticism and literature. Given the importance of the Hazaragi dialect, one of the most important and oldest dialects in Greater Khorasan, and considering the use of allusions in dialects that are important from linguistic, psychological, and sociological aspects, we have tried to animate the word "heart," which is one of the central words in this dialect. To this end, we examined and analyzed allusions in the Hazaragi dialect. This research employed the descriptive method and a content analysis approach. The findings show that "heart" in the Hazaragi dialect has ironic combinations and expressions of "anthropology," "animalism," and "human/animalism," and among these, humanism of the heart is the most frequent and important. Even in other types of animism, the human trace is very prominent, which shows the imagination of the speakers of this dialect, who believe in soulless phenomena and consider the heart as a human, animal, and living being.

Keywords: common language and literature, dialects of Greater Khorasan, Hazaragi dialect, animism, ironic compositions and interpretations of the heart

1. PhD Student in the Department of Persian, University of Birjand. rudanishyar@birjand.ac.ir
2. Full Professor, University of Birjand (Corresponding author). mbehnamfar@birjand.ac.ir
3. Professor, University of Birjand. smrahimi@birjand.ac.ir
4. Professor, University of Birjand. hd_noruzi@birjand.ac.ir

مقاله علمی - پژوهشی

جاندارانگاری "دل" در ترکیبات و تعبیرات کنایی گویش هزارگی بامیان

روح‌الله دانشیار^۱ محمد بهنام‌فر^۲ سیدمهدی رحیمی^۳ حامد نوروزی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۲

مشاهده مقاله منتشر شده: دوره ۱۷، شماره ۱

http://www.farhangekhorasan.ir/article_162143.html

چکیده

با توجه به اهمیت گویش هزارگی که از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین گویش‌های خراسان بزرگ است و با عنایت به کاربرد کنایات در گویش‌ها که از جنبه‌های زبان‌شناسی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی حائز اهمیت است، در این جستار کوشیده‌ایم به این پرسش‌ها پاسخ دهیم که نقش جاندارانگاری واژه "دل" در ترکیبات و تعبیرات کنایی گویش هزارگی، در چه حد است و آیا می‌شود جاندارانگاری "دل" را در ترکیبات و تعبیرات کنایی طبقه‌بندی کرد؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، جاندارانگاری واژه دل را که از واژه‌های محوری در این گویش است، در کنایات گویش هزارگی بررسی و تحلیل کرده‌ایم. این پژوهش با روش توصیفی و با رویکرد تحلیل محتوا انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ترکیبات و تعبیرات کنایی "دل" در گویش هزارگی، دارای "انسان‌انگاری"، "حیوان‌انگاری" و "انسان/حیوان‌انگاری" است و از این میان، انسان‌انگاری دل، بسامد و اهمیت بیشتری دارد؛ حتی در انواع دیگر جاندارانگاری نیز رد پای انسان خیلی برجسته است که بیانگر قدرت تخیل گویشوران این گویش است که برای پدیده‌های بی‌روح، روح قائل می‌شوند و دل را مانند انسان، حیوان و موجودات زنده قلمداد می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: زبان و ادبیات عامه، گویش‌های خراسان بزرگ، گویش هزارگی،

جاندارانگاری/ آنیمیسیم.

مقدمه

گوش هزارگی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین گویش‌های خراسان بزرگ است و با عنایت به کاربرد کنایات در گویش‌ها، گویش از جنبه‌های زبان‌شناسی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی حائز اهمیت و قابل بررسی و تحلیل است. در گویش هزارگی بامیان ترکیبات و تعبیرات کنایی فراوانی وجود دارد که برای بیان موضوعات مختلف و گوناگون به کار گرفته می‌شود از این میان ترکیبات و تعبیرات کنایی که با دل ساخته شده‌اند برجستگی خاصی دارند، لذا در این پژوهش کوشیده‌ایم بحث جاندارانگاری را در ترکیبات و تعبیرات کنایی دل در گویش هزارگی بامیان مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم و به این پرسش‌ها پاسخ دهیم که:

۱. جاندارانگاری واژه دل در ترکیبات و تعبیرات کنایی گویش هزارگی چه مصادیقی دارد و چگونه بازتاب یافته است؟
۲. چگونه می‌توان جاندارانگاری دل را در ترکیبات و تعبیرات کنایی گویش هزارگی طبقه‌بندی کرد؟

یعنی هدف توضیح و طبقه‌بندی جاندارانگاری دل در ترکیبات و تعبیرات کنایی است. روش کار نیز در این پژوهش، روش توصیفی-تحلیلی، با رویکرد تحلیل محتواست. ما ترکیبات و تعبیرات کنایی "دل" را که در گویش هزارگی وجود دارد، بیرون کشیده‌ایم و تحت عنوان «ترکیبات و تعبیرات کنایی گویش هزارگی بامیان» فهرست کرده و از میان این ترکیبات و تعبیرات کنایی، تعدادی را به عنوان نمونه، از منظر جاندارانگاری تحلیل و توصیف کرده‌ایم. در این پژوهش به صورت خیلی فشرده به جاندارانگاری (آنیمیسیم) پرداخته‌ایم؛ سپس به معنا و جایگاه دل اشارتی رفته است و از حدود ۱۰۰ ترکیب و تعبیر "دل"، تعدادی را تحلیل و توصیف کرده‌ایم.

پیشینه پژوهش

درباره تعبیرات و ترکیبات کنایی دل در گویش هزارگی تا به حال پژوهشی صورت نگرفته است و این پژوهش اولین کاری است که در این زمینه انجام می‌شود؛ اما پژوهش‌هایی درباره "دل" در متون و در آثار تعدادی از شاعران نامدار حوزه زبان و ادبیات فارسی صورت گرفته است که به

صورت گذرا برمی‌شماریم: سلامت‌نیا و دیگران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «تطبیق جاندارانگاری انسانی و حیوانی در اشعار فروغ فرخزاد و نازک الملائکه»، جاندارانگاری را در اشعار فرخزاد و نازک بررسی و نمونه‌هایی از انسان‌انگاری و حیوان‌انگاری را به صورت مقایسه‌ای تحلیل کرده‌اند. طحانی و توکلی درّه (۱۳۹۵) جاندارانگاری را در اسطوره و ادبیات ایران مورد کندوکاو قرار داده‌اند و مقاله‌ای دارند به نام «مطالعه نمونه‌های جاندارانگاری در اسطوره‌ها و ادبیات ایران» و در این مقاله نشان داده‌اند آنیمیسم در اسطوره‌ها و ادبیات ایران، از گذشته‌های دور حضور داشته است و نمونه‌هایی از اسطوره‌ها و اشعار جاندارانگاران را فهرست کرده‌اند. اکرامی (۱۴۰۰) آنیمیسم و جاندارانگاری را در شعر و اندیشه مولانا جلال‌الدین محمد بلخی مورد مطالعه قرار داده است و دو خصوصیت بارز زنده‌انگاری روح شمس و زنده‌انگاری طبیعت و جهان را از اشعار مولانا استخراج کرده است. مازہ پوا (۱۳۹۲) مقاله‌ای دارد به نام «بررسی تطبیقی مفهوم "دل" بر اساس نظریه استعاره مفهومی در تعابیر مصطلح فارسی و اوکراینی» که در این نوشته به بررسی بعضی از ترکیبات و تعبیرات واژه "دل" در زبان‌های فارسی و اوکراینی برپایه نظریه استعاره مفهومی پرداخته و نتیجه گرفته است که مشابهت‌های زیادی در مفهوم دل میان فارسی‌زبانان و اوکراینی‌ها وجود دارد. قادری نجف‌آبادی و توانگر (۱۳۹۲) استعاره‌های دل را در بوستان سعدی مورد کنکاش قرار داده‌اند و دل را مرکز اصلی غم و عشق دانسته‌اند. بهنام‌فر و رستمی (۱۳۹۱) دل را در مقاله‌ای با عنوان «صاحب دل در مثنوی» تحلیل و بررسی کرده‌اند و صاحب‌دل را انسان کامل و کسی که به معرفت الهی دست یافته باشد، می‌دانند.

همچنین بهنام‌فر و رستمی (۱۳۸۹) در مقاله دیگری با عنوان «مقام و مرتبه دل در مثنوی»، مقام و مرتبه دل را در اندیشه مولانا بررسی کرده‌اند که از دید این عارف بزرگ، دل عرش ربانی، خانه خدا، محل وحی و الهام، آئینه جمال‌نمای الهی و جوهر هستی و عالم اکبر دانسته شده است.

علی‌رغم تحقیقاتی که درباره دل انجام شده، در هیچکدام به مسئله این تحقیق پرداخته نشده است و جای تحقیقی در این باره خالی است که در این جستار آن را دنبال خواهیم کرد.

تعریف مفاهیم اصلی پژوهش

مختصری درباره استان بامیان

بامیان یکی از ۳۴ استان و از استان‌های مرکزی افغانستان است که از لحاظ موقعیت جغرافیایی «در آغوش شاخه‌های جنوب هندوکش و شمال کوه‌بابا در ارتفاع ۳۰۰۰ متری واقع شده است» (خاوری، ۱۳۸۵: ۲۰) و یکی از شناسه‌های موقعیت جغرافیایی بامیان، کوه‌باباست که «اوسط ارتفاع کوه‌بابا ۴۰۰۰ متر است؛ ولی بعضی قله‌های آن ۵۰۰۰ متر و حتی بیشتر از آن بلندی دارد؛ مانند قله شاه‌فولادی که دارای ۵۱۴۰ متر ارتفاع است» (نازل، ۱۳۷۲: ۴۶). این ولایت/استان با مرکزیت شهر بامیان است و از شمال به ولایت‌های سمنگان و سرپل، از جنوب به ولایت وردک، از شرق به بغلان و پروان، از غرب به ولایت‌های دایکندی و غور و از جنوب شرق به ولایت غزنی محدود شده است. ولایت بامیان دارای هفت واحد اداری یا شهرستان است که عبارت‌اند از: شهرستان یکه‌ولنگ ۱، شهرستان یکه‌ولنگ ۲، شهرستان پنج‌و (پنج آب)، شهرستان ورث، شهرستان کهمرد، شهرستان سیغان و شهرستان شیبیر. «بامیان از جهات مختلف تاریخی، فرهنگی، هنری و اقتصادی دارای اهمیت است. این شهر در گذشته‌های دور از مهم‌ترین مراکز عبادی، تجاری، سیاسی و فرهنگی دنیا به شمار می‌آمد. بازرگانان، سیاحان و هنرمندان و زائرانی از هند، چین، آسیای مرکزی، شرق آسیا و اروپا، به این شهر رفت‌وآمد داشتند» (محمدی شاری، ۱۳۹۵: ۲).

در بامیان قوم هزاره، تاجیک و سادات زندگی می‌کنند که بیشتر نفوس این استان را هزاره‌ها تشکیل می‌دهند و ۸۰٪ مردم بامیان هزاره هستند (میتلند، ۱۳۷۶: ۱۹۵) اما بنا به ادعای مردم هزاره بامیان نفوس هزاره‌های این استان را بالای ۹۰٪ می‌داند.

هزاره‌ها مردم بومی افغانستان هستند و «به شهادت منابع تاریخی و شواهد فراوان دیگر، از دیرباز در مرکز ایران‌ویج، خراسان و افغانستان کنونی که در تاریخ از آن به نام ائیرانم ووجه، زابلستان، سیستان، غور و غرجستان و... یاد می‌شده است» (محمدی شاری، ۱۳۹۲: ۱۳۶) ساکن

۱. سر دروازه ولسوالی / شهرستان، یکه‌ولنگ نمبر ۱ نوشته است.

۲. سر دروازه ولسوالی / شهرستان، یکه‌ولنگ نمبر ۲ نوشته است.

بوده‌اند و حال نیز با آنکه عبدالرحمن خان^۱ ۶۲٪ مردم هزاره را به قتل رساند، (دولت‌آبادی، ۱۳۸۵: ۱۲) در سراسر کشور و در استان‌های مختلف ساکن هستند.

زبان مردم هزاره

زبان مردم هزاره فارسی است و «به گواهی تاریخ، این مردم از هزاران سال پیش به زبان پارسی دری سخن می‌گفته‌اند» (محمدی شاری، ۱۳۹۲: ۱۳۶). گویش هزارگی یکی از مهم‌ترین گویش‌های زبان فارسی دری است که هزاره‌های اهل افغانستان و هزاره‌های سایر کشورها با این گویش صحبت می‌کنند. هزاره نام قومی است که از افغانستان در سایر کشورهای جهان پراکنده شده‌اند. هزاره‌های افغانستان در ولایت‌های مختلف این کشور ساکن هستند؛ از جمله در ولایت بامیان که مرکز هزاره‌هاست و حدود ۹۰٪ نفوس این ولایت را تشکیل می‌دهند. گویش هزارگی بامیان غنی‌ترین گویشی است که در آن واژه‌های کهن زبان فارسی دری تاکنون زنده هستند و در گفتار مردمان این دیار به کار می‌روند. وجود و حضور واژه‌های ناب فارسی دری در این گویش، گویای این واقعیت است که تاکنون تغییرات زیادی در تمام سطوح گفتار مردم بامیان آشکار نشده است و از این رو «تاکنون دست‌نخورده باقی مانده؛ لذا نظام آوایی، زبانی و دستوری خود را حفظ کرده است» (شریعتی سحر، ۱۳۹۰: ۳۸) اما بیم آن وجود دارد که این گویش نیز مانند گویش‌های دیگر زبان فارسی دری، دست‌خوش تحولات زیادی شود و گنج‌های درون گویش نابود گردند. اگر به آن توجه نشود و ابعاد مختلفش گردآوری نگردد، رفتنش بدون بازگشت است و زیانش جبران‌ناپذیر. «گویش هزارگی از شاخه زبان پهلوی شمالی و به عبارتی جزو زبان‌های کهن خراسان بزرگ است» (همان: ۳۸). نه تنها گویش هزارگی که گویش‌های خراسان بزرگ چون گویش بدخشانی- تخاری، گویش کابلی، گویش هراتی، گویش قاین، گویش بیرجند و سایر گویش‌های خراسان مرکزی که امروزه در جغرافیای سیاسی متعدد قرار گرفته‌اند، شاخه‌هایی از درخت پربار زبان دری فارسی هستند که ارزش‌های زبانی، فرهنگی، تاریخی و واژگان، ترکیبات و تعبیرات مشترک دارند و در اساس از یک تنه و ساقه هستند؛ اما با اندازه‌ها و شکل‌های گوناگون. ما باید

۱. پادشاه افغانستان پسر امیرمحمد افضل خان و نوه امیردوست محمدخان که در سال ۱۲۹۷ - ۱۳۱۸ قمری بر افغانستان پادشاهی کرد.

بخش‌های نامکتوب و از چشم‌افتاده گویش‌های خراسان بزرگ را گردآوری و مکتوب کنیم و در دید همگان قرار دهیم تا پژوهشگران و علاقه‌مندان در پرتو آگاهی و دانایی گویش‌ها و لهجه‌های زبان فارسی دری، به سراغ متون قدیم این زبان بروند و گرنه دشوار است درک درستی از بعضی واژگان، ترکیبات و تعبیرات، امثال و حکم و نحوه کاربرد آن‌ها داشته باشند. به خصوص برای کسانی که زبان و ادبیات فارسی دری می‌خوانند و در این زمینه پژوهش می‌کنند، فهمیدن و دانستن ترکیبات و تعبیرات گویش‌ها و لهجه‌های خراسان مرکزی کمک می‌کند تا متون قدیم زبان دری فارسی را بهتر بدانند و برای شرح و تفسیر اشعار و متون، بنا را بر قیاس یا حدس و گمان نگذارند

گویش هزارگی یکی از گویش‌هایی است که امکانات کاربرد واژگانی‌اش خیلی انعطاف‌پذیر است و می‌شود برای تلفظ یک واژه دو سه شکل را در این گویش مشاهده کرد؛ مثلاً واژه "چشم" را، چشم، چیم، چیشیم؛ واژه "نیست" را به گونه‌های، نیسته، نییسته، نییه (همان: ۴۶) و یا واژه "صورت" را به این شکل‌ها، روی، چهره، گونه، آونگه، در این گویش می‌بینیم. در گویش هزارگی با آنکه بیش از ۸۰٪ را واژگان فارسی دری تشکیل می‌دهد، حدود ۱۵٪ واژگان ترکی و مغولی نیز وجود دارد، مانند: بُسراق، قیماق، سرماغ، آغه، بیگ، خان و

کنایه

از کنایه در کتب بلاغت زیاد سخن گفته شده است و ما به توضیحات مختصری که در پی می‌آید اکتفا می‌کنیم. «کنایه در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است و در اصطلاح سخنی است که دارای دو معنی قریب و بعید باشد و این دو معنی لازم و ملزوم یکدیگر باشند، پس گوینده آن جمله را چنان ترکیب کند و به کار برد که ذهن شنونده از معنی نزدیک به معنی دور منتقل گردد؛ چنان‌که بگویند "پخته‌خوار" به معنی مردم تنبلی که از دسترنج آماده دیگران استفاده می‌کنند» (همایی، ۱۳۸۹: ۱۶۷)؛ پس کنایه به سخنی گفته می‌شود که دارای دو معنا باشد: معنای نزدیک و معنای دور که منظور ما معنی قاموسی کنایه نیست؛ بلکه همان معنای دوم را در نظر داریم. «کنایه‌ها بیشتر ریشه در فرهنگ عامیانه دارند و به تعبیر دیگر، کنایه بیشتر مال مردم است و شاعران آن را از مردم می‌گیرند، کنایه از سوی مردم به سوی شاعر حرکت می‌کند» (بهنام‌فر، راشد محصل و کاظمی اسفاد، ۱۳۹۴: ۱۲).

تعریف‌های متعددی از کنایه صورت گرفته است که تفاوت‌های اندکی بین آن‌ها وجود دارد. «کنایه یکی از صورت‌های بیان پوشیده و اسلوب هنری گفتار است. بسیاری از معانی را اگر با منطق عادی گفتار ادا کنیم لذت‌بخش نیست و گاه مستهجن و زشت می‌نماید. از رهگذر کنایه می‌توان [سخن را] به اسلوبی دلکش و مؤثر بیان کرد. جای بسیاری از تعبیرات و کلمات زشت و حرام را می‌توان از راه کنایه به کلمات و تعبیراتی داد که خواننده از شنیدن آن‌ها هیچ‌گونه امتناعی نداشته باشد و شاید سهم عمده در استعمال کنایات در همین حوزه مفاهیمی باشد که بیان مستقیم عادی آن‌ها مایه تنفر خاطر است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۱۴۰). ما هم کنایه را اسلوب هنری گفتار و پوشیده سخن گفتن می‌دانیم.

جاندارانگاری (آنیمیسیم)

آنیمیسیم یا آنیمیسیم از واژه لاتینی "انیم" گرفته شده که به معنای روح است (به‌پهروزی‌نیا، ۱۳۹۸: ۹۹) و واژه "آنیم" یا "انیم" به معنای تحریک کردن و به هیجان آوردن (بایر ناس، ۱۳۷۱: ۳۲) است که می‌رسد به روح‌انگاری یا جاندارپنداری. تصورات گاهی راه به کمال می‌برند و گاهی به زوال؛ به هر حال پندارها هستند که انسان را به پویایی و تلاش و تفکر وامی‌دارند. این ویژگی و نیروی کمال بخش از همان ابتدا همراه بشر بوده است و بشر از گذشته‌های دور تا به حال برای محقق‌شدن آرزو و آرمان‌های خویش تلاش کرده و به واسطه‌های گوناگون و مختلفی متوسل شده است؛ یکی از واسطه‌ها برای تحقق آرزوی بشر، توسل به باورها و عقاید است که همیشه انسان را امیدوار نگه می‌دارد. در میان همه باورهای بشری و بویژه بشر اولیه، باور به آنیمیسیم/ جاندارانگاری وجود داشته است که علاوه بر انسان‌ها، برای حیوانات، گیاهان و نباتات و سایر پدیده‌های طبیعی روح قائل بود و همه موجودات را زنده می‌انگاشت و یا به تعبیری دیگر با حیوان، گیاه و سایر پدیده‌ها هم ذات‌پنداری می‌کرد و آنان را انسان می‌انگاشت و رفتار و عمل‌های انسانی را به آنان نسبت می‌داد. ادوارد تیلور^۱، انسان‌شناس بریتانیایی اولین کسی است که جوهر دین و اسطوره‌های دینی و خاستگاه ادیان اولیه را جاندارانگاری می‌داند (خواج‌گیر، ۱۳۹۴: ۱۵۳). به باور تیلور مذهب بشر اولیه، جاندارپنداری بوده که تا حالا و در عصر ما نیز دوام یافته

1. Edward Burnett Tylor

است؛ بویژه در میان مردم عوام و دینداران افراطی. از دید بشر ابتدایی همه موجودات و پدیده‌های طبیعی، دارای روح هستند و خصوصیت این ارواح این بوده که دارای شخصیت انسانی هستند و چون انسان‌ها عشق و محبت، کینه و نفرت، حسادت و رواداری، پاکی و ناپاکی، فداکاری و فریب، فرمانبرداری و نافرمانی و آگاهی و شعور دارند و خیر و شر نیز در وجودشان قابل مشاهده است و این ارواح در اشیا و پدیده‌های طبیعی سبب تحرک و تکاپو و کنش و واکنش می‌شوند و اعمال و رفتاری انسانی از خود بروز می‌دهند (طحانی و دادجو توکلی، ۱۳۹۵: ۹۷). «انسان موجودی است خودآگاه، عالم و آگاه به مسائل هستی و زشت و زیبای زندگی. موجودی است آزاد که می‌تواند بر پایه آگاهی و تشخیص خود، انتخاب کرده و برابر انتخاب خود عمل نماید» (یثربی، ۱۳۷۹: ۱۲۰)؛ اما در ادبیات جای باور به آنیمیسم را «تخیل» گرفته است که شاعر، نویسنده و حتی مردمان عادی در گفتارهای کنایی خود، با نیروی تخیل همه چیز را جاندارانگاری می‌کنند و رفتار و کردار جاندار را به آنان می‌بخشند. در بلاغت، انسان‌انگاری را «تشخیص» خوانده‌اند و «تشخیص، بخشیدن خصایص انسانی است به چیزی که انسان نیست یا بخشیدن صفات انسان و بویژه احساس انسانی به چیزهای انتزاعی، اصطلاحات عام و موضوعات غیرانسانی یا چیزهای زنده دیگر» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۱۵۱)؛ اما گاهی تخیل انسان به جایی می‌رسد که از استعاره و تشبیه فراتر می‌رود و همه چیز را جاندار می‌بیند و برای آن‌ها حرکت و حیات و زندگی قائل می‌شود و این مرحله اوج تناسی تشبیه است و درواقع با تخیل، جهانی دیگر خلق می‌شود که «در این جهان شگفت‌انگیز، بی‌جانان خاموش نیز جان می‌گیرند و به سخن می‌آیند، مردگانی افسرده، چون کانی‌ها و سنگ‌ها می‌جنبند و می‌زیند» (کزازی، ۱۳۸۷: ۱۲۷).

با پندار پدیده‌های طبیعی، اشیا و حیوانات به جای انسان، آنان نیز همین خصوصیت را دارا می‌شوند که مانند انسان باشند و این امکان فقط از راه جاندارانگاری (آنیمیسم) میسر و ممکن می‌شود. آنیمیسم یا جاندارانگاری را «می‌توان در سه محور مورد بررسی قرار داد: نوع اول، آنیمیسم در موجودات زنده که تصور نوعی شعور ذاتی در آن‌ها ممکن است؛ مانند گیاهان و جانوران. نوع دوم آنیمیسم در پدیده‌ها و عناصر طبیعت و نوع سوم، آنیمیسم در اشیا و ابزار ساخت دست انسان» (سلاجقه، ۱۳۸۵: ۲۵۹-۲۶۰). ما در این نوشتار ترکیبات و تعبیرات کنایی

"دل" در گویش هزارگی بامیان را با توجه به آنیمیسیم در موجودات زنده بررسی می‌کنیم؛ اما پیش‌تر از آن لازم می‌دانیم که درباره دل بحث فشرده و کوتاهی داشته باشیم.

دل

دل و قلب یکی است و در زبان و ادبیات فارسی گاهی به نام دل و گاهی به نام قلب به کار رفته است؛ به عنوان نمونه، در اینجا بیتی از مولانا را می‌آوریم که واژه دل را به کار گرفته است:

آیین دل چون شود صافی و پاک
نقش‌ها بینی برون از آب و خاک
(مولوی، ۱۳۸۴: ۱۲)

یا در این بیت از حافظ (۱۳۴۵: ۱۲۷) که قلب را به کار برده است:

قلب بی‌حاصل ما را بزن اکسیر مراد
یعنی از خاک در دوست نشانی به من آر
دل واژه فارسی است و قلب عربی و مراد از این دو کلمه همان گوشت مخروطی‌شکلی است که در سمت چپ قفسه سینه قرار دارد. در گفتار روزمره و زبان محاوره فارسی‌زبانان بیشتر شکل فارسی این واژه به کار برده می‌شود؛ بویژه در میان هزاره‌ها که زبانشان فارسی دری است دل گفته می‌شود تا قلب؛ اما واژه قلب نیز مفهومی ناآشنا نیست و گاهی درس‌خوانده‌های حوزه علمیه، به جای دل، قلب به زبان می‌آورند. واژه "دل" در ظاهر معنای لغوی گوناگون دارد؛ اما در اصل همان گرداننده محوری است که تن و روان را در خود حفظ کرده است و این واژه در فرهنگ معین دارای ۱۱ مفهوم است که نشان‌دهنده جایگاه و گستردگی این واژه باارزش و مهم است و آن ۱۱ مفهوم "دل" عبارت‌اند از: ۱. عضو داخلی بدن به شکل صنوبری که ضربان‌هایش موجب حرکت خون می‌گردد، ۲. قلب، ۳. خاطر و ضمیر، ۴. جان و روان، ۵. مغز سر، ۶. میان، وسط درون، ۷. مرکز، ۸. جرأت و شهامت، ۹. لطیفه روحانی و ربانی، ۱۰. محل تفصیل معانی، نفس ناطقه و ۱۱. مخزن اسرار حق (معین، ذیل "دل"). در لغت‌نامه دهخدا شرح مفصلی درباره "دل" آمده است که بخشی از آن را در اینجا نقل می‌کنیم: «مرکز عواطف و احساسات که قدما آن را در مقابل مغز که مرکز عقل است می‌آوردند و این معنا را به مجاز بر همه جلوه‌های بشری چون مهر و کین و عشق و همه تمایلات گوناگون اطلاق می‌کردند و به دل شخصیت خاص می‌بخشیدند و آن را مخاطب می‌ساختند (دهخدا، ذیل "دل"). در قاموس کتاب مقدس، دل چنین

تعریف شده است: محل و مرکز جمیع امید و اراده دوست و دشمن و نیز مرکز بصیرت عقلی است و دارای تمام طبایع روحانیه بنی نوع بشر است». در قرآن نیز کلمه قلب یا دل زیاد به کار رفته است و «بیش از یکصد و سی مرتبه به قلب و قلوب اشاره شده است» (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۸۶)؛ به عنوان نمونه «وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ» (و هر کس به خدا ایمان بیاورد، خدا دل او را به درک ربوبیت الهی راه می‌نماید) (قرآن، تغابن: ۱۱) یا «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا، فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ» (پس آیا کسانی که تو را تکذیب می‌کنند در زمین گردش نکرده و با دیدهٔ عبرت به این ویرانه‌ها ننگریسته‌اند تا برایشان دل‌هایی پدید آید که با آن‌ها در فرجام کفر و شرک بیاندیشند یا گوش‌هایی که با آن‌ها حقایق را بشنوند و ایمان بیاورند؟ به یقین دیده‌ها نابینا نیست؛ ولی دل‌هایی که در سینه‌هاست کورند) (قرآن، حج: ۴۶). در احادیث نیز از دل سخن گفته‌اند و سخن دربارهٔ دل زیاد است؛ چنانچه در این حدیث قدسی می‌بینیم: «قلب المؤمن كالمرأة اذا نظر فيها تجلى ربه» (قلب مؤمن همچون آئینه است که اگر به آن توجه کند، تجلی پروردگار را در آن ادراک می‌کند) (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۸۵) و حضرت علی (ع) نیز سخنی دارد که می‌فرماید «وإنَّ لسانَ المؤمنِ مِن وراءِ قلبِهِ و إنَّ قلبَ المنافِقِ مِن وراءِ لسانِهِ» (زبان مؤمن پشت قلب او قرار دارد و قلب منافق پشت زبان اوست) (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۵۷۳). عارفان و فیلسوفان نیز به دل توجه ویژه دارند؛ «عارفان دل را لطیفه‌ای می‌دانند که محل معرفت است و حکما و فلاسفه آن را نفس ناطقه می‌نامند» (بهنام‌فر، ۱۳۹۳: ۱۹۸)؛ به عنوان نمونه اگر به مثنوی معنوی عارف نامدار و بزرگ مولانا جلال‌الدین محمد بلخی نظری افکنیم، واژه دل حدود ۱۱۶۷ بار به کار رفته است که این امر دلالت بر اهمیت دل نزد عارفان دارد (بهنام‌فر و رستمی، ۱۳۹۱: ۳۶۷). با توجه به این همه تأکید و سخن‌گفتن از دل، هیچ‌گاه نقش دل در رسیدن به خدا و گرداندگی وجود و تن، نادیده انگاشته نمی‌شود. دل گاهی جایگاه عقل را دارد؛ گاهی جایگاه مغز و دمی نیز نیروی زنده نگه‌داشتن تن را؛ این ویژگی‌ها و کمالات دل سبب شده است که همه گرد دل بگردند و او را سر تاج واژه‌ها سازند؛ چنانکه «مولوی آدمی را عالم کبرا می‌داند و معتقد است که انسان از حیث ظاهر و صورت، عالم صغیر است؛ اما از حیث معنا و حقیقت درونی که همان جان و دل آدم است، عالم اکبر می‌باشد» (بهنام‌فر و رستمی، ۱۳۸۹: ۳۴). با این همه تأکید و توجه به واژه

دل و جایگاهش در میان انسان‌ها و اندیشه‌های دینی - عرفانی و اینکه دل محراب عشق و محور تن است، در هر جایی رد پای درشت از خود بر جای گذاشته است؛ چنانچه در گویش هزارگی نیز بیشترین ترکیبات و تعبیرات کنایی به دل تعلق می‌گیرد و دل در نقش‌های گوناگون ظاهر می‌شود. اینک ابتدا تعدادی از کنایات ساخته‌شده با دل را می‌آوریم و در ادامه به تجزیه و تحلیل جاندارانگاری در آن‌ها می‌پردازیم.

ترکیبات و تعبیرات واژه "دل" در گویش هزارگی بامیان

- بد دل /bad del/: کسی که نیت نیک نداشته باشد.

- بلی دل /bale del/: چیزی خیلی سطحی و خلاف میل و خواست.

- بند دل /band-e del/: برای زیاد دوست داشتن به کار می‌رود؛ مانند: بند دل مَه یه؛ یعنی خیلی دوستش دارم؛ یا بند دل مَه مونتی شد؛ یعنی همه چیز را از دست دادم، خیلی جگر خون و ناراحت شدم.

- بند دلشی گنده شد /band-e delši kanda šod/: مُرد یا عزیزترین کس و یا عزیزترین چیزی خود را از دست داد، ناامید شد.

- پس دل دَرَه / pas-e del dara/ nadara/ نَدَرَه: کینه‌توز است و از یادش نمی‌رود.

- تکیه دل تو دَ خدا بَشَه /take del tu da xodā baša/: خدا را در نظر داشته باشی، کمکت می‌کند.

- تی دل /taye del/: چیزی در ذهن داشتن.

- خدا از دلشی خَبَرَه /xodā az delši xabara/: کسی خیلی درد دیده باشد و عزیزی را از دست داده باشد.

- دَ دل آمدو /da del amadō/: به یاد و خاطر آمدن.

- دَ دل خُو گرفتو /da del xō gereftō/ nagereftō/: از یادبردن و فراموش نکردن.

- دَ دل دَوَر خوردو /da del dawr xōrdō/: چیزی به یاد آمدن و در ذهن خطور کردن.

- دَ دل گشتو /da del gaštō/: چیزی به یاد آمدن و در ذهن خطور کردن.
- دَ دل مندو /da del mandō/: فراموش نکردن.
- دل بُردُو /del bordō/: گرویدن و عاشق شدن.
- دل پُور /del por/: از خودراضی و مغرور.
- دل پیراخ /del pirāx/: سعه صدر و گذشت، دل فراخ.
- دل تَپَندو /del tapandō/: آزار و اذیت کردن.
- دل تَپَیدو /del tapidō/: بی‌قراری کردن و آرام‌نگرفتن.
- دل خواستو /del xāstō/: میل داشتن.
- دل خورَه دَ خدا بسپار /delxora da xodā bspār/: به خدا توکل کن.
- دل خورَه دَ دریا ده /delxura da darya deh/: شجاع و نترس باش یا ریسک و خطر را قبول کن.
- دل دَ دُو /del dadō/: عاشق شدن.
- دل ریختو /del rēxtō/: شکستن، متأثر شدن.
- دل سوختو /del suxtō/: تأثر زیاد، رنجور شدن خیلی زیاد از واقعه و حادثه‌ای.
- دل سیاه /del seyah/: کینه‌ه‌ور.
- دل شور خوردو /del šōr xōrdō/: آرام‌نگرفتن و بی‌قرار بودن.
- دل غریب شدو /del ɣarib šodō/: محزون شدن و غمگین شدن.
- دل قرار گرفتو /نگرفتو /del qarār gereftō/: آرامی و آسودگی و ناآرامی و ناآسودگی.
- دل قروتک زدو /del qorutak zadō/: گرسنه شدن.
- دل کندو /del kandō/: جدانشدن و دورنشدن از کسی یا چیزی.
- دل گرم /delgarm/: وابسته و علاقه‌مند.
- دل یخ شدو /delyax šodō/: ناامید شدن.
- دل تَنگ /del tang/: کم‌ظرفیت، حسود.

- دل خوش /del xōš/ : سرمست و شاد.
- دل زده شدو /del zada šodō/ : سیرشدن، میل نداشتن.
- دل سوخته /del sōxta/ : خیلی غمگین، معمولاً به کسی گفته می‌شود که یکی از عزیزان خود را از دست داده باشد.
- دلشی پیر شده /delši pir šoda/ : گوشه‌گیر یا افسرده شده است.
- دلشی جو وانه /delši juvāna/ : سرخوش، شاد.
- دلشی خیلی پوره /delši xayli pora/ : پشتوانه قدرتمند دارد و از چیزی نمی‌ترسد.
- دلشی درد کده /delši dard kada/ : خیلی متأثر و ناراحت شده است.
- دلشی درد مونه /delši dard muna/ : به دو معنا به کار می‌رود: ۱. کسی که شکمش درد می‌کند و ۲. ناراحت می‌شود.
- دلشی موپره /delši muppara/ : علاقه‌مند است، تمایل دارد.
- دلشی نارامه /delši nārāma/ : غمگین است، بی‌قرار است، تشویش دارد.
- دلکور /delkōr/ : به غذا میل نداشتن.
- دله آو کدو /dela aw kadō/ : به دل چنگ‌زدن، دل‌بردن.
- روی دل پای ایشتو /ruye del päy eštō/ : نادیده‌گرفتن و رد کردن درخواست کسی.
- سرِ دل پای ایشتو /sar-e del päy eštō/ : نادیده‌گرفتن و رد کردن درخواست کسی.
- سنگ دل /sang del/ : بی‌عاطفه.
- سیاه‌دل /seyäh del/ : حسود و کینه‌توز.
- قد دل بازی کدو /qad del bäzi kadō/ : فریب‌دادن.

آنیمیسیم در موجودات زنده

همان‌طور که گفته شد، بشر برای درک طبیعت و تحقق خواسته‌های آرمانی خود موجودات را جاندار و صاحب روح می‌پندارد. در ترکیبات و تعبیرات کنایی گویش هزارگی به این نوع آنیمیسیم یا جاندارانگاری زیاد برمی‌خوریم و از جمله در ترکیبات و تعبیرات کنایی دل. دل در ترکیبات و تعبیرات گویش هزارگی جاندار است؛ جانداري که گاهی نمود انسان را دارد و گاهی نمود حیوان را. برای اثبات این ادعا در ادامه به بررسی تعدادی از ترکیبات و تعبیرات کنایی "دل" در گویش هزارگی می‌پردازیم. قابل ذکر است که «در گویش هزارگی دو واژه وجود دارد که عبارت‌اند از: واو مجهول و یای مجهول» (شریعتی سحر، ۱۳۹۵: ۳۱۵) و این دو واژه در میان گویشوران هزاره زنده‌اند و در گفتار روزمره‌شان تلفظ می‌شوند. در این گویش بیشتر اوقات "واوی" که در پایان مصدرها می‌آید، مانند: آمدو، رفتو، خوردو، شنیدو، گفتو، شیشتو و...، به صورت مجهول است و گاهی واژه "ی" در تعدادی از واژه‌ها مجهول است، مانند: ریخت، بیری، لیخت، بیر، شیر و...

انسان‌انگاری دل

در ترکیبات و تعبیرات کنایی گویش هزارگی برای دل وجود انسانی قائل شده‌اند؛ دل مانند یک انسان کنش و واکنش دارد و رفتارهای انسانی از او سر می‌زند. قابل ذکر است که ما برای تحلیل و توضیح ترکیبات و تعبیرات کنایی، مبنا را حواس و خصوصیات انسانی در نظر داریم و لذا در هر ترکیب و تعبیری که حواس و خصوصیات انسانی برجستگی بیشتر داشته باشد، در تحلیل، آن را زیر عنوان انسان‌انگاری جای خواهیم داد.

دل قرار گرفتو: کنایه از آرامی و آسودگی است. در این تعبیر، دل به انسان تشبیه شده است و این را با قاطعیت تصریح می‌کنیم که در اینجا جاندار دیگری مراد نیست؛ چون انسان است که از حوادث و وقایع متأثر می‌شود و احساس آرامش و ناآرامی می‌کند و مفهوم آرامش هیچ‌گاه برای حیوانات استفاده نمی‌شود.

سرِ دل پای ایشتو: به معنای نادیده گرفتن و رد کردن درخواست کسی؛ به‌طور مثال در گویش هزارگی گفته می‌شود: «رستم از بس خودخوشه هیچ کس دَ شانشی نَمِیه سرِ دل پک پای ایشته مورَه» در این تعبیر "دل" دارای سر است و کسی بر سرش پا می‌گذارد و می‌گذرد. حالا این سر

متعلق به جاننداری از نوع انسان است؛ چون نادیده گرفتن، یک امر عاطفی است و عاطفه مخصوص انسان و برای انسان‌ها «واژه‌ها معنا دارند، آن‌هم در این مفهوم ساده که واژه‌ها نمادند و به چیزی غیر از خود دلالت می‌کنند» (آگدن، ۱۳۹۷: ۳۹۲) و در اینجا به غیر از خود دلالت کرده است.

دل خواستو: این ترکیب کنایی، یعنی میل داشتن. دل را در مقامی انسانی قرار داده است که چیزی می‌خواهد و آرزوی چیزی را دارد، خواستن و آرزو مخصوص انسان است و از ویژگی‌های شخصیتی انسان و «شخصیت پدیده‌ای است که در نتیجه تعامل تعداد زیادی از قسمت‌های مختلف مغز خلق می‌شود» (مک‌دونالد، ۱۳۹۷: ۲۹۵).

دلشی نارامه (غمگین و بی‌قرار است و تشویش دارد) اینجا دل جاندار است؛ جاننداری از نوع انسان، چون آرامش ویژه انسان است. دل به انسانی تشبیه شده است که درد را حس می‌کند و با درک اندوه ناآرامی و تشویش به سراغش می‌آید، خواب و خوراک را از او می‌گیرد، آسایش ندارد و در حال تهیدن و بی‌قراری است که در نتیجه این ناآرامی، ممکن است دست به هر کاری بزند تا خود را از آن سردرگمی و هراس رها سازد. دل در اینجا در برابر درد کنش نشان می‌دهد؛ کنشی زنده‌جانی از نوع انسان.

دلشی پیر شده: یعنی گوشه‌گیر، افسرده یا **دلشی جُووانه** به معنای سرخوش و شاد؛ به‌طور مثال گفته می‌شود «او دلشی پیر شده ازو خاطر دَ هیچ میله شرکت نمونه» یا «اگرچه او پیر شده؛ اما دلشی جُووانه». در این دو تعبیر کنایی بازهم می‌بینیم که دل در مقام انسانی است که هم پیر می‌شود و هم جوان و خصوصیات انسان پیر و جوان را دارد. دلی که پیر است باتجربه و آرام و یک دنیا زار و مصیبت‌دیده است و زیر بار این سختی‌ها و رنج‌ها چروکیده شده و در یک گوشه افسرده و اندوهناک نشسته و به آنچه بر او رفته خیره‌خیره می‌نگرد و فکر می‌کند. دلی پیر به معنای کوله‌باری از غم و غصه و این در میان هزاره‌ها با این بار معنایی‌اش رایج و متداول است. دلی که جوان است سرخوشی و سرمستی را به تمثیل می‌کشد که اصلاً به هیچ چیزی نمی‌اندیشد، از هیچ چیز نمی‌ترسد و این دل سرشار است از نیروی جوانی که زندگی برایش نمایش کم‌دی‌ای بیش نیست.

دل قروتک زدو: یعنی گرسنه شدن. قُروتک (بی‌تابی و ناآرامی) در گویش هزارگی به طور مثال گفته می‌شود که «بچه از بس گوشنه شده، دلشی قروتک می‌زنه» و **دل قرار گرفتو/**

نگرفتو (آرامی و آسودگی و ناآرامی و ناآسودگی)؛ به‌طور مثال: «تا خبر شد که آتِه شی جورَه دلشی قرار گرفت/ تا وقتی که از آتی خو خبر نَدشت دلشی قرار نمی‌گرفت». در این دو ترکیب کنایی، دل ناآرام است و بی‌قرار. صفت ناآرامی مخصوص انسان است. در هنگام خوشی و ناخوشی، انسان بی‌تاب است و این طرف و آن طرف جست‌وخیز می‌کند؛ بنابراین «دل» هم‌ذات‌پنداری شده است و به‌عنوان یک انسان رفتار و کرداری متناسب با وضعیت از خود ابراز می‌کند.

دل‌غریب: محزون و مغموم و **دل غریب شدو**؛ یعنی محزون‌شدن و غمگین‌شدن. اندوهگین شدن و اندوه باز هم صفتی از صفات انسان است در هنگام مظلومیت، فقر، از دست‌دادن عزیز و در هنگام آواره‌شدن به انسان دست می‌دهد و سر به‌گریبان فرومی‌برد. در این ترکیب و تعبیر کنایی دل چون انسان اندوهگین و بیچاره است. قدرت تخیل گوینده به دل روح داده است و او را در مقام انسانی نشانده که از درد و اندوه ساکت و آرام نشسته است و چیزی نمی‌گوید.

دلشی درد کده: خیلی متأثر و ناراحت شده است؛ به‌طور مثال: «سهراب از گپِ سختِ مهرزاد کلو دلشی درد کده» و **دلشی درد مونه**: به دو معنا به کار می‌رود: ۱. کسی که شکمش درد می‌کند و ۲. ناراحت شده است؛ به‌طور مثال «گپا و کارایِ ناروایِ نوروز که د یادشی بیّه دلشی درد مونه». در این دو تعبیر، دل به انسانی تشبیه شده است و حیثیت انسانی را دارد که درد را حس می‌کند، از درد متأثر می‌شود و دردی که از ناحیه نطق و سخن‌گفتن برسد، مخصوص جاندارانی به نام انسان است نه سایر جانداران.

دل خوش: سرمست، شاد و بی‌پروا؛ به‌طور مثال: «دای اوضاع بد و ناامنی دل تو خوشه». در این ترکیب حالت خوشی که یکی از حالات انسان است به دل داده شده است. دل در مقام انسانی قرار گرفته که از حوادث و شرایط متأثر می‌شود؛ یعنی خوشحال و غمگین می‌شود. اگرچه در این ترکیب کنایی، سخنی از غم و اندوه به میان نیامده است؛ ولی می‌دانیم که مقابل خوشی، اندوه است و تعبیر کنایی "**دلشی نارامه**" (غمگین است، بی‌قرار است، تشویش دارد) به‌صورت دقیق منظور ما را بیان می‌کند. در تعبیر "**دلشی نارامه**"، دل به انسانی تشبیه شده است که از چیزی متأثر است و قرار ندارد؛ می‌تپد و دلیل تپیدنش نیز اندوهی است که به او رسیده است.

حیوان‌انگاری دل

در ترکیبات و تعبیرات کنایی گویش هزارگی بامیان، گاهی "دل" را در جایگاه حیوانی قرار داده و حیوان‌انگاری کرده‌اند؛ مانند: **دلشی موپره** (علاقه‌مند است و تمایل دارد). در این تعبیر، عمل پریدن که ویژه پرندگان است را به دل داده است و دل نقش پرنده‌ای را دارد که در حال پرواز است. در این‌گونه جاندارانگاری بازهم می‌بینیم که دل قدرت فوق‌العاده‌ای دارد و چون پرنده پر می‌گشاید و هرجایی خواسته باشد می‌رود؛ در پهنا و اوج آسمان، در قله‌های بلند کوه‌های سر به فلک کشیده، در فراز و میان درختان، سبزه‌زارها و هرجایی که پرندگان می‌روند. دل در این جاندارانگاری پرواز می‌کند، نوع، جا، میزان و سرعت پروازش مشخص نیست؛ بنابراین مطابق هدف، چگونگی پروازش مشخص می‌گردد.

پریدن، تپیدن و تپاندن دل و جاندارانگاری آن، در گویش هزارگی، صرفاً در وجه تشابه نیست؛ همان‌طور که در زبان «انتخاب، صرفاً برحسب "تشابه" صورت نمی‌پذیرد و عوامل دیگری نیز در این انتخاب دخیل‌اند» (صفوی، ۱۳۹۴: ۱۴۸). در گویش هزارگی نیز «انتخاب» صفات پریدن و تپیدن برای "دل" از التزامات دل است.

انسان / حیوان‌انگاری دل

دل تپیدو: ناآرامی کردن و **دل تپندو** نیز یعنی آزار و اذیت کردن. اینجا دل جاندار است که آزار و اذیت می‌شود یا لت و کوب می‌گردد، بی‌تابی می‌کند، زنده است و حرکت دارد. در ترکیب اول دل به انسان یا حیوانی تشبیه شده است که می‌تپد و در ترکیب دوم نیز چنین است که دل زنده است و جاندار و یکی آن را می‌آزارد.

در دو ترکیب کنایی فوق نیز با دل هم‌ذات‌پنداری شده و دل را در جایگاه زنده‌جانی قرار داده که ممکن است انسان باشد یا حیوان؛ برای هردو صدق می‌کند. اگر آن مقوله منطق را در نظر بگیریم که «انسان حیوان ناطق است»، مشکلمان حل است.

دلکور: به غذا میل نداشتن. اینجا دل به انسان یا حیوانی تشبیه شده است که هیچ‌جا را نمی‌بیند و از لذت دید و بینایی محروم است. یکی از خصوصیات بینایی این است که طمع را در انسان یا حیوان‌ها افزایش می‌دهد. وقتی دیده چیزی زیبا و دلکش را دید، برای به‌دست‌آوردن و

لذت بردن از آن تلاش می‌کند و در تبوتاب می‌افتد و طمع و اداورش می‌کند تا آن را به دست آورد؛ اما زمانی که کور باشد این خصوصیت کاهش پیدا می‌کند یا جایش را طمعی دیگر می‌گیرد.

دل شورخوردو: جنبیدن و کنایه از آرام‌نگرفتن و بی‌قرار بودن است. در این تعبیر کنایی، برای دل جان قائل شده‌اند که می‌جنبند و تکان می‌خورد. حرکت و جنبیدن مخصوص زنده جان‌هاست؛ بویژه جاندارانی که جنبش و حرکتشان با چشم انسان به صورت طبیعی دیده شود و در نتیجه آن حرکت، عدم قرار را حس کنیم که قبلاً نیز در این باره گفتیم که بی‌قراری در نتیجه درد رخ می‌دهد و درد را زنده جان‌هایی چون انسان و حیوان احساس می‌کنند؛ بنابراین این جاندار، یا انسان است یا حیوان؛ نه هر جنبنده و زنده‌جانی که فقط حرکت کند و جنبش داشته باشد.

نتیجه

از توصیف و تحلیل جاندارانگاری در ترکیبات و تعبیرات کنایی دل در گویش هزارگی به این نتیجه رسیدیم که با توجه به اهمیتی که دل در زندگی انسان دارد و یکی از اجزای اصلی حیات بشر تلقی می‌شود، در گویش هزارگی نیز مانند اغلب گویش‌های دیگر، کنایات زیادی با این واژه ساخته شده است و با عنایت به اینکه دل را مرکز احساس و عاطفه می‌دانند، بسیاری از صفات و ویژگی‌های جانداران را به آن نسبت داده‌اند که مصداق‌هایی را فهرست و بررسی کردیم. در طبقه‌بندی جاندارانگاری دل در ترکیبات و تعبیرات کنایی گویش هزارگی، نتیجه این شد که سه نوع جاندارانگاری وجود دارد که عبارت‌اند از: "انسان‌انگاری"، "حیوان‌انگاری" و "انسان/حیوان-انگاری" و از این میان، انسان‌انگاری دل اهمیت بیشتری دارد و از نقش پررنگی برخوردار است؛ چنانکه در نمونه‌ها مشاهده شد؛ حتی در انواع دیگر جاندارانگاری نیز رد پای انسان خیلی برجسته است و این امر بیانگر قدرت تخیل گویشوران این گویش است که برای پدیده‌های بی‌روح، روح قائل می‌شوند و "دل" را مانند انسان، حیوان و موجودات زنده قلمداد می‌کنند.

منابع

- قرآن کریم.
- آگدن، چارلز؛ ریچاردز، آیور آرمسترانگ (۱۳۹۷). *معنای معنی: مطالعه‌ای در باب تأثیر زبان بر تفکر و دانش نمادگرایی*. ترجمه کورش صفوی. تهران: علمی.
- اکرامی، عبدالوحید (۱۴۰۰). "جایگاه آنیمیسیم در شعر و اندیشه مولوی". [پایوسته] قابل دسترس در: <https://civilica.com/doc/1203011> [۱۴۰۰/۶/۱۲]
- بایرناس، جان (۱۳۷۱). *تاریخ جامع ادیان*. ترجمه علی اصغر حکمت. تهران: علمی و فرهنگی.
- بهروزنی‌ا، زهره (۱۳۹۸). "بازخوانی انیمیسیم بر جان‌بخشی عروسک بر اساس نظریه ادوارد برنت تیلور". *تئاتر*، ش ۷۶ (بهار): ۹۵-۱۰۸.
- بهنام‌فر، محمد (۱۳۹۳). *وحی دل مولانا: دریافت‌های عرفانی مولوی از آیات قرآن در مثنوی*. مشهد: آستان قدس رضوی، به نشر.
- بهنام‌فر، محمد؛ رستمی، صدیقه (۱۳۸۹). "مقام و مرتبه دل در مثنوی". علامه، سال دهم، ش ۲۶ (بهار و تابستان): ۲۱-۳۵.
- _____ (۱۳۹۱). "صاحب دل در مثنوی". در: مجموعه مقالات هفتمین همایش انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، ج ۲. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، با همکاری انجمن ترویج زبان و ادب فارسی: ۳۶۵-۳۸۰.
- بهنام‌فر، محمد؛ راشد‌محصل، محمدرضا؛ کاظمی اسفاد، مصطفی (۱۳۹۴). *فرهنگ تحلیلی اصطلاحات و تعبیرات کنایی گویش اسفاد*. بیرجند: چهاردرخت.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۴۵). *دیوان*. به اهتمام سیدابوالقاسم انجوی شیرازی. تهران: علمی.
- خاوری، محمدتقی (۱۳۸۵). *مردم هزاره و خراسان بزرگ*. تهران: عرفان.
- خواجه‌گیر، علیرضا (۱۳۹۴). "بررسی دیدگاه ادوارد تیلور و جیمز فریزر درباره خاستگاه و تکامل دین". *الهیات تطبیقی*، سال ششم، ش ۱۴ (پاییز و زمستان): ۱۴۹-۱۶۲.
- دولت‌آبادی، بصیراحمد (۱۳۸۵). *هزاره‌ها از قتل عام تا احیای هویت*. تهران: ابتکار دانش.
- دهخدا، علی‌اکبر. *لغتنامه دهخدا*، ج ۸. ذیل "دل".

- زیبایی‌نژاد، مریم (۱۳۸۹). "بیماری‌های دل و روش‌های بهبود آن از منظر قرآن و ادبیات عرفانی". *عرفان/اسلامی*، سال هشتم، ش ۳۲ (تابستان): ۸۳-۱۱۰.
- سلاجقه، پروین (۱۳۸۵). *از این باغ شرقی*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- سلامت‌نیا، فریده؛ خیرخواه برزکی، سعید؛ مدرس‌زاده، عبدالرضا (۱۳۹۸). "تطبیق جاندارانگاری حیوانی و انسانی در اشعار فروغ فرخزاد و نازک الملائکه". *مطالعات هنر اسلامی*، سال پانزدهم، ش ۳۴ (تابستان): ۲۴۰-۲۵۷.
- شریعتی‌سحر، حفیظ (۱۳۹۰). "بررسی و توصیف گویش هزارگی افغانستان". پایان‌نامه دکترای زبان‌شناسی، دانشکده زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- _____ (۱۳۹۵). *گویش هزارگی*. کابل: امیری.
- شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۰). *صور خیال در شعر فارسی*. تهران: آگاه.
- صفوی، کورش (۱۳۹۴). *از زبان‌شناسی به ادبیات (جلد دوم: شعر)*. تهران: سوره مهر.
- طحانی، حماسه؛ دادجو توکلی، دره (۱۳۹۵). "مطالعه نمونه‌های جاندارانگاری در اسطوره‌ها و ادبیات ایران". *مطالعات نقد ادبی*، سال یازدهم، ش ۴۳ (تابستان): ۹۵-۱۰۹.
- قادری نجف‌آبادی، سلیمان؛ توانگر، منوچهر (۱۳۹۲). "تحلیل شناختی پاره‌ای از استعاره‌های دل در بوستان سعدی". *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، سال پنجم، ش ۸ (بهار و تابستان): ۵۱-۲۱.
- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۸۷). *زیباشناسی سخن پارسی (بیان)*. تهران: نشر مرکز.
- مازه پوا، یلنا (۱۳۹۲). "بررسی تطبیقی مفهوم «دل» بر اساس نظریه استعاره مفهومی در تعبیر مصطلح فارسی و اوکراینی". *پژوهش‌های ادبی و بلاغی*، سال دوم، ش ۱ (زمستان): ۹۰-۱۰۱.
- محمدی شاری، شوکت‌علی (۱۳۹۲). *در اوستایی در صدف لهجه هزارگی*. کابل: صبح امید.
- _____ (۱۳۹۵). *بامیان: پایتخت شکوه اساطیری*. کابل: امیری.
- معین، محمد. *فرهنگ فارسی*، ج ۱. ذیل "دل".
- مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۹۰). *پیام امام امیرالمؤمنین: شرح تازه و جامعی بر نهج‌البلاغه*، ج ۶. قم: امام علی بن ابی‌طالب (ع).

- مک‌دونالد، ماتیو (۱۳۹۷). *مغز ما: چگونه از مغز خود بهتر استفاده کنیم*. ترجمه محمدرضا باطنی. تهران: فرهنگ معاصر.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۸۴). *مثنوی معنوی، دفتر دوم*. به تصحیح محمد استعلامی. تهران: سخن.
- میتلند، پی. جی. (۱۳۶۷). *تحقیقی درباره هزاره‌ها و هزارستان* (گزارش کمیسیون سرحدی افغان و انگلیس). ترجمه محمداکرم گیزابی. با مقدمه و پاورقی کاظم یزدانی. قم: مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان.
- نائل، حسین (۱۳۷۲). *سایه‌روشن‌هایی از وضع جامعه هزاره*. قم: اسماعیلیان.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۹). *فنون بلاغت و صناعات ادبی*. تهران: اهورا.
- یثربی، سیدیحیی (۱۳۷۹). *پژوهشی در نسبت: دین و عرفان*. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

Examining fantasy elements (magnificent literature) in the legends of Birjand

Kolsoom Ghorbani Joybari¹

Received: 5/3/2022

Razieh Honarmand²

Accepted: 16/5/2022

Abstract

Folk literature comprises various manifestations of the culture and civilization of each nation, demonstrated in the form of legends, stories, songs, etc. The legends of Birjand are an illustrative and important example of the external display of the culture of the desert regions of Iran. This article aims to answer the following questions by examining the fantasy components in Birjand's legends using an analytical-descriptive method: 1. What kind of fantasy and what characters and heroes are more frequent in Birjand's legends? 2. What are the tricks in Birjand legends to connect the real world and the wonderful world?

Representing the features of fantasy in twenty-three legends of Birjand, the results indicated that five of the twenty-three legends are of the animal fantasy type. The characters are static, and other than humans, demons and supernatural beings sometimes play roles and are given human characteristics. These characters reach their goals through the functions and tricks of magic. The main and secondary characters are always with each other and end the story by doing strange and magical tricks and amazing feats. These legends have a simple design and structure, and they all have direct and indirect messages, which each reader is free to understand based on the spiritual and social conditions and the atmosphere of the legend. Most of the legends also have social concepts. convey to the reader, which itself expresses the polyphonic feature of these legends. Moreover, some of them are of the awareness type according to the climatic and social conditions.

Keywords: popular literature, legends of Birjand, fantasy, wonderful literature

1. Associate Professor of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Human Sciences, Birjand University, Iran, (Corresponding author). kolsoomghorbani@birjand.ac.ir

2. Master's student in Persian language and literature, Birjand University, Iran.
raziehonarmand5650@gmail.com

مقاله علمی - پژوهشی

بررسی مؤلفه‌های فانتزی (ادبیات شگرف) در افسانه‌های بیرجند

کلثوم قربانی جویباری^۱

راضیه هنرمند^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۴

مشاهده مقاله منتشر شده: دوره ۱۷، شماره ۱

http://www.farhangekhorasan.ir/article_162268.html

چکیده

ادبیات عامیانه، جلوه‌های گوناگون از فرهنگ و تمدن هر قومی است که به شکل افسانه، قصه، ترانه و ... تجلی می‌یابد. افسانه‌های بیرجند نیز نمونه گویا و مهمی از نمایش بیرونی فرهنگ مناطق کویری ایران است. این مقاله بر آن است تا با بررسی مؤلفه‌های فانتزی در افسانه‌های بیرجند با شیوه تحلیلی- توصیفی به این پرسش‌ها پاسخ دهد که ۱. بسامد چه نوع فانتزی و چه شخصیت و قهرمانی در افسانه‌های بیرجند بیشتر است؟ ۲. شگردهای موجود در افسانه‌های بیرجند برای پیوند دنیای واقعی و شگفتانه کدام است؟ با بازنمایی ویژگی‌های فانتزی در بیست و سه افسانه بیرجند این نتایج حاصل شد که پنج افسانه از بیست و سه افسانه، از نوع فانتزی جانوری هستند. شخصیت‌ها ایستا هستند و جز انسان، گاهی دیوها و موجودات فراطبیعی نیز نقش بازی می‌کنند و حالات انسانی به آن‌ها منسوب می‌شود. این شخصیت‌ها با کارکردها و شگرد سحر و جادو به هدف می‌رسند. همواره شخصیت‌های اصلی و فرعی همراه یکدیگرند و با شگردهای عجیب و جادویی و انجام امور شگفتانه، قصه را به پایان می‌برند. طرح و ساختار این افسانه‌ها ساده‌اند و همه این قصه‌ها دارای پیام مستقیم و غیرمستقیم است و هر خواننده با توجه به شرایط روحی و اجتماعی و فضای افسانه برداشتی آزادانه از آن دارد و غالب افسانه‌ها مفاهیم

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند، ایران، نویسنده مسئول

kolsoomghorbani@birjand.ac.ir

raziehonarmand5650@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند، ایران

اجتماعی را به خواننده منتقل می‌کنند که خود بیانگر ویژگی چندصدایی این افسانه‌هاست و همچنین برخی از آن‌ها با توجه به شرایط اقلیمی و اجتماعی از نوع آگاهی‌گر هستند.

واژه‌های کلیدی: ادبیات عامه، افسانه‌های بیرجند، فانتزی، ادبیات شگرف.

مقدمه

افسانه یا قصه‌های عامیانه جلوه‌گاه فرهنگ هر ملت است و با تخیلات و آرزوهای توده مردم شکل می‌گیرد. سرچشمه این قصه‌ها، باورها و آیین‌های آغازین است که به صورت ادب شفاهی از گذشته‌های بسیار دور به ما رسیده است. قصه‌های عامیانه نیز یکی از اشکال ادب شفاهی هستند که گنجینه‌ای عظیم و کهن از اعتقادات و باورها و آداب و رسوم گاه فراموش‌شده قوم ایرانی را در دل خود نهان کرده‌اند (حق‌شناس و خدیش، ۱۳۸۷: ۲۸). خاورزمین و بویژه سرزمین ایران دارای گنجینه‌های بی‌نظیری از این قصه‌هاست. قصه‌ها، مثل‌ها و اساطیر خاورزمین هم جذابند و هم معانی ژرفی دارند. قصه‌های *سندبادنامه*، *فرج‌بعداز شدت*، *مرزبان‌نامه*، *شاهنامه*، *خسرو و شیرین*، *لیلی و مجنون* و نظایر آن بسیار طرفه و ژرف هستند و از تخیل و تفکر هنری خبر می‌دهند. در کشور ما تعبیرهای تازه‌ای که بهرام صادقی از قصه‌های عامیانه و علی مؤذنی از قصه "یوسف و زلیخا" به دست داده‌اند، نشان می‌دهد که غنای این قصه‌ها بسیار زیاد و عامل زیباشناختی و هنری آن‌ها ژرف و سرشار از لطف و گیرایی است (دست‌غیب، ۱۳۷۶: ۱۱-۱۲).

قصه‌های کهن، اسطوره‌ها، حکایت‌های اخلاقی، افسانه‌های تمثیلی و پهلوانی و... سرچشمه‌هایی غنی است برای داستان‌های امروزی؛ چه آن‌هایی که به کتابت درآمده‌اند و به طور مستقل یا به طور غیرمستقیم در متن‌های ادبی و کتاب‌های دیگر وجود دارد و چه آن‌هایی که به طور شفاهی هنوز هم سینه به سینه نقل می‌شود، می‌تواند شالوده آثار خلاقه امروزی قرار گیرد و می‌توان با مواد و مصالح آن‌ها و همان سنخ شخصیت‌های قهرمان و شخصیت‌های شیر و فضا و رنگ و زمان و مکان آن‌ها، داستان‌هایی با معنا و دیدگاه‌های امروزی نوشت و به قالب قصه، صورتی تازه و نو بخشید و نوعی از داستان‌های شگفتانه به وجود آورد؛ یعنی اگر نویسنده‌ای «در خصوصیت بنیادی قصه‌ها، خرق عادت و کلی‌گرایی آن‌ها را با ویژگی حقیقت‌مانندی و روان‌شناختی داستان‌های امروزی عوض کند و وقایع کلی و مطلق و خرق عادت قصه‌ها، برای خواننده به نحوی

توجیه پذیر شود» (میرصادقی، ۱۳۸۷: ۶۸)، داستان‌های تمثیلی مدرن امروزی به وجود می‌آید. اگر ترکیب فضای واقعی و فانتزی (fantasy)، در افسانه‌های نو و امروزی، به اقتضای شرایط کنونی فرهنگی و اجتماعی باشد، هم می‌تواند ویژگی سرگرمی افسانه‌های کلاسیک را حفظ کند و هم از لحاظ اجتماعی و روان‌شناسی تأثیرگذار باشد.

امروز همه دست‌اندرکاران گردآوری فرهنگ عامه، در نتیجه تحولی که در جامعه روی داده است، نگران از دست رفتن سنت‌ها هستند و گمان می‌کنند اگر سریع‌تر و در همین ایام، فرهنگ عامه را گردآوری نکنیم، ایرانیان در آینده دیگر اثری از آن نخواهند دید؛ اما این دیدگاه با واقعیت امروز تطبیق نمی‌کند؛ زیرا در همین زندگی معاصر با وجود همه گرفتاری‌ها، در مراسم مختلف عروسی و عزا و تولد و روضه‌خوانی و...، هنوز آداب و رسوم محلی هر منطقه برگزار می‌شود (محبوب، ۱۳۸۲: ۶۷). یکی از آفت‌هایی که در کمین افسانه‌های عامیانه است، مرگ روایان این قصه‌هاست که با زیرخاک رفتن این قصه‌گویان که اغلب زن هستند، بسیاری از این قصه‌ها هم از بین می‌روند؛ مگر اینکه قبل از آن مکتوب شده باشند.

عصر فعلی برای ادامه حیات این افسانه‌ها عصری خطرناک است؛ زیرا امروز با وسایل سرگرمی گوناگون، حتی کودکان هم خریدار قصه مادر بزرگان نیستند و تلویزیون و داستان‌های رادیویی و نرم‌افزاری را ترجیح می‌دهند؛ بنابراین، اگر جوانان و روشن‌فکران هرچه بیشتر داستان‌ها و افسانه‌ها را روی کاغذ نیاورند، بسیاری از آن‌ها مثل لهجه‌های ما نابود خواهند شد (همان: ۵۴). در ادبیات معاصر، آشنایی سطحی با مسایل اجتماعی میهن و ضعف زیبایی‌شناختی، سبب می‌شود نویسندگان آوازه‌گرا کارشان را با افسانه‌های تمثیلی آغاز کنند؛ چنان‌که بعد از مشروطه گاهی نویسندگان شعارهای حزبی را در قالب افسانه‌های تمثیلی بیان می‌کنند و هنری می‌آفرینند که تبلیغی است و منافع روزمره را مدنظر دارد و ملاحظات ادبی را فدای ملاحظات سیاسی می‌کند و افسانه‌های اجتماعی را می‌نویسند. هرچند این آثار فاقد ارزش ادبی هستند؛ اما از جهت نشان‌دادن روحیه حاکم بر بخشی عمده از نویسندگان یک دوران، قابل توجه هستند.

گرایش به ادبیات رمانتیک افسانه‌ای معاصر، یکی از راه‌های انتقاد از شرایط غالب بر جامعه، گریز از ناملايمات و جستجوی تسلا در این دوره است و نویسندگان بسیاری، کمال مطلوب خود را در دنیای افسانه‌ها می‌جویند و به مفاهیم انتزاعی و تخیل روی می‌آورند (میرعابدینی، ۱۳۹۶:

۱۷۷، ۳۳۰). افسانه‌گویی که در گذشته فقط برای سرگرمی و تفریح بوده است، در عصر حاضر اهداف سیاسی و اجتماعی نیز به آن افزوده شده است و از نظر کارکرد بسیار قابل توجه است. این گنجینه ارزشمند، اطلاعات جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، تاریخی و ادبی مهمی را در اختیار ما می‌گذارد که با بررسی آن از جنبه‌ها و منظرهای مختلف، زیست انسانی بهتری را فراهم می‌کند. یکی از این چشم‌اندازها، بررسی ادبی است؛ به این دلیل که ادب شفاهی، همگام با آثار ارزشمند ادب رسمی و مکتوب در گذر سالیان دراز، فرهنگ و اندیشه‌های کهن نیاکان ما را در سینه و حافظه زنان و مردان این سرزمین پرورانده و به ما رسانده است؛ از این‌رو در این پژوهش سعی شده است از دریچه ادبیات و با نگاهی نو به نام فانتزی یا ادبیات شگرف به این مهم پرداخته شود.

فانتزی (fantasy) یک گونه‌ی ادبی-روایی است که در آن وقایع، فضاها و شخصیت‌های داستانی، خارج از قلمرو باورها صورت گرفته و احتمال وقوع آن در دنیای واقعی غیرممکن است. به این نوع ادبی (ادبیات تخیلی غیرممکن یا شگفتانه یا ادبیات شگرف) نیز می‌گویند. افسانه‌ها زاییده خیال بشر هستند. عناصر خیالی و وهم‌انگیز و امور خارق‌العاده در آن‌ها نیرومند و درون‌مایه اصلی محسوب می‌شوند. نکته قابل توجه در افسانه‌ها، شرایط اقلیمی آن است؛ زیرا شرایط جغرافیایی و زیست‌بوم هر منطقه، در نوع خیال‌پردازی آن تأثیرگذار است؛ به عنوان مثال، کویری-بودن خراسان جنوبی (بیرجند) در فضاسازی وهم‌آلود و رمزگونه افسانه‌ها بی‌تأثیر نبوده و نوع خاصی از فانتزی (ادبیات شگرف) را در آن ایجاد کرده است. به همین دلیل پژوهش حاضر سعی دارد تا نمونه‌هایی از بیرجند را از نظر مؤلفه‌های ادبیات شگرف بررسی کند؛ زیرا مطالعه قصه‌های عامیانه با رویکرد نوین، نویسندگان و محققان ادبیات معاصر را یاری می‌کند تا برای خلق داستان-های تخیلی و ادبیات شگرف، از داستان‌هایی با زمینه‌های بومی و عناصر فانتاستیک (شگفتانه) بهره جویند. چه بسا که این نمونه‌ها انعکاس آمال و آرزوهای نیاکان و بیان ذخیره ذهنی و فرهنگی آن‌هاست. در این مقاله سعی می‌شود تا عناصر داستان و عوامل فانتزی‌ساز افسانه‌های بیرجند مورد توجه قرار گیرد و با روش تحلیلی-توصیفی به تحلیل و بررسی آن‌ها پرداخته شود؛ برای دستیابی به هدف این پژوهش، دو پرسش مدنظر است: ۱. بسامد چه نوع فانتزی و چه نوع

شخصیت‌هایی در افسانه‌های بیرجند بیشتر و شگردهای موجود در افسانه‌های بیرجند برای پیوند دنیای واقعی و شگفتانه کدام است؟

پیشینه تحقیق

درباره ادبیات شگرف و مؤلفه‌های آن در آثار مختلف ادبی، تحقیقات گوناگونی صورت گرفته است که در ادامه خواهد آمد؛ اما با توجه به این موضوع که افسانه‌ها خود منبع تخیل و حوادث شگرف هستند و تخیل و خیال‌پردازی ویژگی بنیادین و مشترک افسانه‌ها و فانتزی است، پژوهشی در این‌باره نمی‌بینیم و تبعات در این حوزه معطوف به متون دیگر ادبی است. حرّی (۱۳۹۳) در کتابی به بوطیقای ادبیات وهمناک، کرامات و معجزات پرداخته است. غریب و بهنام‌فر (۱۳۹۶) در پژوهشی، داستان "دقوقی" مولانا را از منظر ادبیات شگرف و مؤلفه‌های فانتزی بررسی کرده‌اند. حاجت‌پور بیرگانی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه‌ای به بررسی ویژگی‌های تئاتر و نمایشنامه‌های کودک و نوجوان از نظر کاربرد تخیل و نشانه‌های فانتزی و تأثیر آن بر ذهن و قوه خیال‌پردازی کودکان و نوجوانان پرداخته است. شافعی (۱۳۹۴) در پایان‌نامه‌ای به شخصیت‌پردازی کوتوله‌ها در داستان‌های کودک و نوجوان پرداخته و نشان داده است که انواع قهرمانان کوتوله، یکی از ویژگی‌های مهم ادبیات شگرف یا فانتزی در داستان‌های کودک و نوجوان به شمار می‌رود. صالحی بناپید (۱۳۹۴) در مقاله‌ای مؤلفه‌های فانتزی و تأثیر آن بر تخیلی‌کردن آثار ادبیات کودک و نوجوان را بررسی کرده است. در این مقاله برزیگر (۱۳۹۳) با بررسی *سامنامه* خواجهی کرمانی نشان می‌دهد فانتزی در ادبیات کلاسیک چگونه حضور می‌یابد. قدمیاری (۱۳۹۲) در پژوهشی به تعامل عناصر فانتزی و ادبیات غنایی پرداخته است. پورالخاص و صادقی (۱۳۹۲) در رمانی با موضوع جنگ، مؤلفه‌های فانتزی را در ادبیات پایداری و مقاومت بررسی کرده است. نوروزی و هاشمی (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی مؤلفه‌های فانتزی در ادبیات داستانی نوین پرداخته‌اند. با نگاهی اجمالی به پیشینه تحقیق درخواستیم یافت که تاکنون جلوه‌های ادبیات شگرف و فانتزی در افسانه‌های بیرجند کار نشده و این تحقیق در نوع خود، جدید است.

مباحث نظری

افسانه، قصه‌ای است حاوی سرگذشت یا رویدادهای خیالی از زندگی انسان‌ها، حیوانات، پرنندگان یا موجودات وهمی چون دیو، پری، غول و اژدها که با رمز و راز و مقاصد اخلاقی و آموزشی توأم است و نگارش آن بیشتر به قصد سرگرمی و تفریح خوانندگان انجام می‌گیرد. وجه ممیز افسانه‌ها، تخیل قوی و اغراق‌آمیز بودن آن‌هاست (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۷۸). اغلب پژوهشگران، میان قصه و افسانه تفاوت بارزی قائل نیستند و قصه و افسانه را یکی می‌دانند؛ زیرا هر دو را سرگذشت و رویدادهای خیالی از زندگی انسان و حیوان و موجودات می‌دانند که با رمز و راز و گاهی مقاصد اخلاقی توأم می‌شود و تنها با هدف سرگرمی از دیرباز در میان اقوام و خانواده‌های سنتی مرسوم بوده است و هرگز پشتوانه مذهبی و دینی نداشته است و تنها آفریده خیال است؛ به عبارت دیگر به آثار خلاقانه‌ای که در آن‌ها تأکید بر حوادث خارق‌العاده، بیشتر از تحول و تکوین شخصیت‌ها و آدم‌هاست، قصه می‌گویند. در قصه محور ماجرا بر حوادث خارق‌العاده است و در حقیقت حوادث قصه‌ها را به وجود می‌آورند و رکن بنیادی آن‌ها را تشکیل می‌دهند؛ بی‌آنکه در گسترش و رشد قهرمان‌های قصه نقشی داشته باشند؛ به عبارتی شخصیت‌ها و قهرمان‌ها در قصه کمتر دگرگونی می‌یابند و بیشتر دستخوش حوادث و ماجراهای گوناگونند. قصه‌ها اغلب پایانی خوش و پیام اخلاقی دارند» (میرصادقی، ۱۳۸۳: ۱۳۲). قصه، تاریخچه‌ای بسیار قدیمی دارد؛ مانند مجموعه‌ای از قصه‌هایی که تاریخ آن به حدود چهار هزار سال پیش از میلاد مسیح می‌رسد و از فرهنگ و تمدن مصری باقی مانده است. گفته‌اند که مصری‌ها، اولین ملتی هستند که قصه را به ادبیات جهان هدیه کردند. بعد از قصه‌های مصری ادبیات آشوری- بابلی؛ از جمله منظومه حماسی گیلگمش، قدیم‌ترین قصه به جا مانده است که قدمت آن به حدود دو هزار سال پیش از میلاد مسیح می‌رسد. موضوع این قصه‌ها متنوع است؛ از قصه‌هایی درباره سحر و جادو و ارواح گرفته تا افسانه‌های تمثیلی و قصه‌های پرماجرا و عاشقانه و اجتماعی و شگفت‌انگیز (همان: ۱۳۲). آنچه از این تعاریف به دست می‌آید، این است که به طور کلی قصه و افسانه به یک معنی است. شاید تنها تمایز میان قصه و افسانه این باشد که عناصر خیالی و فانتزی در افسانه‌ها از قصه افزون‌تر است. برای افسانه یا قصه ویژگی‌های برشمرده‌اند که در ادامه مهم‌ترین آن‌ها خواهد آمد.

شگفتانه یا خرق عادت

اگر این تعریف را بپذیریم که «هر گونه ادبی که مرزهای واقعیت عینی را درنوردد و به اقلیم اوهام و خیال وارد شود، فانتزی خواهد بود» (حرّی، ۱۳۹۳: ۱۷)، می‌توانیم بگوییم یکی از ویژگی‌های افسانه خرق عادت است. در فرهنگ‌ها خرق عادت به معنای خلاف عادت آمده است؛ یعنی آنچه با محسوسات عقلی و تجربیات حسی و عینی جور در نمی‌آید؛ مثل معجزات انبیا و کرامات اولیا که با تجربیات عینی و مشاهدات حسی مطابقت ندارد. در افسانه‌ها، حیوانات و اشیا با انسان حرف می‌زنند و انسان نیز با آن‌ها هم‌صحبت می‌شود (همان: ۱۳۲). شگفتانه و خرق عادت، قهرمان افسانه را یاری می‌کند تا به اهداف خود برسد که این اهداف نیز گاهی واقعی و اغلب فانتاستیک هستند. در ادامه، افسانه‌های بیرجند از این منظر بررسی خواهند شد.

پیرنگ ضعیف

حوادث خرق عادت و شگفتانه‌هایی که در افسانه اتفاق می‌افتد، شبکه استدلالی قصه‌ها را سست می‌کند و خواننده نمی‌تواند آن‌ها را باور کند؛ زیرا با تجربیات عینی و مشاهدات حسی او مطابقت ندارد. از این نظر اغلب در افسانه‌ها روابط علت و معلولی حوادث از نظم منطقی و معقولی برخوردار نیست (همان: ۱۳۳). پیرنگ سست و ضعیف که در بیشتر افسانه‌ها هست، گاهی عامل تردید و سردرگمی خواننده و مخاطب می‌شود. این ویژگی در همه افسانه‌های بیرجند وجود دارد و خواننده در طول خوانش افسانه‌ها درگیر پرسش‌های بی‌پاسخ است.

کلی‌گرایی و نمونه کلی

در افسانه‌ها وقایع و حالات کلی به روایت درمی‌آید و به جزئیات حوادث و احوال کمتر توجه می‌شود. در واقع روان‌شناسی فردی و گروهی و تجزیه و تحلیل‌های خلقی و روانی شخصیت‌ها و آدم‌های افسانه و بازتاب آن بر وقایع و حالات موردنظر نیست و راوی به ذکر کلیات حوادث و امور قناعت می‌کند (همان: ۱۳۵-۱۳۴) و نگارنده افسانه نیز با توصیف کلی این ویژگی‌ها، تصویری کلی در اختیار مخاطبین قرار می‌دهد. این کلی‌گرایی را در تمامی عناصر داستان افسانه‌های بیرجند می‌بینیم؛ توصیفات در شخصیت‌پردازی و توصیف زمان و مکان و... بسیار کلی است؛ مثلاً

در افسانه غلام حاجی آقا و زنش که شخصیت‌های اصلی افسانه به شمار می‌روند، هیچ توصیفی از آن‌ها نمی‌بینیم (خزاعی، ۱۳۸۵: ۳۰۱).

زمان و مکان مبهم

ابهام در زمان و مکان و جادو و جادوگری و پیکرگردانی، از برجسته‌ترین عناصر اسطوره‌ای در ساخت قصه‌های عامیانه و افسانه‌هاست که در آن‌ها مهم‌ترین آزمون قهرمان، شکستن طلسم جادوگر است (مظفریان، ۱۳۹۱: ۲۱۶-۲۱۴) و یکی از عوامل مهم شگفتانه در افسانه‌هاست. یکی از دلایل مهم ابهام در زمان و مکان افسانه‌های بیرجند، کلی‌گویی است که یکی از ویژگی‌های مهم افسانه‌ها به شمار می‌رود؛ به عنوان مثال در داستان *حسن کچل*، در آخر داستان، پدر حسن - کچل به غاری پناه می‌برد. راوی هیچ اطلاعاتی از این غار به خواننده نمی‌دهد (خزاعی، ۱۳۸۵: ۱۸۳).

حضور دیو و پری

از عناصر فعال افسانه‌ها و قصه‌های عامیانه "دیوها" هستند که نماد نیرنگ، قحطی، فقر، ستم و... هستند. کارکرد دیوها در قصه‌های عامیانه، اهریمنی و ضدخدایی است که به وسیله قهرمان، به راحتی فریب می‌خورند. شکل ظاهری دیوها در قصه‌های ایرانی با پاهایی چون شتر و قوی هیکل و دارای شاخ‌هایی چون چنار توصیف شده‌اند که جایگاه زندگی آنان بیشتر دور از مردم عادی و در کوه و غار (کوه قاف) است. در افسانه‌ها و قصه‌های عامیانه، "پری" قهرمان دیگری است که پیکرگردانی هم دارد و معمولاً به شکل جانوران درمی‌آید (همان: ۲۱۹ و ۲۲۱). هر دو این شخصیت‌ها در افسانه‌ها، ریشه در اساطیر دارند و در بسیاری از افسانه‌های بیرجند نقش مهمی ایفا می‌کنند؛ مانند افسانه "برگ ظلمات"، "پیربرزنگی"، "ننه دیوها" و "دختر پریزاد" و خویشکاری‌های شگفت آن‌ها، حوادث داستان را رقم می‌زند (خزاعی، ۱۳۸۵: ۱۸۷).

افسانه‌های بیرجند و مؤلفه‌های فانتزی

در فاصله سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۶۳ بیش از ۱۴۰ افسانه محلی از شهرها و روستاهای منطقه بیرجند گردآوری شد که تعدادی از آن‌ها ارزش انتشار ندارد. در فضای افسانه‌های محلی ایران و بیرجند، معمولاً مادر بزرگ چهره‌ای شناخته شده است که برای نوه یا نوه‌های خود یا برای عده‌ای کودک قصه می‌گوید. بر مبنای همین تصور، عده قابل ملاحظه‌ای از مردم و ارباب مطبوعات و متصدیان برنامه‌های تلویزیون، در ذهن و عملکرد خود، مادر بزرگ را پای کرسی یا پشت میز یا روی متکا می‌نشانند تا قفل در قصه‌ها را بگشاید (سرمد، ۱۳۸۲: ۱۰). نکته جالب توجه در مورد منطقه بیرجند و قاین این است که اولاً مادر بزرگ یکی از افسانه‌سرایان است، نه افسانه‌گوی مطلق؛ یعنی حدود دو سوم افسانه‌های حاضر را مردان منطقه حکایت کرده‌اند؛ ثانیاً افسانه کمتر در پای کرسی و بیشتر در محل کار گفته می‌شده است و ثالثاً به همان صورت که مادر بزرگ، تنها افسانه‌سرا نیست، شنوندگان هم تنها کودکان نیستند؛ بلکه جوانان و افراد مسن نیز به شنیدن افسانه‌هایی که ممکن است بارها شنیده باشند، علاقه نشان می‌دهند. دلیل این تمایل گذراندن وقت نیست بلکه عاملی است برای تسکین نگرانی‌ها و ناکامی‌ها و... که طبیعت یا هم‌نوعان برای آنان ایجاد کرده‌اند (همان: ۱۰). به طور کلی فرهنگ نانوشته یک منطقه، آیین‌های است که در کنار فرهنگ مکتوب، خصوصیات عمده اجتماعی و روانی مردم آن منطقه را مجسم می‌کند. بخش عمده‌ای از فرهنگ جامعه در ادبیات شفاهی یا فولکلور متبلور است و از این‌رو این گونه ادبیات با نوع معیشت و سطح آرزوها، اقتصاد و اعتقاد مردم همخوانی شگرفی دارد. ادبیات شفاهی، پدیدآورندگانی گمنام، ولی ناقلانی آشنا دارد و از نظر محتوایی، دربرگیرنده آرزوها و انتظارات بر بادرفته یا دور از دسترس، اسطوره‌ها، اعتقادات و باورهای فردی و جمعی مردم گذشته است که برخی از این اسطوره‌ها، باورها و اعتقادات، به مخلوقات ماورایی از قبیل جن و پری مربوط می‌شود. ادبیات شفاهی خراسان که تجلی‌گاه این امور است، گاهی به نثر است و در قالب قصه و افسانه، روایت، نقل، چیستان، ضرب‌المثل و گاهی به نظم و موزون بوده و در قالب مثنوی، قطعه، غزل، دوبیتی و رباعی بیان شده است (اکرامی‌فر، ۱۳۹۴: ۴۱). افسانه‌های بیرجند نیز با ویژگی‌های متعارف افسانه، در این قلمرو قرار می‌گیرند. در سال‌های اخیر توجه به ادبیات شفاهی و افسانه‌های خراسان جنوبی و تلاش‌ها برای گردآوری افسانه‌ها و دوبیتی‌ها و... بسیار شده است. یکی از این

تلاش‌ها از حمیدرضا خزاعی است که به گردآوری افسانه‌های خراسان جنوبی، از جمله بیرجند همت گماشت که در این تحقیق از کتاب او استفاده شده است.

مؤلفه‌های ادبیات شگرف در افسانه‌های بیرجند

همان‌طور که گفته شد جلوه‌های خیال‌انگیزی و عناصر تخیلی، از ویژگی‌های افسانه‌ها و قصه‌های مناطق و ملل مختلف دنیا، از جمله بیرجند است. در ادامه، مؤلفه‌های ادبیات شگرف را خواهیم آورد و با بررسی آن در افسانه‌های بیرجند، قدرت هنرمندی و عیار تخیل راویان این افسانه‌ها تبیین خواهد شد.

زاویه دید

یکی از مهم‌ترین عناصر در هر نوع داستان به شمار می‌رود. منظور از زاویه دید در داستان، فرم و شیوه روایت است. در نوع ادبی شگرف، نویسنده از طریق روایت، تخیل و واقعیت را در هم می‌آمیزد و ترس و تردید موجود در داستان را به خواننده منتقل می‌کند. علاوه بر این نویسنده به کمک نوع روایت، نقش اجتماعی شگرف را بیان می‌کند (نوروزی و هاشمی، ۱۳۹۳: ۴۲۳). زاویه دید در افسانه‌ها بیشتر سوم شخص یا دانای کل است؛ یعنی راوی بر کل حوادث داستان اشراف دارد و مطلع است. هنر راوی افسانه‌ها در گره‌زدن تخیل و واقعیت است. او با فرم خاص و مخصوص قصه‌های عامیانه، آن را به خواننده القا می‌کند. برای نمونه در "اوسنه خون" شیوه روایت این گونه است: «یک پسر پادشاهی بود، یک پسر وزیر و یک پسر وکیل...»؛ یا در افسانه "هفت": «پادشاهی بود که هفت پسر داشت و...» (خزاعی، ۱۳۸۵: ۲۵، ۲۸۵) و در بسیاری از افسانه‌های دیگر، افسانه با یک قهرمان ناشناس شروع می‌شود. "یک" یا "ی" نکره همراه این قهرمان است که در را برای توصیف جزئیات می‌بندد. در افسانه‌های بیرجند همیشه راوی، بیرونی یا دانای کل است و حوادث تخیلی را گزارش می‌دهد. و همه افسانه‌ها را با «یکی بود، یک نبود» آغاز می‌کند. او به توصیف جزئیات و تشریح فضا و مکان نمی‌پردازد؛ بلکه به طور کلی افسانه را روایت می‌کند. راوی، کانونی‌گری است که به حوادث قصه جهت می‌دهد. در این افسانه‌ها، گاهی راوی، دیدگاه‌های خود را نیز القا می‌کند. در قصه‌های بیرجند من راوی؛ یعنی شخصیتی که قصه

را روایت کند وجود ندارد و راوی گاهی فضای داستان را مرموز و شگرف جلوه می‌دهد. نمونه آن در افسانه "شاه‌عباس و دختر پریزاد" است که گفته: «تا سر دیگ را باز کرد دیو حاضر شد و گوشت‌ها را خورد و وزیر را به پشت خود سوار کرد و تنوره کرد به آسمان...» (همان: ۲۶۴). در افسانه "هفت" می‌بینیم که راوی چگونه فقیر شدن ناگهانی پادشاه و ازدست‌دادن پنج نعمت بزرگ او را در فضایی کاملاً فانتاستیک و تخیلی به تصویر می‌کشد: «یک روز رفت به پیش پسرها، دید پسرها شیش تا کور کور شدن و یکی چشم ندارد، دید تفنگ‌ها شش تا شکسته‌شکسته هستند و یکی قنداق ندارد... رفت به کلاته که آب بخورد دید شش تا خشک‌خشک شده‌اند و یکی نم ندارد...» (همان: ۲۸۶).

شخصیت

شخصیت، بازیگر داستان است و کیفیت روانی و اخلاقی او در عمل وجود دارد (میرصادقی، ۱۳۹۴: ۳۵۱) یکی از عناصر بنیادین هر قصه و داستان، شخصیت و شخصیت‌پردازی است و تبحر نویسنده یا راوی در پردازش شخصیت‌ها در روند پیشبرد حوادث و وقایع، بسیار مؤثر است. شخصیت‌ها نیز اساس و پایه هر داستانی هستند و بدون شخصیت، هیچ داستانی شکل نمی‌گیرد و حادثه‌ای به وجود نمی‌آید و اگر هم به وجود آید، تأثیر عاطفی روی خواننده نخواهد داشت (عابدی، ۱۳۸۸: ۶۷). شخصیت معمولاً در داستان‌های واقعی یک انسان است؛ اما در قصه‌های عامیانه و افسانه‌ها گاهی دیوها و موجودات فراطبیعی نقش انسان را ایفا می‌کنند و همان کنش‌ها و حالات انسانی به آن‌ها منسوب می‌شود. در قصه‌ها شخصیت‌ها معمولاً وقایع را به سرانجام می‌رسانند که در افسانه‌ها این سرانجام معمولاً به خیر و خوشی و عروسی ختم می‌شود. در افسانه‌ها شخصیت‌ها ایستا هستند معمولاً یکی از شخصیت‌ها اصلی و هسته همه حوادث و رویدادهاست و دیگر شخصیت‌ها فرعی هستند و نقش ضعیف‌تری دارند. شخصیت‌ها قهرمان، شرور، شاهزاده خانم، یاریگر و ضدقهرمان هستند که از میان آن‌ها قهرمان در همه افسانه‌ها حضور دارد؛ اما سایر شخصیت‌ها در همه قصه‌ها ثابت نیستند.

شخصیت‌بخشی به جانوران یکی از مؤلفه‌ها و شگردهای فانتزی است که در بیشتر افسانه‌های بیرجند حضور دارد؛ برای نمونه در "اوسنه سوم ماه" که زن و مرد گنهکار به مار تبدیل می‌شوند:

«همین جور که برای خود نشسته بود دید که دو تا مار، یکی سیاه و یکی سفید، به هم پیچیده اند. مرد شمشیرش را کشید و زد دم مار سیاه و سفید کنده شد و مارها فرار کردند...» (خزاعی، ۱۳۸۵: ۲۰). در افسانه "پلنگی از همه رنگی"، بیشترین تعداد جانوران حضور دارند؛ شیر، پلنگ، گرگ، روباه، کفتار، عقاب، گورخر، آهو، که به پاس قدردانی از پسر شاه که آنان را پرورش داده بود، دست به حوادث شگرف در جریان قصه می‌زنند و سرانجام دختر شاه سرزمین دیگر را به ازدواج پسر شاه درمی‌آورند: «یک روز که پسر شاه به شکار رفته بود روباه رو کرد به بقیه و گفت: پسر شاه خدمت خودش را کرد و ماها بزرگ شدیم، حالا نوبت ماست که جواب خدمتش را بدهیم...» (همان: ۱۶۳). در افسانه "اصل زن" نیز الاغ و سگ تبدیل به دختر می‌شوند (همان: ۲۰۸). در افسانه "اوسنه نی" دو خواهر بزرگ‌تر به شیر التماس می‌کنند که خواهر کوچکشان را بخورد (همان: ۲۲۲). در "بلبل سرگشته" استخوان‌ها تبدیل به بلبل می‌شود: «خواهر همین جور که به دستمال استخوان‌های برادرش نگاه می‌کرد و می‌گریست، یک‌دفعه دید که بلبلی از لای دستمال بیرون آمد و پر زد به آسمان و...» (همان: ۲۵۵). در افسانه "شاه‌عباس و دختر پریزاد" گوشت قوچ به دیو تبدیل می‌شود (همان: ۲۶۳).

در افسانه‌های بیرجند ویژگی‌های ظاهری شخصیت‌ها توصیف نشده‌اند و راوی تنها به کلیات پرداخته است و همین عامل؛ یعنی ذکر نکردن جزئیات، باعث ایجاز و اختصار در روند حوادث و وقایع می‌شود و سبب می‌شود تا قصه زودتر به نتیجه دلخواه و پایانی برسد. قهرمان اصلی قصه معمولاً در کنش‌های خود دچار چالش می‌شود که برای پیروزی و غلبه بر این مشکلات، از شخصیت‌های فرعی یعنی یاریگر بهره می‌گیرد و در این مسیر گاهی شرارت شخصیت شرور باعث بروز مشکل و چالش جدید می‌شود؛ ولی در همه این افسانه‌ها سرانجام قهرمان اصلی بر مشکلات پیروز می‌شود. کنش قهرمان اصلی در این افسانه‌ها آمیزه‌ای از تخیل و واقعیت است و او با امور شگرف به نتیجه مطلوب می‌رسد. در افسانه "بی‌بی هور و بی‌بی نور" دختر یتیم با یاری زن‌های چادرسفید توانست پس از یک زندگی سخت با نامادری به آرامش برسد و با پسر تاجر ازدواج کند. همچنین در افسانه "درخت رنگ‌به‌رنگ" پسر شکارگر برای انجام شرط‌های شاه و ازدواج با دختر او، با کمک علی دهن‌آرد، علی یخ‌خوار و علی دورالناس توانست پیروز شود. گاهی در برخی از افسانه‌های بیرجند، شخصیت یاریگر که قهرمان به کمک او بر مشکلات غلبه می‌کند، حیوانات

وحشی هستند؛ مثلاً در افسانه "پلنگی از همه رنگی" یا اشیاء، بی جان هستند؛ مانند تخم مرغ در افسانه "حسن کچل" و چراغ میان خانه در افسانه "شاه عباس و دختر پریزاد" نقش و رفتار انسانی از آن‌ها بروز می‌یابد. همین نوع از شخصیت‌پردازی، جلوه‌های فانتاستیک و ادبیات شگرف افسانه-ها را افزون کرده است. در بیشتر افسانه‌ها، شخصیت‌ها نام مشخص و معلومی ندارند و به صورت مجهول و بی نام معرفی می‌شوند و نام‌ها و شخصیت‌های عمومی‌اند؛ مانند مرد، زن، شاه، دختر شاه، خواهر، برادر، دختر، پسر و... و اسامی عام ذکر شده‌اند: در "اوسنه سوم ماه": پیرمرد تاجر، زن، شاه؛ در افسانه "خال": بچه شاه، برادرزن شاه؛ در "اوسنه خواب" مرد، پیرزال جادو، دخترشاه؛ در "دختر ابریشم‌کش": پسر شاه، دختر، پیرزن؛ در "قلندر": زن، دختر، قاضی، وزیر؛ در "بی بی هور و بی بی نور": دختر، پسر، نامادری، زن چادرسفید، پیرزن؛ در "پلنگی از همه رنگی" پسر، شاه، پیرزن، دختر؛ در "برگ ظلمات": سه برادر، دختر پریزاد، باباپیرمرد، چهل دیو و...؛ در "اصل و نسب" دختر، شاه؛ در "اصل زن": دختر، پیرشهر؛ در "اوسنه نی": سه خواهر؛ در "گل خندان": مرد، پادشاه. در "سه وصیت": مرد مسافر، پیرزال، دخترشاه، مادر؛ در "بلبل سرگشته": پسر، نامادری، خواهر؛ در "آب و بلبل و کره خر": سه نفر دزد، صاحب باغ و در "هفت": شاه. تنها در تعداد معدودی از افسانه‌ها شخصیت نام مشخصی دارد؛ مثل حسن کچل، شاه عباس و لقمان، علی، ممد، ملک ممد و ملک محسن که به ترتیب در افسانه‌های حسن کچل، شاه عباس و دختر پریزاد، چاقو و لقمان، درخت رنگ به رنگ، اوسنه خواب و قلندر، گفته شده است. تنها در سه افسانه نام‌های مشخصی ذکر شده است: حسن کچل، چاقو و لقمان، شاه عباس و دختر پریزاد.

ویژگی دیگر شخصیت‌پردازی در افسانه‌های بیرجند این است که راوی هرگز به جزئیات ظاهری و ویژگی‌های رفتاری شخصیت‌ها نمی‌پردازد و به ذکر کلیات بسنده می‌کند. شخصیت‌های اصلی این قصه‌ها غالباً مرد هستند و شخصیت‌های زن محدودترند و در حاشیه و حوادث فرعی مشارکت دارند. گاهی حیوانات نیز به عنوان شخصیت فرعی به قهرمان کمک می‌کنند؛ مثلاً در افسانه "پلنگی از همه رنگی"، حیوانات در دزدیدن دختر شاه کمک می‌کنند. شخصیت اصلی افسانه‌ها ایستا هستند و از لحاظ اخلاقی و رفتاری در مسیر حوادث، تغییر و تحول خاصی ندارند. این شخصیت‌ها همواره به دنبال دستیابی به چیزی یا کسی هستند که معمولاً به آن می‌رسند و در همین فرایند شخصیت‌های شگرف با کنش‌های فراطبیعی را می‌سازند.

زمان و مکان

زمان افسانه‌ها اغلب مبهم و فرضی است و مشخص نیست که قصه‌ها مربوط به چه زمانی هستند. در بیشتر افسانه‌ها با حدس و گمان باید دریافت که به چه دوره اجتماعی و سیاسی تعلق دارند (میرصادقی، ۱۳۹۴: ۷۹). مکان افسانه‌ها نیز کلی، فرضی و خیالی توصیف می‌شود و خواننده هیچ شناختی از جزئیات خانه‌ها، شهرها، قصرها و باغ‌ها ندارد. شاید گزارنده افسانه‌ها شهر و کشور قصه را مظه‌ری از شهر یا کشور خود می‌داند که آن وقایع در آن اتفاق افتاده است (همان: ۸۰). زمان و مکان نیز در این افسانه‌ها نامعلوم و نامشخص و غالباً کلی بیان شده است. افسانه‌های بیرجند با عبارات آغازین خاصی شروع می‌شود که نمودار ابهام در زمان وقوع حوادث است. از میان بیست و سه افسانه بیرجند فقط افسانه "آب و بلبل و کره‌خر" بدون عبارت آغازین است: «سه نفر رفتند به باغی به انگوردزدی...» (همان: ۲۸۱). شاید دلیل آن، تعدد راوی یا نگارنده باشد که افسانه را این‌گونه آغاز می‌کند. ضمن اینکه شروع ناگهانی، یکی از ویژگی‌های بیشتر افسانه‌های ایرانی است. افسانه "اوسنه خون" با عبارت «خداوند خالق بشر است، مهربان‌تر از مادر و پدر است. یک‌بار بود، یک‌بار نبود» آغاز می‌شود و دیگر افسانه‌ها با عبارت «یکی بود، یکی نبود، غیر از خدا هیچ‌کس نبود» شروع می‌شوند.

توصیف مکان‌ها نیز در این افسانه‌ها کلی است و جز در موارد اندکی، در این افسانه‌ها توصیف جزئیات نداریم؛ به عنوان نمونه در افسانه "دختر ابریشم کش" قصری توصیف شده است که چهل پله و چهل خانه و اتاق دارد. در افسانه "برگ ظلمات" نیز وقتی پسر شاه برای یافتن برگ ظلمات می‌رود، به قصری می‌رسد که راوی، این قصر را دقیقاً توصیف می‌کند: «آمد تا به قصری رسید. قصر چهل پله می‌خورد و سر هر پله دیوی خوابیده بود... توی قصر دختری مثل پنجه آفتاب روی تختی از طلا خوابیده و پیه‌سوزی از نقره در پایین پا و پیه‌سوزی از طلا در بالای سرش می‌سوخت...» (همان: ۱۹۲). همان‌طور که پیشتر گفته شد، ابهام و کلی‌گویی از خصیصه‌های بارز افسانه‌ها است و این ویژگی در توصیف زمان و مکان افسانه‌های بیرجند دیده می‌شود.

پیرنگ

پیرنگ و طرح، چهارچوب و اسکلت داستان است و خواننده می‌تواند مسیر داستان را بر اساس طرحی که نویسنده داشته است، طی کند (عابدی، ۱۳۸۸: ۴۴) قصه‌ها و افسانه‌ها نیز از طرح و پیرنگ مخصوصی برخوردار هستند و به عقیده برخی، طرح در این قصه‌ها ساده و ضعیف است. افسانه‌های بیرجند نیز از این ویژگی مستثنی نیستند و داستان همیشه از نقطه نامعلوم و مکان مجهولی آغاز می‌شود. همین مسئله در گسترش ابهام و فضای وهم‌آلود، تأثیر عمیقی دارد. عامیانه‌بودن و سادگی افسانه‌ها باعث می‌شود، طرح آن‌ها نیز ساده و گاهی قابل پیش‌بینی شود. این عامل سبب می‌شود خواننده گاهی آن را ضعیف بشمارد. ایجاز و اختصار عمدی که معمولاً نویسندگان افسانه به آن پایبند هستند، در ایجاد این نگرش و دیدگاه مخاطبین مؤثر است؛ زیرا در این افسانه‌ها غالباً قهرمان به سرعت و بدون دلیل منطقی، از بزرگ‌ترین چالش‌ها رهایی می‌یابد و به هدف می‌رسد. این ویژگی را در بیشتر افسانه‌های بیرجند می‌بینیم.

در افسانه "اوسنه سوم ماه" خواننده در میانه داستان به رابطه بین مار سیاه و سفید و دو زن گنهکار پی می‌برد. در "اوسنه خون" خواب‌ماندن پسر وکیل علت اصلی گرفتارشدن او در زندان شاه و افسانه‌گویی مادرش علت نجات او می‌شود. در افسانه "خال" گم‌شدن پسر شاه علت آواره‌شدن مادر و داییش می‌شود و خال روی دست او علت شناخته‌شدن اوست. در "اوسنه خواب" خواب‌دیدن، علت ترک وطن و حوادث و کنش‌های فانتاستیک می‌شود. در افسانه "دختر ابریشم-کش" ازدواج و بچه‌دارنشده‌شدن او علت کنش‌ها و فضای فانتاستیک می‌شود. در افسانه "قلندر" سوءنیت وزیر شاه و قاضی به زن و دختر شاه علت قلندرشدن شاه، زن و چوپان می‌شود. در افسانه "بی‌بی هور و بی‌بی نور" بداخلاقی نامادری علت همه حوادث است. در افسانه "ککر" گم‌شدن ککر، علت اصلی گرفتاری او در دست پیر برزنگی است. در قصه "کچلو و سه شرط شاه" جسارت کچلو در خواستگاری از دختر شاه علت حوادث است؛ البته در این افسانه نیز در مقایسه با افسانه‌های پیشین، پیرنگ ضعیف‌تر است و رابطه علت و معلولی سست به نظر می‌رسد. در افسانه "درخت رنگ‌به‌رنگ" پیرنگ ضعیف است. در افسانه "حسن کچل" نیز پایبندی پدر در تربیت پسران که به سن تکلیف رسیده‌اند، عامل رویدادهاست؛ اما حوادث با شرارت همراه است. در افسانه "برگ ظلمات" نابیناشدن پادشاه، عامل کنش‌های شگرف قصه می‌شود. در افسانه "اصل

و نسب " نیز پیرنگ ضعیف است. همچنین در "اصل زن" پیرنگ وجود ندارد. در "چاقو و لقمان" نیز پیرنگ سست است. در "اوسنه نی" کنش خلاف اخلاق دو خواهر بزرگ علت همه حوادث است. در "اوسنه گل خندان" بی‌بندوباری اخلاقی شاه و تمایل او به ازدواج با زن شوهردار، علت رویدادهای قصه است. در افسانه "سه وصیت" احترام مرد به توصیه‌های مادرش عامل نجات او از حوادث می‌شود. در "بلبل سرگشته" شرارت نامادری علت فانتزی‌هاست. در افسانه "شاه‌عباس و دختر پریزاد" و "آب و بلبل و کره‌خر" پیرنگ وجود ندارد. در افسانه "هفت" غرور شاه عامل مرگ اوست.

کنش

کنش یا عمل داستانی با حضور قهرمان داستان و افسانه روی می‌دهد و در هماهنگ کردن حوادث دخیل است. این کنش‌ها می‌تواند واقعی، تاریخی، خیالی و ساختگی باشد (همان: ۳۵۸). کنش در قصه‌های عامیانه به دلیل تنوع حوادث و رویدادها با داستان‌های دیگر متفاوت است؛ زیرا در افسانه‌ها کنش‌ها همراه سحر و جادو هستند و همین بن‌مایه باعث هیجان بیشتر در مسیر داستان می‌شود. کشتن و جنگیدن و حرف‌زدن حیوانات و رفتارهای خارق‌العاده و تبدیل کردن آدم‌ها به حیواناتی مثل مار در افسانه "اوسنه سوم ماه" یا تبدیل کردن پسر شاه به شکل سوزن در افسانه "برگ ظلمات" از جمله کنش‌های خاص و فانتزی در این افسانه‌هاست. در این قصه‌ها شخصیت‌ها، کنش‌هایی دارند که در داستان‌های نوین، افراد قادر به انجام آن نیستند و در عالم واقع وجود ندارد. کنش‌های تخیلی شگرف و وجود شگفتانه‌ها در شخصیت‌های این افسانه‌ها مشهود است؛ به عنوان مثال، در "اوسنه خون" با اینکه همه کنش‌ها واقعی‌اند؛ اما وقتی پالیزبان هندوانه‌ای را که به نوعی سر انسان است به پسر وکیل می‌دهد، باعث گرفتاری او می‌شود و همین کنش غیرواقعی به فضای فانتاستیک افسانه کمک می‌کند. همچنین در افسانه "خال" گردباد کنش قهرمان و شخصیت‌های افسانه را غیرواقعی جلوه می‌دهد. در "اوسنه خواب" در ابتدای افسانه که ممد خواب خود را با رمه چوپان معامله می‌کند، می‌بینیم آغاز افسانه با کنش فانتزی همراه است. در "دختر ابریشم‌کش" افسانه با کنش‌های واقعی پسر شاه آغاز می‌شود؛ اما در ادامه انجام شروط دختر ابریشم‌کش برای ازدواج با پسر شاه، کنش‌ها غیرواقعی و فانتزی می‌شوند. در

"قلندر" کنش همه شخصیت‌های اصلی و فرعی، واقعی جلوه می‌کنند. در افسانه "بی‌بی هور و بی‌بی نور" نیز کنش‌ها واقعی هستند و بن‌مایه‌های مذهبی نیز دارند. در افسانه "ککر" کنش‌های غیرعادی برزنگی؛ یعنی آوردن آتش پنبه از چهارفرسخی و نان گرم از شش فرسخی و آب از کوه با غربیل، همگی فضای افسانه را فانتاستیک می‌نماید. در «کچلو و سه شرط شاه» شرط‌هایی که شاه برای کچلو می‌گذارد، غیرواقعی هستند؛ هرچند که کنش کچلو برای انجام این سه شرط کاملاً واقعی است. در افسانه «درخت رنگ‌به‌رنگ» پسر شکارگر کنش‌های غیرعادی و تخیلی دارد که با کمک یاریگران می‌تواند کارهایی چون خوردن چهل خروار برنج و غذا و آب‌تنی در خزینه حمام و آوردن دختری از سرزمین دیگر را انجام دهد که همه آن‌ها افسانه را در فضای فانتاستیک قرار می‌دهند. در افسانه "پلنگی از همه رنگی" حرف‌زدن و کمک حیوانات به قهرمان افسانه و کنش‌های غیرواقعی آنان افسانه را فراطبیعی می‌کند. در افسانه "حسن کچل" با اینکه کنش پیرمرد عادی و واقعی است؛ اما کفش دوز و حسن کچل در ادامه افسانه، کنش‌های فانتاستیک همراه شرارت دارند. در افسانه "برگ ظلمات" برادر کوچک‌تر توانست با کنش‌های غیرواقعی مثل خش‌انداختن بر درخت ظلمات از رشد آن جلوگیری کند؛ یا پیر برزنگی که پسر را تبدیل به سوزنی کرد و به روسری‌اش بست، همه فانتزی هستند؛ هرچند که در ابتدای افسانه، همه کنش‌ها واقعی هستند. در افسانه "اصل و نسب" کنش همه شخصیت‌ها واقعی به نظر می‌رسد؛ جز اینکه فرزندکشی و خون‌درشیشه‌ریختن، فضای افسانه را همراه شرارت می‌کند. در سایر افسانه‌ها، کنش‌ها به همین ترتیب است. کنش‌ها در فانتزی طبیعی، غیرطبیعی و فراطبیعی هستند و این‌طور نیست که همواره در فانتزی با کنش‌های شگرف و فراطبیعی مواجه باشیم؛ اما در افسانه‌های بیرجند عملکرد غیرواقعی بر کنش‌های واقعی برتری دارد.

تقابل و کشمکش

کشمکش، مقابله شخصیت‌ها یا نیروها با یکدیگر است که معمولاً شخصیتی در کانون تمرکز قرار می‌گیرد و با نیروهای علیه خود به نزاع و مجادله می‌پردازد (میرصادقی، ۱۳۹۴: ۳۴۷). مؤلفه تقابل میان شخصیت‌ها و تضاد میان آن‌ها، در بیشتر افسانه‌ها مشهود است. همواره قهرمان اصلی قصه دچار مشکلی می‌شود و برای مقابله با این مشکل و غلبه بر آن، کنش و افعال او در تقابل

دیگر شخصیت‌ها و پدیده‌ها قرار می‌گیرد. نوع قرار گرفتن این تقابل‌ها باعث می‌شود تا دیگران از تردید و توهم در مسیر قصه نجات یابند. کشمکش قهرمان قصه با خود، جامعه یا فرد دیگر و امور فراطبیعی است. تقابل و درگیری میان قهرمان و شرور در همه افسانه‌ها وجود دارد که قهرمان با امور شگرف و کنش‌های شگفتانه بر شرور پیروز می‌شود. تقابل واقعیت و تخیل، ویژگی مشترک همه افسانه‌هاست. گاهی در افسانه‌ها دیدگاه‌ها و نگرش‌های مذهبی یا اجتماعی در تقابل هم قرار می‌گیرد. این کشمکش‌ها را معمولاً خوانندگان افسانه‌ها بهتر درک می‌کنند؛ به طور مثال در افسانه "شاه‌عباس و دختر پریزاد" وقتی دختر شاه به چهل دزد می‌رسد که قصد سوء به او دارند می‌گوید: «اگر هر چهل تا یک دین دارید من اگر بی‌صاحب باشم، به یکی می‌رسم نه به چهل تا...» (همان: ۲۶۸). در این‌جا پابندی به اصول اعتقادی و بی‌بندوباری در تقابل با هم قرار می‌گیرند. همچنین در "اوسنه خواب" وقتی ممد پس از مهیا کردن قصر و نوکر و کلفت به دنبال دختر شاه می‌رود تا او را با خود به قصر ببرد، از آنجا که هنوز ازدواج نکرده‌اند، دختر حاضر نمی‌شود با یک اسب بروند: «دختر هر دو پایش را در یک کفش کرده بود که نخیر لباس‌های تو به لباس‌های من می‌خورد، ما هنوز نامحرم هستیم...» (همان: ۵۴)، تقابل اصل محرم و نامحرم را شاهدیم.

در "اوسنه سوم ماه" انسانیت و گناهکاربودن و خصلت حیوانی داشتن در تقابل هستند. در افسانه "اوسنه خون" شباهت آب هندوانه به خون و شرارت عامل کشمکش قهرمان و رهایی از اتهام شرارت است. در افسانه "خال" مهر مادری و فقدان فرزند عامل کشمکش درونی و تلاش مادر برای یافتن فرزند می‌شود. یا در افسانه "دختر ابریشم‌کش" قهرمان با لاغری و ضعف بدنی و ازدواج و پس از آن بچه‌دار نشدن در کشمکش است و ناخواسته گرفتار ماجراهای فراطبیعی می‌شود. در افسانه "قلندر" حفظ عفت و آبرو و بی‌بندوباری در تقابل قرار گرفته‌اند. در "بی‌بی هور و بی‌بی‌نور" پابندی به اعتقادات مذهبی و سبک‌شمردن آن در تقابل با یکدیگرند. در افسانه "ککر" قهرمان با دسیسه‌های برزنگی در جدال و کشمکش است و در "کچلو و سه شرط شاه" کچلو برای ازدواج با دختر شاه به حیله و تزویر متوسل می‌شود و در این افسانه حیله و صداقت و راستی در تقابل‌اند. در افسانه "درخت رنگ‌به‌رنگ" قهرمان با شرارت شاه جدال می‌کند. در افسانه "پلنگی از همه رنگی" پسر شاه با پدر دچار کشمکش می‌شود و این جدال به پیروزی و

استقلال او می‌انجامد. در افسانه "حسن کچل" قهرمان با شرارت کفش دوز جدال می‌کند. در افسانه "برگ ظلمات" تلاش برای درمان نابینایی پدر و توطئه‌های برادران در تقابل قرار دارند. یا در افسانه "اصل و نسب" شرارت و فرزندکشی و مهر برادری تقابل دارند. در افسانه "اصل زن" مهر پدر برای خوشبختی دختر و رنجش خواستگاران پیرمرد را دچار کشمکش درونی می‌کند. در افسانه "چاقو و لقمان" پابندی به قسم خوردن و متوسل شدن به حيله در تقابل هستند. در "اوسنه نی" شرارت خواهران و بی‌اخلاقی آن‌ها و خانواده در مقابل یکدیگرند. در افسانه "گل-خندان" بی‌بندوباری در دربار شاهان و زیرکی زنان، با عفت در تقابل قرار دارد. در افسانه "سه وصیت" قهرمان با توصیه‌های مادر و عمل به آن‌ها در طول سفرش در جدال است. در افسانه "بلبل سرگشته" قهرمان اصلی که با شرارت نامادری کشته می‌شود و به بلبل تبدیل می‌شود، به جدال با نامادری و پدرش می‌پردازد و انتقام می‌گیرد و در افسانه "آب و بلبل و کره‌خر" کشمکشی مشاهده نمی‌شود و در افسانه "هفت"، شاه گرفتار غرور می‌شود و در جدال با این غرور، ثروت و جان خود را می‌بازد.

چندصدایی

مقوله چندصدایی در ادبیات شگرف، به مفهوم گونه‌های متفاوت روایت و نوشتار نیست؛ بلکه در معنای اصلی، مفهوم آن این است که متن با خود در تناقض باشد و گفت‌وگوها آمیخته به تردید و حتی عدم قطعیت باشند. همچنین خیر و شر، ردیلت و فضیلت از لابه‌لای گفت‌وگوها تعیین و تبیین نشوند؛ بلکه عناصری نامتعیین و سیال باشند و در نتیجه مرزهای ناپایدار و لغزنده داشته باشند. در روایت چندصدایی، خواننده با راوی موجه، روبه‌رو نیست که حرف‌ها و اعمالش از پیش توجیه‌پذیر شده باشد (بی‌نیاز، ۱۳۸۷: ۲۷۴). افسانه‌ها و داستان‌های عامیانه همواره زبان محاوره‌ای و گفتاری دارند و این ویژگی سبب می‌شود که هر مخاطب، آزادانه و بدون محدودیت فکری و فارغ از فضای حاکم بر قصه که معمولاً راوی آن را تحمیل می‌کند، قضاوت‌ها و برداشت‌هایی متفاوت و متناسب با فکر و اندیشه خود داشته باشد. این ویژگی ریشه در اجتماعی بودن بیشتر این افسانه‌ها دارد که هر شخصیت و رویداد در قصه این مفاهیم اجتماعی را به خواننده انتقال می‌دهند و مخاطب با توجه به ذهنیات و شرایط موجود، داوری خاصی از آن‌ها دارد. نمونه

آن را در افسانه " قلندر " می بینیم؛ وقتی شاه همسرش را برای دیدار پدر و مادرش می فرستد زن در راه گرفتار سوء نیت وزیر می شود و به ناچار فرار می کند و شاه برای یافتن او دخترش را به قاضی می سپارد؛ ولی باز هم دختر در دام توطئه قاضی می افتد (همان: ۱۰۶). هر خواننده‌ای می تواند از این افسانه، بدون محدودیت قضاوتی داشته باشد؛ ضمن اینکه مفهوم فساد اجتماعی آن زمان، اولین برداشت هر مخاطب خواهد بود. یا "اوسنه سوم ماه" حاوی پیام اخلاقی و ارتباط خوی بد انسان و حیوانات است. در "اوسنه خون" اینکه انسان بی گناه ممکن است تا پای دار برود ولی نجات یابد و تأثیر افسانه‌گویی و نقش مادران در تسکین و آرامش فرزندان را بیان می کند. در افسانه "خال" به این نکته می رسیم که مادران همیشه نشانه‌ای هرچند جزئی از فرزندان دارند و دیگر اینکه گاهی تحمل داغ فرزند و فقدان آنان را ندارند. یا افسانه "شاه عباس و دختر پریزاد" تأثیر قصه‌گویی بر مخاطب را می گوید. افسانه "آب و بلبل و کره خر" در مذمت دزدی است؛ اما این برداشت‌ها به همین موارد محدود نمی ماند و می تواند تغییر کند. لحن و کلام در گفتگوهای طبقات اجتماعی و شخصیت‌های این افسانه‌ها متفاوت است در همه این قصه‌ها معمولاً طبقه شاه، درباریان و شاهزادگان و در مقابل آن‌ها مردم عادی اجتماعی حضور دارند که شیوه گفتار آن‌ها متناسب با طبقه، متفاوت است و این تفاوت در اصطلاحاتی که شخصیت‌ها به کار می برند بارز است.

تداعی معانی

یکی دیگر از ویژگی‌های ادبیات شگرف این است که ممکن است هر صورت ذهنی، صورت‌های ذهنی و انتزاعی دیگری را تداعی کند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۸۹). تداعی معانی حاصل شباهت‌ها یا همزمانی و پیوند مفاهیمی است که می توانند یکدیگر را فراخوان نمایند و این فرایند در روایت قصه و داستان نیز جلوه می کند و بسیاری از حوادث و رویدادها و قصه‌های دیگر در ضمن بیان یک حادثه ممکن است به ذهن راوی یا نویسنده هجوم آورند یا خاطره‌ای را در ذهن او زنده کند. یکی از ویژگی‌های تداعی معانی، این است که گاهی تداعی حتی در یک واژه یا اصطلاح یا صحنه خاص یا حتی فکر و اندیشه مهم ممکن است، بروز کند. این ویژگی سبب شده راوی در حین روایت قصه، گاهی قصه‌ای را بازگو کند که از نظر مفهوم با قصه پایه همخوانی ندارد و شیوه

روایت، داستان در داستان می‌شود. تداعی معانی می‌تواند نوعی بازگشت به گذشته یا آینده باشد. بازگشت به گذشته که راوی یا نویسنده، قصه یا خاطره‌ای را به ذهن می‌آورد و بازگشت به آینده که راوی و نویسنده آرمان‌ها و آرزوهای خویش را که اغلب تخیلی و شگرف هستند به ذهن می‌آورد؛ ضمن اینکه بازگشت به آینده گاهی شامل رویدادها و رخدادهایی است که ممکن است در آینده روی دهد.

در خوانش افسانه‌های بیرجند نیز برخی حوادث و امور، یادآور قصه‌ها و افسانه‌های دیگر است؛ به عنوان نمونه در افسانه "گل‌خندان" ساختن قصر طلا در وسط دریا، همین موضوع را در قصه "اوسنه خواب" تداعی می‌کند. یا افسانه "برگ ظلمات" مضمون داستان خیر و شر هفت‌پیکر نظامی را تداعی می‌سازد. افسانه "پلنگی از همه رنگی" از نظر محتوایی افسانه "نخودی" را تداعی می‌کند. یا افسانه "خال" داستان حضرت یوسف را تداعی می‌کند و "اوسنه خواب" همانند خسرو و شیرین نظامی است که دختر شاه مانند شیرین بدون کابین و عقد رسمی حاضر نمی‌شود تا با ممد، قهرمان قصه ازدواج کند. افسانه‌های "بی‌بی هور و بی‌بی نور" و "حسن کچل" و "شاه‌عباس و دختر پریزاد" به شیوه داستان در داستان روایت شده‌اند.

نتیجه

بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد فانتزی‌های افسانه‌های بیرجند بیشتر از نوع جانوری و اسطوره‌ای هستند و از نظر ساختار ساده‌اند و معمولاً کنش شخصیت‌ها در ادبیات شگرف عملکرد واقعی پیدا می‌کند و حوادث مختلف از طریق سحر و جادو اتفاق می‌افتد. زاویه دید سوم شخص (دانای کل) است. شخصیت‌ها ایستا هستند و جز انسان، گاهی دیوها و موجودات فراطبیعی نیز نقش بازی می‌کنند و حالات انسانی به آن‌ها منسوب می‌شود. کنش آن‌ها فانتاستیک و همراه سحر و جادو است. در این افسانه‌ها همانند دیگر قصه‌های عامیانه، زمان و مکان مجهول و نامعلوم است و همه افسانه‌ها دارای پیرنگی ساده و عامیانه هستند. قهرمان بیشتر این افسانه‌ها با شرارت دیگران در حال جدال و کشمکش است. همه این قصه‌ها دارای پیامی مستقیم و غیرمستقیم هستند و هر خواننده با توجه به شرایط روحی و اجتماعی و فضای افسانه، برداشتی آزادانه از آن دارد و غالب افسانه‌ها مفاهیم اجتماعی را به خواننده منتقل می‌کنند که خود بیانگر ویژگی

چندصدایی این افسانه‌هاست. برخی از این افسانه‌ها، قصه‌ها و افسانه‌های دیگر را تداعی می‌کنند. در بررسی این افسانه‌ها و تعیین نوع فانتزی آن‌ها معلوم شد بیشتر آن‌ها با توجه به شرایط اقلیمی و اجتماعی از نوع آگاهی‌گر هستند و پس از آن فانتزی سفر فانتاستیک بسامد بیشتری دارد. هر چند پنج افسانه از بیست و سه افسانه از نوع فانتزی جانوری هستند. طرح و ساختار این افسانه‌ها ساده‌اند و شخصیت‌ها با کارکردها و شگرد سحر و جادو به هدف می‌رسند. همواره شخصیت‌های اصلی و فرعی همراه یکدیگرند و با شگردهای عجیب و جادویی و انجام امور شگفتانه، قصه را به پایان می‌برند. در پایان، این پژوهش اثبات کرده است که افسانه‌های بیرجند، تمامی ویژگی‌های ادبیات شگرف و فانتزی را دارند که خود بیانگر تخیل قدرتمند و داستان‌پرداز اهالی این منطقه و غنای ادبیات عامیانه این سرزمین است.

جدول‌های فانتزی

در جدول زیر برخی از مؤلفه‌های افسانه‌ها بیان شده است؛ با این هدف که اولاً مخاطبانی که به اصل افسانه‌ها دسترسی ندارند، با کمک آن تلخیصی از همه افسانه‌ها را در اختیار داشته باشند و ثانیاً در این جدول مقایسه مؤلفه‌ها در همه افسانه‌ها به سهولت انجام گیرد. طبق این جدول، بیشتر افسانه‌های بیرجند از نوع آگاهی‌گر هستند (افسانه‌های اوسنه خون، دختر ابریشم‌کش، قلندر، بی‌بی هور و بی‌بی نور، حسن کچل، اصل و نسب، چاقو و لقمان، گل‌خندان، آب و بلبل و کره‌خر، هفت) و پس از آن نوع سفر فانتاستیک (در افسانه‌های خال، اوسنه خواب، ککر، پلنگی از همه رنگی، برگ ظلمات، سه وصیت) بسامد بیشتری دارد. گاهی برخی افسانه‌ها مثل اوسنه خواب، پلنگی از همه رنگی و برگ ظلمات در ذیل دو نوع فانتزی قرار می‌گیرند. افسانه‌های کچلو و سه شرط پادشاه، درخت رنگ‌به‌رنگ در هیچ‌کدام از انواع فانتزی قرار نمی‌گیرند. مواردی که در جدول با علامت ستاره مشخص شده‌اند، نمونه‌ای در افسانه‌های بیرجند نداشته‌اند.

ردیف	نام افسانه	شخصیت‌ها	ش.ر.یر	عامل جادو/ شگفتانه	یار یگر قهرمان	نوع فانتزی
۱	اوسنه سوم ماه	پیرمرد تاجر	زن هفتم شاه	زن‌ها و مرد‌ها به مار تبدیل می‌شوند.	شاه	جانوری (تمثیلی)
۲	اوسنه خون	پسر وکیل	شاه	آب هندوانه که از توبره پسر وکیل مثل خون می‌چکد.	مادر پسر وکیل	آگاهی‌گر
۳	خال	بچه شاه	*	گردبادی که بچه را به دریا برد.	برادرزن شاه	سفر فانتاستیک
۴	اوسنه خواب	کسی که خواب دید/ چوپان: ممد	پیرزال جادو	معامله خواب با رمه، به دهان اژدها رفتند، پیرزال جادو که شاه را به هوا می‌برد، جوانی که به شکل سیب سه‌برقند بود.	*	سفر فانتاستیک و خواب
۵	دختر ابریشم‌کش	پسر شاه- دختر ابریشم‌کش	*	سحر و جادوی اطراف شاه و بیابان	پیرزن	آگاهی‌گر
۶	قلندر	زن شاه یا دختر شاه	قاضی- وزیر	داروی بیهوشی	*	آگاهی‌گر
۷	بی‌بی هور و بی‌بی نور	دختر یتیم- پسر تاجر	نامادری- پسر تاجر	آش و دیگ	زن‌های چادرسفید، پیرزن	آگاهی‌گر
۸	ککر	ککر	برزنگی	*	بچه‌های قلعه	سفر فانتاستیک
۹	کچلو و سه شرط پادشاه	کچلو	شاه	*	*	*
۱۰	درخت رنگ‌به‌رنگ	پسر شکارگر شاه	شاه/دختر شاه	علی یخ‌خوار، علی دهن‌آرد، علی دورالناس	دهن‌آرد، یخ‌خوار، دورالناس	*
۱۱	پلنگی از همه رنگی	پسر شاه	شاه و پیرزن	حرف‌زدن حیوانات	حیوانات وحشی	جانوری (تمثیلی) سفر فانتاستیک
۱۲	حسن کچل	حسن کچل	کفش‌دوز	کوک بر خشت، درختی که چرخ می- زاید.	تخم‌مرغ‌ها	آگاهی‌گر
۱۳	برگ ظلمات	سه برادر	دو برادر بزرگ‌تر	پیربرزنگی پسر شاه را به شکل سوزن به جلو کلاهی زد.	بابا پیرمرد، پیربرزنگی، چهل دبو، سگ تازی	سفر فانتاستیک و گیاهی
۱۴	اصل و نسب	دختر شاه	شاه	کشتن کفتر و خون او را در شیشه کردن	برادر دختر (پسر شاه)	آگاهی‌گر

۱۵	اصل زن	دختر	*	تبدیل شدن کره‌الاغ و سگ به دختر زیبا	پیر شهر	جانوری (تمثیلی)
۱۶	چاقو و لقمان	لقمان / صاحب چاقو	وزیر شاه	-	لقمان	آگاهی‌گر
۱۷	اوسنه نی	سه خواهر	دو خواهر بزرگ‌تر	تبدیل شدن جرقه آتش به بوته هندوانه	*	گیاهی
۱۸	گل خندان	مردی که زن زیبایی داشت.	پادشاه	دختر دیو موهایش را تکان می‌دهد و یک شیشه پرروغن می‌شود.	زن زیبای مرد، پیرمرد صاحب قاطر لنگ	آگاهی‌گر
۱۹	سه وصیت	مرد مسافر	پیرزال روبه‌مرگ (قاتل دختر شاه)	پیرزال قاتل دختر شاه که به شکل سیاهی بود.	مادر مرد	سفر فانتاستیک
۲۰	بلبل سرگشته	پسر	نامادری	تبدیل استخوان پسر به بلبل	خواهر	جانوری (تمثیلی)
۲۱	شاه‌عباس و دختر پریزاد	شاه‌عباس	دختر پریزاد	دیو و بردن وزیر و شاه‌عباس به قصر دختر پریزاد	چراغ میان خانه که به حرف آمد.	جانوری (تمثیلی)
۲۲	آب و بلبل و کره‌خر	سه نفر دزد	سه نفر دزد انگور	*	صاحب باغ	آگاهی‌گر
۲۳	هفت	پادشاه	*	از دست دادن پسرها و دیگ‌ها و تفنگ‌ها و چشمه‌ها	*	آگاهی‌گر

منابع

- اکرامی فر، محمودرضا (۱۳۹۴). "اسطوره جن و پری در ادبیات شفاهی منظوم خراسان". *مطالعات فرهنگ و ارتباطات*، سال شانزدهم، ش ۳۰ (تابستان): ۴۱-۶۵.
- برزیگر، کبری (۱۳۹۳). "فانتزی در سامنامه خواجهی کرمانی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان.
- بی‌نیاز، فتح‌الله (۱۳۸۷). *درآمدی بر داستان‌نویسی و روایت‌شناسی*. تهران: افراز.
- پورالخاص، شکرالله؛ صادقی، عمران (۱۳۹۲). "روایت فانتزی از جنگ در رمان پری نخلستان". *ادبیات پایداری*، سال پنجم، ش ۹ (پاییز و زمستان): ۵۵-۷۰.
- حاجت‌پور بیرگانی، حسن (۱۳۹۱). "کاربرد فانتزی در تئاتر کودک و نوجوان". پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکز).
- حرّی، ابوالفضل (۱۳۹۳). *کلک خیال‌انگیز (بوطیقای ادبیات وهمناک، کرامات و معجزات)*. تهران: نشر نی.
- حق‌شناس، علی‌محمد؛ خدیش، پگاه (۱۳۸۷). "یافته‌های نو در ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی ایران". *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، سال پنجاه و نهم، ش ۲ (تابستان): ۲۷-۳۹.
- خزاعی، حمیدرضا (۱۳۸۵). *افسانه‌های خراسان جنوبی (بیرجند)*، ج ۹. مشهد: ماه‌جان.
- دست‌غیب، عبدالعلی (۱۳۷۶). *به سوی داستان‌نویسی بومی*. تهران: سوره مهر.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۴). *زبان و ادبیات عامه ایران*. تهران: سمت.
- سرمد، غلامعلی (۱۳۸۲). *روزی بود، روزگاری بود*. تهران: پژوهاک فرهنگ.
- شافعی، زهرا (۱۳۹۴). "سیمای کوتوله‌ها در ادبیات داستانی کودک و نوجوان". پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۶). *موسیقی شعر*. تهران: آگاه.
- صالحی بناپید، بتول (۱۳۹۴). "فانتزی در آثار تخیلی فریبا کلهر". پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند.
- عابدی، داریوش (۱۳۸۸). *پلی به سوی داستان‌نویسی*. تهران: مدرسه.

- غریب، مصطفی؛ بهنام‌فر، محمد (۱۳۹۶). "داستان دقوقی از منظر ادبیات شگرف". شعرپژوهی (بوستان ادب)، سال نهم، ش ۲، پیاپی ۳۲ (تابستان): ۱۴۱-۱۶۶.
- قدمیاری، کرملی (۱۳۹۲). "کارکرد عناصر فانتزی در منظومه غنایی همای و همایون". پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه ارومیه، سال یازدهم، ش ۲۰ (بهار و تابستان): ۲۱۷-۲۳۸.
- محجوب، محمدجعفر (۱۳۸۲). ادبیات عامه ایران. تهران: نشر چشمه.
- مظفریان، فرزانه (۱۳۹۱). "اسطوره و قصه‌های عامیانه". ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی، دوره هشتم، ش ۲۸ (پاییز): ۲۱۳-۲۴۷.
- میرصادقی، جمال (۱۳۸۳). داستان و ادبیات. تهران: آیه مهر.
- _____ (۱۳۸۷). راهنمای داستان‌نویسی. تهران: سخن.
- _____ (۱۳۹۴). ادبیات داستانی. تهران: سخن.
- میرعابدینی، حسن (۱۳۹۶). صد سال داستان‌نویسی ایران. تهران: نشر چشمه.
- نوروزی، زینب؛ هاشمی، محدثه (۱۳۹۳). "بررسی تطبیقی جلوه‌های ادبیات شگرف در دو رمان درخت انجیر معابد و کوابیس بیروت". ادبیات تطبیقی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ششم، ش ۱۱ (پاییز و زمستان): ۴۲۳-۴۴۶.

Physical expansion of Mashhad during the governorship of Pakravan

Hamzeh Kavosi¹
Seyyed Hossein Raeis-sadat³

Monireh Kazemi Rashed²
Shahzad Sasanpoor⁴

Received: 13/12/2021

Accepted: 14/8/2022

Abstract

Between 1313 and 1320 ASH and during the governorship of Fethullah Pakravan, Mashhad underwent many changes. This article examines these developments in order to answer the basic question of, "What effect did the construction measures of Pakravan have on the physical development of Mashhad?" The establishment of new places and its multiplicity in the city of Mashhad strengthen the assumption that a paradigm-shift has formed in the construction of this period. In general, these places include three categories: 1) Educational, cultural, and health institutions; 2) Factories, and 3) Streets and squares. These factors, in addition to the expansion of the urban space, have promoted the level of urban culture, populization, labor recruitment, and easy access for people to different parts of the city. According to these explanations, the components of the expansion of Mashhad are: 1) How to expand new civilizational institutions in the city; and 2) How to form new thoughts and ideas in relation to urban development. This article describes and analyzes the cases of physical expansion of Mashhad and related issues. Based on the nature of the subject, this research is presented in a descriptive and analytical method and based on library and documentary sources.

Keywords: physical development, Mashhad, Fethullah Pakravan, Mashhad civil, Khorasan governors

1. History Department, Shabestar Branch, Islamic Azad University, Shabestar, Iran.

hamzekavosi@yahoo.com

2. History Department, Shabestar Branch, Islamic Azad University, Shabestar, Iran. (Corresponding Author). kazemirashed@yahoo.com

3. History Department, Birjand University, Birjand, Iran. sh_rais@yahoo.com

4. History Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. sh.sasanpur@gmail.com

مقاله علمی - پژوهشی

گسترش کالبدی شهر مشهد در دوره استانداری پاکروانمنیره کاظمی راشد^۲حمزه کاووسی^۱شهرزاد ساسان پور^۴سیدحسین رئیس السادات^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۲۳

مشاهده مقاله منتشر شده: دوره ۱۷، شماره ۱

http://www.farhangekhorasan.ir/article_162139.html**چکیده**

شهر مشهد در بین سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۲۰ ش. و در دوره استانداری فتح‌الله پاکروان دچار تغییرات زیادی شد. مقاله حاضر حول این تحولات به این پرسش اساسی پاسخ می‌دهد که اقدامات عمرانی پاکروان چه نقشی در تغییرات فضای شهری مشهد داشته است. بحث اصلی بر تأسیس اماکن جدید و تعدد آن در شهر مشهد تمرکز دارد؛ با این واقعیت که نوعی جهش یا تکامل را در توسعه اماکن شهری در این دوره شاهد بوده‌ایم. به طور کلی این اماکن شامل سه دسته می‌شوند: ۱. مؤسسات آموزشی، فرهنگی و بهداشتی، ۲. کارخانه‌ها و ۳. خیابان‌ها و میدان‌ها که هرکدام از آن‌ها نقش مهمی در توسعه شهر داشته‌اند. این عوامل علاوه بر گسترش فضای شهری، باعث ارتقای سطح فرهنگ شهرنشینی، جمعیت‌پذیری، جذب نیروی کار و دسترسی راحت مردم به نقاط مختلف شهر می‌شدند. مؤلفه‌های گسترش مشهد عبارت‌اند از: ۱. چگونگی گسترش مؤسسات تمدنی جدید در شهر، ۲. ورود افکار و اندیشه‌های نو در رابطه با شهرسازی. در این مقاله به توصیف و تحلیل مصداق‌های توسعه فضای شهری مشهد و مسائل پیرامون آن

۱. دانشجوی دکترای تاریخ ایران اسلامی، گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد شبستر)، شبستر، ایران

hamzekavosi@yahoo.com

۲. استادیار تاریخ ایران اسلامی، گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد شبستر)، شبستر، ایران (نویسنده مسئول)

kazemirashed@yahoo.com

sh_rais@yahoo.com

۳. استادیار بازنشسته تاریخ ایران اسلامی، گروه تاریخ، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

۴. استادیار تاریخ ایران اسلامی، گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکز)، تهران، ایران

sh.sasanpur@gmail.com

پرداخته شده و از این رو بر اساس ماهیت موضوع، این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای و اسنادی ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: توسعه فضای مشهد، مشهد، فتح الله پاکروان، عمران مشهد، استانداران

خراسان

مقدمه

با گذشت یک دهه از حکومت رضاشاه، توان اقتصادی حاکمیت و جمعیت‌پذیری شهرها که با رشد نسبی فرهنگ عمومی و رسمی همراه بود، به طرح مسائل تازه‌ای دامن زد. این مسائل در ارتباط با شهرها، به توسعه فیزیکی انجامید. در مورد مشهد، بدون شک اولین و مهم‌ترین عامل، وجود حرم رضوی و خیل زائرانی بود که از دور و نزدیک وارد این شهر می‌شدند و در نتیجه از جهات اقتصادی و اجتماعی بر گسترش شهر مشهد تأثیر مستقیم می‌گذاشتند؛ از جمله اینکه عبور و مرور در شهر افزایش یافته و نیاز به احداث خیابان‌های جدید بیشتر احساس می‌شد. از طرفی با اسکان‌پذیری و نیاز به توسعه خدمات شهری، مشهد چشم‌انداز تازه‌ای را پیش روی خود می‌دید و مؤسسات جدید تمدنی در دهه دوم حکومت پهلوی به شکل بنیادین از جهات مختلف، حرکتی سخت ارزشمند را تجربه کرد. حرکتی که با همه چالش‌های نیروهای واپس‌گرا با یک پشتوانه سیاسی و فرهنگی قوی به پیش می‌رفت و در عرض یک دهه فضای فیزیکی شش کیلومترمربعی مشهد، به بیش از ۱۵ کیلومتر مربع توسعه پیدا کرد. در دهه اول سلطنت رضاشاه (۱۳۰۴-۱۳۱۴ش). اقداماتی از قبیل احداث خیابان‌های جدید و تأسیس بیمارستان شاه‌رضا، باعث گسترش شهر مشهد شد و در شش سال آخر سلطنت رضاشاه و در دوره استانداری پاکروان این اقدامات با سرعت بیشتری ادامه پیدا کرد. پاکروان در سال ۱۳۱۳ش. به استانداری خراسان رسید و پس از اینکه اسدی در سال ۱۳۱۴ش. اعدام شد، پاکروان به نیابت تولیت آستان قدس نیز منصوب شد.

شهرها همواره با تأثیرپذیری از عوامل گوناگون شکل می‌گیرند و گسترش می‌یابند. رشد و گسترش شهر در یک پهنه جغرافیایی، معلول شرایط و محیط خاص در آن مکان و در زمان خاصی است و یک مجموعه شرایط در پیدایش و پویایی آن مؤثرند که عبارت‌اند از:

۱. شاخص‌های محیط طبیعی: از جمله شاخص‌هایی هستند که در توسعه فضای شهرها نقش بارزی ایفا می‌کنند. استقرار و توسعه فیزیکی شهرها در وهله اول به علت شرایط محیطی و جغرافیایی آن‌هاست. مکان و موقعیت طبیعی شهرها می‌تواند در پیدایش، گسترش و یا انقراض شهرها نقش مؤثری داشته باشد. در طول تاریخ، حیات شهرها همواره در ارتباط تنگاتنگ با محیط طبیعی شکل گرفته است.

۲. عوامل فرهنگی و اجتماعی: تأثیر این عوامل در شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری گسترده است. هر شهر و مجموعه شهری، متأثر از علایق و خصوصیات فرهنگی و اجتماعی است و تمام سبک‌های شهرسازی ریشه در عوامل فرهنگی و اجتماعی دارد.

۳. عوامل اقتصادی: اقتصاد یک شهر عاملی مؤثر برای توسعه شهر است. روند توسعه فیزیکی شهرها با رشد اقتصادی آن‌ها رابطه مستقیم دارد. به طور کلی فعالیت‌های اقتصادی موجب اشتغال، جذب جمعیت و گسترش شهرها می‌شود.

۴. تاسیس و تمرکز مراکز اداری، سیاسی، خدماتی، درمانی، رفاهی، آموزشی و فرهنگی، در شهرهای خاص از دلایل مهاجرت به این شهرها و به تبع آن، افزایش رشد جمعیت و گسترش کالبدی شهرها می‌شود (غروی، هوشیار و ضیافتی، ۱۳۹۸: ۴-۵).

پیشینه تحقیق

کتاب تاریخ معاصر مشهد (دو جلد) اثر دکتر یوسف متولی حقیقی (۱۳۹۲) به تحولات سیاسی و اجتماعی مشهد از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی پرداخته است. در این اثر ارزنده که شاید یکی از معدود پژوهش‌های معاصر در رابطه با تاریخ معاصر مشهد باشد، مطالب زیادی وجود دارد که می‌تواند مورد استفاده پژوهشگران گسترش کمی مشهد قرار گیرد. اثر دیگر، مشهد در آغاز قرن چهارده هجری مشهور به گزارش مکتب شاهپور به خامه مرحوم محمدتقی مدرس رضوی و علی اکبر فیاض است. این کتاب در سال ۱۳۸۶ ش. توسط مهدی سیدی ویراستاری و با تعلیقات به چاپ مجدد رسیده است. در این کتاب، مطالب بسیاری راجع به گسترش کالبدی مشهد یافت می‌شود که در تحقیق پیش رو مورد استفاده قرار گرفته است. با اینکه مطالب کتاب، همزمان با روی کار آمدن پاکروان نوشته شده است؛ نویسندگان مقالات به‌درستی فضای فیزیکی شهر مشهد

را توصیف کرده‌اند. پژوهش دیگر، مقاله «جغرافیای شهر مشهد» اثر عباس سعیدی (۱۳۴۴) است. این مقاله به توصیف اوضاع شهر مشهد در دوره معاصر و به‌خصوص در آغاز دوره رضاشاه پرداخته است. در این مقاله مطالب بسیاری راجع به گسترش کمی مشهد یافت می‌شود که در تحقیق پیش رو قسمت‌هایی از آن مورد مطالعه قرار گرفت و نکات لازم استخراج شد و مورد استفاده قرار گرفت که عبارت‌اند از: الف) ویژگی‌های مشهد در دوره رضاشاه با ارائه نقشه و تراکم جمعیت در برخی قسمت‌های شهر و ب) خیابان‌های احداث‌شده مشهد و شکل‌گیری محلات جدید در همان دوره. اثر ارزنده *تاریخچه آموزش و پرورش نوین مشهد و اداره کل خراسان*، اثر ایرج آقاملایی (۱۳۸۴) که خود دبیر آموزش و پرورش بوده، یکی از مهم‌ترین پژوهش‌هایی است که درباره تاریخچه آموزش و پرورش شهر مشهد انجام شده است. مطالب کتاب به نقش مراکز آموزشی در گسترش کمی مشهد اشاره دارد و از این طریق یاریگر ما در این پژوهش بوده است. تاریخ شفاهی: اگرچه منابع اطلاعاتی این نوشتار بیشتر داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی است؛ اما در برخی موارد برای روشن‌شدن امر، از اطلاعات معمرین و افرادی که در آن دوره می‌زیسته‌اند استفاده شده است.

زندگی اداری و سیاسی پاکروان

فتح‌الله معروف به مشیر حضور، در سال ۱۲۵۹ش. در تبریز متولد شد. پدرش میرزا کاظم‌خان، مشیر لشکر بود. او پس از انجام تحصیلات مقدماتی برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و در مدرسه نظامی سن سیر^۱ پاریس مشغول به تحصیل شد. وی پس از اتمام تحصیلات به ایران بازگشت و در سال ۱۲۸۰ش. وارد وزارت امور خارجه شد و به مقام کنسولی، سفارت و کفالت وزارت امور خارجه رسید. پاکروان چند سال سفیر ایران در مسکو بود و پس از بازگشت از این مأموریت در اواخر مهرماه ۱۳۱۳ش. به استانداری خراسان منصوب شد (عاقلی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۶۴). پس از دستگیری محمدولی اسدی، نایب تولیت آستان قدس در سال ۱۳۱۴ش. به دلیل واقعه گوهرشاد، مقام نیابت تولیت آستان قدس نیز به وی واگذار شد (جلالی، ۱۳۷۷: ۶۷). به هنگام ورود ارتش شوروی به خراسان در شهریور ۱۳۲۰ش. با اینکه سرلشکر محتشمی فرمانده

لشکر خراسان، به سوی یزد فرار کرد، پاکروان، ثابت قدم در مشهد باقی ماند و امور این شهر و سایر شهرهای خراسان را مدیریت کرد؛ از این رو شاید بتوان پاکروان را قوی ترین استاندار خراسان در یکصد سال اخیر دانست (میرنیا، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۷۰-۱۷۱).

پاکروان خود برای حفظ آرامش و رفع نگرانی مردم و تأمین نان و ارزاق عمومی شهر اقدامات لازم را انجام داد و به این منظور دستور داد از انبار غله دولتی و آستان قدس به مقدار مورد نیاز، گندم تهیه و نان مردم شهر تأمین شود (متولی حقیقی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۲۳۰). پاکروان به دلیل اقامت در مسکو و آشنایی با زبان روسی، با مذاکره با مقامات ارتش شوروی، نظر موافق آنها را برای برقراری آرامش و عدم دخالت آنها در امور شهر و استقرار مجدد کلانتری های شهر مشهد و شهربانی های سایر شهرهای خراسان و فعالیت ژاندارمری در شهرها و روستاها جلب کرد. وی برای رسیدگی به مایحتاج عمومی، همه وقت و همه جا حضور پیدا می کرد و به امور نظارت می نمود. او نیروهای پراکنده انتظامی را جمع آوری و با استقرار نظم و امنیت، از شرارت و بی نظمی در شهرها و راهها جلوگیری کرد. به هر حال با برقراری آرامش در شهر، ادارات دولتی مجدداً شروع به کار کردند (میرنیا، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۸۸-۱۸۹). پاکروان تا آذرماه ۱۳۲۰ ش. در سمت استانداری خراسان باقی بود و سپس به تهران احضار و علی منصور (منصورالملک) نخست وزیر مستعفی، به استانداری خراسان و نیابت تولیت آستان قدس منصوب شد (جلالی، ۱۳۷۷: ۸۵).

اقدامات آموزشی، فرهنگی و بهداشتی دوره پاکروان

بررسی اقدامات آموزشی، فرهنگی و بهداشتی در این قسمت، در واقع بررسی گسترش فضاهای آموزشی، فرهنگی و بهداشتی دوره پاکروان است؛ زیرا این فضاها سبب گسترش فضای شهری مشهد شدند. با تأسیس مدارس و مراکز بهداشتی و فراهم کردن آب و برق، سکونت در محلات جدید نهادینه شد و تثبیت یک منطقه از نظر اسکان پذیری، امکان به وجود آمدن محلات دیگر را نیز فراهم کرد و همین طور به تدریج شهر گسترش یافت.

دانشسرای مقدماتی

پس از تصویب قانون تربیت معلم در سال ۱۳۱۲ش. دولت تصمیم گرفت دانشسراهای مقدماتی را برای تربیت معلم در سراسر کشور تأسیس کند و از این رو دانشسرای مقدماتی پسرانه مشهد در سال ۱۳۱۳ش. تأسیس شد (تمدنی، ۱۳۱۵: ۷۳). این دانشسرا در آبان ماه ۱۳۱۳ش. با پذیرش ۳۰ دانش آموز، توسط اداره معارف رسماً افتتاح شد و شروع به کار کرد. محل این دانشسرا ابتدا در نزدیک باغ نادری در منزل اجاره‌ای قرار داشت و پس از مدتی اداره معارف، در خیابان شاه‌رضای شمالی و در نزدیک بیمارستان آمریکایی، زمینی بدین منظور خرید و ساختمان دانشسرای مقدماتی در آن مکان احداث شد. در ۱۶ آبان ماه ۱۳۱۳ش. طی مراسمی با حضور آقای حسن ذوقی رئیس معارف، دانشسرای مقدماتی مشهد شروع به کار کرد (بهار، ۱۳۱۳ الف: ۱؛ همان، ۱۳۱۳ ج: ۱؛ موسوی، ۱۳۱۳ الف: ۱).

دانشسرای دخترانه مشهد نیز در سال ۱۳۱۵ش. در مشهد با هدف تربیت معلم برای دختران تأسیس شد. تحصیل در این آموزشگاه رایگان بود و علاوه بر این، دانش‌آموزان حقوق نیز دریافت می‌کردند. دانش‌آموزان این آموزشگاه علاوه بر فراگیری دروس عمومی، اصول خانه‌داری و نگهداری از کودکان را نیز فرامی‌گرفتند. فارغ‌التحصیلان این آموزشگاه پس از فراغت از تحصیل، موظف بودند به مدت پنج سال در دبستان‌های دولتی خدمت کنند (رضایی مکی، ۱۳۷۸: ۶۷-۶۶). ریاست این مرکز را خانم آزادمرد بر عهده داشت و محل دانشسرا ابتدا در محل دبیرستان شاهدخت (آزادگان کنونی) بود؛ اما با احداث ساختمان جدید در سال ۱۳۳۶ش. به پنجره سناباد (مرکز کامیاب فعلی) منتقل شد (متولی حقیقی، ۱۳۸۴: ۲۱۸). بدون شک تأسیس دانشسرای مقدماتی در مشهد که سبب ورود خانواده‌ها از سرتاسر خراسان به این شهر می‌شد، در رفت‌وآمد به شهر و علاقه آن‌ها به سکونت در این شهر بی‌تأثیر نبوده است.

هنرستان صنعتی

از دیگر اقدامات مهم دوران استانداری پاکروان تأسیس هنرستان صنعتی در مشهد بود که رشته‌های مختلف صنعتی مانند آهنگری و درودگری در آن تدریس می‌شد. در زمان تأسیس هنرستان‌های صنعتی، اداره صنعت و معادن که مسئولیت اداره هنرستان‌ها را بر عهده داشت، به

توسعه و تأسیس مدارس فنی اقدام کرد (آقاملایی، ۱۳۸۴: ۲۲۳). در تابستان ۱۳۱۵ش. تئودور هنل^۱ آلمانی به همراه آقایان ناصحی و نصیری از سوی اداره صنعت و معادن به مشهد آمدند و هنرستان صنعتی مشهد را تأسیس کردند. این هنرستان در اواخر مهرماه سال ۱۳۱۵ش. افتتاح شد و فعالیت خود را با تعداد ۴۳ هنرجو آغاز کرد (دبیرستان حرفه‌ای و هنرستان صنعتی مشهد، ۱۳۳۶: ۷؛ پیشه‌ور، ۱۳۴۹: ۶۹-۷۰). محل این هنرستان ابتدا در خیابان جهانبانی (چمران کنونی) و بعداً به محل دائمی خود؛ یعنی میدان تقی‌آباد انتقال یافت (متولی حقیقی، ۱۳۸۴: ۲۱۳).

دانشکده علوم معقول و منقول

در عصر پهلوی علاوه بر نظارت بر مدارس علوم دینی، سعی شد مدارس دینی جدید نیز ایجاد شود و از این‌رو در مشهد اقدامات متعددی از سوی اداره معارف انجام گرفت. در دوره نیابت تولیت اسدی در جریان احداث فلکه حضرت، یکی از مدارس علوم دینی، معروف به مدرسه فاضل‌خان یا مدرسه فاضلیه تخریب شد و از درآمد موقوفات آن در سال ۱۳۱۱ش. مؤسسه علوم معقول و منقول در محل مدرسه میرزا جعفر، واقع در صحن عتیق تأسیس شد (مؤتمن، ۱۳۵۵: ۳۰۳). در سال ۱۳۱۴ش. و در دوره استانداری پاکروان، وزارت معارف، مدرسه میرزا جعفر را به عنوان دانشکده علوم معقول و منقول به رسمیت شناخت. برنامه دانشکده طبق مقررات وزارت معارف تنظیم شد و برای تدریس علوم اسلامی، تاریخ و زبان خارجه، اساتید و فقهای مشهور دعوت شدند (آستان قدس رضوی: سند شماره ۱۰۰۰۸۹/۸۴؛ آزادی، ۱۳۱۴ ب: ۱). ریاست این دانشکده را در ابتدا علی‌اکبر شهابی بر عهده داشت و در سال ۱۳۱۷ش. ریاست آن به آقای رازانی واگذار شد؛ اما از ابتدای سال ۱۳۱۹ش. شعبه معقول آن به دانشکده حقوق تهران و شعبه منقول به دانشسرای عالی تهران منتقل شد (آموزگار، ۱۳۱۸ ب: ۱؛ آقاملایی، ۱۳۸۴: ۲۵۸).

دبیرستان فردوسی

دبیرستان فردوسی در واقع همان دبیرستان دانش بزرگ‌نیا بود که پس از مشروطه در کوچه پنجه مشهد (اواخر خیابان طبسی امروز) تأسیس شده بود و جزو قدیمی‌ترین دبیرستان‌های شهر مشهد محسوب می‌شد. در سال ۱۳۱۳ ش. و قبل از برگزاری همایش هزاره فردوسی، احداث دبیرستانی به نام فردوسی در دستور کار برگزارکنندگان همایش قرار گرفت و از این‌رو ساختمان جدیدی به نام دبیرستان فردوسی از سوی اداره معارف در ابتدای خیابان فردوسی (دانش غربی) ساخته شد و تشکیلات دبیرستان بزرگ‌نیا به دبیرستان تازه تأسیس انتقال یافت (دبیرستان فردوسی مشهد، ۱۳۱۵: ۱۱، ۱۵؛ متولی حقیقی، ۱۳۸۴: ۱۷۹). پس از فوت دانش بزرگ‌نیا، به پاس خدمات اجتماعی و فرهنگی او خیابان فردوسی نیز به خیابان دانش تغییر نام یافت^۱ و دبیرستان دانش بزرگ‌نیا نیز مجدداً در همین خیابان شروع به کار کرد.

دبیرستان ایراندخت و شاهدخت

تأسیس مدارس دخترانه در شهر مشهد به دلیل جنبه مذهبی شهر مشهد، با موانع و مشکلاتی زیادی روبه‌رو بود؛ از جمله اینکه برخی متعصبین به مردم تلقین می‌کردند که تحصیل دختران مخالف شرع انور است و جایز نیست! آن‌ها یکی از نشانه‌های عفت زنان را نداشتن سواد و در خانه ماندن، می‌دانستند و از رفتن دختران به مدرسه جلوگیری می‌کردند. آن‌ها مدارس را مرکز فساد و مؤسسان مدارس را به بی‌عفتی متهم و بابی و بهایی می‌نامیدند. مخالفین گاهی تابلوی مدارس را نیز سنگ‌باران می‌کردند و با گماشتن افراد خودسر و قشری در مسیر مدرسه، محصلین و معلمان مدارس دخترانه را مورد اذیت و آزار قرار می‌دادند (رضایی مکی، ۱۳۷۸: ۳۴؛ آذری خاکستر، ۱۳۹۵ الف: ۳۳). علاوه بر آن برخی از متعصبین، مؤسسين مدارس را با ناسزاگویی و تهمت، تهدید به به‌آتش‌کشیدن مؤسسه، تخریب و تعطیلی مدارس می‌کردند. از دیگر مشکلات مدارس دخترانه شهر مشهد می‌توان این موارد را برشمرد: نداشتن بودجه کافی، کمبود محل آموزشی، عدم حمایت مسئولان و شخصیت‌ها و حتی مخالفت آن‌ها، عدم استقبال والدین از

۱. مصاحبه با هاشم منتجبی، مشهد، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۸/۵/۲۵

مدارس دخترانه و نگرانی از آینده محصلان این مدارس. در آن دوره برخی از مردم اعتقاد داشتند که تحصیل دختران در دوره ابتدایی به منظور ضرورت آموختن سواد حداقلی؛ یعنی خواندن و نوشتن لازم است؛ اما ادامه تحصیل دختران را در مقطع دبیرستان ضروری نمی‌دانستند. عده‌ای نیز به کلی با تحصیل دختران مخالفت می‌کردند و این کار را به تمسخر و استهزا می‌گرفتند. بدین دلیل سال‌ها دبیرستان دخترانه در مشهد تأسیس نشد (آقاملایی، ۱۳۸۴: ۹۸، ۱۷۹؛ متولی حقیقی، ۱۳۸۴: ۱۹۷).

دبستان دخترانه دولتی دوشیزگان در سال ۱۳۰۸ ش. تأسیس شد (مدرس رضوی و فیاض، ۱۳۸۶: ۱۵۸). بعداً با همین نام دبیرستان دوشیزگان نیز در سال ۱۳۱۱ ش. به عنوان یک دبیرستان دولتی در کوچه‌باغ عنبر بالا خیابان تأسیس شد که مدیریت آن با خانم طلعت دفتری بود. سیکل اول این دبیرستان تا سال ۱۳۱۴ ش. کامل شد؛ اما در سال ۱۳۱۵ ش. تغییر نام یافت و دبیرستان ایران‌دخت نام‌گذاری شد. پس از مدتی این دبیرستان به کوچه فتاح‌خان واقع در راسته سراب منتقل شد و پس از ساختن یک دبیرستان شش‌کلاسه، برای همیشه در آنجا باقی ماند. ریاست این دبیرستان دخترانه در ابتدا با خانم طلعت دفتری بود که پس از فوت وی، خانم فروغ مظفری ریاست این دبیرستان را بر عهده گرفت. دبیرستان شاهدخت، دبیرستان دولتی دخترانه دیگری بود که در سال ۱۳۱۵ ش. با سه کلاس در کوچه‌باغ نادری تأسیس شد؛ اما از آنجا که قسمت اعیان‌نشین و بالای شهر مشهد فاقد دبیرستان دخترانه بود، در دهه بیست، اداره فرهنگ مشهد در انتهای خیابان جهانبانی یک مدرسه دوطبقه با تجهیزات کامل آن روزگار، احداث کرد و دبیرستان شاهدخت به آن محل انتقال یافت (پیشه‌ور، ۱۳۴۹: ۴۴؛ متولی حقیقی، ۱۳۸۴: ۱۹۹). نام امروزی آن در همان محل، دبیرستان آزادگان است.

موزه و کتابخانه آستان قدس

احتشام کاویانیان (۱۳۵۵: ۳۰۷-۳۰۸) در اثر ارزشمند خود می‌گوید: «در جنوب مدرسه علینقی میرزا و جنوب شرقی صحن نو، در محلی که تیمچه معروف به پائین‌پا قرار داشت، مکانی برای ساختمان کتابخانه و موزه در نظر گرفته شد». در واقع تا آن زمان کتابخانه هزارساله رضوی مخزن کتاب و قرائت‌خانه نداشت؛ کتابخانه‌ای که در شأن فرهنگی آستان قدس می‌بود. دیگر اینکه

اشیای بسیار گران بها و عتیقه‌ای در خزانه جواهرات و نفائس آستان قدس وجود داشت که نمایش آن‌ها به عنوان یک کار ارزشمند فرهنگی می‌توانست فرهنگ ایرانی. اسلامی را در موزه، در معرض تماشای بازدیدکنندگان قرار دهد. موزه‌ای که هم‌اکنون یکی از برترین موزه‌های ایران و یکی از موزه‌های مطرح دنیاست. مهم‌تر از همه اینکه این ساختمان عظیم، باید در باب‌الرضای رضوی احداث می‌شد که انتخاب شایسته‌ای بود (آستان قدس رضوی، ۱۳۵۶: ۶۳-۶۴).

ساختمان موزه و کتابخانه جدید در سه طبقه با نظر مسیو گدار^۱، مدیرکل فنی باستان‌شناسی ایران احداث شد (اوکتائی، ۱۳۴۰: ۴۲-۴۳). طبقه اول آن انبار موزه، طبقه دوم موزه و طبقه سوم کتابخانه و قرائت‌خانه بود. در ۱۴ آذر ۱۳۱۶ ش. مراسم نصب سنگ بنا، با تشریفات خاصی در محل موزه انجام شد. در این مراسم که آقای پاکروان استاندار خراسان و آقای اوکتائی رئیس کتابخانه، حضور داشتند، سنگ بنای ساختمان موزه و کتابخانه با تشریفات در زیر در ورودی به کار گذاشته شد. در این سنگ بنا که به خط نستعلیق نوشته شده، از پهلوی اول و پاکروان به عنوان آمر و مجری نام برده شده است (آموزگار، ۱۳۱۶ ج: ۱؛ احتشام کاویانیان، ۱۳۵۵: ۳۰۸، ۳۱۶-۳۱۷).

این ساختمان بسیار مستحکم از آذر ۱۳۱۶ تا شهریور ۱۳۲۰ ش. در دست ساخت بود؛ اما جنگ جهانی و ورود سربازان روسی سبب توقف ساخت آن شد. به هر حال با تثبیت اوضاع سیاسی و آمدن منصور به عنوان نیابت تولیت و استاندار خراسان، کار تکمیل ساختمان کتابخانه و موزه از سر گرفته شد و تا مهرماه سال ۱۳۲۳ ش. تکمیل و تجهیزات آن نیز نصب شد. کار انتقال کتب در همان سال انجام گرفت و کتب چاپی و خطی از بالای ایوان طلای صحن کهنه و مرتبه فوقانی دارالعهده به طبقه سوم ساختمان جدید منتقل شد. برای تسهیل در عبور و مرور مراجعین، یک درب ورودی برای صحن موزه در فلکه نیز در نظر گرفته شد. این بنای مستحکم و دیدنی که در نوع خود در آن زمان در مشهد یگانه بود، در ۲۲ آذر ۱۳۲۴ ش. توسط محمدرضا پهلوی افتتاح شد (اوکتائی، ۱۳۴۰: ۴۱-۴۲؛ مؤتمن، ۱۳۵۵: ۲۸۸).

1. Monsieur Godard.

تأسیس کلاس پرستاری

اداره معارف در مهرماه ۱۳۱۵ ش. اقدام به تأسیس کلاس پرستاری با مدرک سیکل کرد. وزارت معارف، خانم میس پیزه^۱ را به‌عنوان معلم کلاس پرستاری به مشهد اعزام کرد که با پزشکان و معهود پرستاران مشهد، این کلاس را از نظر آموزشی مدیریت می‌کرد و محل آموزش بیمارستان شاه‌رضا بود (آقاملایی، ۱۳۸۴: ۲۵۸؛ آموزگار، ۱۳۱۵ب: ۱). این مدرسه از ۱۵ مهر ۱۳۱۵ ش. تحت نظر عده‌ای از پزشکان ایرانی و آمریکایی تأسیس شد و دوره تحصیلی آن، دو سال و رایگان بود. محصلان پس از فراغت از تحصیل و دریافت گواهی‌نامه، سوگند یاد می‌کردند و کلاه پرستاری دریافت می‌نمودند. در سال ۱۳۱۷ ش. اولین گروه از محصلین این آموزشگاه فارغ‌التحصیل شدند و توانستند در بیمارستان‌ها مشغول به کار شوند. مدرک مدرسه پرستاری، همپایه دیپلم متوسطه بود و کسانی که موفق به دریافت آن می‌شدند می‌توانستند وارد آموزشگاه مامایی شوند. پس از مدتی محل آموزشگاه پرستاری که در یک قسمت از بیمارستان شاه‌رضا قرار داشت، به محل دبیرستان ایراندخت انتقال داده شد (آزادی، ۱۳۱۵: ۱؛ آزادی، ۱۳۱۶الف: ۱؛ رضایی مکی، ۱۳۷۸: ۶۷۷۰).

بیمارستان شهرداری

بیمارستان ۱۵۰ تخت‌خوابی شهرداری که به منظور معالجه و مداوای بیماران فقیر و بی‌بضاعت، مدتی در دست تعمیر و تکمیل بود، در زمان استانداری پاکروان در سال ۱۳۱۸ ش. افتتاح شد. به دستور پاکروان بین شهرداری، آستان قدس و بهداری خراسان قراردادی تنظیم شد که طبق آن آستان قدس، ۵۰ تخت‌خواب در بیمارستان شهرداری ایجاد کند. بهداری نیز علاوه بر پرداخت حقوق سه پزشک بیمارستان شهرداری، سالیانه ۱۸۰ هزار ریال به بیمارستان نیز کمک نماید. ریاست این بیمارستان را دکتر احمد سالاری بر عهده داشت. در این بیمارستان به بیماران نیازمند علاوه بر معالجه، داروی رایگان نیز داده می‌شد (آموزگار، ۱۳۱۸د: ۱؛ آموزگار، ۱۳۲۶: ۱؛ آزادی، ۱۳۱۸ب: ۱). این بیمارستان در دروازه سراب قرار داشت.

آموزشگاه عالی بهداشت

آموزشگاه‌های عالی بهداشت به منظور پرورش پزشک‌یار و برای حل مشکلات پزشکی و درمانی سرپایی در دهستان‌ها و مبارزه با بیماری‌های واگیر و فراگیر تأسیس شد (آزادی، ۱۳۱۹: ۲). در آن دوره به علت کمبود پزشک و نیاز شهرستان‌ها و روستاها، مقرر شده بود مراکز مخصوص تربیت پزشک در مراکز استان‌ها ایجاد شود. در اواخر سال ۱۳۱۸ ش. با تلاش دکتر سامی‌راد آموزشگاه عالی بهداشت شروع به ثبت‌نام افراد دارای مدرک دیپلم کرد (شاهین‌فر، ۱۳۸۲: ۲۲؛ آذری خاکستر، ۱۳۹۵: ۲۱۱-۲۱۲). در سال ۱۳۱۹ ش. اولین آموزشگاه عالی بهداشت مشهد، توسط اداره بهداشت تأسیس شد. این آموزشگاه به طور موقت در محل دبیرستان فردوسی مشهد با یک دوره تحصیلی، چهار سال برای تربیت پزشک‌یار شروع به کار کرد (آزادی، ۱۳۱۹: ۲). سپس جهت برگزاری کلاس‌های آموزشگاه بهداشت، مکانی در خیابان جهانبانی اجاره شد. بعدها سیدمحمد قریشی مکانی را در خیابان دانشگاه (محل دانشکده پزشکی از ۱۳۲۷ تا ۱۳۷۷ ش.) جهت برگزاری کلاس‌ها در اختیار آموزشگاه قرار داد که خود زمینه‌ای برای تأسیس دانشکده پزشکی در سال ۱۳۲۸ ش. در همان محل شد. به دلیل وقوع جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۲۰ ش. و حضور نیروهای متفقین در مشهد، فعالیت آموزشگاه بهداشت تعطیل شد؛ اما خیلی زود آموزشگاه فعالیت خود را از سر گرفت و اولین سالن تشریح، به وسیله دکتر سامی‌راد در همین محل جدید احداث شد. آموزشگاه عالی بهداشت همچنان به فعالیت خود ادامه داد تا اینکه بعدها به دلیل ورود فارغ‌التحصیلان دانشکده پزشکی به عرصه درمان و مداوا، به تدریج از فعالیت آن کاسته شد (آذری خاکستر، ۱۳۹۵: ۲۱۲-۲۱۳؛ آذری خاکستر، ۱۳۹۵: الف: ۶۴).

اقدامات اقتصادی

هدف از بررسی توصیفی مؤسسات اقتصادی مشهد در دوره پاكروان، تأثیر این مؤسسات بر روی توسعه فضای شهری مشهد است. تأسیس کارخانه‌ها در حاشیه شهر، علاوه بر ایجاد اشتغال، باعث مهاجرپذیری، سکونت و نیز گسترش شهر به آن حدود شد.

کارخانه نخ‌ریسی و نساجی خسروی

کارخانه نخ‌ریسی خسروی، اولین کارخانه نساجی در خراسان بود که با جدیدترین وسایل و ماشین‌آلات نخ‌ریسی و نساجی آن دوره احداث شد. در تیرماه ۱۳۱۰ش. رضاشاه دستور ایجاد کارخانه نخ‌ریسی و پارچه‌بافی مشهد را به محمدولی اسدی، نایب‌التولیه آستان قدس صادر کرد. قرار شد آستان قدس رضوی، بانک ملی و یک شرکت آلمانی سرمایه‌گذاری کنند. بانک ملی نیز مأمور اجرای احداث کارخانه شد (آزادی، ۱۳۱۶ج: ۱). پس از تشکیل چندین جلسه، مبلغی جمع‌آوری شد و هیئت‌مدیره کارخانه انتخاب شد؛ ولی پس از مدتی به علت دستوری که از مرکز به بانک ملی شعبه مشهد رسید، این بانک از مشارکت در کارخانه کناره‌گیری کرد و اجرای آن مدتی به تأخیر افتاد. تجار مشهد و پارسیان هند که در مشهد حضور داشتند، داوطلب خرید پنجاه درصد سهم بانک ملی شدند که مورد موافقت بانک و شرکت قرار گرفت؛ اما پارسیان در مرحله عمل، پولی انتقال ندادند و از این‌رو سرمایه تجار مشهد نیز پس از دو سال پس داده شد (بهار، ۱۳۱۳ب: ۱).

در اواسط سال ۱۳۱۳ش. در این باب با حضور محمدولی اسدی، نایب‌التولیه آستان قدس و سلمان اسدی نماینده مجلس و عده‌ای از تجار مشهد، جلسه‌ای تشکیل و کارخانه نخ‌ریسی با سرمایه ششصد هزار تومان تأسیس شد. سیصد هزار تومان از سرمایه این شرکت توسط تجار مشهد و دویست و پنجاه هزار تومان نیز به وسیله زردشتیان هند که در مذاکرات اولیه حضور داشتند، تأمین شد و پنجاه هزار تومان بقیه را اسدی از طرف آستان قدس تقبل کرد (آستان قدس رضوی، سند شماره ۱/۱۳۷۵۴۱/۱ و ۱/۱۶۵۶۸۸/۱ و ۱/۴۱۶۳۶۰؛ موسوی، ۱۳۱۳ب: ۱). بدون شک جشن هزاره فردوسی و شرکت افراد نامداری چون تاگور از هند در این جشن ملی سبب همکاری پارسیان در امر سرمایه‌گذاری در کارخانه نخ‌ریسی شده بود. به هرحال شرکت سهامی نخ‌ریسی و نساجی خسروی مشهد در چهاردهم اسفند ۱۳۱۳ش. برای مدت پنجاه سال به ثبت رسید (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۶، ج: ۳، ۱۲). در مردادماه ۱۳۱۴ش. قرارداد ساختمان کارخانه نخ‌ریسی با کمپانی هوختیف^۱ آلمان منعقد و پس از هشت ماه عملیات ساختمانی آن شروع شد. سطح زیربنای کارخانه و سوله‌های آن، حدود ۷۶۰۰ متر مربع بود که طبق اصول مهندسی با

سیمان مسلح (بتون و میل‌گرد) ساخته شد (آستان قدس رضوی، سند شماره ۱۳۷۵۴۱/۳ و ۱۳۷۴۶/۱؛ آزادی، ۱۳۱۶ ج: ۱).

در سال ۱۳۱۶ ش. کلیه ماشین‌آلات شرکت نخ‌ریسی و نساجی وارد و عملیات نصب ماشین‌آلات خاتمه یافت. مراسم افتتاح کارخانه نخ‌ریسی و نساجی در ۱۱ اسفندماه ۱۳۱۶ ش. انجام شد و پاکروان استاندار خراسان، کارخانه نخ‌ریسی را افتتاح کرد (آزادی، ۱۳۱۶ ب: ۱؛ آموزگار، ۱۳۱۶ الف: ۱). کارخانه نخ‌ریسی مشهد پس از شروع به کار، عنوان کارخانه نخ‌ریسی و نساجی خسروی پیدا کرد و منسوجات آن به نام منسوجات خسروی نام‌گذاری شد. زمین آن از طرف آستان قدس واگذار شد که در منطقه گل ختمی در جنوب شهر مشهد قرار داشت که هم‌اکنون به چهارراه نخ‌ریسی مشهور است. این زمین به صورت چهارگوش است که حدود دویست هکتار مساحت دارد و در ضلع جنوب شرقی چهارراه نخ‌ریسی قرار دارد. پس از انقلاب، بنا به دستور شهرداری مشهد، کارخانه به بیرون از شهر انتقال پیدا کرد و فضای فیزیکی آن تا اندازه‌ای مسطح شد؛ اما متأسفانه بین شهرداری مشهد بر سر اینکه این مساحت ۲۰۰ هکتاری به یک فضای سبز تبدیل شود که بسیار مورد نیاز منطقه است و یا کاربری اقتصادی پیدا کند که آستان قدس پیگیر آن است، اختلاف نظر وجود دارد.

کارخانه قند آبکوه

کارخانه قند آبکوه یکی از قدیمی‌ترین کارخانه‌های قند ایران است و بعد از کارخانه قند کرج و کهریزک، سومین کارخانه قند در ایران قلمداد می‌شود. فکر ایجاد این کارخانه با حضور پاکروان در مشهد مطرح شد و اسدی، تولید آستان قدس، هم در واگذاری زمین مورد نیاز و هم سرمایه‌گذاری لازم، مساعدت کرد. از این‌رو در سفری که در نیمه دوم سال ۱۳۱۳ ش. محمود جم به عنوان نخست‌وزیر به مشهد داشت، موضوع مطرح شد و به تصویب رسید. به هرحال بخشی از اراضی آبکوه که موقوفه آستان قدس و در آن زمان حدود ده کیلومتر با شهر فاصله داشت، به این کار اختصاص یافت (بهروزی، ۱۳۴۲: ۲۱؛ صابر، ۱۳۵۷: ۱۶). این کارخانه در بین سال‌های ۱۳۱۳-۱۳۱۵ ش. به دست کارشناسان و تکنسین‌های چکاسلواکی در زمینی به مساحت ۲۸ هزار متر مربع احداث شد (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۶، ج ۳: ۳۵۱). تجهیزات این کارخانه از کشور

چکاسلواکی به مبلغ پانصد هزار دلار از طرف دولت خریداری و در پنجم آبان ماه ۱۳۱۵ ش. افتتاح شد (آزادی، ۱۳۱۰: ۱؛ آموزگار، ۱۳۱۵ الف: ۱). در این کارخانه دو نوع کارگر دائمی و فصلی به کار مشغول بودند و کارگران به دو شیفت شب کار و روز کار تقسیم می شدند. این کارخانه هم‌اکنون در وسط شهر قرار گرفته است و فقط شکر به این کارخانه وارد می شود و قند تولید می کند (محمودی کاشانی، ۱۳۵۱: ۶-۷؛ صابر، ۱۳۵۷: ۲۰-۲۱). احداث کارخانه قند آبکوه در غرب شهر مشهد و تردد افراد بسیاری از صنوف مختلف به این منطقه، سبب جمعیت پذیری، و رونق ساخت و ساز مناطق اطراف و گسترش شهر مشهد به سمت غرب شد.

کارخانه برق شهری

از دیگر کارخانه‌هایی که در این دوره احداث شد، کارخانه برق شهری بود که علاوه بر تأمین روشنایی، انرژی سهل‌الوصول و جایگزین مناسبی به جای نفت و گازوئیل بود (مطیعی لنگرودی، ۱۳۷۳: ۱۵۸). نخستین کارخانه برق مشهد در سال ۱۳۱۳ ق. (۱۲۷۴ ش) در زمان مظفرالدین شاه، تأسیس شد که فقط مخصوص آستان قدس رضوی و روشنایی حرم مطهر بود (خوانیکی، ۱۳۴۱: ۱۸؛ سهامی، ۱۳۴۹: ۱۲). در سال ۱۳۱۶ ش. مذاکراتی برای جمع‌آوری کارخانه‌های برق مشهد به منظور تشکیل شرکت سهامی برق مشهد به عمل آمد و با مشارکت شهرداری و مجموع کارخانه‌های برق مشهد، شرکت برق منطقه‌ای خراسان تأسیس شد. در سال ۱۳۱۸ ش. شرکت برق خسروی با سرمایه شرکت نخ‌ریسی و نساجی خسروی تأسیس شد که سهام‌دار اصلی آن آستان قدس بود. در سال ۱۳۱۸ ش. بین هارطونیان مدیرعامل شرکت برق منطقه‌ای خراسان و پاکروان استاندار خراسان، قراردادی بسته شد که به موجب آن زمینی به مساحت پنج هکتار از اراضی آستان قدس برای ایجاد و نصب کارخانه برق به شرکت برق منطقه‌ای خراسان واگذار شد (آستان قدس رضوی، سند شماره ۸۹۸۴۷/۱۵۶ و ۱۶۵۶۸۸/۱ و ۱۳۹۳۰۵/۱؛ موسوی، ۱۳۲۶: ۱). این زمین در حاشیه خیابان تهران (امام‌رضا) و در حاشیه میدان رودکی (فلکه برق، میدان ۲۸ مرداد، میدان بسیج) بود. در سال ۱۳۱۹ ش. آستان قدس بقیه سهام شرکت برق را نیز خرید. بدین ترتیب تمام سهام کارخانه برق خسروی متعلق به آستان شد (سهامی، ۱۳۴۹: ۱۴، ۱۶). یقیناً ایجاد کارخانه برق در جنوب شهر، علاوه بر ارائه خدمات روشنایی به شهروندان و رفاه

زندگی آنان، سبب مهاجرپذیری و گسترش شهر به آن مناطق شده و از نظر رونق در امر ساخت-وساز و امور تجاری و سکونت، تأثیر بسزایی داشته است.

احداث خیابان‌ها و میادین

درواقع از همان ابتدای سلطنت رضاشاه احداث خیابان‌های جدید در مشهد، شروع شد و حداقل شش خیابان جدید تا قبل دوره پاکروان احداث شده بود. خیابان‌ها در حقیقت راه رفت‌وآمد شهروندان با وسایل نقلیه چرخدار حیوانی یا موتوری بود که کار جابه‌جایی مسافر و بار را انجام می‌دادند. در دوره‌ای که ما از آن صحبت می‌کنیم، هم‌گاری جهت حمل بار و هم‌درشکه جهت حمل مسافر، در شهر در رفت‌وآمد بودند؛ اما به تدریج بر وسایط نقلیه موتوری افزوده شد؛ چنان‌که در پایان این دوره علاوه بر تاکسی، چند خط اتوبوس‌رانی نیز در مشهد دایر شد. علاوه بر آن احداث خیابان‌های جدید، سبب ساختمان‌سازی و تعبیه دکان و مغازه شد که طبعاً زمینه اشتغال بیشتری را در شهر فراهم کرد. دکان‌ها و اشتغالات جدید، سبب گردش مالی و اقتصادی شد و شهر مشهد پس از چند دهه، از نظر جمعیتی و اقتصادی به دو شهر اصفهان و تبریز نزدیک شد.

میدان سوم اسفند (۱۰ دی)

در سال ۱۳۱۴ ش. شهرداری مشهد، میدانی در بیرون دروازه ارگ احداث کرد تا وسایل نقلیه بتوانند دور بزنند. نام این میدان که در خارج از دروازه ارگ قرار داشت، سوم اسفند گذاشته شد و در سال ۱۳۱۷ ش. با خیابان ارگ توسط شهرداری آسفالت شد (آزادی، ۱۳۱۴ الف: ۱؛ آموزگار، ۱۳۱۷: ۱). آنچه مسلم است اینکه احداث این میدان سبب گسترش فیزیکی مشهد به سوی جنوب بوده است. درواقع احداث خیابان رازی که اسم بامسمایی بود، برای اتصال بیمارستان شاه‌رضا به میدان سوم اسفند و سبب ارتباط بیمارستان به شبکه سراسری خیابان‌های مشهد شد. اگرچه پیشتر با احداث خیابان جم در سال ۱۳۰۸ ش. بیمارستان شاه‌رضا به فلکه سراب (میدان سعدی) وصل شده بود؛ اما وجود یک میدان وسیع در جلو بیمارستان که بخشی از آن را گودال کم‌عمقی (استخر خاکی) تشکیل می‌داد، سبب مشکلات بسیاری برای عابران و وسایل نقلیه چه در تابستان از جهت ایجاد گرد و خاک و چه در زمستان از جهت گل‌ولای می‌شد؛ البته بعداً با

ایجاد خیابان استخر (جهانبانی) و کوچک‌شدن این میدان وسیع، این وضعیت ناهنجار تا اندازه‌ای تعدیل شد.^۱

تعریض راه ملک آباد

در سال ۱۳۱۴ ش. راهی که به سوی غرب مشهد می‌رفت و از دهکده تقی‌آباد شروع می‌شد، بازسازی، تعریض و تسطیح شد. این راه ابتدا به روستای احمدآباد می‌رسید و سپس از اراضی ملک‌آباد عبور می‌کرد تا به وکیل‌آباد می‌رسید. چون بخش مهمی از اراضی بین ملک‌آباد و وکیل‌آباد متعلق به حاج حسین‌آقای ملک بود، بلدیه با همکاری حاج حسین‌آقای ملک شروع به شن‌ریزی و تسطیح این راه ۲۰ کیلومتری کرد و در دو طرف آن، راهی که به بیلاقات مشهد می‌رفت، همه جا نهال درخت توت غرس شد. چون ادامه راه باید از روی مسیل ملک‌آباد عبور می‌کرد، بلدیه مشهد در سال ۱۳۱۶ ش. اقدام به ساختن پل بتن‌آرمه در حدود سه‌راهی خیام امروزی کرد (آستان قدس رضوی، سند شماره ۱۰۰۲۵۲/۲۰؛ آموزگار، ۱۳۱۶ ب: ۱؛ آزادی، ۱۳۱۶ د: ۱).

خیابان استخر (جهانبانی یا چمران امروزی)

شهرداری مشهد در سال ۱۳۱۷ ش. برای احداث خیابانی از میدان ورودی بیمارستان شاه‌رضا به دروازه جنت، دست به کار جالب و پُرخرجی زد و تمام املاک و منازل مسیر خیابان خریداری و تخریب شد (آزادی، ۱۳۱۷ ب: ۱). اما ابتدا باید قسمت انتهایی این خیابان و نزدیک بیمارستان که کال قره‌خان بود، پوشش می‌یافت. از آنجا که در محدوده کال، یک استخر طبیعی یا به قول مشهدی‌های قدیمی، "استخل" برای جمع‌شدن آب برف و باران وجود داشت، این خیابان شمالی-جنوبی، خیابان استخر نام گرفت. با اتمام عملیات احداث خیابان استخر، استاندار وقت؛ یعنی پاکروان در اواخر سال ۱۳۱۸ ش. از این خیابان بازدید و دستور افتتاح و عبور و مرور وسایل نقلیه را صادر کرد. در سال ۱۳۱۹ ش. شهرداری اقدام به احداث امتداد قسمت شمالی خیابان استخر

۱. مصاحبه با رضا نقیبی، مشهد، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۸/۷/۱۲.

نمود که به بالا خیابان و میدان شهرداری وصل می‌شد (آموزگار، ۱۳۱۸ج: ۱؛ آزادی، ۱۳۱۸ج: ۱؛ آزادی، ۱۳۱۹ج: ۲).

خیابان جنت

در ضلع شمال غربی ارگ مشهد، دروازه جنت بود؛ اما چون ساختار ارگ بتدریج عوض شده بود و ساکنین کوچه‌های اطراف ارگ، هم به خاطر معابر تنگ و هم به دلیل عدم دسترسی به خیابان، راه مناسبی برای عبور و مرور نداشتند، بلدیّه به فکر افتاد تا از دروازه جنت، دو راه به سوی جنوب و شرق ایجاد کند. خیابان جنوبی درواقع همان خیابان استخر بود که در بالا توضیح داده شد. خیابانی که به سوی شرق کشیده شد، از جهت نام دروازه جنت، خیابان جنت نام‌گذاری شد. خیابانی با عرض هشت متر و طول چهارصد متر که با اتصال به خیابان ارگ، جایی برای قدم‌زدن و خرید بود. خیابان جنت از محدود خیابان‌هایی است که از زمان احداث تا کنون اسم آن عوض نشده و بازگشایی آن سبب اتصال دو خیابان استخر (جهانبانی سابق و چمران امروزی) و ارگ شده است و به گسترش فیزیکی مشهد در محدوده جنوب غربی آن زمان مشهد کمک اساسی کرد. احداث این خیابان نیز در سال ۱۳۱۷ش. شروع و در سال ۱۳۱۸ش. افتتاح شد (آزادی، ۱۳۱۷الف: ۱؛ آزادی، ۱۳۱۸الف: ۱؛ آموزگار، ۱۳۱۸الف: ۱).

خیابان سعدی

در سال ۱۳۱۹ش. شهرداری اقدام به احداث خیابانی نمود که کوچه سراب را به دروازه سراب وصل می‌کرد. این خیابان به نام سعدی شهرت یافت و در دروازه سراب یک میدان احداث شد که میدان سراب نام گرفت. این خیابان سعدی که هم اکنون یکی از خیابان‌های شلوغ و پُرترافیک مشهد است، خیابان پهلوی (امام خمینی) را به میدان سعدی (میدان سراب) وصل می‌کند. بلدیّه برای احداث این خیابان مجبور بود منازل مسکونی حاشیه کوچه سراب را از نظر قیمت ارزیابی کند و بهای آن را به مالکین بپردازد (آزادی، ۱۳۱۹ب: ۲). اسم خیابان سعدی نیز از زمان احداث تاکنون، عوض نشده است.

خیابان فوزیه (دانشگاه)

خیابان‌های استخر، جنت و سعدی به‌نوعی در بن‌بست قرار گرفته بودند، و هیچ یک به بالاخیابان که یکی از خیابان‌های اصلی شهر و شاید از پُررفت‌وآمدترین آن‌ها بود، وصل نبودند. مضافاً اینکه چند سال قبل ادامه بالاخیابان تا میدان شاهپور (توحید فعلی) رسیده بود و مشهد گسترش غربی معناداری پیدا کرده بود. مشکل دیگر این بود که خیابان اسدی یا کوه‌سنگی، یک خیابان با انتها و بدون ابتدا بود و به هیچ‌یک از خیابان‌های داخل شهر وصل نبود. از این‌رو در سال‌های ۱۳۱۸ و ۱۳۱۹ش. دو کار اساسی از نظر گسترش فیزیکی در غرب و جنوب غربی مشهد صورت پذیرفت. نگاهی به نقشه مشهد در دهه دوم قرن چهاردهم شمسی نشان می‌دهد که چگونه مدیران ارشد مشهد، این مشکلات ارتباطی را با احداث خیابان‌های جدید تا اندازه‌ای حل کردند. آن‌ها ابتدا با یک نقشه‌برداری صحیح و اصولی بر آن شدند که خیابان کوه‌سنگی را از میدان تقی‌آباد (شریعتی کنونی) به میدان بلدیة در بالاخیابان وصل کنند.

نقشه‌برداری این مسیر سه کیلومتری چند ماهی طول کشید؛ اما از آنجا که در منطقه سراب تنها چند حوزه مسکونی بود که باید تخریب می‌شد و بقیه مسیر، زمین بایر یا باغ یا مزرعه بود، از نظر تسطیح و خیابان‌کشی کار چندان مشکلی به نظر نمی‌رسید. شاید عمده‌ترین مسئله و دغدغه، تخریب باغ‌های شفتالوزار بود که به هر حال هم مالکین چندان راضی به فروش باغ‌های میوه‌دار خود که در جوار مشهد بود، نبودند و هم مجریان، تخریب آن‌ها را از جهت فضای سبز و اقتصاد و تولیدات سردرختی به صلاح نمی‌دانستند؛ اما از آنجا که یک طرف خیابانی که بایستی کشیده می‌شد، حد غربی بیمارستان شاه‌رضا بود و خیابان نه از وسط باغ‌های شفتالوزار، بلکه از حاشیه آن‌ها می‌گذشت و بخش عمده آن‌ها از اراضی آستان قدس بود، توجیه فنی و مدیریت شهری برای تخریب وجود داشت. به هر حال از آنجا که این خیابان جدید، ادامه خیابان کوه‌سنگی رو به سمت شمال بود و باید دارای همان عرض ۴۰ متری می‌بود، قرار بر این شد که مبلغی از قیمت اراضی برای حق مرغوبیت کسر شود و مالکین حاشیه خیابان نسبت به واگذاری اراضی خود با قیمت مناسب‌تری آزاد باشند. این خیابان تا تقاطع خیابان سعدی ادامه یافت؛ جایی که امروز یکی از ایستگاه‌های خط ۲ متروی مشهد است.

از آنجا که در همین سال ۱۳۱۸ش. ولیعهد ایران با فوزیه مصری ازدواج کرده بود، این خیابان جدیدالاحداث فوزیه نام گرفت که دو هزار متر طول آن بود. خیابانی که چند سال پس از رفتن فوزیه از ایران و تشکیل دانشکده پزشکی در مشهد به خیابان دانشگاه نام‌گذاری شد و پس از هفتاد و سه سال بر همین نام باقی مانده است. اکنون خیابان تازه‌تأسیس فوزیه، با سه خیابان جنت، استخر (جهانبانی بعدی) و سعدی ارتباط پیدا کرده بود؛ اما هنوز به بالاخیابان وصل نشده بود؛ از این‌رو در میدان سعدی که محل تلاقی خیابان استخر با خیابان سعدی و خیابان فوزیه بود، خیابانی به طول یک کیلومتر به سوی شمال کشیده شد که در واقع ادامه همان خیابان فوزیه بود و به میدان بلدییه وصل می‌شد. احداث این خیابان در سال ۱۳۱۸ش. شروع شد؛ اما تا اواسط سال ۱۳۱۹ش. اتمام آن به طول انجامید و در نهایت میدان شهرداری مشهد به خیابان‌های جنوبی و غربی مشهد متصل شد. به همین نحو بیمارستان شاه‌رضا نیز به میدان بلدییه متصل شد (متولی حقیقی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۴۶۰).

حمل‌ونقل نوین شهری

تمدن جدید با دو ویژگی کلی در سرتاسر دنیا گسترده شد: علوم جدید و فنون جدید. یکی از دستاوردهای فنون جدید، ساخت موتور یا ماشین بود که ابتدا با ذغال‌سنگ و نفت کار می‌کرد و پس از دسترسی به بنزین و گازوئیل، در حمل‌ونقل تحول اساسی به وجود آمد. نصب ماشین‌ها (موتورها) در اتومبیل یا بر روی باربرهای چرخدار، حکایتی حیرت‌انگیز شد. از این زمان به بعد این موتور یا ماشین بود که با قوه محرکه خود، بساط بارکش‌های حیوانی دوچرخ یا چهارچرخ را به تدریج جمع کرد و به تاریخ سپرد.

در اوایل دوره پهلوی به علت کمی وسعت شهر و نزدیک‌بودن منازل به محل کسب و کار، تنها از درشکه استفاده می‌شد؛ اما در دروره پاکروان، شهر مشهد برای نخستین بار با ورود دو دستگاه اتوبوس، صاحب سیستم حمل‌ونقل درون‌شهری شد (سعیدی، ۱۳۴۴: ۱۸۵). هندی‌ها اولین کسانی بودند که خط اتوبوس‌رانی را در مشهد دایر کردند. در سال ۱۳۱۸ش. یک دستگاه اتوبوس توسط بابای هند و یک دستگاه هم به وسیله علی‌محمدخان در مشهد مشغول به کار شد و پس از مدت کوتاهی، تیماچی و ملک هندی نیز هرکدام یک دستگاه دیگر اضافه کردند. در سال

۱۳۱۹ش. آقای حسین باقری دو دستگاه و حسین طوسی یک دستگاه به تعداد اتوبوس‌ها افزودند. اتوبوس‌ها در دو مسیر از فلکه شمالی حضرت به خیابان تهران تا فلکه برق (میدان بسیج) و بالعکس و از فلکه حضرت به خیابان نادری، شاه‌رضا، خسروی و پهلوی و بالعکس به جابه‌جایی مسافران می‌پرداختند. در سال ۱۳۱۸ش. هشت دستگاه تاکسی توسط خانم فخرالدوله از تهران خریداری و به مشهد آورده شد و تاکسی نیز در مشهد شروع به کار کرد (مغانی، ۱۳۴۱: ۲۳۰، ۲۳۳).

نتیجه‌گیری

در اولین سال‌های دهه نخست قرن چهاردهم شمسی، مشهد فقط دارای یک خیابان شرقی-غربی بود که شاه‌عباس صفوی احداث کرده بود. از صحن عتیق به طرف شرق را پایین خیابان (خیابان سفلی، خیابان صفوی) می‌گفتند که عرض آن حدود ۲۲ متر و طول آن حدود یک کیلومتر بود. از صحن عتیق به سوی غرب نیز خیابانی وجود داشت که موسوم به بالا خیابان (خیابان علیا، خیابان نادری) بود که نهر خیابان از وسط هر دو خیابان شرقی و غربی عبور می‌کرد. مشهد تا اواخر دوره قاجار، بافت سنتی خود را حفظ کرده بود؛ اما در دوره پهلوی با شکل‌گیری مراکز اداری و دولتی، تغییرات محسوس در این بافت به وجود آمد. در واقع دوره رضاشاه سرآغاز دوره توسعه فضای شهری شهر مشهد به شمار می‌رود. خیابان‌کشی‌های جدید مشهد از سال ۱۳۰۸ش. آغاز شد. در این سال، اماکن قدیمی و فرسوده اطراف حرم مطهر تخریب و یک کمربندی در گرداگرد حرم احداث شد که همه اماکن متبرکه را در بر می‌گرفت و به نام فلکه حضرت نام‌گذاری و مشهور شد. در سال‌های بعد، این گسترش همچنان ادامه پیدا کرد و خیابان‌های شاه‌رضا، طبرسی، تهران، خسروی، سپه، ارگ، جم، پهلوی و کوه‌سنگی با اسلوب جدید احداث شدند. استانداران خراسان در این دوره اختیارات زیادی نداشتند و همواره تحت تأثیر قدرت اسدی، نائب‌التولیه آستان قدس بودند؛ البته خود اسدی نیز یکی از بنیان مشهد جدید است و در دوره وی کارهای زیادی در مشهد انجام گرفت. با اعدام اسدی در سال ۱۳۱۴ش. منصب نیابت تولیت آستان قدس نیز به پاکروان استاندار خراسان واگذار شد. به دنبال افزایش قدرت پاکروان، اصلاحاتی مانند توسعه مؤسسات آموزشی، فرهنگی و بهداشتی، تأسیس

کارخانه‌ها، خیابان‌کشی و ایجاد راه‌های بین‌شهری و توسعه حمل‌ونقل عمومی صورت پذیرفت. اقدامات پاکروان دو نتیجه اساسی در برداشت؛ یکی احداث و ورود نمادهای سخت‌افزاری و نرم-افزاری مدرن و دیگر توسعه شهری مشهد که زیرساخت آن از دوره اسدی شروع شده بود و در دوره پاکروان دگرگونی بیشتری یافت. ایجاد خیابان‌های جدید و ساخت‌وسازهای تازه باعث شد که مناطقی در خارج از محلات قدیمی، شامل مزارع و باغ‌های درون باروی شهر به مناطق مسکونی تبدیل شود. تأسیس کارخانه‌ها در حاشیه شهر نیز باعث گسترش شهر به آن حدود شد. علاوه بر همه این‌ها، وقوع جنگ جهانی دوم نیز سبب مهاجرت مردم شهرهای دور و نزدیک و روستاهای اطراف به شهر مشهد شد. همه این عوامل باعث شد شهر از مرکز به سمت غرب و جنوب غربی گسترش پیدا کند. موضوعی که در سنوات بعد به علت آب و هوای مساعدتر این مناطق، همچنان در دستور کار توسعه قرار گرفت و سبب گسترش فضای شهری مشهد شد.

منابع

- آذری خاکستر، غلامرضا (۱۳۹۵الف). شناسایی و معرفی اولین‌های مشهد. مشهد: شهرداری مشهد، شورای اسلامی شهر، مرکز پژوهش‌ها.
- _____ (۱۳۹۵ب). تاریخ پزشکی نوین مشهد. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، معاونت دانشجویی و فرهنگی.
- آزادی، گلشن (۱۳۱۰). "کارخانه قندسازی". آزادی (۷ تیر).
- _____ (۱۳۱۴الف). "ساختمان میدان سوم اسفند". آزادی (۵ آذر).
- _____ (۱۳۱۴ب). "دانشکده معقول و منقول". آزادی (۱۳ آبان).
- _____ (۱۳۱۵). "مدرسه پرستاری". آزادی (۳ مهر).
- _____ (۱۳۱۶الف). "آموزشگاه پرستاری". آزادی (۲۱ شهریور).
- _____ (۱۳۱۶ب). "آئین گشایش کارخانه نخریسی". آزادی (۱۲ اسفند).
- _____ (۱۳۱۶ج). "تاریخچه کارخانه نخریسی". آزادی (۱۴ اسفند).
- _____ (۱۳۱۶د). "ساختمان پل راه ملک آباد". آزادی (۸ شهریور).
- _____ (۱۳۱۷الف). "احداث خیابان جنت". آزادی (۲۰ آذر).
- _____ (۱۳۱۷ب). "خیابان استخر". آزادی (۲۶ تیر).
- _____ (۱۳۱۸الف). "احداث خیابان جنت". آزادی (۲۸ آبان).
- _____ (۱۳۱۸ب). "باز شدن بیمارستان شهرداری". آزادی (۱ دی).
- _____ (۱۳۱۸ج). "باز شدن خیابان استخر". آزادی (۱۰ دی).
- _____ (۱۳۱۹الف). "اساسنامه و برنامه آموزشگاه عالی بهداشت". آزادی (۵ شهریور).
- _____ (۱۳۱۹ب). "اجازه گشایش خیابان سعدی". آزادی (۱۹ خرداد).
- _____ (۱۳۱۹ج). "امتداد خیابان استخر". آزادی (۱۹ خرداد).
- _____ (۱۳۱۹د). "کلاس آموزشگاه عالی بهداشت". آزادی (۶ مهر).
- آستان قدس رضوی (۱۳۵۶). آستان قدس رضوی دیروز و امروز. مشهد: آستان قدس رضوی.
- آقاملایی، ایرج (۱۳۸۴). تاریخچه آموزش و پرورش نوین مشهد و اداره کل خراسان. مشهد: مرنديز.

- آموزگار، علیرضا (۱۳۱۵ الف). "آئین گشایش کارخانه نخریسی". آفتاب شرق (۷ آبان).
- _____ (۱۳۱۵ ب). "کلاس پرستاری". آفتاب شرق (۲۶ مهر).
- _____ (۱۳۱۶ الف). "آئین گشایش کارخانه نخریسی". آفتاب شرق (۱۲ اسفند).
- _____ (۱۳۱۶ ب). "پل سازی راه ملک آباد". آفتاب شرق (۱۸ مرداد).
- _____ (۱۳۱۶ ج). "نصب اولین سنگ بنای موزه". آفتاب شرق (۱۶ آذر).
- _____ (۱۳۱۷). "آسفالت میدان سوم اسفند". آفتاب شرق (۷ تیر).
- _____ (۱۳۱۸ الف). "اقدام به ساختن پل". آفتاب شرق (۲۰ خرداد).
- _____ (۱۳۱۸ ب). "انتقال دانشکده معقول و منقول". آفتاب شرق (۱۵ اسفند).
- _____ (۱۳۱۸ ج). "خاتمه پل سازی خیابان استخر". آفتاب شرق (۵ آذر).
- _____ (۱۳۱۸ د). "گشایش بیمارستان شهر". آفتاب شرق (۱۲ دی).
- _____ (۱۳۲۶). "تاریخچه بیمارستان شهر". آفتاب شرق (۲۵ اسفند).
- احتشام کاویانیان، محمد (۱۳۵۵). *شمس الشموس یا تاریخ آستان قدس رضوی*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- اوکتائی، شازده (۱۳۴۰). "کتابخانه آستان قدس رضوی". *نامه آستان قدس رضوی*، دوره دهم، ش ۶ (خرداد): ۴۱-۴۶.
- بهار، احمد (۱۳۱۳ الف). "افتتاح دانشسرای مقدماتی". بهار (۱۴ آبان).
- _____ (۱۳۱۳ ب). "کارخانه نخریسی و نساجی". بهار (۳۰ مرداد).
- _____ (۱۳۱۳ ج). "گشایش دانشسرای مقدماتی". بهار (۱۵ آبان).
- بهروزی، محسن (۱۳۴۲). "کارخانه قند آبکوه مشهد". پایان نامه کارشناسی تاریخ و جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه مشهد.
- پیشه‌ور، ایران (۱۳۴۹). "تحول در آموزش و پرورش". پایان نامه کارشناسی جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه مشهد.
- تمدنی، احمد (۱۳۱۵). *سالنامه تمدن*. مشهد: چاپخانه حسینی.
- جلالی، غلامرضا (۱۳۷۷). *تقویم تاریخ خراسان*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- خوانیکی، محمدعلی (۱۳۴۱). "شرکت سهامی نخریسی و نساجی و برق خسروی خراسان". *پایان نامه کارشناسی تاریخ و جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه مشهد.*
- دبیرستان حرفه‌ای و هنرستان صنعتی مشهد (۱۳۳۶). *دبیرستان حرفه‌ای و هنرستان صنعتی مشهد. مشهد: انجمن نشریه و سالنامه دبیرستان.*
- دبیرستان فردوسی مشهد (۱۳۱۵). *سالنامه دبیرستان فردوسی مشهد. مشهد: چاپخانه تابان.*
- رضایی مکی، فاطمه (۱۳۷۸). "فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی زنان در عصر رضاشاه". *پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.*
- سعیدی، عباس (۱۳۴۴). "جغرافیای شهر مشهد". *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، سال اول، ش ۲ و ۳ (تابستان و پاییز): ۱۷۴-۱۹۷.*
- سهامی، عنایت‌الله (۱۳۴۹). "برق، تلفن و آب آشامیدنی مشهد". *پایان نامه کارشناسی جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه مشهد.*
- شاهین فر، محمد (۱۳۸۲). *خاطرات پزشکی در مشهد. تهران: سنبله.*
- صابر، احمد (۱۳۵۷). "تحول کارخانه قند آبکوه". *پایان نامه کارشناسی جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.*
- عاقلی، باقر (۱۳۸۰). *شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، ج ۱. تهران: گفتار.*
- غروی، توفیق؛ هوشیار، حسن؛ ضیافتی، کاوه (۱۳۹۸). "بررسی گسترش کالبدی شهر بوکان و اثرات آن بر پیرامون". *نخبگان علوم و مهندسی، دوره چهارم، ش ۳ (مرداد): ۱-۱۹.*
- ماهوان، احمد (۱۳۸۳). *تاریخ مشهد/الرضا. مشهد: ماهوان.*
- متولی حقیقی، یوسف (۱۳۸۴). *تاریخچه آموزش و پرورش نوین خراسان از آغاز تا انقلاب اسلامی. مشهد: مرنديز.*
- _____ (۱۳۹۲). *تاریخ معاصر مشهد، ج ۲. مشهد: شهرداری مشهد، شورای اسلامی شهر.*
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۶). *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۳. به کوشش کریم اصفهانیان و جهانگیر قاجاریه. تهران: دانشگاه تهران.*
- محمودی کاشانی، ربابه (۱۳۵۱). "صنعت قند در قلمرو کارخانه قند آبکوه". *پایان نامه کارشناسی جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه مشهد.*

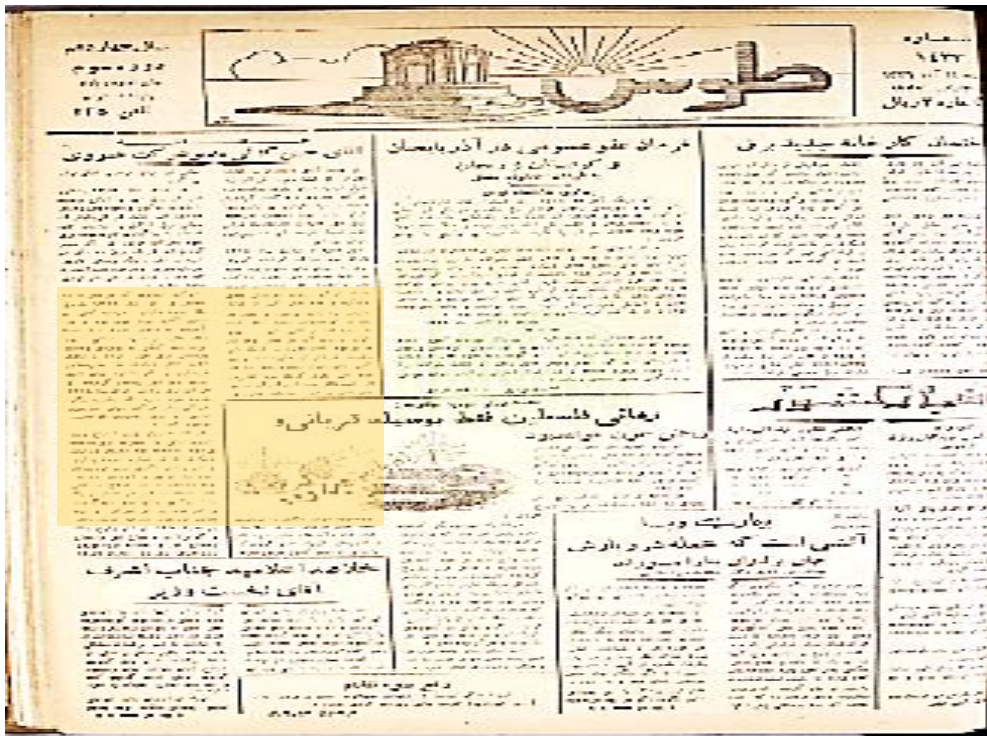
- مدرس رضوی، محمدتقی؛ فیاض، علی اکبر (۱۳۸۶). مشهد در آغاز قرن چهارده هجری، مشهور به گزارش مکتب شاهپور. تصحیح مهدی سیدی. مشهد: آهنگ قلم.
- مطیعی لنگرودی، حسن (۱۳۷۳). *جغرافیای اقتصادی خراسان*. مشهد: آستان قدس رضوی، مؤسسه چاپ و انتشارات.
- مغانی، حسین (۱۳۴۱). *بهشت شرق*. مشهد: زوار.
- موسوی، میرمرتضی (۱۳۱۳ الف). "افتتاح دانشسرای مقدماتی". *طوس* (۱۳ آبان).
- _____ (۱۳۱۳ ب). "تأسیس کارخانه نخریسی". *طوس* (۱۳ آبان).
- _____ (۱۳۲۶). "تأسیس شرکت برق". *طوس* (۱۱ آذر).
- مؤتمن، علی (۱۳۵۵). *تاریخ آستان قدس رضوی*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- میرنیا، علی (۱۳۷۴). *وقایع خاور/یران، ج ۲*. مشهد: اردشیر.

اسناد

آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره‌های ۱/۱۳۷۴۶، ۱/۸۹۸۴۷، ۱/۱۰۰۰۸۹، ۲۰/۱۰۰۲۵۲، ۱/۱۳۷۵۴، ۳/۱۳۷۵۴، ۱/۱۳۹۳۰۵، ۴/۱۶۳۶۰، ۱/۱۶۵۶۸۸.

مصاحبه‌ها

- منتجبی، هاشم، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۸/۷/۱۲.
- نقیعی، رضا، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۸/۵/۲۵.



زاده علاوه بر مصرف داخلی خود
ی توانست کنکس به بهبودی وضعیت
روشنای برق شهر تهران و مابین
آلات گازی دیگری نیز بدین منظور
خریداری و کار انشازد برای تأمین
نیروی برق شهر پیشقدم گردیده و
شرکت برق را در اواخر سال ۱۳۱۸
تأسیس نمود که با تأسیس یک
شرکت با نام شرکت سهامی تهرانی و
تأسیس و برق شهری تخریسات
وجود آمد.

شرکت خوروی چون احتیاج روز
افزون اهالی را بصرف برق مشاهده
می نمود لافافاه چند دستگاه دیزلی
دیگری که در دستور، بود، برای
خانه را فراهم و آرا در ۱۳۲۰
پراه انشازت و در اصلاح سیم کشی
های نامطلوب شهر هم اقدام و یک
رشته سیم کشی هوایی تری دایر گردید.

طرف صاحبان آن در سایر وغیر این
ها بوجود آمده علاوه بر اینکه این
وضعیت در اثر تیر های متعدد و بیم
کشی های متنوع منظره بعی را در
نقاط شهر بشود گرفته بود اغلب
از اصداکک سیمها بیکدیگر رسیم
های تلن و غیره سدمات مالی و



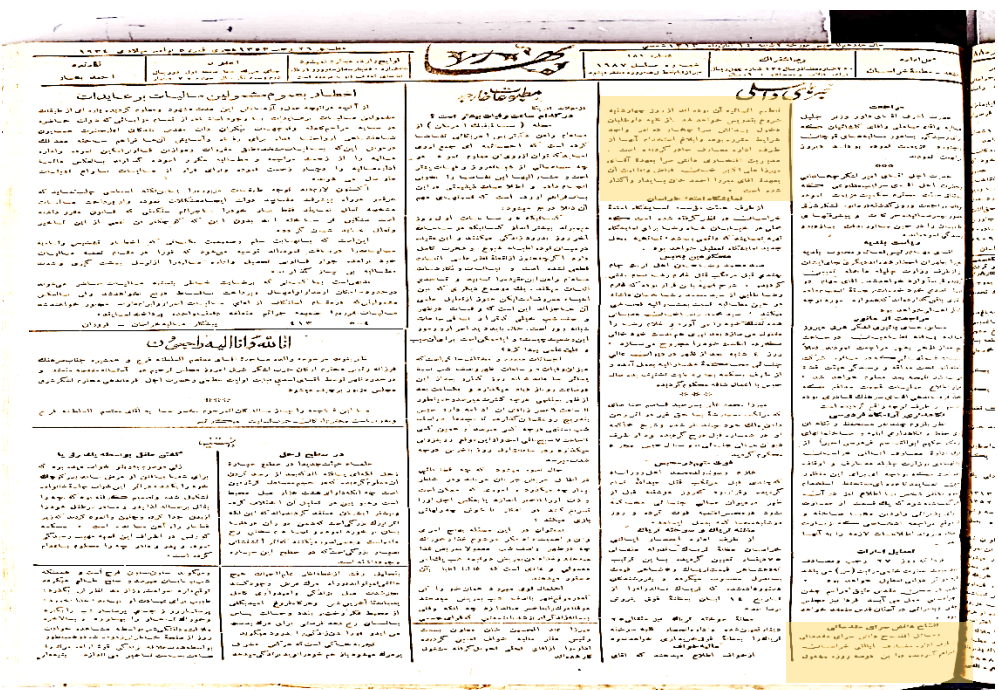
جانی نیز برای مردم و اهالی تولید
می کرد.
در اواخر سال ۱۳۱۵ منظور
نهر کار برق شهر و اصلاح وضعیت
نامطلوب مذکور و تأمین کامل روشنایی
ساکین شهر مشید شرکتی با نام شرکت
سهای برق تشکیل و سهامیان کار-
خانجات با واگذاری کارخانجات برق
شود شرکت مزبور در آن سیم
گردید. البته شرکت برق سه سال عمر
نمود و نظر باینکه وسائل لازم و
سرمایه کافی در دسترس نداشت آنطور
که باید و شاید در این امر توفیق
حاصل نکرد.

شرکت نیروی که در سال ۱۳۱۳
تأسیس و از سال ۱۳۱۶ شروع
نکار نمود دارای سرمایه کافی و
سهمین آلات نسبتاً قوی بود و در
آدمی با داشتن نیروی برق نسبتاً
زاده علاوه بر مصرف داخلی خود

در جنبای های استامبول و اتان
مهمتر که لطفاً دعوت شرکت را
قبول فرموده اند از طرف هیئت مدیره
شرکت خوروی و کارگزاران آن اظهار
انتان و سهامگاری می نمایند. بنا
اجازت داده شود اغراضاً تاریخیه
برق شهر مشید و اقداماتیک در این
مدت نسبت بزمومه آن شده می شود
بورش برسانم.

شهر مشید نا اراض سال ۱۳۱۵
دارا، چند دستگاه کارخانه کربنیک
برق به سیستم های متنوع بود حتی
در نقاط مختلف شهر بطور یراکنده
دایره و مشتمل کار بودند و نیروی
سازده از آن سمرنه روشانی بعضی
دکامین و سده خیالی کمی از خانه
داران را تأمین می نمود و چون هر
یک از کارخانجات متعلق ببارک باشد
نهر بود لذا سیم کشی های سنده در این
طرف صاحبان آن در سایر وغیر این

(تصویر ۶) شرکت برق (موسوی، ۱۳۲۶: ۱)



تنظیم اثابیه اند، ز روز چهارشنبه شروع بقدریس خواهد شد. از کلیه داوطلبان دخول بدانش سرا چهارده نفر واجد شرایط مقررده بوده و ابلاغ استخدام آنها از طرف اداره معارف صادر گردیده است. مدیریت افتخاری دانش سرا بهمه آقایی میرزا علی اکبر خن فیاض ونظامت آن بهمه آقایی میرزا احمد خان بیادار واگذار شده است

انتتاح دانش سرای مقدمانی
رسائل افتتاح دانش سرای مقدمانی
از طرف اداره معارف ابانای خراسان
کرامت کسر دله ذرا این دوسه روزه مشغول

(تصویر ۷) دانشسرای مقدماتی (بهار، ۱۳۱۳: ۱)

آزادی

تاسی شهرآور ۱۳۰۰

شماره ۱۱۳۳
روز سه شنبه ۱۳۰۰
۲۴ شهریور ۱۳۰۰
مجلس مطبوعاتی - تهران - شماره ۱۱۳۳
شماره ۱۱۳۳
روز سه شنبه ۱۳۰۰
۲۴ شهریور ۱۳۰۰

شماره ۱۱۳۳
روز سه شنبه ۱۳۰۰
۲۴ شهریور ۱۳۰۰
مجلس مطبوعاتی - تهران - شماره ۱۱۳۳
شماره ۱۱۳۳
روز سه شنبه ۱۳۰۰
۲۴ شهریور ۱۳۰۰

اخبار داخله

باز شدن بیمارستان شهرداری
دریغ و دروغ و بیادماندگی خیرات
و غیره...
باز شدن بیمارستان شهرداری
دریغ و دروغ و بیادماندگی خیرات
و غیره...
باز شدن بیمارستان شهرداری
دریغ و دروغ و بیادماندگی خیرات
و غیره...

اخبار خارجه

خبرگزاری فارس
پاریس - خط خبر کربلای مرگ...
تلگراف - خط خبر کربلای مرگ...
تلگراف - خط خبر کربلای مرگ...
تلگراف - خط خبر کربلای مرگ...

اخبار کوشندگان

چنان برای کار و لایق برای کار است
مخاطب...
مخاطب...
مخاطب...
مخاطب...

درود بر اهل بیت

درود بر اهل بیت
درود بر اهل بیت
درود بر اهل بیت
درود بر اهل بیت

درود بر اهل بیت

درود بر اهل بیت
درود بر اهل بیت
درود بر اهل بیت
درود بر اهل بیت

درود بر اهل بیت

درود بر اهل بیت
درود بر اهل بیت
درود بر اهل بیت
درود بر اهل بیت

درود بر اهل بیت

درود بر اهل بیت
درود بر اهل بیت
درود بر اهل بیت
درود بر اهل بیت

درود بر اهل بیت

درود بر اهل بیت
درود بر اهل بیت
درود بر اهل بیت
درود بر اهل بیت

درود بر اهل بیت

درود بر اهل بیت
درود بر اهل بیت
درود بر اهل بیت
درود بر اهل بیت

درود بر اهل بیت

درود بر اهل بیت
درود بر اهل بیت
درود بر اهل بیت
درود بر اهل بیت

درود بر اهل بیت

درود بر اهل بیت
درود بر اهل بیت
درود بر اهل بیت
درود بر اهل بیت

درود بر اهل بیت

درود بر اهل بیت
درود بر اهل بیت
درود بر اهل بیت
درود بر اهل بیت

باز شدن بیمارستان شهرداری

ترتیب و تمیزات در امر داری که در شارات گذشته خیرات را
نخواهیم بودیم. بیابان رسید و از اول این هفته
باز شده و تاکنون در پیش از بیست تخت خواب
آن بیمار خوابیده است.

و نبات این بیمارستان با آقای ایشان آقای
سالاری - معاون آن با انوی ایشان آقای
دکتر علی سالاری و کلنک آن برعهده آقای
دکتر حجت اعتمادی میباشد.

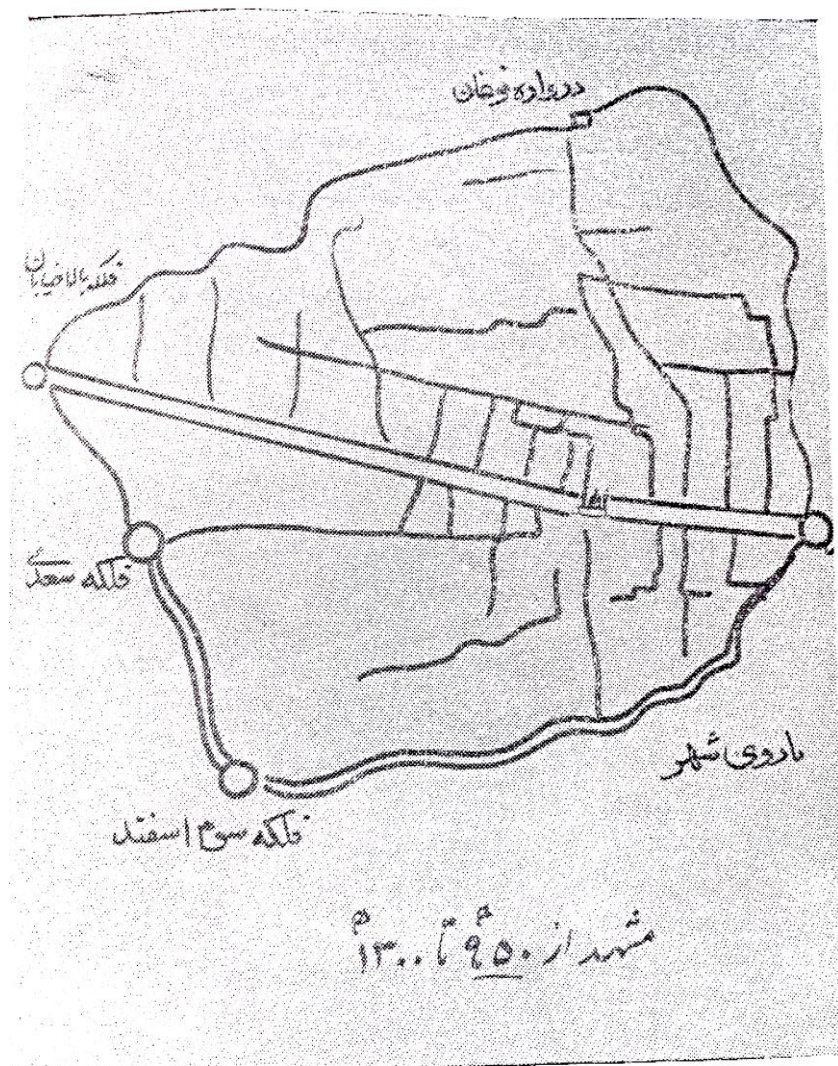
(تصویر ۱۰) بیمارستان شهرداری (آزادی، ۱۳۱۸: ۱)



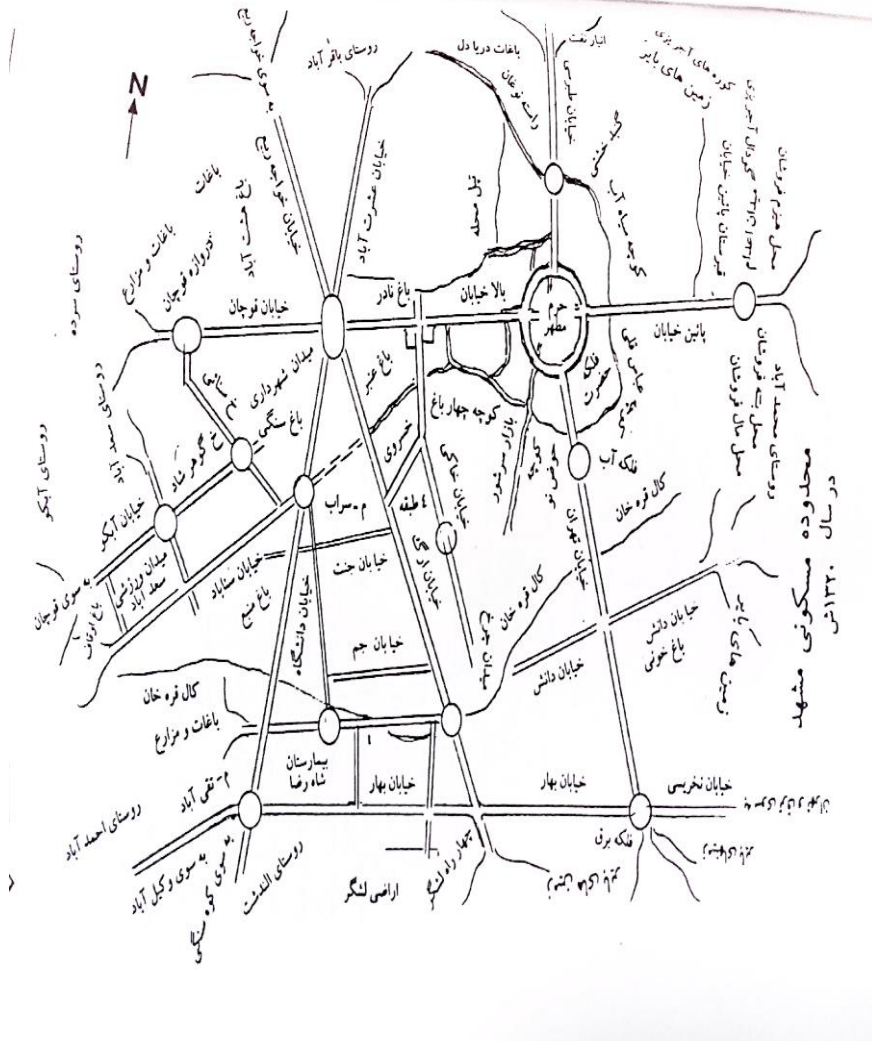
دانشکده علوم منقول

مدرسه فاضلیه چغقریه که از مدارس قدیمه خراسان می باشد اخیرا از طرف وزارت معارف برصمیت شناخته شده و در آئینه بدم دانشکده علوم منقول نامیده خواهد شد پروگرام دانشکده مزبور طبق مقررات وزارت معارف تنظیم و برای تدریس علوم قدیمه و تاریخ و زبان خارجه معلمین بزرگ از مجتهدین و متخصصین ودایران تعیین شده اند .

(تصویر ۱۱) دانشکده معقول و منقول (آزادی، ۱۳۱۴: ۱)



نقشه (۱) محدوده شهر مشهد از سال ۹۵۰ - ۱۳۰۰ ق. (مغانی، ۱۳۴۱: ۹۰)



نقشه ۳) محدوده مسکونی مشهد در سال ۱۳۲۰ ق. (ماهوان، ۱۳۸۳: ۴۷۹)

The role of piety in strengthening religious beliefs from the perspective of the Qur'an and Nahj al-Balagha; "A Case Study: Students of South Khorasan Farhangian University"

HamidReza Verdi¹

Received: 21/2/2022

Mohammad Valipoor²

Accepted: 3/1/2023

Fatima Bidokhti³

Abstract

The belief bases of a doctrine state what type of program should be designed to train people who believe in that doctrine to help others accept the relationship between belief bases and the educational program and content based on a logical argument. The present research examined the strategies for deepening religious beliefs and piety in students of Farhangian University of South Khorasan based on the Holy Qur'an and Nahj al-Balaghah and appreciation of God. The main question addressed in this research is, "What roles do piety based on the Holy Quran, Nahj al-Balagha, and gratitude to God the Almighty as two elements of religiosity play in deepening the religious beliefs of students? The statistical population comprised all male and female students of the University of South Khorasan, which included 1600 students, and a sample size of 300 students (150 males and 150 females) from the university's subsidiary campus was selected. A researcher-made questionnaire was prepared After examining the preliminary questionnaires and included 25 items. It was randomly distributed among the 300 participants in the research sample. The data collected was measured and analyzed using SPSS software. Butler's Cruyte test was used to measure sample adequacy, and Cronbach's alpha correlation coefficient was used for reliability. T-test was used to compare the level of adherence to divine piety and the necessity of gratitude to God between male and female students. The significance value of the T-test for divine piety and gratitude was 0.93 and 0.89, respectively, indicating that the average responses of participants for divine piety were the same for males and females with no significant difference between them. Qualitative results showed that meditation and Calculation of breath, calmness of heart, sense of responsibility, trust in God, and attention to divine power in affairs are the reasons for strengthening religiosity.

Keywords: piety, religiosity, religious beliefs, escape from religion

-
1. Member of the Faculty of Islamic Studies, Farhangian University (Corresponding Author). Verdi@cfu.ac.ir
 2. Member of the faculty of the Educational Sciences Department of Farhangian University. Valipoor@cfu.ac.ir
 3. Member of the faculty of the Educational Sciences Department of Farhangian University. f.bidokhti@cfu.ac.ir

مقاله علمی - ترویجی

نقش تقوا در تقویت باورهای دینی از منظر قرآن و نهج البلاغه**(مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه فرهنگیان خراسان جنوبی)**فاطمه بیدختی^۲محمد ولی پور^۲حمیدرضا وردی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲

مشاهده مقاله منتشر شده: دوره ۱۷، شماره ۱

http://www.farhangekhorasan.ir/article_164208.html**چکیده**

مبانی اعتقادی یک مکتب بیان می‌کند که چه برنامه‌ای برای تربیت افراد معتقد به آن مکتب باید طراحی شود تا به انسان‌ها کمک کند بر مبنای یک استدلال منطقی؛ یعنی ارتباط مبانی اعتقادی و برنامه تربیتی، محتوای آموزشی و تربیتی را بپذیرند. هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش تقوای الهی بر تقویت باورهای دینی مبتنی بر راهکارهای قرآن و نهج البلاغه در بین دانشجویان دانشگاه فرهنگیان خراسان جنوبی است. مسئله اصلی پژوهش این است که تقوای مبتنی بر قرآن کریم و نهج البلاغه به‌عنوان یک عنصر از عناصر دینداری چه نقشی در تعمیق باورهای دینی دانشجویان دارد؟ جامعه آماری، کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه فرهنگیان خراسان جنوبی شامل ۱۶۰۰ دانشجویست. حجم نمونه برای شیوه کیفی بر اساس اشباع نظری و برای شیوه کمی با توجه به جدول مورگان و کرجسی ۳۰۰ نفر در نظر گرفته شده است؛ ۱۵۰ نفر پسر و ۱۵۰ نفر دختر از دانشجویان پردیس‌های تابعه این دانشگاه. روش پژوهش از نوع آمیخته اکتشافی بوده است. پرسشنامه از نوع محقق ساخته بوده که بعد از تحلیل نهایی شامل ۲۵ گویه، تهیه و در میان ۳۰۰ نفر حجم نمونه مورد پژوهش به شیوه تصادفی، توزیع شد؛ سپس

Verdi@cfu.ac.ir

۱. عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان (نویسنده مسئول)

Valipoor@cfu.ac.ir

۲. عضو هیأت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان

f.bidokhti@cfu.ac.ir

۳. عضو هیأت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان

با استفاده از نرم‌افزار spss داده‌ها مورد سنجش و تحلیل قرار گرفت. برای سنجش کفایت نمونه از آزمون کرویت باتلر و برای پایداری از ضریب همبستگی آلفای کرونباخ استفاده شده است. برای مقایسه میزان پابندی به تقوای الهی و ضرورت قدردانی از خداوند در میان دانشجویان دختر و پسر از آزمون t استفاده شده است. مقدار معناداری آزمون t در تقوای الهی ۰/۹۳. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد، تاثیر تقوای الهی بر تعمیق باورهای دینی توسط دانشجویان دانشگاه فرهنگیان خراسان جنوبی به‌عنوان یک عنصر مهم در دینداری و تعمیق باورهای دینی، مورد پذیرش است و به آن عمل می‌کنند. نتایج بدست آمده از آزمون t در جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که میانگین پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان در تقوای الهی از نظر دانشجویان دختر و پسر، یکسان است و بین آن‌ها تفاوت معناداری وجود ندارد. نتایج کیفی بیانگر این واقعیت است که مراقبه و محاسبه، آرامش قلب، احساس مسئولیت، توکل به خداوند و توجه به قدرت الهی در امور، موجت تقویت دینداری می‌شود.

واژه‌های کلیدی: تقوا، دینداری، باورهای دینی، دین‌گریزی.

مقدمه

مبانی اعتقادی فرد و جامعه که منبعث از جهان‌بینی و ایدئولوژی آن مکتب اعتقادی است، زمینه‌ساز برنامه‌ریزی صحیح برای محتوای تعلیم و تربیت، اصول، روش‌ها و اهداف آن نظام تربیتی است. با مطالعه مبانی اعتقادی یک مکتب می‌توان به این مهم دست یافت که چه برنامه‌ای برای افراد معتقد به آن مکتب باید طراحی کرد؛ بنابراین تعمیق باورهای مرتبط با مکتب اعتقادی فرد، کمک شایانی می‌کند که وی بر مبنای یک استدلال منطقی؛ یعنی ارتباط مبانی اعتقادی و برنامه تربیتی، با روی باز برنامه و محتوای آموزشی و تربیتی را بپذیرد و اعمال و رفتار خود را بر پایه آن عملی و اصلاح کند. بسیاری از مقاومت‌هایی که در برابر این برنامه‌ها نشان داده می‌شود، ناشی از ناآگاهی از مبانی اعتقادی است که در یک مکتب پذیرفته شده، وجود دارد؛ بنابراین لازم است باورهای اعتقادی و دینی فرد تقویت شود تا پذیرش برنامه تربیتی توسط وی نیز به خوبی صورت پذیرد. در این پژوهش سعی بر این است راهکارهایی ارائه شود که این باورها را تقویت

کند و راه برای تدوین برنامه تربیتی و آموزشی و عملیاتی کردن برنامه مبتنی بر این باورها، به‌سادگی صورت پذیرد.

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، فصل هفتم، هدف‌های عملیاتی و راهکارها، راهکار (۲-۲) نیز بر تعمیق تقوای الهی و مهارت خویشتن‌داری، انتخاب‌گری درست و تعالی‌بخش مستمر دانش آموزان با استفاده از فرصت ایام‌الله و در راهکار (۲-۴) بر تقویت ایمان، بصیرت دینی و باور به ارزش‌های انقلاب اسلامی و توانمندسازی مربیان و دانش‌آموزان برای وفاداری و حمایت آگاهانه از این ارزش‌ها، تأکید شده است.

خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» (قرآن، طه: ۱۲۴). یعنی هر کس از یاد من روی برتابد، قطعاً زندگی پرمشقتی خواهد داشت. طبق این آیه شریفه، غفلت از خداوند، ایمان، دین و باورهای دینی، زندگی تنگ همراه با نگرانی، ترس، اضطراب، استرس، نداشتن قرارگاه فکری و پناهگاه معنوی را به همراه دارد و این همان گمشده انسان عصر حاضر است که سرگشته آن شده است. وظیفه اساسی در آموزش معارف دینی این است که کمک کنیم تا متربی‌طریقی را جستجو کند که در آن باورهای دینی بر اعمال و افکارش تأثیر گذارد؛ به‌گونه‌ای که اگر فردی دین خدا را با علاقه به کار بندد، به سمت‌وسویی سوق داده می‌شود که زمینه تبدیل‌شدن به انسانی الهی برایش فراهم شود.

بیان مسئله

با توجه به ضرورت تقویت مبانی اعتقادی در روزگار ما که تحت تأثیر تضاد باورها، الگوها و نقش مخرب شبکه‌های اجتماعی و تلقین باورهای ضد دینی و الگوسازی‌های غیرمتناسب قرار گرفته است، این ضرورت احساس می‌شود که ضمن واکاوی و بیان عناصر و راهکارهای موجود، باید به دنبال راه‌هایی برای مقابله با کمرنگ‌شدن باورهای دینی در نوجوانان دانشجو بود. مسئله اصلی در بخش کیفی پژوهش این است که آیا در قرآن و نهج‌البلاغه راهکارهایی برای تقویت باورهای دینی ارائه شده است؟ اگر راهکارهایی بیان شده است، این راهکارها چه هستند و چه تأثیری بر باورهای دینی دارند؟ در بخش کمی، مسئله اصلی سنجش و ارزیابی دو متغیر، تقوای

الهی مبتنی بر قرآن و نهج‌البلاغه و ضرورت قدردانی از خداوند متعال در دانشجویان دانشگاه فرهنگیان خراسان جنوبی است. هریک از این متغیرها به صورت جدا از دیگری مورد بررسی قرار گرفته است. در متغیر اول، میزان تقوای الهی مبتنی بر قرآن و نهج‌البلاغه و در متغیر دوم میزان قدردانی از خداوند در میان دانشجویان دختر و پسر مورد سنجش قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش حاکی از تلاش گسترده پژوهشگران در این حوزه است. در پژوهشی با عنوان «تحلیل معنایی درجات تقوا در نهج‌البلاغه» از احمدیان و سعیدآوی (۱۳۹۱)، با بررسی واژه تقوا و تطور دلالتی آن از دید معادشناسی در سه سطح متفاوت، پیش از قرآنی، قرآنی و پس از قرآنی، این حقیقت به اثبات رسیده که واژه تقوا در زمان جاهلیت کاربرد دینی نداشته است؛ اما در قرآن این واژه به مقام واژگان کلیدی رسیده و جنبه کاملاً معنوی و روحانی پیدا کرده است؛ بنابراین می‌توان گفت این واژه مخصوص قرآن است. حسینی سرشت و اشرافی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «آثار تقوا در دنیا و آخرت با الهام از آیات قرآن و سخنان اهل بیت (ع)»، آثار تقوا را که نمایانگر چهره و سیمای متقین است، از قرآن و احادیث از منظر اخروی و دنیوی استخراج کرده‌اند. حسینی سرشت (۱۳۸۸) در پژوهشی دیگر با عنوان «مقتضیات اخلاقی تقوا در آیینه قرآن و سنت» به این نتیجه می‌رسد که از دیدگاه امام‌علی (ع) تقوا سرآمد فضایل اخلاقی است. اولین گام برای ایجاد تقوا، رفع موانع آن است. همچنین بهاری (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «معناشناسی واژه تقوا در نهج‌البلاغه» به این نتیجه می‌رسد که واژه تقوا از واژگان کلیدی نهج‌البلاغه است. نتایج پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه تقواگرایی و امید به زندگی و تأثیر آن بر سبک زندگی اسلامی از منظر نهج‌البلاغه» از چراغی‌وش، نظری و کهنکی (۱۳۹۴) که در میان دانشجویان دانشگاه لرستان صورت گرفته است، نشان می‌دهد، امید به زندگی که یکی از سازه‌های سلامت روان است، در نهج‌البلاغه بازتاب وسیعی دارد. بررسی تأثیر باورهای دینی و دینداری بر زندگی افراد و جامعه منحصر به محققین مسلمان نیست؛ بلکه پژوهش‌های برخی غیرمسلمانان نیز در این زمینه حائز اهمیت است و یافته‌های قرآن و روایات اهل بیت (ع) را تکرار و تأیید

می‌کند؛ برای مثال، دیدگاه‌های کارکردگرایانه دورکیم^۱، وبر^۲، دیویس^۳، وادی^۴ و نظریه‌های معناگرایانه وبر و برگر^۵، هرکدام به نحوی دلالت‌هایی برای رابطه بین دینداری و سلامت دارند. در مجموع، برطبق رویکرد کارکردگرایان، دین جامعه را متحد، همبستگی اجتماعی را تقویت و انسجام اجتماعی را حفظ می‌کند. دین همچنین یگانگی افراد جامعه را با همدیگر تقویت و جدایی آنان را از اعضای دیگر گروه‌ها تشدید می‌کند. آلپورت^۶ در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیده است که دو نوع جهت‌گیری دینی وجود دارد: ۱. جهت‌گیری مذهبی درونی یا درون‌گرایانه و ۲. جهت‌گیری مذهبی بیرونی یا برون‌گرایانه. مذهب برای فردی با جهت‌گیری مذهبی درونی، تعهدی است که برانگیزنده و سرچشمه تمام تفکرات و حالات رفتار خارجی اوست (شاملو، ۱۳۷۹: ۱۷۰).

مرور پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد که در مورد رابطه دینداری و مؤلفه‌های دیگر، تحقیقات زیادی صورت گرفته است؛ برای نمونه پژوهش‌های احمدی ابهری (۱۳۷۵)، گلزاری (۱۳۷۹)، نجفی، ربانی و بیگدلی (۱۳۹۴)، غباری بناب، متولی پور و حکیمی راد (۱۳۸۸)، سهرابی و سامانی (۱۳۸۰)، خلیلی دوآبی (۱۳۸۴) و حسینی و میرزایی (۱۳۹۶) با رویکرد روان‌شناختی انجام شده که تقریباً نتایج تمامی آن‌ها هماهنگ است و حکایت از اثر مثبت دینداری بر سلامت روان دارند. انجام این‌گونه پژوهش‌ها از آنجا دارای اهمیت است که دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت به دنبال تقویت باورهای دینی در میان دانشجویان هستند. به همین دلیل لازم است برای تعمیق این باورهای دینی و جلوگیری از کمرنگ‌شدن و بی‌اثرشدن برنامه‌های تربیتی، اخلاقی و آموزشی، راهکارهای تعمیق باورهای دینی در دانشجویان و عناصر شکل‌دهنده این باورها، از جمله مراعات تقوای الهی و ضرورت قدردانی از خداوند متعال، مورد بررسی دقیق قرار گیرد و راهکارهای منبعث از قرآن و نهج‌البلاغه که بیشترین تأثیر را بر تقویت باورهای دینی دارند، معرفی شود؛ بنابراین، پرسش محوری در پژوهش حاضر این است که نقش تقوای الهی و قدردانی از خداوند بر تقویت

-
1. Durkheim
 2. Weber
 3. Davis
 4. Eddie
 5. Burger
 6. Allport

باورهای دینی مبتنی بر راهکارهای قرآن و نهج‌البلاغه در دانشجویان دانشگاه فرهنگیان خراسان جنوبی، تا چه اندازه است؟ چالش‌های پژوهش در حله اول تهیه پرسشنامه محقق‌ساخته‌ای بود که بر مبنای آموزه‌های قرآن کریم و نهج‌البلاغه تدوین شده باشد و از روایی و پایایی لازم برای پاسخ به مسئله اصلی پژوهش برخوردار باشد؛ سپس دسترسی نداشتن به دانشجویان به دلیل پاندمی کرونا که لازم می‌آورد پرسشنامه‌ها از طریق ایمیل برای آن‌ها ارسال شود و از طرف دیگر امکان انجام مصاحبه حضوری با دانشجویان را سلب می‌کرد.

سؤال اصلی کمی

نقش تقوای الهی و قدردانی از خداوند در تقویت باورهای دینی در دانشجویان دانشگاه فرهنگیان خراسان جنوبی تا چه میزان است؟

سؤالات فرعی کمی

۱. رعایت تقوای الهی در میان دانشجویان دانشگاه فرهنگیان، تا چه میزان است؟
۲. چه تفاوتی بین میزان باور به تقوای الهی در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه فرهنگیان وجود دارد؟

سؤال کیفی

راهکارهای قرآن کریم و نهج‌البلاغه برای تقویت باورهای دینی، چیست؟

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های کمی

۱. تقوای الهی مبتنی بر قرآن و نهج‌البلاغه به‌عنوان یک عنصر مؤثر بر تعمیق باورهای دینی، در بین دانشجویان دانشگاه فرهنگیان نقش دارد.

۲. بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه فرهنگیان در مؤلفه تقوای الهی مبتنی بر قرآن و نهج‌البلاغه، تفاوت وجود دارد.

تعریف متغیرها

تعریف نظری تقوا: تقوا به معنی خداترسی درونی و پرهیز از هرگونه گناه و احساس مسئولیت در پیشگاه خداوند متعال و سد محکمی است در میان انسان و گناه. مرتبه پایین آن را عدالت و مرتبه بالای آن را عصمت می‌نامند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۸۸۱).

تعریف عملیاتی تقوا: منظور از تقوا نمره‌ای است که فرد در پرسشنامه تقوای محقق‌ساخته مبتنی بر قرآن و نهج‌البلاغه، به دست می‌آورد.

تعریف مفاهیم

تقوای الهی

تقوا از ماده وقایه به معنای نگهداری خویشتن یا خودداری و یک نیروی کنترل درونی که انسان را در برابر شهوات حفظ می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲). شبّر (۱۳۶۷: ۱۱۳) در تعریف تقوا می‌فرماید: «تقوا ترس از خداست وقتی که جلالت و عظمت خداوند را ملاحظه می‌کند». ابوالفتوح رازی (۱۳۷۶، ج ۲: ۶۲) در تفسیر کبیر می‌نویسد: «گناهان را از کوچک و بزرگ ترک کن که حقیقت تقوا همین است». ضیاءآبادی (۱۳۸۹، ج ۲: ۱۵۴) در تفسیر جامعه کبیره آورده است: «بدان که تمام نیکی‌های دنیا و آخرت در یک کلمه جمع شده و آن، تقواست».

تقوای الهی در قرآن کریم

قرآن خطاب به جامعه اسلامی می‌فرماید: «وَأَتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ». (بقره: ۲۳۳) یعنی ایمان به اینکه خداوند باطن همه‌چیز را می‌داند و علم او تنها به ظاهر نیست. معنی دیگر تقوا در قرآن کریم، ترس از خداوند است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۳: ۲۴۰) در برخی متون دینی ضمن بیان مراحل دینداری از مرحله تقوا یاد می‌شود؛ یعنی پس از استقرار مرحله

ایمان، مرحله دیگری ظهور می‌کند که ثمره آن ایمان استوار است و آن را تقوا نامیده‌اند (باقری، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۶۸).

قرآن کریم برای تقوا کارکردهای گوناگونی بیان داشته است؛ از جمله، آثار تقوا (قرآن، طلاق: ۲؛ انفال: ۲۹)، ویژگی‌های متقین (قرآن، بقره: ۲)، علل تقوا (همان: ۱۸)، قلبی بودن تقوا (قرآن، حج: ۳۲) شرط قبولی سایر اطاعت‌ها و عبادت‌ها (قرآن، مائده: ۲۷)، منطلق تقوا (قرآن، آل عمران: ۱۹۸)، متعلق تقوا (قرآن، بقره: ۲۴)، قیامت و نار (همانجا) و فتنه (قرآن، انفال: ۲۵). سفارش به تقوا توسط تمامی انبیای الهی سرآغاز برنامه‌های تربیتی بوده است. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ آبَاءَكُمْ وَاحِدٌ لَّا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ وَلَا لِحُمْرٍ عَلَى أَسْوَدٍ وَلَا لَأَسْوَدٍ عَلَى أَحْمَرَ إِلَّا بِالتَّقْوَى». یعنی ای مردم، به‌درستی که پروردگار شما یکی و پدر شما یک نفر است؛ پس فضیلتی ندارد عرب بر عجم و عجم بر عرب و احمر بر اسود و اسود بر احمر؛ مگر به سبب تقوا و پرهیزکاری (انصاری قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۶: ۳۴۳؛ پاینده، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۵۶؛ شعیری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۸۳).

نهج‌البلاغه و تقوای الهی

در نهج‌البلاغه دو نوع تقوا مطرح است. تقوایی که انسان هنگام حضور جدی شرور، در پناه آن قرار می‌گیرد و دیگر تقوایی که پیش از حضور شر به‌عنوان پیشگیری مطرح می‌شود. در سخنان علی بن ابی‌طالب (ع) تقوا مفهومی کامل دارد و به معنی نیرویی است روحانی که انسان پس از ممارست و تمرین متوالی به دست می‌آورد. نیرویی است که روح را نیرومند و شاداب می‌کند و در برابر گناهان مصونیت ایجاد می‌کند؛ درحالی‌که شخص نیازی به گوشه‌گیری ندارد؛ بلکه در عین بودن در جمع، یاد خداوند و تقوای الهی را فراموش نمی‌کند و در برابر گناهان نیز مصونیت پیدا می‌کند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۶: ۳۵۶).

باورهای دینی

معنای دقیق معرفت‌شناسی‌باور دینی این است که اگر گزاره‌ای برگرفته از دین باشد و به انسان عرضه شود و ذهن مفاد آن گزاره را بپذیرد. راهی که برای تقویت باورهای دینی و درواقع تقویت ایمان و اعتقادات وجود دارد، شناخت درست دین است. (فعالی، ۱۳۷۷: ۲۷۱).

تعریف اموری مانند دین که مصداق محسوس ندارند اگر ممتنع نباشد، مشکل خواهد بود. ویلیام جیمز^۱ در تعریف دین می‌گوید: «دین عبارت است از احساسات، اعمال و تجربیاتی که افراد در تنهایی و در پیشگاه الوهیت دارند» (فناپی، ۱۳۷۵: ۱۰۸). طباطبایی (۱۳۹۴، ج ۱۵: ۲۸) در تفسیر *المیزان* دین را این‌گونه تعریف می‌کند: «دین برابر است با اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان و دستورات عملی متناسب با این عقاید». جوادی آملی (۱۳۷۲: ۹۳) در تعریف دین می‌نویسد: «دین یک معرفت و نهضت همه‌جانبه به‌سوی تکامل است».

دینداری و راه‌های تقویت باورهای دینی

دینداری به معنای باورداشتن عقاید و تخلق به اخلاق و التزام عملی به احکام است. دینداری یعنی دینی‌بودن، پایبندی دینی و داشتن التزام دینی. به بیان کلی، دینداری یعنی داشتن التزام دینی به‌نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر کند (شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۳۵). آیا اگر کسی یکی از این سه را داشته باشد می‌توان او را دیندار نامید؟ با داشتن اعتقاد دینی درجه‌ای از دینداری حاصل می‌شود که قابل افزایش است. حتی اگر کسی اعتقاد دینی داشته باشد؛ ولی به اخلاق و احکام عملی پایبند نباشد، درجه‌ای از ایمان را دارد؛ اما در صورتی که اعتقاد قلبی نباشد، دینداری حاصل نمی‌شود.

دین‌گریزی در مقابل دینداری

در مقابل دینداری از دین‌گریزی صحبت می‌شود. در مفهوم واژه گریز، دست‌کم سه موضوع اساسی لحاظ شده است:

1. William James

دور شدن و فاصله گرفتن نوعی مواجهه و آشنایی اولیه، نوعی نفرت و دل‌زد. تا انسان با چیزی مواجه نشود و درکی از آن نداشته باشد، از آن فرار نمی‌کند. همچنین تا آن چیز، نوعی دل‌زدگی و انزجار در جان آدمی نیافریند و خاطر انسان را مکدر و آزرده نسازد، دلیلی برای گریز وجود ندارد؛ از این‌رو گریز به معنای دورشدن و فاصله‌گرفتن ناشی از احساس تنفر و دل‌زدگی پس از یک مواجهه اولیه است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با روش کمی به کیفی صورت گرفته است. در شیوه کمی، به مطالعه موردی، میدانی، اجرای پرسشنامه محقق‌ساخته در مورد موضوع مورد بررسی اقدام شده است. پس از استخراج گویه‌های مورد پرسش از قرآن و نهج‌البلاغه، شامل ۴۵ مورد، دو نوبت اساتید مرتبط با موضوع پژوهش آن را ارزیابی و گویه‌های غیرمرتبط را حذف کرده‌اند. پرسشنامه اولیه شامل ۳۶ گویه تهیه شد و یک نوبت در اختیار ۵۰ نفر از دانشجویان قرار گرفت تا نظر خود را درباره آن بیان کنند. بعد از تعدیل و تحلیل گویه‌ها توسط اساتید معارف اسلامی، پرسشنامه نهایی شامل ۲۵ گویه، تهیه و در میان ۳۰۰ نفر حجم نمونه مورد پژوهش، توزیع شد. سپس با استفاده از نرم‌افزار SPSS داده‌ها مورد سنجش و تحلیل قرار گرفت. برای سنجش کفایت نمونه از آزمون کرویت باتلر و برای مقایسه نتایج حاصل در میان دانشجویان دختر و پسر از آزمون t استفاده شده است.

روایی و پایایی پرسشنامه

به‌منظور انجام روایی پرسشنامه، از مقایسه نمره کل آزمون تقوای الهی مبتنی بر قرآن و نهج‌البلاغه و با آزمون، قدردانی نسبت به خدا، آهی (۱۳۹۲) و آزمون رذایل اخلاق اجتماعی آهی و دیگران (۱۳۹۴) استفاده شده است. نتایج در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱) جدول همبستگی بین نمره نشانه تقوا با قدردانی و رذایل اخلاقی

عامل	قدردانی نسبت به خدا	رذایل اخلاقی
کنترل درونی	۰/۴۷	-۰/۴۲
امیدواری و اعتماد	۰/۴۱	-۰/۲۴
قدردانی	۰/۶۲	-۰/۲۹
امنیت و آرامش	۰/۳۴	-۰/۳۳

با توجه به جدول ۱ همبستگی تقوای الهی مبتنی بر قرآن و نهج‌البلاغه با قدردانی نسبت به خدا (آهی، ۱۳۹۲)، در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی‌دار است ($p < ۰/۰۱$) و بیشترین همبستگی مشاهده می‌شود. نمره مؤلفه‌های تقوای الهی مبتنی بر قرآن و نهج‌البلاغه (۰/۹۳) و قدردانی نسبت به خدا (۰/۹۴) مثبت است. همچنین در مورد همبستگی تقوای الهی مبتنی بر قرآن و نهج‌البلاغه با رذایل اخلاق اجتماعی (آهی و دیگران، ۱۳۹۴)، مشخص شد همبستگی در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی‌دار است ($p < ۰/۰۱$) و کمترین همبستگی مشاهده شد. نمره مؤلفه‌های تقوای الهی مبتنی بر قرآن و نهج‌البلاغه با رذایل اخلاقی (-۰/۲۹) منفی است؛ بنابراین پرسشنامه از روایی قابل قبولی برخوردار است.

به منظور پایایی پرسشنامه، ابتدا پرسشنامه در اختیار تعداد ۵۰ نفر از دانشجویان قرار گرفت و آلفای کرونباخ برای گویه‌های آن محاسبه شد. آلفای کرونباخ به دست آمده برای پرسشنامه، مقدار ۰/۹۱ به دست آمده است. همچنین جهت برآورد پایایی، از روش بازآزمایی، پرسشنامه در دو نوبت با فاصله زمانی چهار هفته بین ۵۰ نفر از دانشجویان اجرا شد و سپس ضریب همبستگی محاسبه شد. نتایج در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲) نتایج ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه

عامل	تعداد گویه	پایایی	
		آلفای کرونباخ	بازآزمایی
کنترل درونی	۷	۰/۹۳	۰/۸۹
امیدواری و اعتماد	۷	۰/۸۹	۰/۸۵
قدردانی	۵	۰/۸۶	۰/۸۱
امنیت و آرامش	۶	۰/۸۲	۰/۷۸
کل پرسشنامه	۲۵	۰/۹۲	۰/۸۹

همان‌طور که در جدول ۲ نشان داده شده است، مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۹۲ و ضریب بازآزمایی مقدار ۰/۸۹ به دست آمده است. همچنین مقدار ضریب آلفای کرونباخ و ضریب بازآزمایی برای تمامی عوامل بالاتر از ۰/۸۰ بوده که نشان‌دهنده معنی‌دار بودن همه ضرایب در سطح ۰/۰۱ است.

یافته‌های کمی و کیفی پژوهش

نتایج کمی حاصل از پرسشنامه‌های محقق ساخته، نشان می‌دهد بیش از ۹۳٪ گویه‌های پرسشنامه تقوای الهی مبتنی بر قرآن و نهج‌البلاغه، توسط دانشجویان دانشگاه فرهنگیان خراسان جنوبی به‌عنوان یک عنصر مهم در دینداری و تعمیق باورهای دینی، مورد پذیرش است و به آن عمل می‌کنند. تقوای الهی به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است و با توجه به سطح خطای ۰/۰۰۱ و در نتیجه در سطح خطای ۰/۰۰۵ فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که تقوای الهی مبتنی بر قرآن و نهج‌البلاغه از عوامل مؤثر بر دینداری و تعمیق باورهای دینی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان خراسان جنوبی است و دانشجویان به تقوای الهی به‌عنوان عاملی در تقویت باورهای دینی و دینداری خوش‌بین هستند و باور دارند. بر همین اساس می‌توان گفت به اعتقادات دینی و مذهبی خود پایبند هستند و امید می‌رود پیامدهای مثبت و خوشایندی در زندگی آن‌ها داشته باشد. در مورد ضرورت قدردانی از خداوند نیز با توجه به سطح خطای ۰/۰۰۱ و در نتیجه در سطح خطای ۰/۰۰۵ فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود. نتایج حاکی از آن است که قدردانی از خداوند مبتنی بر قرآن و نهج‌البلاغه از عوامل مؤثر بر دینداری دانشجویان دانشگاه فرهنگیان خراسان جنوبی است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه فرهنگیان در مؤلفه تقوای الهی مبتنی بر قرآن و نهج‌البلاغه تفاوت وجود ندارد. مقدار معناداری آزمون t ، ۰/۹۳ است؛ بنابراین فرض یکسان بودن واریانس دو جمعیت در سطح خطای ۰/۰۱ و در نتیجه در سطح خطای ۰/۰۵ رد نمی‌شود. بر این اساس واریانس یا پراکندگی در توزیع نرمال مؤلفه تقوای الهی دانشجویان دختر و پسر یکسان است و اختلاف معناداری از یکدیگر ندارند. به این معنی که بین دانشجویان دختر و پسر باور به تقوای الهی مبتنی بر قرآن و نهج‌البلاغه به‌عنوان یک عنصر در دینداری و

تقویت‌کننده باورهای دینی، تفاوتی وجود ندارد. همچنین مقدار معناداری آزمون t نشان می‌دهد که میانگین پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان در تقوای الهی از نظر دانشجویان دختر و پسر همان‌طور که در جدول نشان داده شده، یکسان است و بین آن‌ها تفاوت معناداری وجود ندارد و فرضیه تحقیق رد می‌شود. درخصوص متغیر دوم یعنی ضرورت قدردانی از خداوند نیز نتایج مشابه مشاهده می‌شود. با توجه به نتایج حاصل میان دختر و پسر از حیث باور به ضرورت قدردانی از خداوند متعال تفاوتی مشاهده نمی‌شود.

یافته‌های کیفی این پژوهش با توجه به مطالعات نظری آموزه‌های قرآن کریم و نهج‌البلاغه و انطباق آن با یافته‌های کمی حاصل از پرسشنامه محقق ساخته، در باب نسبت میان تقوای الهی و دینداری، چندان دور از انتظار نبود. درواقع، یافته‌های تحقیق تأییدی بر نظریه‌ها و یافته‌های پژوهش‌های همسو نیز هست. نتایج نشان می‌دهد، تقوای الهی عاملی مؤثر بر تقویت دینداری است و از این حیث میان دختر و پسر فرقی وجود ندارد. در آموزه‌های قرآنی نیز هر جا سخن از تقوا و دینداری شده است و مقید به مرد و زن نشده است. برای مثال خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (قرآن، حجرات: ۱۳). یعنی ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. درحقیقت ارجمندترین شما نزد خدا باتقواترین شماست. بی‌تردید خداوند دانای آگاه است. بر اساس یافته‌های پژوهش، تقوای الهی می‌تواند اثر مثبت بر رفتار دانشجویان در زندگی داشته است و لازمه اصلاح این رفتار، مراقبه و محاسبه اعمال، اطمینان و آرامش قلبی، رسیدن به مقام خشیت الهی، احساس مسئولیت، عنایت به قدرت پروردگار در امور و توکل به خداوند است. یک زندگی ایدئال و سالم، مستلزم داشتن خانواده و جامعه باتقواست و این سرمایه جز از طریق تربیت صحیح، به دست نخواهد آمد. از آنجاکه دانشجویان پدران و مادران آینده به شمار می‌روند، تقویت باورهای دینی آن‌ها تأثیر زیادی بر فرزندان آن‌ها و درنتیجه جامعه خواهد داشت. غفلت از خداوند، ایمان، دین و باورهای دینی، زندگی انسان را همراه با نگرانی، ترس، اضطراب، استرس، نداشتن قرارگاه فکری و پناهگاه معنوی می‌کند. وظیفه اساسی ما در آموزش دینی این است که کمک کنیم تا مخاطب طریقی را جستجو کند که در آن باورها بر اعمال

تأثیر گذارد؛ به گونه‌ای که اگر فردی دین خدا و به‌طور خاص تقوای الهی و قدردانی از خداوند را با علاقه باور داشته باشد و به کار بندد، دیندار محسوب شود که مطلوب یک جامعه اسلامی است. پس باید گفت دیندار کسی است که اهل ایمان، تقوا، اخلاص، عمل صالح، عامل به واجبات، تارک محرّمات، در پی رضای خدا، رها از سلطهٔ نفس اماره و امرکننده به معروف و نهی‌کننده از منکر و درمجموع قدردان خداوند باشد. شاخص عینی و الگوی عملی، امام‌علی (ع) است که زندگی و سیره‌اش، آینه قرآن و دین است (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۳۸).

مراقبه و محاسبه

قرآن کریم به‌طور مکرر از انسان خواسته است خود را محاسبه و از خود مراقبت کند. خداوند در قرآن (علق: ۱۴) می‌فرماید: «أَلَمْ يَلْمُ يَأْنَ اللَّهُ يَرِي». یعنی آیا او نمی‌داند که خداوند همه اعمالش را می‌بیند. در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «أَيُحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدًا» (قرآن، بلد: ۵). یعنی آیا (انسان) گمان می‌کند هیچ‌کس او را نمی‌بیند؛ عالم محضر پروردگاری است که ناظر و شاهد بر همه است و حساب همه‌چیز را دارد (قرآن، سبا: ۲؛ انعام: ۵۹)؛ احاطه کامل علمی داشته و محاط بر بندگان است (قرآن، طلاق: ۱۲؛ نساء: ۱۰۸)؛ آگاه‌تر از ما به خودمان بوده (قرآن، اسرا: ۲۵) و حتی آنچه را ما نمی‌دانیم او می‌داند (قرآن، بقره: ۲۱۶)؛ پروردگاری که لحظه‌ای از ما غافل نبوده (همان: ۷۴) و از ما به خودمان نزدیک‌تر و لحظه‌لحظه با ماست (قرآن، ق: ۱۶؛ حدید: ۴)؛ آشکار و پنهان را می‌داند (قرآن، بقره: ۷۷)؛ از اسرار سینه‌ها آگاه است (قرآن، مؤمن، ۱۹؛ آل‌عمران: ۲۹)؛ گفتارهای پنهانی را می‌داند (قرآن، انبیاء: ۴؛ مجادله: ۷) و حتی پنهان‌تر از پنهان هم برای او مشهود است (قرآن، طه: ۷)؛ شاهد بر حرکت و سکون همه انسان‌ها بوده (قرآن، محمد: ۱۹) و از گناهان پنهانی نیز مطلع و آگاه (قرآن، اسرا: ۱۷؛ فرقان: ۵۸) و رقیب و مراقب است (قرآن، نساء: ۱؛ احزاب: ۵۲) و چون عالم الغیب است به اعمال بندگان بینا (قرآن، حجرات: ۱۳) و در نتیجه هیچ‌چیز از او پوشیده نبوده (قرآن، آل‌عمران: ۵۰) و همه‌چیز در منظر و مرآی او به‌وضوح عیان است. با علم به وجود خداوند متعال، مراقبه و محاسبه نفس و اینکه انسان احساس کند کسی لحظه‌به‌لحظه او را نظاره و رصد می‌کند به اصلاح رفتار خود می‌پردازد.

اطمینان و آرامش قلب

قرآن (رعد: ۲۸) می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ». یعنی کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام گیرد، آگاه باشند که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد. هنگامی که انسان دانست خداوند عالم است و حضور مداوم حضرت حق را به‌عنوان احاطه او به‌طور قطع و یقین دانست، آرامش و اطمینان می‌یابد و یاد او، حیا و پاک‌دامنی به همراه می‌آورد و کسی که دانست تمام کارهای او زیر نظر است با عشق و دلگرمی زندگی می‌کند و اندوه‌های برخاسته از کاستی‌های حیات مادی موجودیت او را به خطر نمی‌افکند. توجه و یاد این حضور، دل را صفا و جلا می‌دهد و زنگار غفلت‌ها و خودفراموشی‌ها را می‌زداید (طباطبایی، ۱۴۱۷ق. ج ۱۱: ۳۵۳)

حضور قلب

قرآن (بقره: ۲۳۳) خطاب به جامعه اسلامی می‌فرماید: «وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ». یعنی و از خدا بترسید و بدانید که خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست. در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ» (قرآن، انعام: ۱۰۳). یعنی چشم‌ها او را نمی‌بینند؛ ولی او همه را می‌بیند. همچنین کلام معصومین (علیهم‌السلام) نیز اشاره به این مهم دارد؛ قال ابی‌عبدالله (ع): «مَنْ عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ يَرَاهُ وَيَسْمَعُ مَا يَقُولُ وَيَعْلَمُ مَا يَعْلَمُهُ مِنْ خَيْرٍ وَ شَرٍّ يَحْجُزُهُ ذَلِكَ عَنِ الْقَبِيحِ مِنَ الْعَمَالِ فَذَلِكَ الَّذِي خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى». یعنی آن کسی که بداند خدا او را می‌بیند و گفتارش را می‌شنود و بداند خداوند از کارهای نیک و بد او باخبر است و همین علم و عقیده ایمانی او را از کارهای زشت بازدارد، پس چنین کسی از مقام خدا ترسیده و نفس خود را از هواپرستی منع نموده است (بحرانی، ۱۴۱۵ق. ج ۵: ۲۴۲).

کرش‌نکردن در مقابل غیر خدا

قرآن (احزاب: ۳۹) در این باره می‌فرماید: «الَّذِينَ يَلْعَنُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَ كَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا». یعنی همان کسانی که پیام‌های خدا را ابلاغ می‌کنند و از

او می‌ترسند و از هیچ‌کس جز خدا بیم ندارند و خدا برای حسابرسی کفایت می‌کند. یکی دیگر از آثار توجه به علم و حضور در پیشگاه خداوند، نترسیدن از غیر خداوند است. آنان که متوجه حضور خداوند هستند و آن هنگام که در برخورد با ناملایمات قلبشان متأثر می‌شود، تنها از خدا می‌ترسند نه از غیر خدا؛ زیرا در نظر آن‌ها هیچ مؤثری در عالم نیست مگر خداوند (طباطبایی ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۴۸۵). آنان هرگز گرفتار ترس و وحشت از کسی نمی‌شوند؛ زیرا تنها به این می‌اندیشند که حسابگر اعمال خداوند است و پاداششان به دست اوست. همین آگاهی و عرفان به چنین انسانی شجاعت و شهامت و گذر از راه پرفرازونشیب زندگی را می‌دهد (مکارم شیرازی ۱۳۶۲، ج ۱۷: ۳۳۵).

دست‌یابی به مقام خشیت الهی

قرآن (رعد: ۲۸) می‌فرماید: «مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ وَ جَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ». یعنی و آن‌کس که از خداوند رحمان در نهان بترسد، بادل‌ی رجوع‌کننده بیاید. آن هنگام که آدمی به این یقین رسید که پروردگار جهان هستی، عالم به امور اوست، هم در پنهانی و خلوت از پروردگارش خشیت دارد و هم از گناه و خطا کردن به‌دور از چشم دیگران پرهیز می‌کند؛ در نتیجه رسیدن به مقام خشیت، انسان به اطاعت خداوند اقبال کرده و با قلبی که پیوسته به خداوند انابه می‌کند به‌سوی او بازمی‌گردد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸: ۲۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۲، ج ۲۲: ۲۸۱).

احساس مسئولیت در رفتارهای اجتماعی

قرآن (غافر: ۱۹) در این خصوص می‌فرماید: «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ». یعنی خداوند به خیانت چشم‌ها و نیات مخفی دل‌های مردم به‌خوبی آگاه است. در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئَلًا» (قرآن، اسراء: ۳۶). یعنی قطعاً گوش و چشم و دل، همه مسئول هستند. یکی از عوامل مؤثر بر اصلاح رفتار اجتماعی دینداران احساس مسئولیت است؛ زیرا فرد خداپرست خدا را ناظر و حاضر بر اعمال و رفتار و گفتار و نیاتش می‌داند. این احساس مسئولیت خود یکی از عوامل مهم کنترل نفس و اصلاح

جامعه است؛ همچنین احساس عزت و سربلندی و نفی تمامی قدرت‌های غیرالهی، خصوصاً در شکل اجتماعی آن، از دیگر آثار اجتماعی عرفان و آگاهی به شهود خداوند در بین دینداران است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳: ۹۲-۹۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۲، ج ۱۲: ۱۱۶).

نیاز به هدایت الهی

انسان به هدایت، حمایت و تأیید ذات مقدس الهی نیازمند است و خویش را لحظه‌به‌لحظه نیازمند این حمایت و تأیید می‌داند و آنی از توجه به حضور در محضر حق تعالی غافل نمی‌شود: «وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» (قرآن، انسان: ۳۰). یعنی و شما هیچ چیز را نمی‌خواهید مگر اینکه خدا بخواهد، قطعاً خدا دانای حکیم است. در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (قرآن، تکویر: ۲۹). یعنی و شما نمی‌خواهید مگر آنچه را که پروردگار جهانیان خواسته باشد. از این آیات چنین برداشت می‌شود که تحقق یافتن مشیت بنده به خواست خدای تعالی است و مشیت او در مشیت و عمل بنده اثر دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰: ۲۲۰).

توکل به خداوند

خداوند می‌فرماید: «وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَى بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا» (قرآن، فرقان: ۵۸). یعنی توکل کن بر آن زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد و تسبیح و حمد او را به جای آور و همین بس که او از گناهان بندگانش آگاه است. حضرت علی (ع) فرمود: «به‌درستی که پیامبر (ص) از پروردگار خود در شب معراج سؤال نمود: پروردگارا کدام عمل افضل است؟ پس خداوند عزوجل فرمود: «نیست چیزی نزد من افضل از توکل بر من و راضی بودن به آنچه قسمت فرمودم» (دیلمی، ۱۳۳۸: ۱۸۲)؛ بنابراین قرآن کریم یکی از نتایج توجه به حضور دائمی خداوند را، رسیدن به مقام توکل و رضای الهی می‌داند.

قرآن (انعام: ۱۸) می‌فرماید: «وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ». یعنی و هیچ موجودی در داشتن قوای وجودی خود مستقل نبوده و هر چه دارد از خود نداشته بلکه همه را خداوند متعال به او عطا فرموده است. «مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (قرآن،

حج: ۷). خدا را آن گونه که شایسته اوست بزرگ نداشتند، قطعاً خداوند نیرومند و شکست ناپذیر است. توجه به این مطلب که این خداوند متعال است که توانایی انجام هر کاری را به ما عطا نموده است، تأثیر بسزایی در علم و معرفت نسبت به خداوند و تعمیق باورهای دینی انسان دارد و هر مقدار دقت و توجه به این حقیقت که هر چیزی موهبتی از جانب خداوند است، بیشتر باشد، روحیه دینداری در انسان بیشتر تقویت می‌شود و آثارش بهتر و آسان‌تر ظاهر می‌شود. این آیات به انسان می‌آموزد که آدمی مالک و قادر نیست که از خود دفع ضرر و یا جلب منفعتی داشته باشد. تمام حوادث از مرگ و زندگی، بیماری و تندرستی، تنگی و فراوانی، ثواب و عقاب، تمام به امر و قدرت الهی است. ذکر این جمله "لا قوه الا بالله" اقرار به این است که نیرویی در ملک و ملکوت نیست مگر آنکه قدرت خود را از خداوند بگیرد، این اقرار انسان را از تکبر و غرور بازداشته و به سمت‌وسوی تواضع و فروتنی می‌برد؛ به عبارت دیگر انسان به عجز و ناتوانی خود در برابر خداوند قادر و قهار اعتراف می‌کند. خداوند فرموده: «أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً» (قرآن، بقره: ۱۶۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۴، ج ۱۳: ۴۳۷).

برخورداری از نعمت الهی

یکی از بهترین و مؤثرترین راه‌ها برای تقویت باورهای دینی، توجه به این حقیقت است که سرپای وجود ما غرق افاضات و نعمت‌های خداوند است؛ نعمت‌هایی که قابل‌شمارش نیست. قرآن (ابراهیم: ۳۴) در این باره می‌فرماید: «وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا». یعنی و اگر بخواهید نعمت‌های خدا را شمارش کنید، هرگز نمی‌توانید. قرآن (ضحی: ۱۱) از انسان می‌خواهد که نعمت‌های پروردگار را به خود یادآوری کند: «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ». پیامبر اکرم (ص) چه زیبا فرموده‌اند که: «إِنَّ اللَّهَ جَبَلٌ قُلُوبَ عِبَادِهِ عَلَى حَبٍّ مِّنْ أَحْسَنِ إِلَيْهَا بَغْضٍ مِّنْ أَسَاءِ إِلَيْهَا» (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۸۱۴). خداوند دل‌های بندگانش را چنین سرشته است که هر کس به آنها نیکی کند به او مهرورزند و هر که را به آنها بدی کند دشمن بدارند.

تجزیه و تحلیل یافته‌های کمی

با توجه به اینکه دانشگاه فرهنگیان خراسان جنوبی دارای دو پردیس دختران و یک پردیس پسران است، یک پردیس از دختران و یک پردیس از پسران مرکز استان انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. جامعه آماری هدف شامل ۱۶۰۰ نفر از دانشجویان پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان خراسان جنوبی در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ در نظر گرفته شد. حجم نمونه برای طرح تحقیق با استفاده از مورگان و کرجسی ۳۰۰ نفر در نظر گرفته شده است. به منظور گردآوری داده‌ها از دو پرسشنامه محقق‌ساخته، تقوای الهی، قدردانی از خداوند، استفاده شده است. ابتدا لیست رشته‌های دانشگاه فرهنگیان خراسان جنوبی تهیه و کدبندی شدند؛ سپس از بین کدهای انتخابی شش کد و از هر کدرشته سه کلاس و تعداد ۱۵۰ نفر به تفکیک برای دانشجوی پسر و یا دختر انتخاب شد. پس از انتخاب کلاس‌ها و مشخص شدن نام دانشجویان، با هماهنگی مسئولان و از طریق ایمیل، پرسشنامه‌ها ارسال و پس از تکمیل توسط دانشجویان، دریافت شد.

پس از استخراج گویه‌های پرسشنامه از قرآن و نهج‌البلاغه، شامل ۴۵ مورد، دو نوبت اساتید مرتبط با موضوع پژوهش آن را ارزیابی و گویه‌های غیرمرتبط را حذف کرده‌اند و پرسشنامه اولیه شامل ۳۶ گویه تهیه و یک نوبت در اختیار ۵۰ نفر از دانشجویان قرار گرفته است تا نظر خود را درباره آن بیان کنند. بعد از تعدیل و تحلیل، پرسشنامه نهایی شامل ۲۵ گویه، تهیه و در میان ۳۰۰ نفر حجم نمونه مورد پژوهش، توزیع شد؛ سپس با استفاده از نرم‌افزار spss داده‌ها مورد سنجش و تحلیل قرار گرفت. توزیع افراد مورد بررسی بر اساس ویژگی‌های جمعیتی بر اساس جدول ارائه‌شده نشان می‌دهد از میان ۳۰۰ پرسشنامه توزیع‌شده به‌شیوه تصادفی در میان دانشجویان دانشگاه فرهنگیان خراسان جنوبی در دو پردیس دختران و پسران، کلیه پرسشنامه‌ها برگشت کرده است. سن کلیه دانشجویان در حد ۱۸ تا ۲۲ سال است. با توجه به اینکه دانشگاه فرهنگیان خراسان جنوبی دارای دو پردیس دختران و یک پردیس پسران است، یک پردیس از دختران و یک پردیس از پسران مرکز استان انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. حجم نمونه برای شیوه کیفی بر اساس اشباع نظری و برای شیوه کمی با توجه به جدول مورگان و کرجسی ۳۰۰ نفر در نظر گرفته شده است.

جدول ۳) توزیع فراوانی جنسیت دانشجویان

جنسیت	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
پسر	۱۵۰٪	۵۰٪	۵۰٪
دختر	۱۵۰٪	۵۰٪	۵۰٪
کل	۳۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪

سنجش کفایت نمونه‌ها با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی

روش تحلیل عاملی یا تجزیه عامل‌ها این امکان را برای محققان فراهم می‌آورد که از بین متغیرهای زیاد و روابط پیچیده میان آن‌ها به الگوی مشخصی دست یابند. تحلیل عاملی اکتشافی بر قاعده مهمی تأکید دارد که برخی از عامل‌های اصلی مسئول هم‌تغییری میان متغیرها هستند. از جمله اهداف تحلیل عاملی اکتشافی می‌توان به تعیین ابعاد ابزار، هنجاریابی پرسشنامه‌ها یا آزمون‌ها، ارزیابی همسانی و افتراق در بحث روایی سازه‌ای، اشاره کرد. برای تعیین کفایت نمونه‌گیری، آزمون کرویت بارلت^۱ و آزمون KMO بر روی داده‌ها انجام شد و ساختار آزمون از لحاظ پوشش محتوا و اهداف مورد بررسی قرار گرفت تا معلوم شود آیا نمونه‌ها برای تحلیل مناسب است یا نه. این نوع تحلیل به کشف و توصیف ساختار موجود در مجموعه‌ای از روابط مربوط می‌شود. برجسته‌ترین ویژگی این نوع تحلیل که به تحلیل عاملی هم معروف است، قابلیت آن در خلاصه‌کردن و کاهش اطلاعات است.

جدول ۴) آزمون کرویت بارلت و میزان کفایت نمونه

میزان کفایت نمونه مورد بررسی طبق نظر کیسر		۰/۹۳۵
آزمون کرویت باتلت	میزان معنی‌داری	۳۷۴۸/۲۴۹
	تعداد نمونه مورد بررسی	۳۰۰
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰

طبق نظر کیسر^۱ و سرتی^۲ وقتی مقدار KMO بزرگتر از ۰/۶ باشد، به راحتی می توان تحلیل عاملی انجام داد و هرچه این مقدار بزرگتر باشد، نمونه روایی بالاتری دارد و جهت انجام تحلیل عاملی مناسب است؛ در نتیجه تحلیل عاملی با مؤلفه های اصلی بر روی داده های حاصل از پاسخنامه های نمونه مورد بررسی (۳۰۰ نفر) به ۲۵ گویه پرسشنامه انجام شد. بر اساس اطلاعات جدول ۴ مقدار KMO در نمونه مورد بررسی (۰/۹۳۵) است و روی هم رفته ۰/۹۳۵ از واریانس کل آزمون را تبیین می کند.

فرضیه اول: تقوای الهی مبتنی بر قرآن و نهج البلاغه بر تعمیق باورهای دینی، در بین دانشجویان دانشگاه فرهنگیان نقش دارد.

فرض ۱: (فرض مقابل) $H1: M1 \neq 3$

جدول ۵) شاخص های آماری مربوط به مشارکت کنندگان

	میانگین خطای استاندارد	اختلاف استاندارد	میانگین	فراوانی	
تقوای الهی	۰/۰۳	۰/۴۳	۴/۴۸	۲۷۵	

جدول ۶) مقایسه تقوای الهی دانشجویان با عدد ثابت ۳

معناداری	حد پایین	حد بالا	اختلاف میانگین	df	T	
۰/۰۰۰	۱/۴۲	۱/۵۲	۱/۴۸	۲۷۴	۵۶/۶۲	تقوای الهی

همان طور که در جدول ۶ نشان داده شده، مقدار معناداری این آزمون، خیلی کوچک و دست کم تا سه رقم صفر است؛ بنابراین فرض صفر مبنی بر یکسان بودن این میانگین با عدد ۳ در سطح خطای ۰/۰۰۱ و در نتیجه در سطح خطای ۰/۰۰۵ فرضیه تحقیق پذیرفته می شود. همچنین مقدار حد بالا نشان دهنده این است که مقدار تقوای الهی به میزان ۱/۵۲ و مقدار حد پایین هم نشان می دهد که میانگین به میزان ۱/۴۲ بیشتر از مقدار متوسط در نظر گرفته شده است.

فرضیه دوم: بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه فرهنگیان در مؤلفه تقوای الهی مبتنی بر قرآن و نهج البلاغه، تفاوت وجود دارد.

فرض ۱ (فرضیه مقابل): $H1: M1 \neq M2$

جدول ۷) شاخص‌های آماری مربوط به جنسیت دانشجویان

جنسیت مشارکت‌کنندگان	فراوانی	میانگین	اختلاف استاندارد	میانگین خطای استاندارد
مرد	۱۴۲	۴/۴۸	۰/۴۲	۰/۰۳
زن	۱۳۳	۴/۴۸	۰/۴۵	۰/۰۴

جدول ۸) آزمون t مقایسه تقوای الهی دانشجویان دختر و پسر

آزمون t برای یکسان بودن میانگین						آزمون تساوی واریانس‌ها
F	Sig	T	df	اختلاف میانگین	خطای استاندارد	sig
۰/۰۱	۰/۹۳	۰/۰۱	۲۷۳	۰/۰۰	۰/۰۵	۰/۹۹

در جدول ۸ نشان داده شده که مقدار معناداری این آزمون ۰/۹۳ است؛ بنابراین فرض یکسان-بودن واریانس دو جمعیت در سطح خطای ۰/۰۱ و در نتیجه در سطح خطای ۰/۰۵ رد نمی‌شود. بر این اساس واریانس یا پراکندگی در توزیع نرمال مؤلفه تقوای الهی دانشجویان دختر و پسر یکسان است و اختلاف معناداری از یکدیگر ندارند. همچنین مقدار معناداری آزمون t نشان می‌دهد که میانگین پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان در تقوای الهی دختر و پسر همان‌طور که در جدول نشان داده شده، یکسان است و بین آن‌ها تفاوت معناداری وجود ندارد و فرضیه تحقیق رد می‌شود.

نتیجه‌گیری

نتایج کیفی نشان می‌دهد از دیدگاه قرآن کریم و نهج‌البلاغه، تقوا سرآمد فضایل اخلاقی است. اولین گام برای ایجاد تقوا، رفع موانع آن است. افرادی که دیندارند، نسبت به امور زندگی فردی، اجتماعی و تحصیلی دید مثبت دارند و معمولاً آن را امتحانی از جانب خداوند می‌دانند و ضمن توکل و تلاش، باور دارند که یک نیروی هستی‌بخش و پشتیبان، آن‌ها را حمایت می‌کند؛ در نتیجه قدردان او هستند. نتایج نشان می‌دهد تقوای الهی مبتنی بر قرآن و نهج‌البلاغه از عوامل مؤثر بر دینداری و تعمیق باورهای دینی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان خراسان جنوبی است و دانشجویان به تقوای الهی به‌عنوان عاملی در تقویت باورهای دینی و دینداری خوش‌بین هستند و باور دارند. بر همین اساس می‌توان گفت به اعتقادات دینی و مذهبی خود پایبند هستند و انتظار می‌رود این پایبندی، پیامدهای مثبت و خوشایندی در زندگی آن‌ها داشته باشد.

نتایج کمی حاکی از آن است که بیش از ۹۳٪ گویه‌های پرسشنامه تقوای الهی مبتنی بر قرآن و نهج‌البلاغه، توسط دانشجویان دانشگاه فرهنگیان خراسان جنوبی به‌عنوان یک عنصر مهم در دینداری و تعمیق باورهای دینی، مورد پذیرش است و به آن عمل می‌کنند. تقوای الهی به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است و با توجه به سطح خطای ۰/۰۰۱ و در نتیجه در سطح خطای ۰/۰۰۵ فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود.

بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه فرهنگیان در مؤلفه تقوای الهی مبتنی بر قرآن و نهج‌البلاغه، تفاوت وجود ندارد. مقدار معناداری آزمون t ، ۰/۹۳ است؛ بنابراین، فرض یکسان بودن واریانس دو جمعیت در سطح خطای ۰/۰۱ و در نتیجه در سطح خطای ۰/۰۵ رد نمی‌شود. بر این اساس واریانس یا پراکندگی در توزیع نرمال مؤلفه تقوای الهی دانشجویان دختر و پسر یکسان است و اختلاف معناداری از یکدیگر ندارند؛ به این معنی که بین دانشجویان دختر و پسر باور به تقوای الهی مبتنی بر قرآن و نهج‌البلاغه به‌عنوان یک عنصر در دینداری و تقویت‌کننده باورهای دینی، تفاوتی وجود ندارد. همچنین مقدار معناداری آزمون t نشان می‌دهد که میانگین پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان در تقوای الهی دختر و پسر، یکسان است و بین آن‌ها تفاوت معناداری وجود ندارد و فرضیه تحقیق رد می‌شود.

پیشنهادها

- ۱- با توجه به یافته‌های کمی پژوهش، پیشنهاد می‌شود، تقویت باورهای دینی، از جمله تقوای الهی در اولویت برنامه‌های تربیتی و فوق برنامه دانشگاه فرهنگیان خراسان جنوبی قرار گیرد.
- ۲- براساس یافته‌های کیفی پیشنهاد می‌شود راهکارهای قرآن کریم و نهج البلاغه برای تقویت باورهای دینی، در برنامه درسی دانشجویان، بویژه درس آموزش دینی اضافه شود.
- ۳- پیشنهاد می‌شود، در سایر حوزه‌ها و عناصر مرتبط با تقویت باورهای دینی، پژوهش‌های همسو در سایر دانشگاه‌های استان، صورت گیرد. بهتر است از تعمیم نتایج حاصل از پژوهش به دانشجویان سایر استان‌ها و دانشگاه‌های دیگر خودداری شود.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- آهی، قاسم، و دیگران (۱۳۹۴). طرح پژوهشی ساخت و هنجاریابی پرسشنامه اخلاق اجتماعی مبتنی بر قرآن و نهج البلاغه. بیرجند: دانشگاه آزاد اسلامی (واحد بیرجند)
- آهی، مریم (۱۳۹۲). "ساخت و هنجاریابی پرسشنامه نشانه‌شناسی تقوای الهی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد بیرجند).
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق.). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- رازی، جمال الدین ابوالفتوح (۱۳۷۶). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. تصحیح محمدجعفر یاحقی و محمدمهدی ناصح. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- احمدی ابهری، سیدعلی (۱۳۷۵). "نقش ایمان و اعتقاد مذهبی در درمان بیماری‌ها". روانپزشکی و روانشناسی بالینی، دوره ۱، ش ۸ (بهار): ۴-۲۲.
- احمدیان، حمید؛ سعیدآوی، علی (۱۳۹۱). "تحلیل معنایی درجات تقوا در نهج البلاغه". پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، سال اول، ش ۱ (بهار و تابستان): ۶۵-۷۸.
- انصاری قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۴). *جامع الاحکام القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- باقری، خسرو (۱۳۸۷). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*. تهران: مدرسه.
- بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۵ق.). *البرهان فی تفسیر القرآن*. قم: مؤسسه البعثه مرکز الطباعة و النشر.
- بهاری، رضوان (۱۳۸۹). "معناشناسی واژه تقوا در نهج البلاغه". پایان‌نامه کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکز).
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۳). *نهج الفصاحه*. اصفهان: خاتم‌الانبیاء.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق.). *غررالحکم و درر الکلم*. قم: دارالکتب الاسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲). *شریعت در آینه معرفت*. قم: مؤسسه فرهنگی رجا.

- چراغی‌وش، حسین؛ نظری، علی؛ کهنکی، فاطمه (۱۳۹۴). "بررسی رابطه تقواگرایی و امید به زندگی". در: مجموعه مقالات همایش اسلام و سلامت روان. بندرعباس: دانشگاه هرمزگان، جهاد دانشگاهی: ۴۶-۶۴.
- حسینی، حسنیه‌سادات؛ میرزایی، نورالدین (۱۳۹۶). "نقش روانشناسی عرفان در تقویت صلح درون". *عرفان اسلامی*، دوره چهاردهم، ش ۵۴: ۲۷۳-۲۵۵.
- حسینی سرشت، سیدمحمدصادق (۱۳۸۸). "مقتضیات اخلاقی تقوا در آئینه قرآن و عترت". *مجله پژوهشگاه علوم و معارف اسلامی*، سال پنجم، ش ۱۷ (پاییز): ۵-۵۵.
- حسینی سرشت، سیدمحمدصادق؛ اشرافی، امیر (۱۳۸۸). "آثار تقوا در دنیا و آخرت". *مجله پژوهشگاه علوم و معارف اسلامی*، سال پنجم، ش ۱۶ (تابستان): ۶-۶۶.
- خلیلی دوآبی، مهشید (۱۳۸۴). "رابطه جهت‌گیری درونی و بیرونی دینی با سلامت روان". پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- دیلمی، حسن بن ابی‌الحسن (۱۳۳۸). *ارشاد القلوب*. ترجمه هدایت‌الله مسترجمی. تهران: بوذرجمهری.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. بیروت: دارالعلم الدار الشامیة.
- سهرابی، نادره؛ سامانی، سیامک (۱۳۸۰). "بررسی میزان تأثیر نگرش مذهبی بر بهداشت روانی نوجوانان". *نشریه همایش بین‌المللی نقش دین بهداشت روان*، دوره ۱، ش ۱: ۷۱-۸۹.
- شاملو، سعید (۱۳۷۹). *مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت*. تهران: رشد.
- شبّر، سیدعبدالله (۱۳۶۷). *الانوار اللامعه فی شرح الزیارة الجامعه*. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۴). "مدلی برای سنجش دینداری جوانان". *جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۶، ش ۱ (فروردین): ۳۴-۶۶.
- شعیری، محمد بن محمد بن حیدر (۱۳۷۲). *جامع الاخبار*. قم: آل‌البیت‌الاحیاء التراث.
- ضیاء‌آبادی، سیدمحمد (۱۳۸۹). *حبل‌المتین در شرح زیارت جامع کبیره*. تهران: بنیاد خیریه الزهرا.

- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- _____ (۱۳۹۴). *تفسیر المیزان*. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: دارالفکر.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. قم: ناصر خسرو.
- غباری بناب، باقر؛ متولی پور، عباس؛ حکیمی راد، الهام (۱۳۸۸). "رابطه افسردگی با میزان معنویت در دانشجویان دانشگاه تهران". *روانشناسی کاربردی*، سال سوم، ش ۲ (تابستان): ۱۱۰-۱۲۳.
- فعالی، محمدتقی (۱۳۷۷). *درآمدی بر معرفت‌شناسی*. قم: معاونت اساتید نهادنمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها.
- فنایی، ابوالقاسم (۱۳۷۵). *درآمدی بر فلسفه دین و کلام جدید*. تهران: اشراق.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۸۸). *اصول الکافی*. تهران: اسوه.
- گلزاری، محمود (۱۳۷۹). "روانشناسی فقه الحدیث". *علوم حدیث*، سال پنجم، ش ۱۷ (پاییز): ۴۳-۶۸.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۲). *تفسیر نمونه*. تهران: آخوندی.
- _____ (۱۳۸۵). *اخلاق اسلامی در نهج‌البلاغه*. قم: نسل جوان.
- نجفی، محمود؛ ربانی، زینب؛ بیگدلی، ایمان‌الله (۱۳۹۴). "رابطه مذهب با سلامت روان". *پژوهش‌های روانشناسی بالینی و مشاوره*، سال پنجم، ش ۱ (بهار و تابستان): ۱۳۴-۱۵۳.

Table and content

Exploring girls' perceptions of and reasons for delaying marriage (case study: South Khorasan province)/ Hadi Barati 7

Identifying and explaining the competencies of the strategic managers of the Holy Shrine Organization of Astan Quds Razavi/ Abolfazl Sargazi, Vajihe Hoshyar 35

Animism of Heart in Allusional terms and Expressions of Hazaragi Dialect in Bamyan/ Ruholla Daneshyar, Mohammad Behnamfar, Seyyed Mahdi Rahimi, Hamed Noruzi 65

Examining fantasy elements (magnificent literature) in the legends of Birjand/ Kolsoom Ghorbani Joybari, Razieh Honarmand 87

Physical expansion of Mashhad during the governorship of Pakravan/ Hamzeh Kavosi, Monireh Kazemi Rashed, Seyyed Hossein Raeis-sadat, Shahrzad Sasanpoor 115

The role of piety in strengthening religious beliefs from the perspective of the Qur'an and Nahj al-Balagha; "A Case Study: Students of South Khorasan Farhangian University"/ HamidReza Verdi, Mohammad Valipoor, Fatima Bidokhti 157



Referees of This Period. (Alphabetical Order)

Mohammad Eskandari Sani/ Associate professor, University of Birjand

Mohammad Behnamfar/ Professor, University of Birjand

Hadi Pourshafeie/ Associate Professor, University of Birjand

Seyed Saeed Hoseini/ Assistant Professor, Islamic Azad University of Gonabad branch

Mohammad Ali Rostami Nezhad/ Associate Professor, University of Birjand

Fateme Taherpour/ Assitant professor, University of Birjand



Ali Asgari/ Associate Professor, University of Birjand

Zahra Alizadeh Birjandi/ Associate Professor, University of Birjand

Kolsom Qorbani Joybari/ Associate Professor, University of Birjand

Mohammadhossein Qoreyshi/ Associate Professor, University of Birjand

AliAkbar majdi / Assistant Professor, University of Mashhad

Masoudi, hamid / Assistant Professor, University of Birjand

Chastity Neghabi/ Associate Professor, University of Kharazmi

In The Name Of God

Scientific Quarterly of Social-Cultural Studies of Khorasan

Serial: 65

ISBN 1735-8256

Fall 2022 ,1st Number ,17th year

Concessioner: General Office of Islamic Culture and Direction

Chairman: Farkhunde, Ali

Editor-in-chief: Alizadeh Birjandi, Zahra, PhD

Executive editor: Ramezani, Mahmoud

Executive editor: Zerang, Mahin

The Editorial Committee

1. Habib Allah Ahmadi/ Professor, University of Shiraz
 2. Zahra Alizadeh Birjandi/ Associate Professor, University of Birjand
 3. Mohammad Behnamfar/ Professor of Persian language and literature, University of Birjand
 4. Alexander Chulukhadze/ Associate Professor of Persian Language and Literature, University of Georgia
 5. Ahmad Kamyabi Mask/ Professor, University of Tehran
 6. Mohammad Reza Majidi/ Associate Professor, University of Tehran
 7. Javad Mikaniki/ Associate Professor, University of Birjand
 8. Hadi Pour Shafei/ Associate Professor, University of Birjand
 9. Mohammad Taghi Rashed Mohassel/ Professor, Institute for Humanities and Cultural Studies
 10. Mofid Shateri/ Associate Professor, University of Birjand
 11. willem floor/ Professor Iranologist and historian University of Leiden
-

Editors: Nasrollahi, Seyyed Noorollah

Editors: Baharak Valinia

Translator and English Editor: Radan English Edit

Technical affairs: Dastgerdi, Faezeh

Lithography & Press: Ofogh Hezareh sevom kavir institution

Circulation: 100

Price: 350000 rials

Address: South Khorasan, Birjand, Shahid Mahallati Av. General Office of Culture and Direction.

Research Society Office

Tel: 056-32323393

Fax: 056-32323277

Email: Farhangekhorasan@gmail.com

http://Farhangekhorasan.ir

The ideas mentioned in this issue declare the view of this quarterly. The authors are responsible for the ideas mentioned in their writing, and translators are responsible for their translations. Materials sent to the quarterly for publication are not sent back if not appropriate. This quarterly has the right to edit or delete some material.



فرآیند دریافت وجه جهت پذیرش نهایی مقالات

نگارندگان محترمی که مقاله ایشان پس از طی مراحل داوری و بررسی نهایی مورد پذیرش قرار گرفته است، می‌بایست مبلغ ۶۰۰ هزار تومان بابت پذیرش نهایی به شماره حساب ۳۶۱۱۷۱۰۰۴۳۴۴۹۳۷ بانک قرض الحسنه مهر ایران مؤسسه فرهنگی - هنری افق هزاره سوم کویر واریز و تصویر فیش پرداختی را از طریق سامانه ارسال فرمایند.

(مقالاتی که فاقد فیش واریزی هستند در اولویت چاپ قرار نخواهند گرفت.)



Exploring girls' perceptions of and reasons for delaying marriage (case study: South Khorasan province)/
Hadi Barati



Identifying and explaining the competencies of the strategic managers of the Holy Shrine Organization
of Astan Quds Razavi/ Abolfazl Sargazi, Vajihe Hoshiyar



Animism of Heart in Allusional terms and Expressions of Hazaragi Dialect in Bamyan/
Ruholla Daneshyar, Mohammad Behnamfar, Seyyed Mahdi Rahimi, Hamed Noruzi



Examining fantasy elements (magnificent literature) in the legends of Birjand/
Kolsoom Ghorbani Joybari, Razieh Honarmand



Physical expansion of Mashhad during the governorship of Pakravan/
Hamzeh Kavosi, Monireh Kazemi Rashed, Seyyed Hossein Raeis-sadat, Shahrzad Sasanpoor



The role of piety in strengthening religious beliefs from the perspective of the Qur'an and Nahj al-Balagha;
"A Case Study: Students of South Khorasan Farhangian University"/
HamidReza Verdi, Mohammad Valipoor, Fatima Bidokhti



ISBN: 2676-6116

ISBN: 2676-6124